



ماهنامه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی
برای خانواده بزرگ شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی



شماره اول ویژه نوروز ۱۳۹۳

زیر نظر شورای سردبیری
دبیر اقتصادی: علی دهقان
دبیر فرهنگ و خانواده: آزاده محمد حسین

همکاران این شماره:

نرگس جودکی، ارژنگ حاتمی، المیرا حصارکی،
بابک حیدری، مینا دایی، فریبا دیندار، راحیل
ذبیحی، رعنا زوره، علیرضا صفری، مریم فیاضی،
نازنین متین‌نیا، حمیدرضا محمدی، محمد علی
مومنی، علی میری، یوسف نگاریان، امیر هاتفی‌نیا،
شاهین یاسمی، معصومه یزدانی

لی‌اوت جلد: سهیل نوری

صفحه‌آرایی: مجید مرادی

ویراستار: شیدا محمدطاهر

حروف چینی: سعید بختیاری

نشانی: خیابان ملاصدرا، شیراز جنوبی،

برزیل غربی، شماره ۲۵

تلفن: ۸۸۶۲۳۸۹۵

فاکس: ۸۸۶۲۳۸۹۶

فهرست

سخن نخست: وخارزم نماد «قوت آفرینی پایدار برای نسل‌ها»..... ۲

مجله اقتصاد و مدیریت

- برنامه ۷ ساله برای جهش بزرگ ۳
همایش شیراز: خیزش به سوی افق‌های تازه..... ۶
چرا در افزایش سرمایه شرکت کنیم؟..... ۱۰
توسعه صنعت با کار آفرینی..... ۱۲
جایگاه تسهیل تجارت خارجی در ایران..... ۱۳
نخستین بانک خصوصی ایران..... ۱۴
دولت تدبیر و امید، تحول ساختاری و دشواری‌های پیش رو ۱۵
بورس: راهی برای پولدار شدن..... ۱۷
توسعه صنعت با کار آفرینی ۱۹
خوب و بدهای بازاری پر تلاطم..... ۲۰
تالار شیشه‌ای بورس: اینجا، چاره‌ای جز ریسک‌پذیری نیست..... ۲۲
ماجرای سیب دندان‌زده و استیو جابز..... ۲۴
تئوریه‌های بازارهای جهانی سهام ۲۶
ردپای بانک‌ها در تاریخ..... ۲۸
همه آن‌چه که باید درباره اقتصاد جام جهانی برزیل بدانید..... ۳۰
تازه‌های نشر در بازار کتاب..... ۳۱

مجله فرهنگ و خانواده

- ای دریغ از ما اگر کامی نگیریم از بهار..... ۳۳
این داستان درباره گدایی درستکار است!..... ۳۴
ایرانی‌که نمی‌شناسیم..... ۳۵
کفش‌هایم کو: گزارشی از مجموعه پاپوش‌های اقوام ایرانی..... ۳۸
نقل تاریخ: نفت، آب سردی بر پیکر استعمار..... ۴۰
سرگرمی: جدول سه سویه..... ۴۱
کمی تا مدتی در تعطیلات نوروز فرهیخته باشید و کتاب بخوانید..... ۴۲
دیدو بازید نوروزی با مهدوی‌کیا، مرد اخلاق فوتبال ایران..... ۴۴
بازخوانی تاریخ صنعتی آغشته به هنر به نام سینما در ایران..... ۴۶

طنز

- سر حساب بانکی‌تان را شل کنید!..... ۵۰
سفرهای ارزان نوروزی با فتوشاپ..... ۵۱
خاطرات یک بانکدار تمام وقت..... ۵۲

سبک زندگی

- خانه‌تان را بهاری کنید..... ۵۳
پای شیرینی پول ندهید..... ۵۴
راه‌های مبارزه با حساسیت‌های فصلی..... ۵۶
نوشیدنی‌های بهاری..... ۵۷
ده کلیک برای عکاسی بهتر با موبایل..... ۵۸
رازهای مواد طبیعی: میوه درخت جوز/ زنده باد فلفل..... ۶۰

کشف‌دوزک: برای کودکان

- داستان: مداد رنگی رنگی رنگی!..... ۶۱
هالی: جشن رنگ، شادی و فصل بهار..... ۶۲
من یک لوکوموتیوم..... ۶۲
۱۲ تکنیک برای این‌که خفن‌ترین هواشناس دنیا بشوید..... ۶۳
اژدهای کاغذی..... ۶۴
چه کسی از این جا رده‌شده؟..... ۶۴



وخارزم؛ نماد «ثروت آفرینی پایدار برای نسل‌ها»

دکتر حجت اله صیدی، مدیر عامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی

هر نفس نو می‌شود دنیا و ما
بی‌خبر از نو شدن اندر بقا
آنکه غافل بود از کشت و بهار
او چه داند قیمت این روزگار

تحقق می‌یابد. باور همکاران خوارزمی این است که دستیابی به هدف‌های تعیین شده در گرو تدوین برنامه‌های عملیاتی و اجرای بی‌کم و کاست آن‌هاست و البته باور قوی‌تر آن است که طی این مرحله پس از توکل به فضل بی‌کران الهی، نیازمند همراهی تمام ذی نفعان راهبردی گروه است که سهامداران خوارزمی در رده نخست آن قرار دارند، اگر چه نقش مدیران و کارکنان گروه نیز کمتر نیست و به واسطه وظیفه‌ای که بر عهده تک تک آنان است، باید بیش از پیش کمر همت برینند و جز برای تحقق چشم‌انداز به چیز دیگری نیندیشند. گروه دیگر از صاحبان حق در این راستا، اعضای خانواده بزرگ گروه خوارزمی است که جز با همراهی و پشتیبانی آنان، موفقیت خیال باطل بستن است.

و بدین سبب بود که «وخارزم» متولد شد. جریده‌ای که بتواند هر ماه به میان اعضای گروه و خانواده‌های آن‌ها برود و فکرها را به اشتراک بگذارد و وسیله‌ای شود برای تبادل نظر، پیام رسانی، طرح ایده‌ها و اندیشه‌ها و شاید گله‌ها و تشویق‌ها، تا تصمیم‌گیران، کارکنان و نمایندگان سهامداران در خوارزمی از یک سو و سهامداران و مشتریان و گروه‌ها و بنگاه‌های همکار از سوی دیگر، با همفکری و همکاری راه را برای رسیدن به آن مقصد عالی که همانا تحقق اهداف چشم‌انداز است هموار سازند. نام ماهنامه از نماد شرکت در بورس گرفته شد تا نمادی باشد برای گروهی که دل در گرو ارزش آفرینی در بازار سرمایه دارند و پس از این وخارزم را نه به عنوان تنها نماد بورسی، که به عنوان وسیله کارآمدی برای زنده نگه داشتن ارتباط با اعضای بی‌شمار آن می‌دانند. واقعیت آن است که این کارآمدی نیز جز با مشارکت تمامی خوانندگان و نقش آفرینان **وخارزم** به کمال نمی‌رسد. پس، بنای ماهنامه آن است که به بلندگویی یک سویه تبدیل نشود و از این رو، در کنار بهره‌گیری از کارشناسان و مدیرانی مجرب در عرصه روزنامه‌نگاری، دست‌نما به سوی شما می‌گشاید تا در باروری و بالندگی‌اش یاری‌رسان باشید و از هیچ لطفی دریغ نکنید.

شماره نخست وخارزم در آستانه نو شدن سال و فرا رسیدن بهار جان‌ها، در حالی انتشار می‌یابد که سرمایه‌گروه به ده‌هزارمیلیارد ریال افزایش یافته وگاه، گاه نوشتن قدم‌ها برای اوج‌گیری بزرگ این سرمایه‌ی ارزشمند است تا خوارزمی، به سهم خود و در پی ثروت آفرینی، در توسعه پایدار ایران اسلامی از یک سو و کمک به خلق جهان بدون فقر از سوی دیگر، گام‌های اثرگذاری بردارد. باور راستین دست‌اندرکاران، سیاست‌گذاران و فراهم‌آوردندگان وخارزم همانند سیاست‌گذاران و مجریان گروه خوارزمی بر آن است که باید با عزم جزم و به دور از هرگونه تردید و هراس، با اتکال به خداوند جان‌آفرین، قدم در راه بی‌برگشت رشد و تعالی گذاشت تا بلکه اندکی از دینی که جامعه بر گردن هر کنشگری در اقتصاد می‌گذارد را ادا کنند. اولین گام در این راه سپردن بی‌دریغ تن به باد بهار است که خود بهاری بزرگ‌تر را نوید می‌دهد، بهاری که فصل تازه شدن جان‌ها و جهان است که مولای روم فرمود:

گفت پیغمبر به اصحاب کبار/ تن می‌پوشانید از باد بهار
کانچه با برگ درختان می‌کند/ با تن و جان شما آن می‌کند

نو شدن زمین و زمان در بهاران هر سال را، رازی است که یزدان پاک برای ما خاکبان تدارک دیده است تا غافل‌نمانیم از قیمت روزگاری که بی‌درنگ می‌گذرد. بایسته آن است که درنگ کنیم در راز خلقت و نوشدن پی در پی آن، تا دریابیم که آفریننده هستی، نو شدن را دوست‌تر دارد و برآمدن دوباره را وعده داده است. چه برآمدن آفتاب از پس سیاهی شب باشد و چه برآمدن بهار از سردی جانشوز زمستان.

هم از این روست که در آستانه نوشدن زمین و زمان، شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی نیز عزم آن کرده است تا سخنی تازه بگوید تا دو جهان تازه شود. اکنون شانزده سال تمام از آفرینش این شرکت می‌گذرد و شانزده سالگی می‌تواند اوج بلوغ به شمار آید. مدیران، کارشناسان و کارکنانی که با پشت‌گرمی سهامداران، بی‌دریغ سنگ روی سنگ گذاشتند تا بنایی استوار پی افکنند، اکنون در پی آنند که تدبیری فراهم آورند که این بنا سالهای سال پایدار و استوار، از باد و باران نیابد گزند. چاره آن است که زندگی نو و تازه‌ای برای خوارزمی اندیشیده شود تا در بلوغ خویش، اوج گیرد و این تجربه فراوان آزموده‌ای است که هرگاه شرکت‌ها در سراسر جهان، به آنچه داشته‌اند بسنده کرده و در روزمرگی خود فرو رفته‌اند، فروتر رفته‌اند و در نهایت یا بسته شده‌اند و یا به دست رقیبان بزرگ‌تر و توانمندتر بلعیده شده‌اند.

این دغدغه مبارک، گروه مدیران و کارشناسان خوارزمی را از ابتدای پابیز گذشته، برآن داشت که به بازنگری در برنامه‌های راهبردی گروه روی آورند. چه آنکه هم فضای کسب و کار در اثر رویش امید و تدبیر در پی نوشدن بود و هم خوارزمی در پی بالندگی در بازار اوراق بهادار و فراتر رفتن از بیست هزار میلیارد ریال دارایی، نیازمند تدبیری نو، تا راه را استوارتر از آنچه آمده است دوام بخشد. بدین‌گونه بود که در روزهای آغازین آذرماه گذشته کلیات برنامه راهبردی نهایی شد و چشم‌انداز رسیدن به جایگاه یکی از پنج شرکت برتر هلدینگ و سرمایه‌گذاری ایران در آستانه سال یک‌هزار و چهارصد خورشیدی و دارای بالاترین نرخ بازده سرمایه‌گذاری، پیش روی کارکنان گروه خوارزمی قرار گرفت. چرا که مأموریت بزرگ شرکت چیزی جز افزایش ثروت سهامداران آن، از طریق خلق سودی پایدار و با کیفیت نبود، به گونه‌ای که از طریق دستیابی به سود نقدی مناسب و مستمر، شرکت بتواند هم نیازهای نقدینگی سهامداران را همه ساله برآورده کند و هم نیازهای نقدینگی توسعه متوازن و پایدارش را. و از آنجا که این مأموریت خطیر نباید هیچ‌گاه از دیدگان اعضای گروه به دور بماند، شعار گروه بر آن قرار گرفت که وظیفه ما جز این نیست: ثروت آفرینی پایدار برای نسل‌ها. ساده انگاشتن است اگر پنداشته شود که با دست روی دست گذاشتن و چنانکه افتد و دانی، اداره امور کردن، چشم‌انداز بلندپروازانه پیش گفته

بررسی عملکرد سال ۱۳۹۲ شرکت سرمایه گذاری خوارزمی

برنامه ۷ ساله برای جهش بزرگ



تبیین جایگاه

بازار بورس اوراق بهادار سال ۱۳۹۱ را در شرایطی شروع کرد که عواملی مانند عملکرد نه چندان مطلوب سال ۱۳۹۰ شرکت ها، افزایش بازدهی بازارهای موازی از جمله بازار ارز، سکه و مسکن، نگرانی نسبت به چشم انداز ظرفیت های کسب و کار در صنایع پایه کشور ناشی از سیاست های پولی و ارزی کشور، همچنین افزایش نرخ سود سپرده های بانکی باعث خروج بخش قابل توجهی از نقدینگی از بازار سرمایه شده بود. با این وجود روند مثبت مذاکرات هسته ای باعث کاهش بازدهی و رکود بازار ارز و سکه شد و خوارزمی

هم توانست بازدهی متناسب با این تحولات داشته باشد. سرمایه گذاری خوارزمی در سال ۱۳۹۲، ۱۷ ساله شد. اما شاید مهمترین خبری بورسی درباره سرمایه گذاری خوارزمی در سال گذشته که می توان به آن اشاره کرد، افزایش سرمایه ۱۱۳ درصدی این هلدینگ باشد. مجمع عمومی فوق العاده خوارزمی در تاریخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۰ تشکیل شد و در آن افزایش سرمایه شرکت از مبلغ ۴/۶۸۵/۳۰۷ میلیون ریال به مبلغ ۱۰٫۰۰۰٫۰۰۰ میلیون ریال (مبلغ ۳/۱۱۷/۸۷۳ میلیون ریال از محل مطالبات و آورده نقدی و مبلغ ۲/۱۹۶/۸۲۰ میلیون ریال از محل اندوخته سرمایه ای) تصویب

شد. در ادامه این جلسه با افزایش سرمایه شرکت از مبلغ ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ میلیون ریال به مبلغ ۱۵/۰۰۰/۰۰۰ میلیون ریال از محل مطالبات و آورده نقدی و اندوخته سرمایه ای هم موافقت شد و مجمع اختیار عملی نمودن آن را به مدت ۲ سال به هیات مدیره شرکت واگذار کرد تا پس از اخذ مجوز سازمان بورس و اوراق بهادار نسبت به انجام آن اقدام نماید. اگر روی تقویم رویدادهای این هلدینگ را از نظر بگذرانیم، سال هایی را می بینیم که از بقیه سال ها جدا شده و نقطه عطفی در تاریخ شرکت به شمار می روند؛ ۱۳۸۴ سالی است



که خوارزمی باهدف توسعه فعالیت ها و ورود به عرصه صنعت سرمایه گذاری کشور، به سهامی عام تغییر پیدا کرد، ۱۳۸۹ سالی است که خوارزمی در فرابورس پذیرفته شد و سال ۱۳۹۱ که بعد از پذیرش در بورس اوراق بهادار، نماد شرکت به بازار دوم بورس انتقال یافت و... در پایین تقویم فعالیت های ۱۷ ساله سرمایه گذاری خوارزمی به ۲۰/۱۱/۱۳۹۲ می رسیم؛ روزی که مجوز افزایش سرمایه شرکت در اختیار هیات مدیره قرار گرفت و علاوه بر مسئولیت سنگین برای مدیران، خوارزمی را در آستانه یک جهش بزرگ قرار داد، افزایش سرمایه ای که از اعتماد سهامداران این شرکت نشأت گرفته است؛ سرمایه ای که در ابتدا و در بدو تاسیس گروه مبلغ ۱۰۰ میلیارد ریال بوده و طی چند مرحله در سال های ۱۳۸۴، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ به مبلغ ۴،۶۸۵ میلیارد ریال افزایش یافته بود.

افزایش سرمایه و افق بلند مدت

افزایش سرمایه ۱۱۳ درصدی شرکت، نیازمند طراحی افق و چشم انداز برنامه ریزی شده ای برای بهره گیری مناسب از آن در جهت توسعه و پیشرفت خانواده خوارزمی است، از همین رو مدیریت هلدینگ با شناسایی ظرفیت ها و نیازهای گروه تدارک برنامه ۷ ساله ای را دیده که شرکت دیگرگونه ای را در سال ۱۴۰۰ برای حضور در بازار رقابت آماده می کند. در این برنامه متناسب با افزایش بودجه تصویب شده در هیئت مدیره، راه خوارزمی در سال های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ پیش بینی شده و به این سوال که خوارزمی چگونه وارد سال ۱۴۰۰ می شود، پاسخ داده شده است و هدف هایی همچون داشتن بالاترین نرخ بازده دارایی بین شرکت های سرمایه گذاری پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار و کسب حداقل سود خالص ۸۵،۸۰۹ میلیارد ریال از مواردی است که خوارزمی قصد رسیدن به آن ها را دارد.

اهداف بلند مدت سرمایه گذاری خوارزمی

مهم ترین هدف مدیران شرکت سرمایه گذاری خوارزمی این است که طبق برنامه ۷ ساله باید در سال ۱۳۹۹ بتوانند یکی از ۵۰ شرکت برتر در کشور و همچنین یکی از ۵ شرکت سرمایه گذاری و هلدینگ برتر در ایران باشند. مهم ترین فعالیت های خوارزمی تاسیس، تشکیل و مشارکت در سرمایه گذاری، خرید سهام، راه اندازی و بهره برداری انواع شرکت ها، فروش و واگذاری سهام، آماده کردن شرکت های مورد سرمایه گذاری جهت ورود به بورس اوراق بهادار و پذیره نویسی سهام

و انجام معاملات مربوط به سهام و اوراق بهادار داخلی و خارجی است که با توجه به افزایش

مهمترین خبری بورسی درباره سرمایه گذاری خوارزمی در سال گذشته که می توان به آن اشاره کرد، افزایش سرمایه ۱۱۳ درصدی این هلدینگ است. مجمع عمومی فوق العاده خوارزمی در تاریخ ۲۰/۱۱/۱۳۹۲ تشکیل شد و در آن افزایش سرمایه شرکت از مبلغ ۴/۶۸۵/۳۰۷ میلیون ریال به مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ میلیون ریال (مبلغ ۳/۱۱۷/۸۷۳ میلیون ریال از محل مطالبات و آورده نقدی و مبلغ ۲/۱۹۶/۸۲۰ میلیون ریال از محل اندوخته سرمایه ای) تصویب شد

دارایی بین شرکت های سرمایه گذاری را تا سال ۱۴۰۰ داشته باشد. در ساختار هلدینگ خوارزمی، شرکت های سرمایه پذیر مدیریتی و شرکت های سرمایه پذیر غیر مدیریتی وجود دارند. شرکت های سرمایه پذیر مدیریتی خوارزمی شامل بیمه، ساختمان، سیمان، IT، انرژی، مواد دارویی، بازرگانی و واسطه گری مالی میشوند. شرکت های سرمایه پذیر غیر مدیریتی هم در زیرشاخه بخش های ساختمان، خودرو و ساخت قطعات، بانکداری و مواد شیمیایی قرار می گیرند. برای نمونه، شرکت لابراتوارهای سینادارو جزو شرکت های سودآور گروه خوارزمی به شمار می آید. این شرکت با سرمایه ۱۰۰ میلیارد ریال در زمینه ساخت، توزیع و فروش کلیه مواد و محصولات شیمیایی، دارویی و بهداشتی و امور بازرگانی مرتبط فعالیت می کند و میزان مالکیت گروه خوارزمی ۴۹/۵۲ درصد است. سینا دارو توانسته رتبه اول را از نظر حاشیه سود در میان شرکت های دارویی به خود اختصاص دهد. آخرین ترکیب سهامداران خوارزمی را می توانید بر اساس تعداد سهام و درصد مالکیت در جدول این صفحه بعد ببینید:

ترکیب سرمایه گذاری ها

و ساختار درآمدی خوارزمی

مجموع سرمایه گذاری های شرکت سرمایه گذاری خوارزمی در سال مالی منتهی به ۳۱/۳/۱۳۹۲، رشد ۱۶ درصدی داشته است؛ به طوری که سرمایه گذاری های

سرمایه و پتانسیل موجود در این هلدینگ می توان به افزایش حوزه های فعالیت شرکت امیدوار بود. سبد سرمایه گذاری مدیریتی شرکت خوارزمی باید بنابر چشم انداز برنامه ۷ ساله، بالاترین نرخ بازدهی

مازاد ارزش بازار نسبت به ارزش دفتری سرمایه‌گذاری‌ها

مقایسه اقلام دفتری و ارزش بازار سرمایه‌گذاری‌های این شرکت نشان دهنده مازاد ارزشی بالغ بر ۴,۹۷۹ میلیارد ریال در تاریخ ۱۳۹۲/۰۳/۳۱ است که در مقایسه با مازاد ارزش پرتفوی در پایان سال مالی ماقبل (معادل ۳,۸۹۹ میلیارد ریال) از رشد ۲۸ درصدی برخوردار بوده است.

خالص ارزش دارایی‌های شرکت در تاریخ ۱۳۹۲/۰۳/۳۱

خالص ارزش دارایی‌های (NAV) شرکت سرمایه‌گذاری نشان دهنده ارزش ذاتی شرکت بوده و از جمع حقوق صاحبان سهام (ارزش ویژه) شرکت و مازاد ارزش بازار ایجاد شده در پرتفوی شرکت به دست می‌آید. برآورد کارشناسی خالص ارزش دارایی هر سهم شرکت حاکی از ارزشی بالغ بر ۲,۹۳۲ ریال در تاریخ ۱۳۹۲/۰۳/۳۱ و رقمی بیش از ۳,۳۹۷ ریال در تاریخ ۱۳۹۲/۰۶/۳۱ بوده است. بررسی همزمان روند NAV شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی که بیانگر ارزش ذاتی شرکت است و شاخص صنعت سرمایه‌گذاری بورسی طی سال مالی مورد گزارش، نشان می‌دهد که خالص ارزش دارایی‌های شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی عمدتاً همگام با تحولات صنعت سرمایه‌گذاری در حرکت بوده است.

وضعیت سهام شرکت در بورس اوراق بهادار

شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی در اسفند ماه سال ۱۳۸۹، در بازار اول فرابورس پذیرفته شد و سهام شرکت از تاریخ ۱۳۹۰/۰۳/۰۲ مورد معامله قرار گرفت و پس از پذیرش در بورس اوراق بهادار، معاملات سهام شرکت با نماد (خوارزم) در تاریخ ۱۳۹۱/۰۷/۳۰ در بازار دوم بورس اوراق بهادار تهران انجام می‌گیرد. شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی از منظر ارزش بازار در پایان خرداد ماه سال ۱۳۹۲، رتبه اول را در میان کلیه شرکت‌های سرمایه‌گذاری بورس و فرابورسی کشور کسب کرده است.

همچنین در سال مالی منتهی به ۱۳۹۲/۰۳/۳۱ طی ۱۸۹ روز معاملاتی، تعداد ۹۷۳ میلیون سهام شرکت جمعاً به ارزش ۱,۳۳۸ میلیارد ریال مورد معامله قرار گرفته است که به‌طور متوسط تعداد سهام معامله شده روزانه شرکت از حدود ۲ میلیون سهم در سال مالی منتهی به ۱۳۹۱/۰۳/۳۱ به بیش از ۵ میلیون سهم در سال مالی منتهی به ۱۳۹۲/۰۳/۳۱ افزایش یافته است. همچنین طی دوره مورد گزارش متوسط ارزش معاملات روزانه سهام شرکت نیز از ۳,۹۱۸ میلیون ریال به ۷,۰۸۲ میلیون ریال افزایش یافته است.

**شرکت سرمایه‌گذاری
خوارزمی از منظر ارزش
بازار در پایان خرداد ماه
سال ۱۳۹۲، رتبه اول را در
میان کلیه شرکت‌های
سرمایه‌گذاری بورس و
فرابورسی کشور کسب
کرده است**

کوتاه مدت شرکت با رشد ۶۳ درصدی از مبلغ ۳۱۱ میلیارد ریال به مبلغ ۵۰۷ میلیارد ریال افزایش یافته است. سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت بورسی و غیربورسی شرکت نیز به ترتیب رشد ۱۰ و ۱۹ درصدی را طی سال مالی منتهی به ۱۳۹۲/۰۳/۳۱ داشته‌اند تا در مجموع رقم سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت شرکت با رشد ۱۴ درصدی از مبلغ ۶,۵۹۴ میلیارد ریال به مبلغ ۷,۵۲۲ میلیارد ریال افزایش یابد. روند صعودی سود حاصل از سرمایه‌گذاری‌ها و سود حاصل از فروش سرمایه‌گذاری‌ها در سال مالی منتهی به ۱۳۹۲/۰۳/۳۱ به ترتیب رشد ۷ و ۱۸ درصدی را نشان می‌دهد؛ به‌طوری‌که سود حاصل از سرمایه‌گذاری‌ها معادل ۲۰۲ میلیارد ریال و سود حاصل از فروش سرمایه‌گذاری‌ها به میزان ۵۲ میلیارد ریال افزایش داشته است. رشد سود حاصل از فروش سرمایه‌گذاری‌های شرکت

جدول آخرین ترکیب سهامداران خوارزمی

نام سهامدار	تعداد سهام	مالکیت (درصد)
مؤسسه همپاری غدیر	۹۲۶,۴۵۳,۱۱۲	۱۹.۷۷
سرمایه‌گذاری تأمین آتیه مسکن	۵۸۲,۱۲۴,۵۲۳	۱۲.۴۲
گروه سرمایه‌گذاری بانک مسکن	۵۳۸,۲۵۶,۶۶۰	۱۱.۵
آرمان سپهر صادرات	۳۲۴,۴۲۶,۸۲۸	۶.۹۲
بارقه امید ایرانیان	۵۰,۳۸۳,۸۲۵	۱.۰۸
تجارت و توسعه مهر آفرینان سرمایه	۵۰,۱۹۵,۱۲۱	۱.۰۷
سایر سهامداران حقیقی و حقوقی	۲,۲۱۳,۴۶۶,۸۱۴	۴۷.۲۴
جمع	۴,۶۸۵,۳۰۶,۸۸۳	۱۰۰

برای سال مالی منتهی به ۱۳۹۲/۰۳/۳۱ بالغ بر ۱,۱۷۱ میلیارد ریال بوده است (۲۵۰ ریال به ازای هر سهم). سود تقسیمی شرکت به ازای هر سهم طی سالهای ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ به ترتیب ۱۵۰ و ۲۲۸ ریال بوده است.

نیز طی سال مالی ۱۳۹۲ نسبت به سال ۱۳۹۱ کمتر بوده و بنابراین کیفیت سود کسب شده افزایش یافته است.

سود حاصل از سرمایه‌گذاری‌های خوارزمی در سال ۱۳۹۲

طی سال مالی ۱۳۹۲ سود عملیاتی شرکت با ۲۵ درصد رشد از مبلغ ۱,۷۴۸ میلیارد ریال به مبلغ ۲,۱۸۶ میلیارد ریال افزایش یافته است. همچنین سود خالص شرکت در سال مالی منتهی به ۱۳۹۲/۰۳/۳۱ با رشد ۲۵ درصدی از مبلغ ۱,۵۵۷ میلیارد ریال به مبلغ ۱,۹۴۵ میلیارد ریال (معادل ۳۸۸ میلیارد ریال) افزایش یافته است.

نحوه تقسیم سود شرکت در سال ۱۳۹۲

با توجه به پیشنهاد هیأت مدیره شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی برای تقسیم سود (به میزان هر سهم ۲۰۰ ریال)، میزان سود تقسیمی

**مهم ترین هدف مدیران
شرکت سرمایه‌گذاری
خوارزمی این است که
طبق برنامه ۷ ساله باید در
سال ۱۳۹۹ بتوانند یکی از
۵۰ شرکت برتر در کشور و
همچنین یکی از ۵ شرکت
سرمایه‌گذاری و هلدینگ
برتر در ایران باشند**

گزارشی از متن و حاشیه همایش مدیران گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی در شیراز

خیزش به سوی افق‌های تازه

امیر هاتفی‌نیا

«نفحات نفت» نام کتابی است که با حسن سلیقه همراه با برگه‌ای که در آن اطلاعات هتل، اطلاعات پرواز، اوقات شرعی و وضعیت آب و هوا آورده شده است، در کنار جزوات ارائه سخنرانان در بسته آماده شده برای مدیران حاضر در همایش جای گرفته است. با دست گذاشتن روی نام شهری که در وسط تصویر روی جلد کتاب درج شده، به شیراز می‌رویم و با گزارش سه روز همایش مدیران شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی همراه می‌شویم. شرکتی که با سپری کردن دوران نوجوانی خود نزدیک به دو دهه سابقه فعالیت دارد و دنبال تدوین نقشه راهی جدید برای توسعه مجموعه خویش است؛ به آن امید که با طرحی دیگرگونه و متمایز از دیگر فعالان بازار سرمایه و با آینده‌پژوهی مناسب برارزش سهامدارانش بیفزاید و به پیشرفت اقتصاد کشور نیز یاری برساند.



روز اول؛

مشخصه‌های اقتصاد کلان ایران

مهمانان شب قبل به شیراز رسیده و اتاق‌های خود را تحویل گرفته‌اند و حالا - چهارشنبه - روز شلوغ همایش است. ۵۰ مهمان همایش در سالن سمینار هتل چمران واقع در طبقه ۲۲ آن قرار گرفته‌اند و جلسه پس از قرائت قرآن کریم با سخنان کوتاه دکتر حجت اله صیدی، مدیرعامل گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی آغاز گردیده است. دکتر صیدی ضمن خوشامد به حضار، هدف و چرایی تشکیل این همایش را تخصیص زمان کافی و توجه لازم و ایجاد همدلی برای درک و همراهی با اهداف استراتژیک و برنامه‌های شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی در ۱۳۹۲ تبیین می‌کند. اولین سخنران علمی همایش دکتر حسن درگاهی، دانشیار دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، رأس ساعت ۹:۱۵ صحبت‌های خود را شروع می‌کند، موضوع سخنرانی او «چشم‌انداز اقتصاد ایران و نقش بهره‌وری بنگاه‌های اقتصادی» است که خطوط اصلی آن در یک جزوه ۲۰ برگی

اشاره قرار گرفت. استاد دانشگاه شهید بهشتی در جمع‌بندی این بخش از مباحث خود به وضعیت نامطلوب رکود تورمی ایران در سال‌های ۹۱ و ۹۲ اشاره کرد و مهمترین دلایل آن را عوامل داخلی و خارجی همچون سیاست‌های اقتصادی، شوک‌های بزرگ و مدیریت ضعیف، برنامه‌های اجتماعی بلندپروازانه بدون تأمین منابع لازم (مانند هدفمندی یارانه‌ها، مسکن مهر، سهام عدالت)، عدم توجه به سیاست‌های اقتصادی سمت عرضه، و همچنین محدودیت‌های ناشی از تحریم، به ویژه تحریم‌های نفتی و مالی، دانست. در ادامه نیز چشم‌انداز سال ۹۳ را در چارچوب سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و اصلاح قیمت انرژی مورد بحث قرار داد و پیش‌بینیهایی برای رشد اقتصادی و وضعیت تورم سال آینده ارائه کرد.

عوامل مؤثر بر بهره‌وری بنگاه‌های اقتصادی

بعد از پذیرایی میان‌برنامه، دکتر درگاهی صحبت‌هایش را با محوریت بنگاه‌های اقتصادی و موضوع بهره‌وری دنبال کرد و عوامل مؤثر بر بهره‌وری بنگاه‌ها را به دو دسته عوامل خرد و کلان تقسیم نمود. عوامل خرد

پیشاپیش در اختیار مهمانان قرار گرفته است. دکتر درگاهی با ارائه مقدمه‌ای در مورد عوامل مؤثر در فرایند پیچیده رشد اقتصادی، به اهمیت دو عامل موجودی منابع و بهره‌وری منابع پرداخت و یادآور شد که رشد اقتصادی در گرو تعامل منطقی دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی است. او سپس به مشخصه‌های اقتصاد کلان ایران اشاره داشت. وی روند کاهنده رشد اقتصادی به‌رغم افزایش درآمدهای نفتی، افزایش وابستگی تولید به درآمدهای ارزی نفت و واردات، روند فزاینده اختلال‌زایی سیاست‌های اقتصادی دولت وقت، افزایش شاخص ریسک در فضای کسب و کار، افزایش تراز عملیاتی بودجه دولت و کاهش رقابت‌پذیری بنگاه‌ها از مشخصه‌های مهم بخش حقیقی اقتصاد توصیف کرد. در بخش پولی و مالی اقتصاد نیز ویژگی‌هایی چون وجود تورم بالا، افزایش شدید حجم نقدینگی و تبدیل شدن آن به یک تهدید بالقوه بحرانی در بازار دارایی‌های مالی، تشدید عدم توازن منابع و مصارف نظام بانکی و بحث تأمین مالی بنگاه‌ها، آسیب‌پذیری بازار بورس و همچنین هدف‌گذاری نامناسب نرخ ارز مورد



ساعت ۱۲:۲۰ است و جذابیت صحبت‌های دکتر درگاهی مدیران را روی صندلی‌ها نگه داشته و برنامه زمان‌بندی شده ۲۰ دقیقه جابه‌جا شده است. بالاخره زمان پرسش و پاسخ فرا می‌رسد و دکتر درگاهی به سوال‌های مدیران که در مورد بهره‌وری بنگاه‌ها، تورم و فضای کسب‌وکار است، پاسخ می‌دهد. کمی بعد هم مدیران همایش برای اقامه نماز و صرف ناهار در طبقه ۲۴ هتل، سالن سمینار را ترک می‌کنند تا برای شنیدن سخنرانی بعدازظهر با موضوع «چشم‌انداز گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی در افق ۱۳۹۹» آماده شوند.

تبیین افق هفت ساله با طعم شعر

چند دقیقه از ساعت ۱۴ گذشته که دکتر حجت‌الاصیدی پشت تریبون قرار می‌گیرد. او از اهمیت برگزاری این همایش می‌گوید و این نکته را که چنین رویکردی برای اولین بار در گروه خوارزمی اتفاق افتاده، یادآور می‌شود. دکتر صیدی سخنرانی خود با عنوان «راه خوارزمی» آغاز می‌کند:

«با توجه به تغییرات سیاسی و اقتصادی فضای کسب‌وکار، تغییرات خرد مثل رشد بازار سرمایه و تغییرات مبانی سرمایه‌گذاری شرکت خوارزمی در شرایط جدید ضرورت تهیه یک برنامه نو احساس می‌شد. در این راستا اولین پرسش این است که می‌خواهیم بدانیم چگونه شرکت وارد سال ۱۴۰۰ می‌شود؟ درواقع ماموریت ما افزایش ثروت سهام‌داران از طریق خلق سود پایدار و با کیفیت است. علاوه بر این، در خوارزمی سعی خواهیم کرد به توسعه اقتصادی کشور و افزایش کارایی بازار سرمایه کمک کنیم.» دکتر صیدی به شعار شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی که «ثروت‌آفرینی پایدار برای نسل‌ها» تعیین شده اشاره می‌کند و به تبیین بیانیه چشم‌انداز در ۱۳۹۹/۳/۳۱ می‌پردازد: «در این افق، خوارزمی یکی از پنج شرکت برتر سرمایه‌گذاری و هولدینگ خواهد شد، بالاترین نرخ بازدهی دارایی بین شرکت‌های سرمایه‌گذاری را به دست می‌آورد و حداقل کسب سود خالص آن ۸۵ هزار و ۸۰۰ میلیارد ریال می‌شود.»

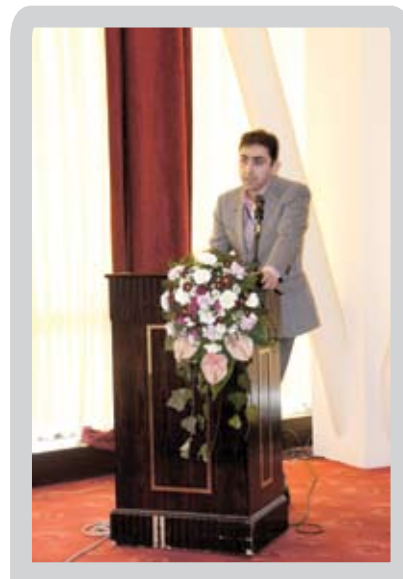
دکتر صیدی در ادامه به تبیین خلاصه برنامه عملیاتی برای هفت سال آینده می‌پردازد و اهداف عملیاتی

دکتر حسن درگاهی: در هیچ یک از رشته فعالیت‌های صنعتی تفاوت معناداری بین بهره‌وری بنگاه‌های بزرگ خصوصی و دولتی مشاهده نمی‌شود. در ادبیات اقتصادی، در شرایط اقتصاد رقابتی است که تغییر مالکیت منجر به بهبود کارایی می‌شود. این موضوع موید این واقعیت است که ارتقای بهره‌وری بنگاه‌های بزرگ نه با خصوصی‌سازی بلکه با آزادسازی اقتصادی و تجاری‌سازی این واحدها به دست می‌آید. بنابراین به نظر می‌رسد که بهره‌وری بنگاه‌های بزرگ بیشتر تحت تاثیر شرایط اقتصاد کلان و سیاست‌های مداخله‌گرانه دولت است. بهبود عملکرد بنگاه‌های بزرگ، که با وجود تعداد کم، سهم بالایی از ارزش افزوده و اشتغال را دارند بسیار بیش از آنکه در گرو رفع مشکلات سازمانی بنگاه، ارتقا کیفیت مدیریت و کلا عوامل خرد باشد، تابع بهبود شرایط محیطی کسب و کار در وضعیت اقتصاد کلان است.

که می‌توانند بهره‌وری یک بنگاه را نسبت به بنگاه دیگر بهبود دهند و معمولاً در اختیار بنگاه هستند، مثل درجه انحصار بازار، اندازه بنگاه، نوع مالکیت، هزینه تحقیق و توسعه، صادرات، سرمایه‌گذاری و ترکیب نیروهای ماهر. عوامل کلان هم به عنوان عوامل محیطی شامل متغیرهای غیر قیمتی (شاخص بی‌ثباتی اقتصاد کلان، شاخص اختلال زایی دولت، شاخص محیط کسب و کار)، متغیر قیمتی (نسبت قیمت جهانی به قیمت داخلی) و درآمد ارزی نفت معرفی شد. دکتر درگاهی در ادامه به نتایج آمار توصیفی و مدل‌سازی رفتار بنگاه‌های بزرگ در سطح خرد می‌پردازد و به این نکته اشاره می‌کند که بهره‌وری بنگاه‌های بزرگ کمتر از بهره‌وری بنگاه‌های کوچک و متوسط است. دکتر درگاهی می‌افزاید:

در هیچ یک از رشته فعالیت‌های صنعتی تفاوت معناداری بین بهره‌وری بنگاه‌های بزرگ خصوصی و دولتی مشاهده نمی‌شود. در ادبیات اقتصادی، در شرایط اقتصاد رقابتی است که تغییر مالکیت منجر به بهبود کارایی می‌شود. این موضوع موید این واقعیت است که ارتقای بهره‌وری بنگاه‌های بزرگ نه با خصوصی‌سازی بلکه با آزادسازی اقتصادی و تجاری‌سازی این واحدها به دست می‌آید. بنابراین به نظر می‌رسد که بهره‌وری بنگاه‌های بزرگ بیشتر تحت تاثیر شرایط اقتصاد کلان و سیاست‌های مداخله‌گرانه دولت است. بهبود عملکرد بنگاه‌های بزرگ، که با وجود تعداد کم، سهم بالایی از ارزش افزوده و اشتغال را دارند بسیار بیش از آنکه در گرو رفع مشکلات سازمانی بنگاه، ارتقا کیفیت مدیریت و کلا عوامل خرد باشد، تابع بهبود شرایط محیطی کسب و کار در وضعیت اقتصاد کلان است. در صورتی که این نتیجه در ارتباط با بنگاه‌های متوسط و کوچک صدق نمی‌کند. به این معنی که عوامل خرد، که در اختیار بنگاه‌ها هستند، می‌توانند در بهره‌وری کل بین بنگاه‌ها تمایز ایجاد کنند. به همین جهت این بنگاه‌ها باید به عوامل مهمی چون ارتقای فناوری و آموزش (تولید، انتقال و جذب دانش فنی)، توسعه صادرات گرایشی و دسترسی به بازارهای جدید، پیشرفته کردن عملیات داخلی بنگاه‌ها، سازماندهی فعالیت‌های بنگاه‌ها در درون صنعت و شیوه‌های تأمین مالی جدید توجه داشته باشند.





شرکت را با آمار و نمودار نشان می‌دهد. او لبخندی به لب دارد و با صدایی نرم و در عین حال مصمم، از برنامه اصلی کسب‌وکار و ارزش‌ها می‌گوید: «فعالیت خوارزمی در شش بخش اصلی است که شامل بازرگانی، بانکداری، ساختمان و مسکن، معدن و صنایع، انرژی و فناوری اطلاعات می‌شود. ما عزم جدی برای راه‌اندازی هولدینگ پتروشیمی هم داریم.» دکتر صیدی به بررسی میزان بازدهی شرکت‌های زیرمجموعه می‌پردازد و در مجموع از اکثر آن‌ها و نحوه فعالیتشان ابراز رضایت می‌کند و می‌گوید: «به جز شش عرصه فعالیت که مشخص شد، در زمینه‌هایی مثل بورس، صرافی، لیزینگ، بازارهای مالی و تامین سرمایه هم فعالیت می‌کنیم. البته این موارد شامل ۲۰ درصد از سرمایه ما می‌شود و برای آن‌ها برنامه مدون داریم.»

دکتر صیدی در ادامه به چارت جدید شرکت اشاره می‌کند و می‌گوید: «مدیریت سرمایه‌گذاری را به «مدیریت سرمایه‌گذاری و توسعه» تغییر نام داده‌ایم.» اوسپس به برشمردن ارزش‌هایی نظیر صداقت و پابندی به اصول اخلاق حرفه‌ای و رعایت همه قوانین و مقررات حاکم بر فضای کسب‌وکار می‌پردازد.

هفت ضرورت برای تحقق چشم‌انداز

دکتر حجت‌اله صیدی، مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی با بهره‌گیری از آثار شاعران کهن و نوگرا و همین‌طور آیات قرآن کریم به هفت ضرورت مهم برای تحقق چشم‌انداز هفت ساله گروه می‌پردازد: «باور، برنامه‌ریزی، هم‌افزایی گروهی، حرفه‌ای‌گری، عامل بودن، سماجت و پایش مستمر، می‌تواند ما را به مقصد برساند. اقتصادهای دیگر کشورهای جهان هم ممکن‌الخطا هستند، ما باید خودمان را باور داشته باشیم؛ موانع اقتصادی در همه جا دیده می‌شود و ما باید با همه کاستی‌ها کار کنیم. شرکت‌های زیرمجموعه هم می‌بایست در راستای خط مشی اصلی شرکت گام بردارند.» دکتر صیدی با نام بردن از اشخاص موفق که نقش موثری در توسعه و پیشرفت اقتصاد ایران و جهان داشته‌اند، نشان می‌دهد که راه و روش موفقیت آنان را درک کرده و به دنبال الگوسازی برای توسعه مداوم و مستمر است. دکتر صیدی وقت‌شناسی خود را هم به رخ می‌کشد و درست راس ساعت ۱۵:۳۰ سخنانش

به پایان می‌رسد.

هنور زمزمه بلندپروازانه یا واقع‌گرایانه بودن برنامه هفت ساله در بین جمعیت شنیده می‌شود که دکتر ریاحی، رئیس هیئت مدیره شرکت سرمایه‌گذاری آتی نگر سپهر ایرانیان میکروفون روی میز را روشن می‌کند و می‌گوید: «این برنامه کاملاً عملی است و باید به دکتر صیدی تبریک گفت.» حالا برنامه دو برگه زمان‌بندی شده همایش می‌گوید که وقت پذیرایی میان برنامه است.

ابعاد برنامه راهبردی

«دکتر صیدی رضا موسوی، مدیر امور سرمایه‌گذاری و توسعه شرکت سرمایه‌گذاری، سخنران بعدی است که وظیفه تبیین افق هفت ساله با توجه به پتانسیل‌های خوارزمی و تبیین ابعاد راهبردی برنامه‌های خوارزمی

دکتر صیدی: «با توجه به تغییرات سیاسی و اقتصادی فضای کسب‌وکار، تغییرات خرد مثل رشد بازار سرمایه و تغییرات مبانی سرمایه‌گذاری شرکت خوارزمی در شرایط جدید ضرورت تهیه یک برنامه نو احساس می‌شد. در این راستا اولین پرسش این است که می‌خواهیم بدانیم چگونه شرکت وارد سال ۱۴۰۰ می‌شود؟ در واقع مأموریت ما افزایش ثروت سهام‌داران از طریق خلق سود پایدار و با کیفیت است. علاوه بر این، در خوارزمی سعی خواهیم کرد به توسعه اقتصادی کشور و افزایش کارایی بازار سرمایه کمک کنیم.»

شعار ما «ثروت‌آفرینی پایدار برای نسل‌ها» تعیین شده و در چشم‌انداز ۷ ساله، خوارزمی یکی از پنج شرکت برتر سرمایه‌گذاری و هولدینگ خواهد شد، بالاترین نرخ بازدهی دارایی بین شرکت‌های سرمایه‌گذاری را به دست می‌آورد و حداقل کسب سود خالص آن ۸۵ هزار و ۸۰۰ میلیارد ریال می‌شود

را برعهده دارد. او ضمن نگاه واقع‌گرایانه به اوضاع فعلی از آرمان‌ها نیز حرف می‌زند، آرمان‌های دست‌یافتنی. وی چشم متوسط ۷۰ درصدی و افزایش صرفاً یک درصدی رشد سود شرکت‌ها پس از آن را برای رسیدن به اهداف تدوین‌شده کافی ارزیابی می‌کند. موسوی در ادامه به بررسی فعالیت شرکت‌های زیرمجموعه خوارزمی می‌پردازد و مزایا و معایب هر کدام از شش بخش اصلی فعالیت‌های خوارزمی را برمی‌شمرد و با تحلیل پرتفوی فعلی و پرتفوی هدف به انتظارات که شامل تدوین نقشه راه و سامان‌دهی مجدد واحدهای توسعه فعالیت‌ها در قالب دو بعد ایده‌یابی و تجزیه و تحلیل فرصت‌های سرمایه‌گذاری است، اشاره می‌کند. او از مدیران جوان و پرنرژی است که اگر وقت برنامه زمان‌بندی شده همایش اجازه می‌داد، می‌توانست تا دیرنگام به تبیین برنامه‌های هولدینگ بپردازد، اما صحبت‌های خود را در ۱۶:۴۵ به پایان می‌رساند و جلسه پرسش و پاسخ آغاز می‌شود. حالا مدیران هولدینگ مادر مرکزی به سوال‌های مدیران شرکت‌های زیرمجموعه پاسخ می‌دهند. اکثر سوال و جواب‌های این بخش به موضوعاتی مانند نحوه جذب سرمایه‌گذار خارجی، واقع‌گرایانه بودن چشم‌انداز هفت ساله و نقش عمده شرکت‌های زیرمجموعه مربوط می‌شود.

بازدید از حافظیه

ساعت ۱۸:۳۰ است، طبق برنامه تدوین‌شده در تهران، گروه سوار بر دو اتوبوس و همراه با دو راهنمای گردشگری به سمت حافظیه حرکت می‌کند. در حافظیه راهنما شروع می‌کند به خواندن شعرهای حک‌شده بر مقبره حافظ، و دکتر صیدی و دیگر مدیران مدام با خوشرویی برخی کاستی‌های وزنی و مضمونی در بازخوانی اشعار را گوشزد می‌کنند. او گرفتن پنج امتیاز منفی را قبول می‌کند و دکتر صیدی هم از جمع می‌خواهد که تشویقش کنند. صدای حافظ خوانی احمد شاملو فضا را پر کرده است. تلاش مجید دهقان، از کارشناسان ارشد گروه خوارزمی و مدیر اجرایی همایش مثال‌زدنی است. جایی که گروه قرار دارد، او نیست و هرجا که گروه نیست، او هست. دهقان نیم ساعت جلوتر مکانی را که قرار است گروه به آن‌جا برود، چک می‌کند و درمثن و حاشیه تمام برنامه حاضر دارد.



بخش می‌کند و نتیجه می‌گیرد که «بدون ترسیم افق و چشم‌انداز نمی‌شود انتظار پیشرفت داشت».

عباس‌علی ارجمندی، مدیر نظارت بر شرکت های شرکت سرمایه گذاری خوارزمی، هم در پایان همایش پشت تریبون قرار می‌گیرد و به مدت پنج دقیقه از نحوه برگزاری مراسم می‌گوید و از عوامل اجرایی تشکر می‌کند. ارجمندی می‌گوید: «این همایش‌ها را به طور فصلی برگزار می‌کنیم؛ اواخر اردیبهشت‌ماه یا اوایل خرداد نشست دیگری را به میزبانی «شرکت توسعه ساختمان خوارزمی» خواهیم داشت و در آن جا سعی خواهیم کرد که برنامه‌های استراتژیکی را که در شرکت‌ها تهیه شده به بررسی بگذاریم».

بعد از سخنان کوتاه پایانی ارجمندی، مجید دهقان بسته‌هایی را که به عنوان سوغات در خروجی طبقه ۲۴ هتل چمران آماده کرده، به مهمانان تقدیم می‌کند و آن‌ها هم همراه با قدردانی از مدیران و برگزار کنندگان سالن سمینار را ترک می‌کنند.

بازدید از مراکز گردشگری و زیارت شاهچراغ

سخنرانی‌ها و جلسات پرسش و پاسخ همایش به پایان رسیده و گروه همراه با دو راهنمای گردشگری که توانایی یکی از آن‌ها در مورد از یاد بردن اسامی مکان‌ها و شخصیت‌ها گاه باعث انبساط خاطر می‌شود به سمت ارگ کریمخانی، موزه پارس، حمام و بازار وکیل حرکت می‌کند. ساعت ۱۸ شده و گروه برای زیارت به شاهچراغ می‌رسد و نماز مغرب و عشا را به امامت آیت‌الله دستغیب اقامه می‌کند. پس از نماز هم هر کدام از مدیران کتاب دعایی در دست می‌گیرند و در گوشه‌ای از حرم شروع می‌کنند به راز و نیاز. گروه برای حرکت به سمت مجموعه رستوران‌های سنتی هفت خوان آماده می‌شود.

روز آخر؛

بازدید از کاخ‌های پارسه (تخت جمشید)

پرواز به سمت تهران

ساعت ۸:۳۰ صبح است، همه افراد گروه ساک‌های خود را بسته‌اند و سوار بر اتوبوس به سمت تخت جمشید حرکت می‌کنند. دکتر قنبری، مدیرعامل شرکت توسعه معادن و صنایع معدنی صدر جهان، هرازگاهی میکروفون را از آقای صمدی (راهنمای گردشگری) می‌گیرد و قسمتی از نگاره‌های کتیبه‌های تخت جمشید را می‌خواند. مهندس فتاحی، نایب رئیس هیئت مدیره شرکت توسعه ساختمان خوارزمی هم در پاسخ دوستانه به او میکروفون را در دست می‌گیرد و شعری از مولانا می‌خواند.

بازدید از مجموعه تخت جمشید سه ساعت طول می‌کشد و گروه حوالی ساعت دو بعدازظهر در فرودگاه حاضر می‌شود.

به پایان همایش رسیده‌ایم؛ برنامه‌ریزی منسجم و دقیق، تصور بلندپروازانه بودن دیگر برنامه‌های گروه خوارزمی را از ذهن‌ها دور کرده است و همه با قوت قلب و اطمینان از نحوه تدوین چشم‌انداز از گیت‌ها عبور می‌کنند. ساعت ۱۵:۳۰ است، خانواده خوارزمی آماده پرواز است.

* متن کامل سخنرانی‌های همایش مدیران گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی در شماره‌های بعدی ماهنامه منتشر خواهد شد.



در حافظیه راهنما شروع می‌کند به خواندن شعرهای حک شده بر مقبره حافظ، و دکتر صیدی و دیگر مدیران مدام با خوشرویی برخی کاستیهای وزنی و مضمونی در بازخوانی اشعار را گوشزد می‌کنند. او گرفتن پنج امتیاز منفی را قبول می‌کند و دکتر صیدی هم از جمع می‌خواهد که تشویقش کنند.

آن قدر که حتی موقع عکس یادگاری گرفتن ترجیح می‌دهد پشت عکاس بایستد تا او را در ثبت عکس مناسب‌تری کمک کند. او مدام در رفت‌وآمد است تا ما برگزار ی صمیمانه و روان برنامه‌ها را بی‌دلیل ندانیم. بعد از پایان بازدید ۴۵ دقیقه‌ای (همان‌طور که در برنامه مشخص شده است) از حافظیه، گروه برای صرف شام حرکت می‌کند و پس از صرف شام به هتل برمی‌گردد.

روز دوم؛

تفکر راهبردی در سازمان‌های آینده‌نگر

پس از صرف صبحانه در طبقه ۲۴ هتل چمران و استقرار در سالن، روز دوم همایش مدیران گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی راس ساعت ۹ با تلاوت قرآن مجید آغاز می‌شود. دکتر محمدرضا آراستی، عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه شریف آخرین سخنران همایش مدیران خوارزمی است که به تحلیل و تفکر استراتژیک و هم‌چنین رمز موفقیت سازمان‌های آینده‌نگر می‌پردازد. او هم مثل دیگر سخنرانان به گروه خوارزمی تبریک می‌گوید و تحقق این افق را برای گروه خوارزمی آرزو می‌کند.

دکتر آراستی قصد دارد اهمیت تفکر استراتژیک و اولویت تحلیل استراتژیک بر آن را یادآور شود. او میکروفون روی میز را برمی‌دارد و از تریبون جدا می‌شود و به مدیران نزدیک می‌شود و می‌گوید: «برای رسیدن به افق‌های بلندمدت باید وقت صرف کرد.» او در ادامه به تبیین برنامه‌ریزی استراتژیک و بلندمدت و انواع آن می‌پردازد و تفاوت‌هایشان را بررسی می‌کند. آراستی سعی دارد به شکل گیری تصور هرچه دقیق تر مدیران از بودجه‌ریزی کمک کند و تهدیدها و فرصت‌ها را پیش رویشان بگذارد. او مدام تلاش می‌کند که با سوال کردن و جواب گرفتن از مدیران مفاهیم اولیه‌ای را که برای جانداختن پیامش نیاز دارد، معرف کند. آن وقت بحث رقابت‌پذیری شرکت‌ها را با کمک خود مدیران باز می‌کند. حالا دیگر مهمانان دعوت‌شده به همایش کاملاً با همدیگر آشنا شده‌اند و در حین سوال و جواب‌های جلسه تبادل نظر می‌کنند. آراستی در ادامه با نقل

خاطره حضور در یک شرکت به عنوان مشاور، استراتژی را تعریف می‌کند و برای تبیین مناسب آن فیلمی را



چرا در افزایش سرمایه شرکت کنیم؟

سهامداران خوارزمی می‌توانند بدون پرداخت وجه، مالک «سهام جایزه» شوند

سهامداران خود اعلام می‌کنند. در صورت عدم تأمین منابع توسط سهامداران فعلی، گواهی‌های مذکور در معرض پذیره‌نویسی عمومی قرار گرفته و دیگران جایگزین سهامداران فعلی می‌شوند. پس از تصویب افزایش سرمایه توسط مجمع عمومی فوق‌العاده، مراتب از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشار به اطلاع صاحبان سهام می‌رسد. در این آگهی، اطلاعات مربوط به مبلغ

به کار گرفته می‌شود و جریان نقدی جدیدی وارد شرکت نمی‌گردد. به دلیل اینکه، در این حالت سهامداران پولی بابت اوراق جدید پرداخت نمی‌کنند، اصطلاحاً به سهام تعلق گرفته به سهامداران، «سهام جایزه» می‌گویند. سهام جایزه متعلق به همه سهامداران است و سهامداران بدون نیاز به پرداخت وجه، مالک سهام جایزه می‌شوند به طوری که میزان مالکیت

شرکت‌ها به منظور تأمین منابع مورد نیاز برای اجرای طرح‌های توسعه‌ای و رشد سرمایه‌گذاری‌ها، تأمین سرمایه در گردش، اصلاح ساختار سرمایه و ... اقدام به افزایش سرمایه می‌کنند. مراحل اجرایی افزایش سرمایه در شرکت‌های سهامی عام پذیرفته شده نزد سازمان بورس و اوراق بهادار بدین ترتیب است.

شرکت‌های سهامی توسط هیئت‌مدیره‌ای اداره می‌شوند که معمولاً از بین سهامداران انتخاب می‌گردند. با توجه به اینکه اعضای هیئت مدیره افرادی متخصص و با تجربه اند پس از بررسی طرح افزایش سرمایه، گزارش طرح توجیهی افزایش سرمایه که با مشورت شرکت‌های تأمین سرمایه تهیه می‌شود به بازرس قانونی شرکت ارائه می‌گردد. در این گزارش توجیهی مواردی مانند مصارف، محل و میزان افزایش سرمایه به طور شفاف تبیین می‌شود. گزارش مذکور توسط بازرس قانونی شرکت که از میان حساب‌رسان مستقل برگزیده می‌شود، بررسی شده، پس از تأیید توسط بازرس، گزارش توجیهی افزایش سرمایه به سازمان بورس و اوراق بهادار ارائه می‌گردد. سازمان بورس اوراق بهادار به عنوان نهاد ناظر بازار سرمایه، گزارش توجیهی افزایش سرمایه را بررسی می‌کنند و در صورت تأیید، مجوز افزایش سرمایه را صادر می‌نماید. پس از انتشار آگهی دعوت به مجمع عمومی فوق‌العاده، مجمع عمومی فوق‌العاده برگزار می‌شود و در صورت موافقت سهامداران، افزایش سرمایه به تصویب مجمع می‌رسد؛ یا اینکه مجمع تصمیم‌گیری در خصوص افزایش سرمایه را به هیئت‌مدیره واگذار می‌کند و هیئت‌مدیره پس از طی مراحل قانونی و اخذ مجوز از سازمان بورس و اوراق بهادار، اقدام به اجرای افزایش سرمایه می‌نماید.

روش‌های افزایش سرمایه

الف) افزایش سرمایه از محل سود انباشته و اندوخته‌ها:

معمولاً شرکت‌ها مقداری از سود سالانه خود را در حساب سود انباشته و یا اندوخته ذخیره می‌کنند و در زمان مقتضی با انتقال موجودی این حساب به حساب سرمایه و انتشار اوراق سهام جدید، سرمایه شرکت را افزایش می‌دهند و سپس اوراق سهام جدید را به نسبت سهام قبلی بین سهامداران توزیع می‌کنند. به عبارت دیگر، سودهای تقسیم نشده سالهای قبل در جهت جبران مخارج سرمایه‌گذاری‌ها و عملیات شرکت



افزایش سرمایه، مبلغ اسمی سهام جدید و تعداد سهامی که هر صاحب سهام، حق تقدم در خرید آنها را دارد و مهلت پذیره‌نویسی و نحوه پرداخت آن، ذکر می‌شود. در این حالت به هر سهامدار به نسبت تعداد سهام قبلی، حق تقدم تعلق می‌گیرد و برگه‌های حق تقدم به آدرس سهامداران ارسال می‌گردد. سهامداران پس از دریافت برگه‌های حق تقدم در صورت تمایل، مبلغ اسمی سهام متعلقه را (که تعداد آن در برگه حق تقدم مشخص شده است) در مهلت مقرر به حساب شرکت واریز و پس از امضای برگه تعهد سهم، برای شرکت ارسال می‌کنند.

در این حالت سهامدار باید به ازای هر سهم جدید، مبلغ یک هزار ریال (قیمت اسمی سهم) به حساب شرکت واریز کند. البته در صورتی که سهامدار مطالباتی از شرکت داشته باشد

سهامداران پس از افزایش سرمایه تغییر نمی‌یابد.

ب) افزایش سرمایه از محل آورده نقدی و مطالبات:

زمانی که شرکت، اندوخته یا سود انباشته‌ای جهت افزایش سرمایه در اختیار نداشته باشد یا تصمیم استفاده از اندوخته یا سود انباشته برای افزایش سرمایه را ندارد، می‌تواند از محل مطالبات یا آورده نقدی برای افزایش سرمایه استفاده کند. در این حالت، شرکت با تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده تصمیم می‌گیرد از محل آورده نقدی یا مطالبات سهامداران، افزایش سرمایه خود را انجام دهد. بنابراین با توجه به اینکه افزایش سرمایه به این روش، مستلزم تأمین منابع جدید از سوی سهامداران فعلی است، شرکت ابتدا به سهامداران خود این حق را می‌دهد تا در افزایش سرمایه شرکت کنند و این حق را به صورت برگه‌هایی به نام حق تقدم به

افزایش سرمایه شرکت سرمایه گذاری خوارزمی

ریال به صورت سهام جایزه اعطا می شود. «سهام جایزه» متعلق به همه سهامداران است و سهامداران بدون نیاز به پرداخت وجه، مالک سهام جایزه می شوند و این تعداد سهام به سهام قبلی شان اضافه می گردد. سهامدارانی که تمایل دارند از حق تقدم خود استفاده کنند، می توانند با واریز مبلغ

مندرج در برگه حق تقدم (۱,۰۰۰ ریال به ازای هر سهم) در افزایش سرمایه شرکت کنند. به عبارت دیگر، سهامداران شرکت به ازای هر ۱,۰۰۰ سهم، باید ۶۶۵,۰۰۰ ریال پرداخت کرده و مالک ۶۶۵ سهم جدید شوند. بدین ترتیب، پس از ثبت افزایش سرمایه، سهامدار مالک ۲,۱۳۴ سهم (۱,۰۰۰ سهم قبلی + ۱,۱۳۴ سهم جدید) می شود. در واقع، سهامداران به ازای هر سهم، می بایست مبلغ ۶۶۵ ریال بابت استفاده از حق تقدم خرید سهام واریز نمایند. البته با توجه به اینکه تعداد کثیری از سهامداران که در زمان برگزاری مجمع عمومی عادی سالیانه (تاریخ ۹۲/۰۷/۲۳) هم سهامدار بودند، به ازای هر سهم ۲۵۰ ریال سود نقدی طلب دارند، کافی است فقط ۴۱۵ ریال پرداخت

نمایند. خلاصه مطلب اینکه با پرداخت ۴۱۵ ریال به ازای هر سهم، در کل افزایش سرمایه ۱۱۳ درصدی، شرکت کرده اند. سهامداران از تاریخ ۹۲/۱۲/۱۱ به مدت ۶۰ روز (تا تاریخ ۹۳/۰۲/۱۰) می توانند نسبت به استفاده از حق تقدم از محل سود سنوات قبل و همچنین از طریق واریز نقدی اقدام کنند.

علاوه بر آن با توجه به برنامه افزایش سرمایه مذکور، خالص ارزش دارایی های شرکت سرمایه گذاری خوارزمی بیش از ۲۰,۰۰۰ ریال به ازای هر سهم می باشد. در واقع سهامداران با شرکت

در افزایش سرمایه و پرداخت ۱,۰۰۰ ریال به ازای هر حق تقدم متعلقه، مالک سهمی می شوند که ارزش روز آن حدود ۱,۷۵۰ ریال در بازار سهام بوده و دارای ارزش ذاتی بیش از ۲,۰۰۰ ریال به ازای هر سهم است.

با توجه به اینکه مجمع عمومی فوق العاده شرکت، در تاریخ ۹۲/۱۱/۲۰ موافقت خود بر گزار شده و سهامداران، موافقت خود را با افزایش سرمایه اعلام کرده اند لیکن شرکت سرمایه گذاری خوارزمی با در نظر گرفتن شرایط سهامداران حقیقی، نزدیک شدن به ایام نوروز و افزایش هزینه ها، پذیرش نویسی افزایش سرمایه را با

تأخیر شروع کرده تا با توجه به مهلت ۶۰ روزه، سهامداران پس از ایام نوروز (تا تاریخ ۹۳/۰۲/۱۰) فرصت داشته باشند در مورد شرکت در افزایش سرمایه تصمیم بگیرند. با توجه به اینکه افزایش سرمایه شرکت سرمایه گذاری خوارزمی مثبت در راستای تأمین منافع آتی سهامداران است (زیرا منابع مالی جدید در راستای یک طرح توجیهی جهت تحقق برنامه راهبردی شرکت مصرف می شود) این اقدام افق رشد سودآوری را برای شرکت در پی خواهد داشت.

شرکت سرمایه گذاری خوارزمی با توجه به بررسی تحولات اقتصادی جهانی و داخلی، مزیت های نسبی کشور و منطقه و همچنین بررسی فرصت های سرمایه گذاری در صنایع مختلف مبتنی بر گزارش های کارشناسی، اقدام به تدوین برنامه

راهبردی هفت ساله (۹۲/۰۳/۳۱) کرده تا ضمن شناسایی فرصت ها و تهدیدهای هر یک از صنایع موجود در پرتوی سرمایه گذاری های شرکت و تجزیه و تحلیل صنایع برتر در بازار سرمایه در چشم انداز هفت ساله پیش روی کشور، در جهت دستیابی به اهداف سودآوری برای سهامداران گام های مؤثری بردارد. مهم ترین اهداف در راستای تحقق برنامه مذکور عبارتند از:

۱- سرمایه گذاری با هدف افزایش ثروت سهامداران از طریق خلق سود پایدار و با کیفیت
۲- کمک به توسعه اقتصادی کشور و افزایش کارایی بازار سرمایه
این شرکت با توجه به برنامه راهبردی خود، قرار گرفتن در میان ۵ شرکت برتر سرمایه گذاری و هلدینگ های کشور را از سرلوحه فعالیت های خود قرار داده است.

(با توجه به چشم انداز و مأموریت تعیین شده در برنامه راهبردی، شرکت سرمایه گذاری خوارزمی در نظر دارد با گسترش فعالیت ها در زمینه های مختلف با محوریت سرمایه گذاری در صنایع انرژی، ساختمان، معادن و صنایع معدنی، بانکداری، فن آوری اطلاعات و بازرگانی به یکی از شرکتهای برتر سرمایه گذاری تبدیل شود و به واسطه مدیریت حرفه ای، ایجاد زیرساخت های لازم با تکیه بر توسعه شایستگی های منابع انسانی و با ایجاد رشد سودآوری، ارزش واقعی ثروت سهامداران را افزایش دهد.)

در راستای برنامه راهبردی هفت ساله و با توجه به مجوز افزایش سرمایه و مصوبه مجمع عمومی فوق العاده در تاریخ ۹۲/۱۱/۲۰، شرکت سرمایه گذاری خوارزمی جهت توسعه فعالیت ها، ورود به کسب و کارهای دارای ارزش افزوده اقتصادی و تأمین منافع سهامداران و تأمین مالی مخارج مورد نیاز جهت تحصیل سرمایه گذاری های جدید، در حال افزایش سرمایه از مبلغ ۴۶۸۵ میلیارد ریال به ۱۰,۰۰۰ میلیارد ریال (۴۶,۹ درصد از محل اندوخته و ۶۶,۵ درصد از محل مطالبات و آورده نقدی) است.

با توجه به افزایش سرمایه ۱۱۳ درصدی شرکت، حدود نیمی از منابع مورد نیاز از سودهای تقسیم نشده سالهای قبل بوده (۴۶,۹ درصد) که به صورت سهام جایزه در اختیار سهامداران قرار می گیرد. به عنوان مثال به فردی که دارای ۱,۰۰۰ سهم شرکت سرمایه گذاری خوارزمی قبل از افزایش سرمایه بوده، تعداد ۴۶۹ سهم جایزه و ۶۶۵ حق تقدم خرید سهام جدید تعلق گرفته است. یعنی به سهامداران به ازای هر سهم، مبلغ ۴۶۹

(مثلاً مطالبات ناشی از سود سهام)، می تواند این مبلغ را از محل مطالبات پرداخت کند.

پس از طی مراحل افزایش سرمایه و ثبت آن در اداره ثبت شرکتها، برگه های سهام جدید به سهامداران اعطا می شود.

در صورتی که سهامدار به هر علتی، تمایل به استفاده از حق تقدم خود نداشته باشد، می تواند این امتیاز را به دیگری واگذار کند. نقل و انتقال حق تقدم از طریق شرکت های کارگزاری بورس اوراق بهادار و فرابورس ایران انجام می پذیرد. خریداران برگه های حق تقدم، می بایست علاوه بر پرداخت مبلغی که بابت حق تقدم به فروشنده می پردازند، مبلغ اسمی حق تقدم خریداری شده را نیز به حساب شرکت واریز کنند.

شایان ذکر است که مهلت استفاده از حق تقدم در خرید سهام جدید، محدود به دوره زمانی معینی (۶۰ روز) است.

چنانچه سهامداران در مهلت اعلام شده، اقدام به پذیرش نویسی نکنند یا از فروش گواهی حق تقدم صرف نظر کنند، شرکت پس از اتمام دوره پذیرش نویسی، گواهی های مزبور را در بورس اوراق بهادار در معرض فروش عمومی (پذیرش نویسی عام) قرار می دهد و پس از فروش، مبلغ حاصل از فروش را پس از کسر ارزش اسمی و هزینه های مربوط، به حساب سهامداران واریز می کند. در این صورت هر شخصی می تواند حق تقدم استفاده نشده را خریداری کرده و جایگزین سهامداران قبلی گردد.

می توان با پرداخت ۱۰۰۰ ریال صاحب دو سهم ۳۰۰۰ ریالی شد

مثال: فرض کنید شرکتی با سرمایه ۱۰,۰۰۰ میلیون ریال منقسم به ۱۰ میلیون سهم ۱,۰۰۰ ریالی، افزایش سرمایه ای به میزان ۱۰۰ درصد از محل مطالبات و آورده نقدی سهامداران را در نظر دارد. در این حالت به هر یک از سهامداران، معادل سهام قبلی شان امتیاز حق تقدم تعلق می گیرد. (به ازای هر سهم یک سهم جدید) و سهامدار پس از واریز ۱,۰۰۰ ریال برای هر حق تقدم، صاحب یک سهم جدید می شود. قیمت سهم پس از بازگشایی، معمولاً این گونه محاسبه می شود که در ثروت هر یک از سهامداران تغییری حاصل نشود. فرضاً اگر قیمت سهم قبل از مجمع ۵,۰۰۰ ریال بوده باشد، با توجه به اینکه بابت هر سهم ۱,۰۰۰ ریال پرداخت شده، دارنده هر یک سهم در گذشته، اکنون دارای ۲ سهم خواهد بود که هریک از آنها دارای ارزشی حدوداً ۳,۰۰۰ ریال در بازار است. در واقع سهامدار مذکور، با پرداخت ۱,۰۰۰ ریال صاحب ۲ سهم ۳,۰۰۰ ریالی شده است.

توضیح: گاهی شرکتها مقداری از مبلغ افزایش سرمایه را به صورت اندوخته یا سود انباشته در اختیار دارند، ولی این مقدار برای افزایش سرمایه مورد نظر کافی نیست. در این حالت شرکت می تواند جهت افزایش سرمایه از روش اول و دوم به طور همزمان استفاده نماید.

یادداشت

خوارزمی در آستانه تحولی تازه

عباس علی ارجمندی
مدیر امور شرکت‌ها و مجامع

همایش مدیران گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی در شیراز اولین همایشی بود که گروه خوارزمی برگزار کرد. برپا کردن این همایش برای خوارزمی اهمیت فراوانی داشت، چراکه خوارزمی در آستانه یک جهش بزرگ است. مجوز افزایش سرمایه‌ای که در روزهای گذشته در اختیار هیات‌مدیره قرار گرفته، مسوولیت بسیار سنگینی را برای خوارزمی ایجاد کرده است. ما برنامه‌هایی را در این راستا پیش‌بینی کرده‌ایم تا پاسخی برای این اعتماد سهام‌داران‌مان باشد؛ این مهم ایجاب می‌کند که ما از تمام پتانسیل‌ها و امکاناتی که در گروه خوارزمی و زیرمجموعه‌هایش موجود است استفاده کنیم تا پاسخ مناسبی به سهام‌داران بدهیم. سعی فراوانی برای دقیق و منظم برگزار شدن همایش شد؛ تلاش ما بر این بود که برنامه‌هایی که در سه جلسه همایش پیش‌بینی شده است به‌نوعی تکمیل‌کننده همدیگر باشند. در واقع موضوع هر

سه سخنرانی در راستایی بود که به ما کمک کند هم ایده‌هایی که در خوارزمی طرح شده به شرکت‌کنندگان تبیین شود و هم این‌که راهکارها به‌طور کامل ارایه شود. واقعیت این است که باتوجه به افزایش سرمایه گروه، خانواده خوارزمی مسوولیت بسیار سنگینی را پیش رو دارد. کار ما تازه شروع شده است و اصلاً کار کوچکی هم نیست. ما بعد از این سعی خواهیم کرد که در بخش نظارت بر شرکت‌ها جلساتی را با شرکت‌های گروه داشته باشیم. جلساتی که هم برای تبیین هرچه پیش‌تر برنامه بلندمدت خوارزمی و هم برای کمک به تدوین استراتژی‌های خود شرکت‌ها است. ما باید بتوانیم بر اساس برنامه ریزی‌های صورت گرفته و متناسب با تغییر و تحولات سیاسی و اقتصادی کشور با سرعت بیشتری در مسیر توسعه حرکت کنیم و با دستیابی به اهداف کوتاه مدت و بلند مدت سرمایه

گذاری خوارزمی و شرکت‌های زیر مجموعه اش را در رده بهترین‌ها و برترین‌ها و بالاتر از رقبای قرار دهیم. ما باید بتوانیم هلدینگ خوارزمی را تا سال ۱۳۹۹ ارتقا داده و آن را جزو رده بندی ۵۰ هلدینگ برتر ایران ببینیم. در همین راستا اواخر اردیبهشت‌ماه و یا اوایل خرداد ماه نشست دیگری را به میزبانی «شرکت توسعه ساختمان خوارزمی» خواهیم داشت و در آن‌جا سعی خواهیم کرد که برنامه‌های استراتژیکی که در شرکت‌ها تهیه شده را به نقد و بررسی بگذاریم و کم و کاستی‌های آن را برطرف کنیم؛ تا آن‌زمان قطعاً نشست‌هایی را در خود شرکت‌ها برگزار می‌کنیم تا برنامه‌ها بررسی و تکمیل و آثار نهایی آن به بحث گذاشته شود. آن‌وقت است که همگی دست در دست هم می‌دهیم و با قدرت و انرژی بیش‌تری برای اجرا پیش می‌رویم.

یادداشت

جرقه‌های چشم‌گیر

هادی بیک
مدیرعامل شرکت تجارت‌گستران خوارزمی

برگزاری همایش مدیران گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی ایده بسیار خوبی بود. در درجه اول مدیران خوارزمی بایکدیگر بیشتر آشنا شدند و در درجه دوم بعدهم باتوجه به مطالبی که «دکتر درگاهی» و «دکتر آراستی» برگزار کردند جرقه‌های بزرگی در ذهن مدیران ایجاد شد؛ اما می‌بایست اثر تغییرات را در درازمدت مشاهده کرد. اگر بتوانیم دوره‌های آموزشی را بیشتر برگزار کنیم و برای مثال هر هفته و در روزی مشخص، آن‌وقت بازخوردهای مناسب‌تری خواهیم داشت؛ اگر هم بتوانیم جرقه‌هایی که در دوره‌های آکادمیک زده شده را به‌صورت عملی اجرا کنیم، اتفاقات خوبی خواهد افتاد که در توسعه و پیشرفت گروه خوارزمی تأثیرگذار خواهد بود. همایش شیراز فرصت کوتاه خیلی خوبی بود که با اهداف مدیریت عالی آشنا باشیم، بدانیم که چه ذهنیتی دارند و چه افقی برای شرکت‌ها برنامه‌ریزی کرده‌اند؛ نکته‌ای که خیلی برای ما مهم بود و توانستیم دیدگاه‌هایمان را

به همدیگر نزدیک‌تر کنیم و بدانیم که برای رسیدن به این اهداف چه ابزاری را لازم داریم و در حقیقت باید چه فعالیت‌هایی انجام بدهیم که بشود طبق برنامه‌ریزی ۷ساله به آن‌ها رسید. این‌ها مواردی بود که در سه روز برگزاری همایش به مرور چندباره‌شان پرداختیم. ایده برگزاری همایش، ایده واقعاً مناسبی بود و به خوبی هم برگزار شد؛ امیدواریم که در دوره‌های زمانی دیگر هم به همین صورت برگزار شود و شکل منسجم‌تر و پایدارتری داشته باشد. برگزاری چنین همایش‌هایی باعث می‌شود که برای مدتی از محیط و فضای کاری دور بشویم و گردهمایی را تشکیل بدهیم که کمک می‌کند تمام سازه‌هایی که در ذهن خود داشته‌اید را یک‌بار دیگر مرور کنید؛ مرور مجدد این سازه‌ها و از همه مهم‌تر حضور استادی که این سازه‌ها را به‌صورت آکادمیک و با آخرین تحولات روش‌های سازمانی و علم مدیریت می‌تواند برای

رسیدن به اهداف‌تان ایده‌های خوبی را مطرح کنند باعث می‌شود که با یک تفکر نوین و بازنگری شده به محیط کاری خود برگردیم و آن‌جا هم نتایج و دست‌آوردهای همایش را به پرسنل خود منتقل کنیم و از آن‌ها هم برای رسیدن به این اهداف تبیین شده کمک بخواهیم. مطمئناً برای ورود هرگونه تفکر و ایده جدیدی به سازمان باید به‌همین شکل دانش‌بنیادی را برای آن ایجاد کنیم؛ در درازمدت و طی زمان این فضا آماده می‌شود و من یقین دارم که می‌شود کارهای خوبی در این زمینه انجام داد. تحلیل افق ۷ساله، هم سخت است و هم ممتنع؛ چراکه ما ابزار تصمیم‌گیری و پیش‌بینی قوی‌ای باتوجه به برخی تحولات سیاسی و اقتصادی کشور خود نمی‌توانیم داشته باشیم. اما با این حال تجربه به ما ثابت کرده است که اهداف هرچه قدر هم که بلند و بزرگ باشند، در صورت برنامه‌ریزی درست و منسجم دست‌یافتنی خواهند بود.

یادداشت

برنامه درازمدت نیاز خوارزمی است

افشین حدیری
مدیرعامل شرکت توسعه ساختمان خوارزمی

این اولین بار بود که من تجربه شرکت در چنین سفرهای دسته جمعی آموزشی را تجربه کردم اما باید اعتراف کنم که این ایده عالی و برگزاری منظم و بی نقص بود. همایش شیراز در کنار موارد تفریحی و فرهنگی‌اش یک دوره آموزشی بسیار جذاب بود که توانست نکات مهم بسیاری را به مدیران نشان بدهد. ممکن است ما یک دید کلی نسبت به موارد مطرح‌شده در این کلاس‌ها داشته باشیم، ولی من شخصاً هیچ‌وقت به این صورت دقیق و جامع و علمی نسبت به آن‌ها مطلع نبودم. این دوره آموزشی می‌تواند یک دوره فشرده و کاربردی برای مدیران باشد. دوره‌ای که می‌تواند آن‌ها را بر اساس آخرین تغییرات مدیریتی به روز کند و نشان دهد که در شرایط کنونی در کجا قرار داریم. در این دوره اساتید بزرگ دانشگاهی آخرین اطلاعات آکادمیک خود را در اختیار مدیران مجموعه قرار می‌دهند تا آنها بتوانند مطابق با پیشرفت علم مدیریت در جهت توسعه گام

بردارند و برنامه ریزی کنند. بنابراین مدیران مجموعه می‌توانند نقاط قوت و ضعف خود را بهتر بشناسند و با نظریه‌های روز کارشناسان آشنا کنند. این همایش باعث شد که با مدیران و اعضای دیگر شرکت‌های گروه خوارزمی آشنا بشویم، در صورتی که در گذشته تنها نام بعضی از آن‌ها را شنیده بودیم؛ مدیران با تبادل ایمیل و شماره‌های همدیگر ارتباط قوی و صمیمی‌تری در آینده خواهند داشت؛ ارتباط مدیران هلدینگ هم می‌تواند در پیشرفت گروه خوارزمی بسیار مؤثر باشد. بازخورد چنین همایش‌هایی را در درازمدت باید دید و با گذشت زمان مشاهده کرد. البته اگر این دست همایش‌ها ادامه‌دار باشد و پی‌گیری شود می‌توان به نتیجه آن در توسعه و پیشرفت خانواده خوارزمی مطمئن بود؛ برای نمونه ایده برگزاری فصلی همایش نظر خوب و آگاهانه‌ای است؛ در این صورت راحت‌تر می‌توان اثر آن را مشاهده کرد. این همایش حس خوبی برای مدیران ایجاد

کرد و من واقعاً نکته منفی‌ای در آن ندیدم. تبیین افق ۷ساله فعلاً با یک ارایه چندساعته در شیراز شروع شده است و فرصت وارد شدن به جزئیات آن برای من پیش نیامده و هنوز این برنامه‌ها در شرکت‌های مختلف بررسی نشده است. طبیعتاً برنامه باید یک برنامه بلندپروازانه و درازمدت باشد، که باتوجه به پتانسیل فعلی خوارزمی جز این هم نمی‌توان انتظار داشت؛ یعنی اگر می‌خواهیم در بازار در اصطلاح سری در سرها داشته باشیم باید باهمین نگاه به جلو برویم. افق حداقل‌های ما باید بالا باشد که اگر به آن‌ها رسیدیم، احیاناً اگر چیزی را از دست دادیم، خیلی از بازار فاصله نگرفته باشیم. بعد از گذراندن دوره بلوغ اولیه چیزی جز این از خوارزمی انتظار نمی‌رود و باید از زحمات برگزارکنندگان این همایش تشکر کرد، برای این‌که جمع کردن ۵۰ نفر و سرویس‌دهی به آنان و برنامه‌ریزی کردن برای‌شان کار دشواری است.

جایگاه تسهیل تجارت خارجی در ایران

الناز میانداوآجی، عضو هیئت علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

در زمینه ایجاد ساختارهای نهادی، می‌توان به اقدامات دولتها در تشکیل کمیته‌ها و کارگروه‌هایی برای ایجاد هماهنگی بین نهادهای ذی‌نفع در تصمیم‌سازی و پیاده‌سازی اقدامات تسهیل تجارت اشاره کرد. در این رابطه نهادهای متعددی تاکنون ایجاد شده‌اند. در سال ۱۳۸۶، «کمیته تسهیل تجارت» به منظور حمایت از صادرکنندگان و رفع مشکلات آنان تشکیل شد. بررسی راهکارهای کاهش فرایند ترخیص کالاهای وارداتی و صادراتی به عنوان تنها موضوع مرتبط با تسهیل تجارت خارجی در مجموعه وظایف تعریف‌شده برای این کمیته مشاهده می‌شود. در سال ۱۳۸۷، «کارگروه ویژه بهبود رتبه ایران در شاخص تجارت فرامرزی» به عنوان یکی از ۱۰ زیرمجموعه کارگروه بهبود فضای کسب‌وکار تشکیل شد. در سال ۱۳۸۸، «کارگروه سامان‌دهی، هماهنگی، توسعه و تشویق امر خدمات عبور کالا از کشور (ترانزیت)» در حوزه موضوعی ترانزیت جایگزین کمیته قبلی (کمیته سامان‌دهی، هماهنگی و توسعه ترانزیت) شد. و بالاخره در سال ۱۳۸۹، «کمیته تسهیل الکترونیکی تجارت فرامرزی» با ریاست مرکز توسعه تجارت الکترونیکی تشکیل شد که هدف آن متمرکز کردن همه فعالیت‌های مرتبط با تسهیل الکترونیکی تجارت فرامرزی و پیاده‌سازی سیستم پنجره واحد الکترونیکی تجاری به عنوان یکی از راه‌حل‌های اساسی تسهیل تجاری است.

همان‌گونه که مشاهده شد، تسهیل خارجی هیچ‌گاه به صورت جامع و با در نظر گرفتن همه مصادیق آن در برنامه‌های توسعه مدنظر نبوده و اغلب به صورت اقدامات مجزا و غیریک‌پارچه مطرح شده است. خوشبختانه طی سال‌های اخیر به این موضوع به عنوان حوزه‌ای مستقل توجه شده است که نتیجه آن تدوین «سند تسهیل تجارت خارجی ج.ا.ایران» است که در نیمه راه است و به سندی مصوب تبدیل نشده است. با این وجود توجه به تسهیل تجارت در این سند تقریباً محدود به موضوع توسعه پنجره واحد تجاری شده که اگرچه جایگاه مهمی در تسهیل تجارت دارد، اما تنها یکی از محورهای آن است. علاوه بر این، فارغ از فعال بودن یا نبودن نهادهای مورد اشاره و در وهله بعدی اثربخشی تصمیم‌ها و اقدامات آن‌ها، تعدد و نیز پراکندگی و عدم انسجام وظایف مرتبط با موضوعات تسهیل تجارت در این مجموعه مشهود است. یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازهای پیشبرد منسجم و یک‌پارچه امور تسهیل تجارت خارجی، وجود تمرکز و ساختاریافتگی در تصمیم‌سازی و اجرای اقدامات است که با تدوین یک سند راهبردی جامع و کامل در حوزه تسهیل تجارت خارجی و ایجاد ساختارهای نهادی متمرکز و یک‌پارچه در راستای اجرای اقدامات تعیین‌شده در سند به صورت هماهنگ و اثربخش ممکن خواهد شد.

تسهیل تجارت خارجی از دهه‌های گذشته کمابیش با رویکردهای مختلف مورد توجه دولتها بوده است. اگرچه بسیاری از اقدامات صورت‌گرفته در حوزه‌هایی چون گمرکات، انعقاد موافقت‌نامه‌های تجارت و حمل‌ونقل و ترانزیت و غیره را می‌توان در زمره مصادیق تسهیل تجارت در نظر گرفت، اما آن‌چه در این‌جا مدنظر است، مواردی است که مشخصاً اصطلاح تسهیل برای آن‌ها به کار می‌رود. در سطح کلان، عمده‌ترین موارد را می‌توان شامل دو بخش سیاست‌گذاری و ایجاد ساختارهای نهادی لازم برای هماهنگی بین نهادهای در این حوزه دانست. در این رابطه، در برخی بندهای برنامه‌های دوم، چهارم و پنجم توسعه به موضوعات تسهیل تجارت پرداخته شده است. طبق بند ب از تبصره ۲۵ ماده واحده برنامه دوم توسعه، به منظور ایجاد تسهیل و توسعه در فعالیت‌های



صادراتی و ثبات در سیاست‌های اجرایی مربوط و جلوگیری از عدم هماهنگی، در چهار بند تکالیفی برای دستگاه‌های دولتی تعیین شده بود. مهم‌ترین آن‌ها در رابطه با مصادیق تسهیل تجارت عبارت بودند از اختصاص اعتبارات لازم برای تجهیزات گمرکات، ایجاد انبار و سردخانه و حذف مراحل اداری غیرضروری صدور کالا. در ماده ۳۴ برنامه چهارم توسعه، به منظور تسهیل تجارت و حمل‌ونقل، استقرار صنایع دریایی، گسترش گردشگری، کمک به بهره‌برداری پایدار منابع شیلاتی و استفاده بهینه از این مناطق، تکالیفی برای دولت تعیین شده بود که البته هیچ‌یک از وظایف تعریف‌شده را نمی‌توان منحصرًا مرتبط با تسهیل تجارت خارجی دانست. درنهایت طبق بند ز از ماده ۱۶۳ برنامه پنجم توسعه، به منظور تسهیل تجارت، رقابت‌پذیر کردن فعالیت‌های حمل‌ونقل با توجه به مزیت‌های نسبی در زنجیره عرضه و خدمات ترابری منطقه‌ای و بین‌المللی، دولت مجاز به انجام اقداماتی چون ایجاد زیرساخت‌های لجستیک و حمل‌ونقل، مکان‌یابی و اجرای پایانه‌های کانتینری و حمل‌ونقل ترکیبی، و نیز فراهم کردن سازوکارهای لازم برای افزایش حجم ترانزیت خارجی کالا شده است.

تجارت خارجی را می‌توان متشکل از سیاست‌ها، اقدامات و ابزارهای دولتها برای توسعه تجارت و در کنار آن مبادلات برون‌مرزی دانست که تحقق عینی و بیرونی آن هستند. مبادلات از طریق عناصری از جنس رویه‌ها و ضوابط قانونی، فعالیت‌ها، خدمات و زیرساخت‌ها صورت می‌گیرند، که وجود و کارایی هر یک از آن‌ها در تسهیل و کارایی فرایند تبادل کالا تأثیرگذار است. حال چنان‌چه واژه تسهیل را در کنار تجارت خارجی قرار دهیم، آن‌چه به ذهن متبادر می‌شود، ساده‌تر و آسان‌تر کردن تجارت است. با این وصف مقصود از تسهیل تجارت را می‌توان ایجاد کارایی تجارت، کاهش هزینه و زمان و نیز روان‌سازی مبادلات تجاری دانست. برای تسهیل تجارت خارجی تعریف واحدی در جهان ارائه نشده و نهادهای بین‌المللی تعاریف مختلفی را که طیف متفاوتی از مصادیق را شامل می‌شوند، برای این موضوع ارائه کرده‌اند.

تسهیل تجارت خارجی شامل سیاست‌گذاری‌ها و اقداماتی جهت کاهش هزینه، زمان و عدم قطعیت مرتبط با تجارت بین‌الملل است که البته ابزارهای سنتی تجارت اعم از تعرفه‌ها، سهمیه واردات و سایر موانع غیرتعرفه‌ای مشابه را شامل نمی‌شود. تسهیل تجارت خارجی طیف متنوعی از اقداماتی از قبیل بهینه‌سازی مبادی ورود و خروج کالا، ساده‌سازی و هم‌نوا سازی رویه‌ها و دستورالعمل‌های مرتبط با تشریفات گمرکی و سایر تشریفات قانونی در حوزه‌های تجارت، بانک، بیمه، حمل‌ونقل و غیره، توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل و لجستیک و ارتقای صنعت حمل‌ونقل و لجستیک، به‌کارگیری فناوری‌های جدید (مانند پنجره واحد تجاری)، اصلاح و پیاده‌سازی

معاهدات و توافق‌نامه‌های دوجانبه و چندجانبه در حوزه تجارت و حمل و نقل و نظیر آن را دربرمی‌گیرد. تسهیل تجارت به‌ویژه پس از مطرح شدن تجارت جهانی و مسائل وابسته به آن به عنوان یک ابزار سیاستی مهم در محیط بین‌المللی مورد توجه است. مطالعات صورت‌گرفته در سطح جهانی نشان می‌دهند که عدم کارایی مبادلات تجاری، از مهم‌ترین موانع پیش‌روی کشورهای در حال توسعه در ارتقای جایگاه خود در تجارت بین‌المللی است. در ادبیات جهانی، کارایی تجارت بین‌المللی کشورها توسط شاخص‌های مختلفی سنجیده می‌شود که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به شاخص‌های سهولت انجام کسب‌وکار و عملکرد لجستیک (بانک جهانی) و شاخص توانمندسازی تجاری (مجمع جهانی اقتصاد) و شاخص‌های فرعی آن‌ها اشاره کرد. طبق آخرین گزارش‌ها، رتبه ایران در هر یک از شاخص‌های فوق به ترتیب ۱۴۵ (از ۱۵۵ کشور)، ۱۱۲ (از ۱۸۵ کشور) و ۱۱۷ (از ۱۳۳ کشور) است. آمار فوق به تنهایی مویده اهمیت توجه به موضوع تسهیل تجارت خارجی به‌عنوان یکی از ابزارهای ارتقای جایگاه کشور در حوزه تجارت بین‌الملل (اعم از واردات، صادرات و حتی ترانزیت) است.

نخستین بانک خصوصی ایران

می‌گرفت و سالانه دوبار نیز در ماه‌های مهر و بهمن قرعه‌کشی برگزار و به برندگان جوایزی پرداخت می‌شد. سرمایه پرداختی «بانک بازرگانی ایران» در پایان اسفند ماه ۱۳۴۹ به مبلغ ۲۵ میلیون تومان رسید. این بانک پس از اجرای ماده ۱۷ لایحه قانونی ادغام بانک‌ها، در سال ۱۳۵۸ در بانک تجارت ادغام شد.

واحد پول ایرانی

آن‌طور که پیش از این گفته شد، پول و موضوعات مربوط به آن، پیش‌نیاز ایجاد سیستم بانکی است. برای پول در هر سیستم اقتصادی، واحدی در نظر گرفته شده است که در معاملات روزانه اهمیت فراوانی دارد. هر چند اکنون واحد پول کشور ریال است، اما این واحد از دوره قاجار به بعد در اقتصاد ایران رواج یافت. جدول زیر تغییرات واحد پولی کشور را از دوره هخامنشیان به بعد نشان می‌دهد. این نکته ضروری است که بدانیم از چندی پیش زمره‌های برداشتن دو یا چند صفر از واحد پول ایران مورد توجه قرار گرفته است و هنوز مشخص نیست بانک مرکزی و تیم اقتصادی دولت در این مسیر چقدر جدی هستند.



بانک بازرگانی فعالیت‌های چشم‌گیری در رقابت با بانک‌های دولتی مانند بانک‌های ملی، سپه، کشاورزی، رهنی، کارگشایی و صنعتی آغاز کرد و به ارائه انواع خدمات بانکی مبادرت ورزید. یکی از اقدامات این بانک در آن زمان افتتاح حساب سیار بود. دارندگان این حساب به وسیله دفترچه می‌توانستند از موجودی خود در تمام شهرستان‌هایی که بانک در آن‌جا شعبه داشت، برداشت کنند. علاوه بر آن‌که به موجودی این حساب‌ها سود قابل ملاحظه‌ای نیز تعلق

«بانک بازرگانی ایران» همان چیزی است که امروز به بانک تجارت تبدیل شده است. این بانک، اولین بانک خصوصی ایرانی به شمار می‌رود. بانک بازرگانی به‌عنوان اولین بانک خصوصی در ایران به‌صورت شرکت سهامی در بهمن ماه ۱۳۲۸ تأسیس شد و در سال ۱۳۲۹ فعالیت‌های بانکی خود را آغاز کرد. این بانک نخستین بانک خصوصی با مالکیت صدرصد ایرانی بود و در محل پیشین شعبه بازار بانک شاهی واقع در خیابان بوذرجمهری تهران روبه‌روی مسجد سلطانی با ۱۸ نفر کارمند گشایش یافت و در سال ۱۳۲۹ به علت توسعه فعالیت‌های بانک در خیابان سعدی اقدام به تأسیس شعبه کرد. در سال ۱۳۳۱ بزرگ‌ترین موفقیت بانک بازرگانی ایران که خریداری محل بانک شاهی به مبلغ ۵۳ میلیون تومان بود، تحقق یافت. بانک بازرگانی در ۲۹ شهریور ماه ۱۳۳۱ بنای ساخته‌شده توسط قهرمان میرزا امیرلشکر را از بانک شاهی خریداری کرد.



نام	زمان	شرح
دریک	هخامنشیان	سکه طلا به وزن ۸/۲۵ گرم
درهم	هخامنشیان	معادل ۹۲٪ گرم طلا - گرفته شده از دراخته یونانی
درم	ساسانیان	درم فارسی دراخته یا درهم است. در این زمان از فلز نقره ضرب می‌شد.
دینار	ساسانیان	برابر ۲۰ درم است. فلز آن طلا بود.
پشیز	ساسانیان	سکه مسین زمان ساسانیان.
زر و دینار جعفری	هارون الرشید	جعفر بن یحیی برمکی سکه‌ها را ضرب کرد و به نام او رایج بود.
زردهی	-	اصطلاحی برای برابری مقدار سکه با طلا بوده است.
زر ششی سری	-	اصطلاحی برای برابری مقدار سکه با طلا بوده است.
عباسی	صفویه	ضرب فلز نقره-واحد پول - معادل چهار شاهی - دو صتاری - دو صد دینار
نیم عباسی	صفویه	صد دینار
صتار	-	مخفف صد دینار است. سکه‌ای از مس معادل دو شاهی
شاهی	صفویه	پنجاه دینار (واحد پول در زمان قاجار)
بیستی	صفویه	۲/۵ بیستی معادل یک شاهی است. (شکل این سکه بیضی بود)
غاز بیکی - غازیکه	صفویه	یک دهم شاهی (تمام سکه‌ها مدور بودند به جز بیستی)
محمودی	سلطان محمود غزنوی	برابری آن معلوم نیست. فلز نقره بود. (تاورینه در سفرنامه خود نوشته)
یک پول	قاجاریه	سکه‌های کوچک مسین
شاهی	قاجاریه	معادل دو پول
دینار	قاجاریه	صد دینار برابر با دوشاهی
عباسی	قاجاریه	معادل چهار شاهی
پنج شاهی نقره	قاجاریه	معادل ربع قران
ده شاهی نقره	قاجاریه	معادل نیم قران
قران	قاجاریه	واحد پول ایران در عهد قاجاریه و اوایل پهلوی - نقره به وزن ۲۴ نخود - کلمه عربی معادل هزار دینار
تومان	قاجاریه	کلمه ترکی مغولی سکه‌ای معادل ۱۰ قران
پناه آباد	قاجاریه	سکه‌ای نقره که در پناه آباد شوش ضرب شده است و بعداً به پناه‌آباد رواج یافت معادل نیم ریال
اشرفی	قاجاریه	سکه طلای ایران وزن آن ۱۸ نخود
پنج هزار	قاجاریه	نیم مثقال طلا (۱۲ نخود)
دو هزار	قاجاریه	ربع مثقال طلا (۶ نخود)
غاز - قاز	قاجاریه	کوچک‌ترین واحد پول زمان قاجار (پنج غاز که پنگاز می‌گفتند) یک دهم شاهی
چندک	قاجاریه	برابر دو غاز
ریال	قاجاریه - پهلوی - جمهوری اسلامی	گرفته شده از زبان اسپانیایی - معادل با یک قران و پنج شاهی بود. این کلمه از زمان تسلط اسپانیایی‌ها و پرتغالی‌ها در خلیج فارس در مرادده ایشان با مردم جنوب ایران رواج یافت و اکنون واحد پول ایران است (یکصد سال جزیره هرمز در اختیار پرتغالی‌ها بود ۱۵۱۴)

نگاهی کوتاه به کارنامه اقتصادی دولت تدبیر و امید در نیمه دوم سال

تحول ساختاری و دشواری‌های پیش رو



مریم عربی

چند ماه از آغاز به کار دولت تدبیر و امید می‌گذرد و می‌توان گفت که گام‌های نخست تیم اقتصادی دولت در زمینه کنترل بحران اقتصادی ماه‌های اخیر، به بار نشسته است. هرچند برخی از کارشناسان اقتصادی، دولت را به وابستگی به مسیر طی شده و حتی تکرار اشتباهات گذشته متهم می‌کنند و بر این باورند که شهامت اصلاح شجاعانه طرح‌های ناموفق گذشته هنوز در دولت جدید دیده نمی‌شود، اما به روایت آمار و ارقام موجود شاید بتوان عملکرد اقتصادی شش ماهه اول فعالیت دولت یازدهم را موفقیت‌آمیز نامید.

روزهای خوب؛ آمارهای بد

دولت یازدهم در شرایطی کشور را تحویل گرفت که اقتصاد در سال ۹۱ نزدیک به شش درصد کوچک‌تر شده بود، تورم به حدود ۴۰ درصد می‌رسید، شاخص فلاکت دو برابر شده بود و بی‌کاری بیداد می‌کرد. دولت فعلی با ادعای مهار تورم به میدان آمد و در برنامه‌های انتخاباتی خود بیش از هر چیز بر رفع مشکلات اقتصادی کشور تاکید داشت. بسیاری از مردم بر این باورند که از زمان شروع به کار دولت یازدهم، در قیمت کالاهای اساسی تغییر محسوسی ایجاد نشده و با پایین آمدن نرخ ارز، در واقع ارزش دارایی‌های سرمایه‌ای مردم پایین آمده است؛ چراکه در سال‌های اخیر، با وجود تورم ۴۰ درصدی، سودهایی ناچیز بانکی، رکود بازار مسکن و ناکارآمدی بورس و البته روند مهارنشده افزایش قیمت ارز، برخی از مردم ترجیح دادند که پس‌اندازهای خود را به ارز تبدیل کنند تا از سرمایه‌های خود در مقابل تورم افسارگسیخته اخیر، محافظت کرده باشند. با این حال، باید در نظر داشت که با استناد به گزارش ماه‌های اخیر مرکز آمار و بانک مرکزی، دولت در مهار سرعت رشد تورم موفق ظاهر شده و تورم نقطه به نقطه در ماه‌های اخیر، با کاهشی محسوس مواجه شده است. نهادهای بین‌المللی از جمله بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول میانگین تورم ۲۹ درصدی و نرخ بیکاری ۱۴ درصدی را برای ایران پیش‌بینی می‌کنند و برخی از دولتمردان هم وعده داده‌اند که نرخ تورم تا پایان سال آینده به کمتر از ۲۵ درصد برسد.

تورم ۲۵ درصدی؛ واقعیت یا رویا؟

شاید در ابتدای کار تیم اقتصادی دولت، وعده تورم ۲۵ درصدی و بهبود وضعیت معیشتی مردم طی صد

روز، وعده‌ای انجام‌نشده و از جنس وعده‌های دولت قبلی به نظر می‌رسید؛ اما موفقیت دولت در کنترل سرعت رشد تورم، رشد نقدینگی و بازگرداندن ثباتی نسبی به بازار طلا، ارز و مسکن را شاید بتوان به منزله نمره قبولی دولت در نخستین ماه‌های کاری در نظر گرفت؛ مسئله‌ای که وعده رسیدن به تورم ۲۵ درصدی را باورپذیرتر و محتمل‌تر می‌کند. در مدت کوتاهی که از فعالیت دولت یازدهم می‌گذرد، دیگر از شوک‌های منفی که در نتیجه سیاست‌گذاری‌های نادرست اقتصادی بر اقتصاد کلان کشور وارد می‌شد و مانند دومینو با ضریبی فزاینده وضعیت بد را در سایر بخش‌ها تشدید می‌کرد، خبری نبود و اگر هم بود، بیشتر به

شایعاتی مربوط می‌شد که به اشتباه به دولتی‌ها نسبت داده می‌شد. به عنوان مثال، در بحث افزایش قیمت حامل‌های انرژی به ویژه بنزین، دولت تلاش کرد که تا قطعی شدن موضوع، از هرگونه اظهارنظر بی‌مورد و مطرح کردن احتمالات و اما و اگرهای موجود خودداری کند؛ اما در این میان سایر مسئولان بیکار نشستند و هر آن‌چه را که در ذهنشان می‌گذشت، رسانه‌ای کردند. در نتیجه این شایعات بنزینی، آرامش اقتصادی جامعه به هم ریخت و شرایط برای میدان‌داری سوداگران و سودجویان فراهم شد. با این حال، این ناآرامی اقتصادی بیش از آن که به عملکرد دولتمردان مربوط باشد، به جوسازی مجلسیان و کارشناسان اقتصادی برمی‌گردد.

فاز دوم هدفمندی؛ دوراهی سرنوشت‌ساز دولت

به هر حال باید در نظر داشت که بحث اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها که اصلی‌ترین بخش آن، افزایش قیمت حامل‌های انرژی است، از آن دوراهی‌های حساس و سرنوشت‌ساز است که در مسیر دولت یازدهم قرار گرفته و چگونگی اجرای آن می‌تواند تغییراتی اساسی را در اقتصاد کشور رقم بزند. تیم اقتصادی دولت که در ابتدای کار تمایل چندانی به افزایش قیمت حامل‌های انرژی نداشت، زیر فشار کسری بودجه، به ناچار به سمت اجرای فاز دوم هدفمندی پیش رفت؛ طرحی که بر اساس پیش‌بینی‌های صورت گرفته، در صورت اجرا ۲/۵ تا ۱۰ درصد به تورم سالانه موجود اضافه می‌کند. این مسئله موجب شده که دولت تدبیر و امید که با رویکرد انتقاد از سیاست‌های اقتصادی دولت قبلی به میدان آمد، خود به ادامه رویه دولت پیشین متهم شود.

باید در نظر داشت که بحث اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها که اصلی‌ترین بخش آن، افزایش قیمت حامل‌های انرژی است، از آن دوراهی‌های حساس و سرنوشت‌ساز است که در مسیر دولت یازدهم قرار گرفته و چگونگی اجرای آن می‌تواند تغییراتی اساسی را در اقتصاد کشور رقم بزند

لزوم وفاق دولت و مجلس برای حمایت از بازار سرمایه



پس از رشد سریع شاخص بورس تهران و شکستن رکوردهای پشت سر هم که تا اوایل زمستان امسال نیز ادامه داشت، «بهمن سقوط شاخص» آغاز شد و سرمایه‌های بسیاری از سهام‌داران را بلعید.

سهام‌دارانی که با سقوط شاخص از قله ۹۱ هزار واحد به زیر ۸۰ هزار، ۵۰ تا ۶۰ هزار میلیارد تومان از دارایی‌هایشان را از دست رفته دیده‌اند، توقعاتی به حق نه از بازار سهام کشور، بلکه از مسئولان و تصمیم‌گیران کشور در مجلس و دولت دارند.

در حال حاضر با تصمیم‌ها و اظهارنظرهایی که در مجلس در خصوص قیمت گاز خوراک پتروشیمی‌ها گرفته شده یا بحث‌هایی که درخصوص بهره مالکانه شرکت‌های سنگ آهنی در مجلس مطرح شد یا اظهارات وزیر ارتباطات در خصوص تعرفه مکالمه برای شرکت‌های مخابرات و همراه اول یا اظهارنظرهای متفاوت در خصوص قیمت بنزین در آینده نزدیک و مواردی از این قبیل همه و همه باعث ایجاد ریسک‌های سیستماتیک در بازار سرمایه کشور شد. از سوی دیگر متأسفانه شاهد تصمیم‌گیری‌هایی در برخی از وزارتخانه‌ها بودیم که برای کسب درآمدی اندک ریسک‌هایی را به شرکت‌ها وارد کرد.

نتیجه چنین تصمیم‌ها و اظهار نظرهایی باعث شد تا ریسک‌های سیستماتیک به جایی برسد که شاخص بورس تهران بیش از ۱۰ هزار واحد کاهش یابد. با این تفاسیر سهامداران از دولت و مجلس انتظار دارند تا تصمیم‌هایی بگیرند که ریسک‌های سیستماتیک به بازار سهام تحمیل نکند و در مقابل قوانینی را در خصوص سیاست‌های مالی و مالیاتی مصوب و به اجرا درآورد که در جهت حمایت از بازار سرمایه باشد.

از سوی دیگر امیدهای بسیار به بازار سرمایه وجود دارد، چراکه، هر چند دیر هنگام، دولت حمایت‌های همه‌جانبه خود را آغاز کرده است و با اتفاقات مثبتی که در صحنه سیاست خارجی در جهت برداشته شدن تحریم‌ها در حال رخ دادن است، امید می‌رود که سال آینده شرایط برای بازار سهام مناسب باشد. هر چند که در این میان نیاز مبرم به حمایت‌های نمایندگان مردم در مجلس نیز وجود دارد.

البته به دلیل اجرای مرحله دوم طرح هدفمندی یارانه‌ها در سال آینده، ممکن است شاهد واکنش بازار باشیم، اما با توجه به اظهار نظر دولت‌مردان در خصوص شیب ملایم حذف یارانه‌ها، امید می‌رود که اتفاق ناخوشایندی در بازار نیفتد، چراکه صنعت می‌تواند حذف آرام آرام یارانه‌ها را تحمل کند، البته به شرط این که این اجازه را داشته باشد که قیمت محصولات را نیز به تدریج افزایش دهد. به هر حال سرمایه‌گذاران انتظار دارند حمایت‌ها از بازاری که ورود سرمایه‌ها به آن منجر به تورم نشده و اشتغال و توسعه صنایع کشور را به دنبال می‌آورد، بیشتر شود و ریسک‌های سیستماتیک درخصوص آن به حداقل ممکن برسد.



سبد کالا؛ مناقشه‌ساز

یکی دیگر از مواردی که کارشناسان را به سمت مقایسه دولت دهم و یازدهم می‌کشاند، طرح ارائه سبد کالا است؛ طرحی که عده‌ای آن را به منزله آغاز شمارش معکوس برای حذف یارانه‌های نقدی تلقی کردند و آن را زنده‌کننده خاطره کوپن‌ها دانستند. عده‌ای نیز از این سبد با عنوان «سبد حقارت» یاد کرده و صف‌های طولیل متقاضیان و حواشی بی‌شمار این طرح را به دستاویزی برای انتقاد از دولت تبدیل کردند. این بار هم منتقدان با استناد به عکس‌های منتشر شده از مردمی که زیر برف و باران حقارت ایستادن در صفوف طولانی دریافت سبد کالا را به جان خریدند و با اشاره به اخبار کذب جان دادن و زخمی شدن مردم در این صفوف، دولت را به ادامه راه دولت قبلی متهم کردند.

دولت یازدهم بسیاری از سیاست‌های نادرست دولت قبلی را ناشی از نقایص موجود در اجرا دانست و در عمل بسیاری از همان سیاست‌ها را به شیوه اجرایی نسبتاً جدید پیاده کرد. البته برخی بر این باورند که در این زمینه نمی‌توان به دولت خرده گرفت؛ چراکه دولت قبلی دست به اجرای سیاست‌هایی زده و میراثی بر جای گذاشته که دولت بعدی حتی اگر مخالف آن باشد، باز هم نمی‌تواند از زیر بار اجرای آن شانه خالی کند. مصداق بارز این مسئله، همان بحث یارانه‌های نقدی است؛ با این حال، در ماه‌های اخیر فشار تورمی به گونه‌ای شده بود که مردم ترجیح می‌دادند یارانه نقدی دریافت نکنند، اما قیمت‌ها به وضعیت قبلی برگردند.

دورخیز دولت برای اتمام پروژه‌های نیمه‌تمام

دیگر چالش بزرگ دولت که باز هم به واسطه میراث دولت قبلی پیش روی دولت‌مردان قرار گرفته بود، بحث پروژه‌های نیمه‌تمام بخش‌های مختلف عمرانی و صنعتی بود. آمار شگفت‌انگیز پروژه‌های نیمه‌تمام بخش اعظم توجه و انرژی دولت‌مردان را در بحث تدوین لایحه بودجه به خود اختصاص داده بود. در این مدت مسئولان یکی پس از دیگری درباره قابل تحقق بودن بودجه عمرانی و نزدیکی آن به واقعیت‌های اقتصادی اظهار نظر کردند و بازار بحث و جدل بر سر نحوه تخصیص بودجه به پروژه‌های مختلف بسیار داغ بود. در برنامه بودجه ارائه شده برای سال آینده، سقف بودجه‌های عمرانی دولت از ۲۱۰ هزار میلیارد تومان در سال جاری به ۱۹۴ هزار میلیارد تومان در سال آینده کاهش پیدا کرد و دولت با اولویت‌بندی پروژه‌ها بر حسب میزان پیشرفت فیزیکی، از بهره‌برداری از ۲۴۶ طرح عمرانی تا پایان سال آینده خبر داد. بخش اعظم کارشناسان عملکرد دولت را در خصوص ساماندهی به این پروژه‌ها مثبت ارزیابی کردند.

فرستی که باید به دولت داد

اما بزرگ‌ترین انتقادی که در بحث تدوین لایحه بودجه به دولت وارد می‌شود، عدم بازنگری بنیادی در ساختار تخصیص‌های ارزی و ریالی دولت قبلی است. به عنوان مثال، سهم نسبی بودجه شرکت‌ها در بودجه کل کشور بیش از دو برابر سهم بودجه عمومی است و این مسئله ناکارآمدی و فساد را به دنبال خواهد داشت. برخی از کارشناسان بر این باورند که در ساختار هزینه‌های دولت در سال ۹۳ هیچ بازنگری بنیادینی اتفاق نیفتاده است. باید در نظر داشت که با توجه به شرایط بحرانی اقتصادی و سیاسی دولت و هم‌چنین ضرورت اصلاح لایحه بودجه سال جاری، برای تدوین لایحه بودجه سال آینده زمان کافی در اختیار دولت نبوده و شاید برای قضاوت در این خصوص کمی زود باشد.

عملکرد اقتصادی دولت در ماه‌های اخیر، قطعاً بی‌نقص نبوده؛ اما همه باور دارند که برآیند تلاش‌های تیم اقتصادی دولت، آینده روشن‌تری را پیش روی اقتصاد کشور قرار داده است. اقتصادی که در ماه‌های اخیر در تله مذاکرات هسته‌ای گرفتار شده بود و هیچ کوششی برای بهبود نسبی آن به ثمر نمی‌نشت، حالا با خوش‌بینی بیشتری به آینده نگاه می‌کند و تلاش‌های دولت در جهت تعامل با قدرت‌های اقتصادی بزرگ دنیا حرکت ارزشمندی است که نمی‌توان به آسانی از آن چشم‌پوشی کرد. سفر هیات‌های اقتصادی بزرگ اروپایی به ایران شاید به این زودی‌ها به نتیجه نرسد؛ اما قطعاً نویدگر بیرون آمدن اقتصاد ایران از انزوای چندین ساله است.



این جا همه امیدوارند...

بورس؛ راه برای پولدار شدن

شاهین یاسمی

تالار شیشه‌ای زیر پل حافظ بوی عدد و رقم می‌دهد؛ اعداد و ارقام مثبت و منفی؛ سبز و قرمز! این ساختمان به ظاهری روح، در تمام این سال‌ها، روح بسیاری از آدم‌های این شهر را در خود غرق کرده و لحظات بسیار شیرین و گاه تلخی را برایشان رقم زده است؛ آدم‌هایی که رویاهای خود را در بالا رفتن ارقام درج شده روی مانیتورهای رنگی ساختمان شیشه‌ای در ذهنشان پردازش می‌کنند و گویی سرنوشتشان بانک‌تک این ارقام پیوندی ناگسستنی دارد. این ساختمان شیشه‌ای تنها در طول سه ساعت شبانه‌روز این چنین مرکز توجه قرار می‌گیرد و پس از پایان معامله در ساعت ۱۲ ظهر، انگار نه انگار که تا همین چند لحظه پیش چه هیاهویی در آن به پا بوده! پس از نیم‌روز، تالار خاموش سکوتی معنادار به خود می‌گیرد و به انتظار می‌نشیند تا صبح فردا. در این مطلب می‌خواهیم شما را با حرفه سرمایه‌گذاری در بورس و بورس‌بازی آشنا کنیم؛ کسی چه می‌داند، شاید با خواندن این گزارش رغبت پیدا کردید که وارد این عرصه شوید و بخت خود را امتحان کنید.

سود خود را هم به بازار تزریق کنند تا بتوانند آن را در کوتاه‌ترین زمان ممکن چندبرابر کنند. بورس‌بازی برای کسانی که خود را آدم‌های باهوش اقتصادی و ریاضی بالایی می‌دانند و در ضمن حوصله کارهای فیزیکی ندارند، می‌تواند گزینه مناسبی باشد. ضرورتی ندارد که بورس‌بازها در محل کار خود یعنی تالار بورس حضور پیدا کنند. این روزها با پیشرفت تکنولوژی می‌توانند با یک تلفن یا نشستن پشت یک کامپیوتر و از طریق اینترنت درآمد بالایی کسب کنند.

درواقع شاید بورس تنها جایی باشد که تنها کسی که رئیس شماس، خود شما هستید و شما فقط برای خودتان کار می‌کنید و برعکس بسیاری از شغل‌ها در بازار سهام دیگر فرد بدون یک آقابالاسر کارش را پیش می‌برد. بورس‌بازها کسانی هستند که نیازی ندارند درصد زیادی از وقتشان را به کارشان اختصاص دهند و در مدت زمان کوتاه و مشخصی در طول روز، هفته و ماه می‌توانند استراتژی‌شان را تغییر دهند یا سهام موردنظرشان را خرید و فروش کنند. در این راه بعضی از این بورس‌بازها بلندمدت کار می‌کنند و بعضی میان‌مدت و کوتاه‌مدت. فرقی نمی‌کند که شما مدت زمان سرمایه‌گذاری‌تان کدام‌یک از این سه حالت باشد، ولی برای هریک باید دانش، استراتژی و تحلیل‌های خاص خودشان را در پیش بگیرید؛ تحلیل بنیادی، تحلیل تکنیکال، رسم نمودار، رفتارشناسی سهام، نوسان‌گیری، تشکیل سید سهام و... اصطلاحات و اصولی است که شما در این راه با آن‌ها مواجه هستید و باید در زمان مشخص، تصمیمتان را بگیرید که کدام‌یک را برگزینید. البته اگر بخواهید، می‌توانید ترکیبی از این‌ها را با هم به کار ببرید و در عین سرمایه‌گذاری بنیادی، تکنیکال

خود کسب می‌کنید. حال اگر کسی مدت طولانی‌تری در بازار سرمایه حضور پیدا کند و با زیربوم این بازار آشنا باشد، به او بورس‌باز می‌گویند. بورس‌باز به نوعی از بازار و بازی خرید و فروش سهام لذت می‌برد. بورس‌بازها افراد باتجربه‌ای هستند و معمولاً از هوش سرشار اقتصادی بهره‌مندند، زیرا توانسته‌اند در این بازار دوام بیاورند. برتری بورس نسبت به خیلی از بازارهای دیگر، همچون بازار سکه و ارز، در این است که نوسان بورس بسیار کمتر است؛ به همین دلیل امنیت سرمایه‌گذاری در بورس بیشتر است. طبق قوانین سقف ضرر در بورس ۴- درصد در هر روز و سقف سود هم ۴+ درصد است. البته در بعضی شرایط ممکن است که این رقم بسیار بیشتر باشد. اگر سری به تالارهای بورس بزنید، متوجه می‌شوید که بسیاری از مدیران موفق و بازنشسته دولتی، بانکی، استادان دانشگاهی و جوانان خلاق و دارای ذهن ریاضی بعضی از این بورس‌بازها را شامل می‌شوند. کسانی که می‌خواهند وارد بازار سهام شوند، باید از روابط عمومی خوبی برخوردار باشند و بتوانند سرمایه‌های اجتماعی را که همان داشتن دوستان و شرکای حرفه‌ای زیاد و قابل اعتماد است، برای خود ذخیره کنند. یک بورس‌باز حرفه‌ای باید بتواند اعتماد کارگزاران را به سمت خود جلب کند و بتواند ارتباط خوبی با مدیران و کارشناسان کارگزاری‌های بورس داشته باشد. معمولاً کسانی که وارد بورس می‌شوند و بورس‌باز هستند، جزو قشر ثروتمندتر جامعه هستند. ولی این به آن معنا نیست که آن‌ها حتماً زندگی تجملاتی داشته باشند، زیرا آن‌ها اعتقاد دارند باید سرمایه را در بازار به گردش درآورد و مخارج را تا بیشترین حد پایین آورد. در این میان بعضی از بورس‌بازان معتقدند همواره باید بخش قابل توجهی از

روزها با توجه به سخت شدن وضع اقتصادی و معیشتی، بالا رفتن تورم و نقدینگی، کاهش ارزش پول ملی و گرانی‌های طاق‌ت سوز به جا مانده از گذشته و نابسامانی کسب‌وکار، بسیاری از مردم به فکر سرمایه‌گذاری برای به گردش درآوردن سرمایه خود هستند. اگر کسی سرمایه‌ای داشته باشد، می‌تواند آن را در راه‌های مختلفی استفاده کرده و به کار ببندد تا بتواند به‌طور ماهانه یا سالانه درآمد ثابت یا متغیری برای خود کسب کند. یکی سرمایه خود را برای کارهای آزاد تجاری، گرفتن نمایندگی، فروشنده‌گی در مغازه و... به کار می‌بندد و دیگری سرمایه‌اش را در کارهای مرتبط با تخصص و حرفه و تحصیلاتش به کار می‌بندد و برای مثال کم نیستند کسانی که این روزها روی مغازه‌شان سرمایه‌گذاری کرده‌اند و از راه فروشنده‌گی و کسب سود برای خود درآمدزایی می‌کنند. این کار یکی از کارهایی است که می‌توان آن را توسعه داد و با بزرگ کردن مغازه و به‌کارگیری اعضای خانواده آن را مدیریت کرد. یا هستند مهندسان، پزشکان و دندان‌پزشکانی که با توسعه کار حرفه‌ای خود به تأسیس مراکز مهندسی، تحقیقاتی و درمانی بزرگ روی می‌آورند. اما یکی دیگر از راه‌های سرمایه‌گذاری هدایت نقدینگی و سرمایه به سمت بازارهای پول و سرمایه است. سرمایه‌گذاران این بازار می‌توانند به خرید و فروش سهام، ارز، طلا، سکه، مسکن و... بپردازند و با عملکرد درست و حرفه‌ای از این راه سودهای بالا و غیرقابل تصور به جیب بزنند.

یکی از انواع سرمایه‌گذاری‌ها در بازارهای موازی پول است که سرمایه‌تان را برای خرید و فروش سهام به کار ببندازید که در این صورت شما یک سرمایه‌گذار عادی در بورس به حساب می‌آید که به‌طور موقت یا دائم به خرید و فروش می‌پردازید و سود خوب و معمولی را برای

هم کار کنید، یا هم‌زمان با نوسان‌گیری کوتاه‌مدت، یک سبد سهام بلندمدت هم برای خود تشکیل دهید. اگر قدری درباره ثروتمندترین افراد یا سرمایه‌گذاران جهان تحقیق کنید، متوجه می‌شوید که سرفهرست ثروتمندترین سرمایه‌گذاران جهان از آن وارن بافت است. بافت بزرگ‌ترین بورس‌باز جهان است که استراتژی او برای معامله‌گری بلندمدت است و سبک خاص خود را در بازار دارد. بافت نمونه واقعی یک سرمایه‌گذار موفق است و در فهرست ثروتمندترین مردان و زنان جهان نامش در جایگاه دوم و پس از بیل گیتس قرار دارد. او رویای هر بورس‌بازی در جهان به حساب می‌آید و سرمایه‌گذاری است که همواره رقبا و همکارانش به تمجید و تکریم او می‌پردازند. اگر پای صحبت بورس‌بازان حرفه‌ای و باتجربه بنشینید، اولین توصیه آن‌ها به شما این است که «همه تخم‌مرغ‌هایتان را در یک سبد نگذارید»؛ این شعار اصلی کسانی است که در بورس سرمایه‌شان را به کار می‌اندازند. آن‌ها به تجربه فهمیده‌اند که همه سرمایه‌شان را در بورس به کار نیندند، یا به جای خرید سهام یک شرکت سهام چندین شرکت را بخرند. اما باید گفت که این بازار سرمایه، آن‌طور هم که می‌گویند، از در نامردی و خشونت با فعالانش که همان بورس‌بازان هستند، وارد نمی‌شود و بسیاری را به سقف درآمد بسیار بالایی رسانده است. یک بورس‌باز حرفه‌ای ایرانی می‌گوید فردی را می‌شناسد که در سال ۸۶ با ۲۰ میلیون تومان وارد بورس شده است و براساس تحلیل‌های شخصی و اطلاعات رانتی به سرمایه چهار تا پنج میلیارد تومانی رسیده است و البته در نقطه مقابل کسانی هستند که دچار سقوط وحشتناک شده‌اند و سرمایه‌شان را از دست داده‌اند و ۲۰ میلیون تومان‌شان را در مدت‌زمان کوتاهی به دلیل اشتباهات استراتژیک از دست داده‌اند.

با چه سرمایه‌ای باید وارد بورس شویم؟

آگاهی از این که چه مبلغی باید در بازار سهام سرمایه‌گذاری کنید، به شکل باورنکردنی در تعیین مسیر مالی و سرمایه‌گذاری شما مهم است، همه ما بر اساس ویژگی شخصی، ثروت خالص، و ریسک‌پذیری متفاوت هستیم. یک پیشنهاد ساده این است که «۵۰ درصد ثروت خالص خود را در بازار سهام سرمایه‌گذاری کنید» این پیشنهاد برای کسی که قصد آغاز فعالیت در این مسیر را دارد، بسیار مبهم و نامعین است.

این نوشتار سعی می‌کند به شما نشان دهد که زمانی که می‌خواهید تصمیم بگیرید چقدر پول در بازار اوراق بهادار سرمایه‌گذاری کنید، چه عواملی مهم است. سرانجام فقط شما تصمیم خواهید گرفت که چه میزان سرمایه را به بازار سهام بیاورید، با این حال این‌ها عوامل مهمی هستند که شما به آن نیاز دارید.

سن شما: جوان‌ترها پشتکار بیشتری دارند و می‌توانند بیشتر در بازار حضور داشته باشند، زیرا وقت بیشتر برای به دست آوردن پولی دارند که احتمالاً در بازار از دست داده‌اند. سرمایه‌گذاران و کسانی که نزدیک به سن بازنشستگی هستند، این نعمت را ندارند و مجبورند به سرمایه‌گذاری محتاطانه روی آورند، زیرا اشخاص بازنشسته در وضعیت استاندارد زندگی خودشان معمولاً به سود پول سرمایه‌گذاری شده خود متکی هستند. آن‌ها احتیاج دارند که کمتر سرمایه‌گذاری کنند تا خطرشان هم کاهش پیدا کند.

چقدر می‌خواهید فعال باشید؟

به طور کلی، پذیرش ریسک بیشتر، انتظار از نفع و زیان را بالا



می‌برد، به عبارت دیگر با سرمایه‌گذاری بیشتر ریسک بیشتری می‌پذیرید (حتی اگر در سهام کم‌خطر سرمایه‌گذاری کنید)، بنابراین از خودتان درباره اهداف فعلی و بلندمدت بپرسید و تعیین کنید که به چه میزان می‌توانید در یک دوره زمانی فعال باشید.

در بورس به خود چه نمره‌ای می‌دهید؟

من فقط ۲۵ درصد دارایی خالص خود را در بورس سرمایه‌گذاری می‌کنم. با وجود این فکر می‌کنم برای سال‌های باقی‌مانده، باید ریسک بیشتری را بپذیرم، زیرا دانش، مهارت و تجربه بیشتری کسب خواهم کرد. شما هم ببینید که در حال

خرید و نگهداری بهترین راهبرد است. بهترین راه برای افزایش ثروت این است که سهمی را که دوست دارید، پیدا کنید و تا زمانی که می‌توانید به پای آن بنشینید؛ زیرا شما نمی‌توانید از بازار سرمایه پیشی بگیرید

حاضر به خود چه نمره‌ای در سرمایه‌گذاری می‌دهید. پولی را که برای معیشت به آن نیاز دارید، سرمایه‌گذاری نکنید. پولی را که به‌سادگی نمی‌توانید به دست آورید، سرمایه‌گذاری نکنید. پولی را که در بازار سهام، سرمایه‌گذاری می‌کنید، هرگز، هرگز، هرگز از پولی نباشد که نمی‌توانید از عهده از دست دادن آن برآیید. صرف نظر از این که چه مقدار سرمایه‌گذاری شده، اگر پولی که به آن در زندگی خود نیاز دارید، سرمایه‌گذاری کنید، خطر و فشار زیادی را به خودتان تحمیل کرده‌اید.

فقط به اندازه‌ای سرمایه‌گذاری کنید که به راحتی تحمل از دست دادن آن را داشته باشید. تا زمانی که همه ما امیدواریم در سرمایه‌گذاری خود موفق می‌شویم، فرض این که احتمالاً



نمی‌توانیم هر مبلغی را که سرمایه‌گذاری کرده‌ایم از دست بدهیم، غیرواقعی است. پس زمانی که از خود می‌پرسید «چقدر باید سرمایه‌گذاری کنم؟» به یاد داشته باشید که احتیاج به درک این واقعیت دارید که در چه آستانه‌ای اگر همه پولی را که سرمایه‌گذاری کرده‌اید از دست رود، راحت هستید. نه فقط این مطلب به شما در تعیین سطح خطری که می‌پذیرید کمک خواهد کرد، بلکه شما را درباره سرمایه‌گذاری‌تان حساس خواهد کرد. با تمام این مفروضات که به آن اشاره شد، شما باید یک برآورد دقیق از این که چه مقدار پول باید سرمایه‌گذاری شود، داشته باشید.

افسانه‌های متداول درباره بازار سرمایه: من به عنوان سرمایه‌گذاری که در بازار سرمایه فعالیت می‌کند، تعداد زیادی باورهای کاملاً غلط و غیرواقعی درباره بازار سرمایه شنیده‌ام. گاهی اوقات باورهای مضر و عقاید نادرست موجب دادن نظریات غلط و مخرب در قبال سبد سرمایه‌گذاری شما می‌شود. در ادامه به چند نمونه از این افسانه‌ها در بازار آمریکا اشاره می‌شود.

۱- فروش استقراضی سهام (Selling Short) یک فعالیت ضدآمریکایی است. زمانی که شما اقدام به فروش استقراضی می‌کنید، درواقع اعتقاد دارید که در آینده شرکت عملکرد ضعیف‌تری خواهد داشت و شما منفعت کسب می‌کنید. با این کار شما اقتصاد را به سمت شکست و سقوط پیش می‌برید، در حالی که واقعیت آن است که فروش استقراضی سهام هیچ تفاوتی با خرید سهام زمانی که وقت مناسبی برای خرید است، ندارد.

۲- کسب پول گروهی به معنی آن است که گروه دیگر پول خود را از دست داده‌اند. این عقیده وجود دارد که بازار سرمایه بازاری با مجموع صفر (sum-zero) است، یا به عبارت دیگر برد یکی، باخت دیگری را به همراه دارد. در حقیقت طرفداران این عقیده باور دارند که پول هرگز در بورس اوراق بهادار از بین نمی‌رود، بلکه به‌سادگی از یک سرمایه‌گذار نادان به یک سرمایه‌گذار زرنگ منتقل می‌شود، در حالی که این یک عقیده و باور نیرنگ‌آمیز بازار سرمایه است که در بعضی مواقع می‌تواند درست باشد؛ اما به طور کلی بازار سرمایه، بازاری با بازی مجموع صفر نیست. چیزی که اجازه می‌دهد بازار سرمایه بر خلاف این عقیده حرکت کند، این است که تا زمانی که بازار روند صعودی دارد، همه سرمایه‌گذارانی که سرمایه‌گذاری بلندمدت دارند، سود می‌برند، بنابراین حتی اگر سرمایه‌گذاری در سال جاری زیان کند، ممکن است با خرید سهام دیگر سود کند و در مجموع می‌توان گفت که در بلندمدت همه سرمایه‌گذاران سود خواهند کرد.

۳- خرید و نگهداری بهترین راهبرد است. بهترین راه برای افزایش ثروت این است که سهمی را که دوست دارید، پیدا کنید و تا زمانی که می‌توانید به پای آن بنشینید؛ زیرا شما نمی‌توانید از بازار سرمایه پیشی بگیرید و فقط می‌توانید برای مدت طولانی منتظر آن بمانید. متأسفانه این اصل به عنوان یک اصل درست و از سال‌ها قبل استفاده می‌شود.

۴- شما نمی‌توانید از بازار سرمایه پیشی بگیرید. پیشی گرفتن از عملکرد بازار سرمایه ممکن نیست و کسانی که واقعا این شاهکار را انجام داده‌اند، اقبال آن‌ها تا زمان طولانی دوام نخواهد داشت. برای پیشی گرفتن از بازار سرمایه خود را به زحمت نیندازید؛ فقط بپذیرید که نمی‌توانید بر میلیون‌ها سرمایه‌گذار دیگر که معتقدند بازار سهام غیرقابل غلبه است، پیشی بگیرید. اما واقعیت این است که بازار سهام می‌تواند در دوره‌هایی نسبت به برخی سرمایه‌گذاران بازدهی کمتری داشته باشد. سرمایه‌گذارانی هستند که این کار را هر ساله انجام می‌دهند و بعضی‌ها هر ساله از بازار پیشی می‌گیرند. از آن‌جا که انجام آن آسان نیست، امکان آن بسیار کم است.

توسعه صنعت با کارآفرینی

غلامحسین دوانی



از دهه ۱۹۷۰ پدیده کارآفرینی، در کشورهای توسعه یافته امروزی مورد توجه ویژه بوده و تقریباً تمامی این کشورها در مراحل مختلف توسعه، ضمن ایجاد فضای کارآفرینی، از کارآفرینان در جهت به کارگیری منابع و عوامل تولید و رونق اقتصادی و ایجاد ثروت و شغل بهره بسیار برده‌اند. کشورهای مذکور در روند توسعه خود مراکز تخصصی گوناگونی برای پرورش کارآفرینان تاسیس کرده‌اند، حتی در مراکز آموزش رسمی، دروسی تحت همین عنوان تدریس شده و با تنوع بیشتری نیز در حال تدریس است. ژاپن و کره به عنوان کشورهای مورد توجه، مراکز خاصی را جهت کاربرد دانش و صنعت و راهکار استفاده از کارآفرینان تاسیس کردند. در رابطه با کارآفرینی اشاره به چند نکته ضروری به نظر می‌رسد.

۱- از نظر مفهوم برای واژه کارآفرینی تعاریف مختلفی وجود دارد، اما کوتاه‌ترین و جامع‌ترین تعریف برای کارآفرین توسط پیتر دراکر نظریه پرداز مشهور مدیریت ارائه شده است. او کارآفرین را کسی می‌داند که «ایده‌ها را به واقعیت تبدیل می‌کند» و تبدیل ایده به واقعیت نیز سازوکار مناسب خود را طلب می‌کند. پردازش و قابلیت اجرایی دادن به ایده و در نهایت اجرای آن مرحله‌ای است که در یک فضای توسعه یافته کارآفرینی امکان پذیر می‌شود. بنابراین دولت مردان باید توجه خاصی را مبذول این موضوع کنند. البته در ایران نیز گفته می‌شود یک راننده رئیس کل بانک مرکزی با حداکثر یک دیپلم ناقص همه ایده‌های نئولیبرال‌های بانکی را با عملیات سواپ و سوئیفت و همچنین یک تازه وارد مهاجر دهه ۹۰ هجری با ۵۰ میلیون پول (۶۰ هزار دلار به قیمت آن روز) بیش از سه هزار میلیارد دارایی ملت را تصاحب و ایده سرمایه داری نئولیبرالی را در هم نوردیده است.

۲- کارآفرینان از فرصت‌ها و موقعیت‌هایی که پیش می‌آید، به خوبی استفاده می‌کنند، توان خلاقیت دارند، یعنی قادرند با نگاهی متفاوت به اشیا و پدیده‌ها منجر به زایش پدیده‌ای نو شوند و نکاتی را ببینند که انسان‌های معمول قادر به تشخیص آن‌ها نیستند. نوآور هستند، گرچه ممکن است یک انسان خلاق لزوماً نوآور نباشد و نتواند راه حل مناسب را ارائه کند، اما پیش نیاز نوآوری خلاقیت است و بدون وجود خلاقیت، نوآوری ممکن نیست. ریسک پذیر هستند، زیرا بدون دارا بودن قدرت ریسک پذیری حساب شده، نمی‌توان دست به کارهای غیرمعمول زد. برخلاف تقلید که به توان ریسک پذیری بالایی نیاز ندارد، نوآوری همیشه با ریسک بالا همراه است و پدیده‌ای که با شکلی کاملاً نو به وجود می‌آید، برای سازگاری با محیط جدید، با خطرات گوناگون درون‌زا و برون‌زا روبه‌روست، بنابراین تنها انسان‌های با اعتماد به نفس و دارای روحیه خودباوری و ابتکار عمل می‌توانند دست به کارهای نو و بزرگ بزنند. توان ایجاد و اداره منابع برای گسترش فعالیت‌ها دیگر ویژگی کارآفرینان است. افرادی با دارا بودن تمام یا بخشی از خصوصیات مذکور، در ردیف کارآفرینان قرار می‌گیرند. فعال شدن کارآفرینان موجب می‌شود استعدادهای

در شرایط کنونی کشور از نظر وضعیت اقتصادی، میزان و ترکیب جمعیت از نظر جوان بودن و چند صد هزار نیروی کاری که هر ساله وارد بازار کار می‌شود، همچنین نیازی که به توسعه صنعت، به عنوان یک الزام برای بقا احساس می‌شود، توجه ویژه به توسعه کارآفرینی که عنصری مهم و موتور محرک توسعه صنعت است، امری حیاتی است. کارآفرینی موجب به کارگیری سرمایه‌ها و ترغیب سرمایه گذاری، ایجاد زمینه انتقال و توسعه فناوری، ایجاد اشتغال، سامان دهی منابع مالی و استفاده از درآمدهای آن می‌شود، ضمن این که زمینه نوآوری در تولید، نوآوری در خدمات، برانگیختن توسعه اقتصادی و اجتماعی و ایجاد و توزیع ثروت را فراهم می‌کند. توسعه کارآفرینی موجب می‌شود اقتصاد کشور به تدریج از اتکا به دولت فاصله بگیرد و بیشتر به افکار خلاق و نوآور نیروی جوان و شایسته سالار و در حیطه بنگاه‌های غیردولتی متکی شود. این تحول ضمن توسعه واحدهای کوچک و متوسط صنعتی، مشکل بی‌کاری را نیز حل کرده و برای خیل عظیم نیروی کار جوان و با استعداد کشور فرصت و میدان فعالیت به وجود می‌آورد.

گرچه بین کارآفرین بودن و پیشینه افراد از جنبه‌های روانی، تربیتی، تجربی، فرهنگی، شرایط اقتصادی و جایگاه اجتماعی رابطه تنگاتنگ وجود دارد (که در ایران به ضرب برخی رسانه‌های روزی‌مزد و معدودی خبرنگار معلوم الحال می‌توان پیشینه تاریخی سیاسی و اقتصادی هم جعل کرد)، اما به طور قطع باید پذیرفت که پدیده کارآفرینی پدیده‌ای اکتسابی است و فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی می‌تواند نقش و سهم تعیین کننده‌ای در ایجاد کارآفرینان و توسعه کارآفرینی داشته باشد. بنابراین بازنگری اساسی در محتوای برنامه‌های آموزشی از سطح ابتدایی تا سطوح عالی به عنوان یک ضرورت تام باید در دستور کار مسئولان قرار گیرد، چرا که بنیاد کارآفرینی بر دانش و آموزش استوار است. البته نباید فراموش کنیم که در شرایط محیطی اقتصادی فعلی برای برتری علم بر ثروت باید دلایل قانع کننده‌ای در کتاب‌های درسی به دانش‌آموزان ارائه دهیم که باور کنند سوئیفت و سواپ از علم برتر نیستند.

برجسته و بلندپرواز کشور فرصت تلاش و تحرک پیدا کنند. بافت ذهنی آن‌ها به تدریج تغییر یافته و عامل کار به عنوان ارزش مطرح شود و ذهنیت واسطه‌گری را که از سرمایه گذاری بلندمدت گریزان است، کمرنگ کند. بنابراین با توسعه فضای کارآفرینی و تغییر ذهنیت نیروی کار فرهنگ واسطه‌گری به تدریج جای خود را به فرهنگ تولیدی خواهد داد، که ظرفیت سازی تولیدی، و ایجاد ظرفیت صادراتی از بدیهی‌ترین پیامدهای آن خواهد بود.

با عنایت به این که مهم‌ترین، کمیاب‌ترین و استراتژیک‌ترین سرمایه یک جامعه «مدیریت کارآفرین» آن جامعه است، باید محیط کارآفرینی را تقویت کرد، کارآفرینان موجود را که عمدتاً نیروی جوان، تحصیل کرده و با انگیزه جامعه هستند (که بخش قابل توجهی از آنان متأسفانه به علت بی‌مهری و بی‌توجهی عمدتاً روند مهاجرت به کشورهای خارجی را برگزیده‌اند) شناسایی و تحت حمایت قرار داد، مشکلات مختلف کارآفرینان را حل کرد و با ایجاد مراکز تربیت و پرورش و یا مراکز برای حمایت‌های مالی و تخصصی از کارآفرینان فرصت رشد آن‌ها را فراهم کرد. در این صورت می‌توان امیدوار بود که راه توسعه صنعت هموار شده و سازوکاری را که کشورهای توسعه یافته سال‌ها پیش دنبال کرده‌اند، امروز برای کشور ما نیز دستاوردهای ملموسی به همراه داشته باشد. که این مهم بدون استقرار نظام شایسته سالاری امکان پذیر نیست.

۳- تامل در مفهوم کارآفرینی و تعمق در راهکارهای توسعه اقتصادی- اجتماعی به طور اعم و توسعه صنعت به طور اخص، این نکته را آشکار می‌کند که بدون تردید در این برهه از زمان که جهان با شتابی فزاینده در حال تحول است و از سویی با توجه به معضلات جهان کنونی، اتکا به درآمد نفت خام به پایان می‌رسد. کارآفرینان مهم‌ترین نیروی بالقوه مدیریت توسعه جامعه هستند که می‌توانند نقش تاریخی خود را ایفا کنند. بنابراین ایجاد فضا و توسعه کارآفرینی و حمایت از کارآفرینان باید به عنوان یک برنامه ویژه در دستور کار قرار گیرد. تا اینان به عنوان ثروت انسانی جایگزین ثروت طبیعی جوامع شوند.

گفت و با سهامداران خرد و کارشناسان

خوب و بدهای بازاری پر تلاطم



بورس تهران پس از انتخاب حسن روحانی به عنوان رئیس دولت یازدهم، روزهای رویایی را سپری کرد. این در حالی بود که بازارهای رقیب مانند طلا، ارز و مسکن به دلیل ثبات در نرخ با استقبال سرمایه‌گذاران روبه‌رو نبودند و بعد از مدت‌ها رکود سنگینی را تجربه می‌کردند.

از طرف دیگر مسئولان دولت و بازار سرمایه مردم را برای سرمایه‌گذاری در بورس تشویق می‌کردند تا از یک سو جلوی تورم را بگیرند و از سوی دیگر با جذب سرمایه‌ها و رونق بورس، صنعت و تولید کشور نیز رونق بگیرد.

فارغ از این مولفه‌ها، بهبود شرایط در صحنه سیاست خارجی، امضای تفاهم‌نامه ژنو، امید به برداشته شدن تحریم‌ها، انتشار خبرهایی در خصوص تمایل سرمایه‌گذاران خارجی برای بازگشت به ایران و در مجموع بهبود دورنمای اقتصاد کشور نیز ضریب جذابیت بورس را بالا برد. به این ترتیب سرمایه‌گذاران خرد که محلی مناسب برای گرفتن بازدهی قابل توجه نداشتند، سرمایه‌های خود را وارد بازار سهام کردند. استقبال سرمایه‌گذاران از بازار سهام باعث شد تا صف‌های خرید سنگین برای سهام اکثر شرکت‌ها تشکیل شود و پرواز شاخص بورس تهران کلید بخورد. ادامه این روند کار را به جایی رساند که نماگر بازار قله ۹۱ هزار واحد را نیز پشت سر گذاشت. همه این شرایط رویایی اما تا زمانی بود که بررسی بودجه سال آینده در مجلس آغاز نشده بود. هنگامی که فرایند تدوین بودجه در مجلس به تعیین نرخ گاز خوراک پتروشیمی‌ها و میزان بهره مالکانه معادن سنگ آهن رسید، شرایط به‌سرعت تغییر پیدا کرد.

بهارستان‌نشین‌ها تصمیم گرفتند این نرخ‌ها را افزایش دهند و این موضوع ریسک سیستماتیک را برای غول‌های بازار سرمایه افزایش داد. از سوی دیگر اختلاف نظرها بر سر تعرفه مکالمات مخابرات نیز باعث شد تا دیگر لیدر بورس نیز با مشکلاتی روبه‌رو شود. همه این‌ها در حالی رقم خورد که اظهارنظر غیرکارشناسی برخی نمایندگان و عده‌ای از مدیران دولتی در وزارت‌خانه‌ها، فتیله فضای ناامیدکننده‌ای را در بازار سرمایه روشن کرده بود.

بعد از این پرده بدرنگ، سهامداران دست به کار شدند و سعی کردند به هر نحوی شده سرمایه‌های خود را از بورس خارج کنند، به تبع این امر شاخص بورس تهران ریزش خود را آغاز کرد و سقوطی که همچون صعودش همراه با رکوردهای تاریخی بود، جای پایش را در تالار سرمایه باز کرد.

در این میان البته فقط سهامداران حقیقی نبودند که سرمایه‌هایشان را از بازار خارج کردند، بلکه حقوقی‌های بزرگ و کوچک نیز سعی داشتند با فروش سهام خود از زیان‌های موجود جلوگیری کنند. این عقب‌نشینی‌ها در نهایت بالغ بر ۶۰ هزار میلیارد تومان ارزش بورس تهران را کاهش داد که می‌توان گفت درواقع سهامداران به همین میزان زیان را مزمزه کرده‌اند.

بعد از این اتفاقات مدیران دولتی سعی داشتند تا با روش‌هایی مسیر سقوط را مسدود کنند، اما به نظر می‌رسد هنوز سهامداران خرد و سرمایه‌گذارانی که هر روز در بازار سرمایه حضور دارند، با نگرانی به شاخص‌ها نگاه می‌کنند.

خوابسته‌های سهامداران

یکی از سرمایه‌گذاران حاضر در تالار بورس تهران که به گفته خود چند سالی مشغول خرید و فروش سهام است، می‌گوید: بازار سهام آن‌طور که باید حمایت نشد و سهامداران حقوقی بزرگ نتوانستند یا نتوانستند صف‌های فروش را جمع کنند.

سهامدار دیگری که مدعی می‌شود در ریزش اخیر بازار با زیان مالی میلیونی روبه‌رو شده است، گفت: چرا باید تعیین نرخ پتروشیمی به این حد غیرکارشناسی باشد، تا از یک سو هزینه این شرکت‌ها بالا رود و از سوی دیگر مزیت‌های صادراتی خود را از دست بدهند.

سهامدار دیگری معتقد است: ضربه‌ای که برخی نمایندگان مجلس به بازار سرمایه وارد کرده‌اند، به حدی بود که اخبار مثبت در خصوص گفت‌وگوهای هسته‌ای نیز نتوانست روند منفی بازار را متوقف کند. او از مسئولان خواست تا در تصمیم‌گیری‌های خود تمام جوانب اقتصادی کشور، از جمله بازار سرمایه را در نظر بگیرند.

سرمایه‌گذاری که بورس بازی را شغل دومش می‌داند، معتقد است: متأسفانه مسئولان بازار سرمایه نتوانستند شایعاتی را که در خصوص برخی از مدیران سازمان بورس منتشر شده بود، مدیریت کنند. از طرف دیگر متأسفانه برخی از مردم و سرمایه‌گذاران نیز با دامن زدن به این‌گونه شایعات باعث به‌هم‌ریختگی بازار شدند. از زمان بررسی بودجه نیز به انحای مختلف ریسک سیستماتیک به بازار وارد کردند که وضعیت

فعلی در بازار نتیجه همین امر است. امیری، سهامدار بورس هم در خصوص وضعیت فعلی بازار گفت: در اتفاقات یک‌ماهه اخیر بازار سرمایه، دست‌اندرکاران بورس دخیل هستند و حمایت برخی مدیران بازار در جهت افت قیمت‌ها بوده است.

او با بیان این‌که این وضعیت برای بازار سرمایه خطرناک است، تاکید کرد: با افزایش چندین برابری نرخ خوراک شرکت‌های پتروشیمی و نیز افزایش بهره مالکانه معادن، صنایع مختلف بورسی همچون صنایع بانکداری، خودرو، سیمان و دارو تحت تاثیر قرار گرفته و بازدهی منفی را برای سهامداران ایجاد کرده‌اند.

میلاد رشیدی، فعال بازار سرمایه هم معتقد است: اگر رئیس سازمان بورس که عنوان سخن‌گورانی برعهده دارد، با کمبود وقت مواجه است، بهتر است تا فرد دیگری به عنوان سخن‌گو انتخاب شود تا سخنی که می‌گوید، نظر دسته‌جمعی گروه باشد. او با بیان این‌که وقت سخن‌گو باید آزاد باشد، گفت: سخن‌گو باید به شایعات مطرح‌شده در بازار پاسخ دهد و تغییر

و تحولات سازمان را اطلاع‌رسانی کند. رشیدی به لزوم تک‌صدایی در بازار سرمایه اشاره کرد و گفت: سهامداران حقیقی، حقوقی و کارگزاران باید یک‌صدا شوند و از بازار سرمایه حمایت کنند، در غیر این‌صورت به بازار سرمایه لطمه وارد می‌شود.

گروهی از سهامداران خرد در نظرسنجی ما درباره بازار سهام مطرح کردند که دولت آن‌طور که باید از بورس حمایت نکرد و اقدامات آنان دیر هنگام به وقوع پیوست. محمدی، یکی از فعالان بازار در این باره می‌گوید: دولت بسیار دیر به فکر حمایت از بازار سرمایه افتاد و در حال حاضر به همین راحتی‌ها نمی‌توان بازار را بار دیگر به شکل مطلوب صعودی کرد.

در این میان اما سهامدارانی نیز وجود دارند که معتقدند

به حمایت دولت و مسئولان در جهت جمع آوری صف‌های فروش نیاز نیست. اگر دخالت‌ها در بازار کمتر شود و تصمیم‌های تأثیرگذار کارشناسی و برای مدتی مشخص و نسبتاً طولانی صورت گیرد، بازار سهام می‌تواند خود را اداره کند. به عبارتی این گروه از سهام‌داران بر این باورند که بازار سهام بیش از هر چیز به رویکرد عقلانی و کارشناسی نیاز دارد.

آنچه در حال حاضر در میان بورس‌بازهای حرفه‌ای و در کل سهام‌داران خرد دیده می‌شود، نگاه بدبینانه آن‌ها برای آینده نزدیک، حداقل تا هفته‌های پایانی سال است. تعداد زیادی از آن‌ها معتقدند محدودیت‌های ایجادشده در بازار سهام همچون مسکن عمل کرده و موقتی است، از همین رو باید ساختارها در بازار تغییر کند.

این دسته از سرمایه‌گذاران می‌گویند در واقعیت بازار سرمایه به خاطر تصمیم‌هایی که گرفته شده شاهد روند نزولی قیمت‌هاست و اگر در روزهای پایانی سال بخواهند با اعمال محدودیت این وضع را کنترل کنند، شکی نیست که در سال آینده و با آغاز به کار بازار، ریزشی شدید، عیدی ناخوشایند بورس به سهام‌داران خواهد بود.

کارشناسان چه می‌گویند؟

برخی از کارشناسان معتقدند که این‌گونه اقدامات و دخالت در عرضه و تقاضا به زیان بازار است و نمی‌تواند راه‌حل خوبی برای جلوگیری از ریزش و افت بازار باشد. میرمعینی، کارشناس بازار سرمایه، می‌گوید: رفتار متولیان و مسئولان بازار بورس، جای انتقاد بسیار دارد، چراکه بنا به صلاح‌دید خود تصمیم‌هایی می‌گیرند که وزن دخالت‌های مستقیم در بازار را افزایش داده و دیگر آن‌که بیشتر این تصمیم‌ها آنی و بدون برنامه و مسکن‌وار است.

هم‌اکنون نگاه جامعه به بورس بسیار ضعیف است. واقعیت این است که متولیان بورس باید نقش و جایگاه بازار سرمایه را در اقتصاد کشور برای جامعه و تصمیم‌گیرندگان و دولت‌مردان تشریح کنند. اما بر خلاف این رویکرد، می‌بینیم که یک‌سری مکانیزم‌ها و تصمیم‌گیری‌های مقطعی و مسکن‌وار را - که در گذشته نیز تجربه شده و به درد آینده نمی‌خورد - در دستور کار خود قرار می‌دهند.

میرمعینی در تشریح اهمیت بازار سرمایه در یک اقتصاد توسعه‌یافته گفت: بازار سرمایه، یکی از بزرگ‌ترین ابزارهای توسعه اقتصادی است. در اصول اقتصادی گفته می‌شود که کار و سرمایه دو نهاده مهم تولید هستند و ابزار تأمین سرمایه یا توسط بانک‌ها صورت می‌گیرد یا بازار سرمایه، و چون بورس در این زمینه بهره‌وری بیشتری دارد، آثار مثبت آن برای اقتصاد نیز بیشتر است و همین، منجر به رشد و توسعه اقتصادی می‌شود.

در ماه‌های گذشته، سازمان بورس و مدیران بورسی، دخالت‌های مناسبی در بازار نداشته‌اند و مکانیزم‌های عرضه و تقاضا را به شدت زیر سوال برده‌اند.

میرمعینی با انتقاد از این رفتارها و با اشاره به موضوع نرخ خوراک پتروشیمی‌ها و تأثیر آن بر بازار افزود: هم‌اکنون بازار سرمایه امنیت کافی ندارد و هر که دلش بخواهد، در آن دخالت می‌کند. نهاد دولت در جایی که کسر می‌آورد، نباید شروع به فشار آوردن بر شرکت‌های بورسی کند تا کسری خود را جبران کند.

نرخ خوراک پتروشیمی‌ها در بودجه از جمله این موارد است. در حالی که کشور ما در گاز مزیت رقابتی دارد، چنین معضلی شکل می‌گیرد که منجر به تأثیر منفی بر بازار سرمایه می‌شود و به جای آن‌که از این مزیت در راستای توسعه اقتصادی و جلب سرمایه‌گذاری استفاده

شود، در جهت منفی بهره‌برداری می‌شود. دولت بر درآمد مهم پتروشیمی و نظام توزیع نظارت درستی ندارد و این درآمد به جیب یک عده خاص می‌رود که این رویه به هیچ‌وجه درست نیست. در صورتی که عمده سهام‌داران اغلب پتروشیمی‌ها خود دولت و شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی است و درواقع با این کار، یک اشتباه بزرگ انجام شده و برای درآمدی نزدیک به دو یا سه هزار میلیارد تومان، بازار سرمایه و اقتصاد کشور دچار معضل شده است.

فرصت‌هایی که از دست رفت

برخی دیگر از کارشناسان نیز معتقدند استقبال سرمایه‌گذاران از بازار سهام فرصت بسیار مناسبی بود تا با تنوع‌بخشی به ابزارهای بازار سرمایه، رونق واقعی را به بورس ببخشند، اما آن‌گونه که سعید اسلامی بیدگلی می‌گوید: این فرصت‌ها از دست رفته‌اند.

به گفته او، این ابزارها شامل افزایش سرمایه شرکت‌های فعال در بازار سهام، بالا بردن میزان سهام شناور آزاد، پذیرش شرکت‌های جدید و نیز صندوق‌های زمین و

با توجه به ورود حجم بالای نقدینگی به بازار طی سال جاری، اقدامی که باید از سوی سازمان بورس صورت گیرد باید با افزایش تقاضا سرمایه‌ها به بخش‌های واقعی اقتصاد جذب شود، نه بخش‌های مالی

امکان‌پذیر نیست، اما از شرایط رونق اخیر در معاملات نیز برای تحقق این برنامه استفاده نشده و این فرصت هم طی سال جاری به نوعی از دست رفت.

او به عدم شفافیت اطلاعاتی شرکت‌های بورسی اشاره کرد و اظهار داشت: با وجود آن‌که باید شرکت‌های بورسی از شفاف‌ترین بخش‌های اقتصادی کشور باشند، اما به صورت کامل شفاف نیستند. بخشی از این عدم شفافیت به خود شرکت‌ها، بخشی به سازمان بورس و بخشی به اقتصاد کلان کشور برمی‌گردد، چراکه برنامه‌های کلان بلندمدت اقتصادی همچون نرخ خوراک پتروشیمی و بهره مالکانه معدنی باید برای یک دوره پنج ساله تدوین شود تا ریسک ناشی از تصمیم‌گیری دولت و مجلس و سایر نهادهای سیاست‌گذار در رابطه با این قبیل مسائل بر سرمایه‌گذاران تحمیل نشود. اما در حال حاضر این ابهام خود اتفاق تلخی محسوب می‌شود که هم‌اکنون سایه آن بر سر بورس سنگینی می‌کند.

اسلامی بیدگلی رشد قابل توجه قیمت‌ها در بازار سهام طی سال جاری را ناشی از سه عامل اصلی دانست و افزود: در هفته‌های اخیر این امکان وجود نداشت که همانند ماه‌های گذشته بتوان به بهانه رشد بهای دلار، نرخ تورم و چشم‌انداز مثبت اقتصادی برای بورس روند صعودی قابل ملاحظه‌ای متصور بود از این رو چندی پیش برخی کارشناسان و فعالان بازار با اصطلاحات مختلف از جمله اصلاح قیمت‌ها، سقوط یا ترکیدن حباب قیمتی، همگی افت شاخص و قیمت سهام را پیش‌بینی کرده بودند. در این شرایط سرمایه‌گذاران غیرحرفه‌ای نیز همان‌طور که دیرتر وارد بازار می‌شوند، زودتر نیز اقدام به خروج می‌کنند. درنتیجه بخشی از نقدینگی سرازیر شده به بورس با خروج از بازار به روند منفی معاملات دامن زد.



این کارشناس بازار سرمایه پیرامون وعده‌های حقوقی‌ها برای حمایت از بورس و افزایش بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران به دلیل عدم تحقق این وعده‌ها تأکید کرد: یکی از مشکلات بازار سرمایه ایران در همین ارتباط است، چراکه هر شخص مسئولی در بازار دو نقش بر عهده دارد، نقش کارشناسی و نقش حقوقی. اسلامی بیدگلی تأکید کرد: براین اساس بهتر است مسئولان سازمان بورس و مدیران بازار سرمایه از اظهارنظرهای شخصی پیرامون روند معاملات پرهیز کرده و تنها اقدام به مدیریت ریسک کنند.

هم‌چنین این کارشناس بازار سرمایه در ادامه گفت: درمجموع گرچه قیمت سهام طی سال جاری رشد زیادی را تجربه کرده است، ولی باز هم در بورس سهام ارزنده و مناسب جهت سرمایه‌گذاری وجود دارد.

ساختمان است، اما سازمان بورس اوراق بهادار این فرصت را از دست داد. مدیر عامل شرکت مشاور سرمایه‌گذاری آرمان آتی افزود: با توجه به ورود حجم بالای نقدینگی به بازار طی سال جاری، اقدامی که باید از سوی سازمان بورس صورت گیرد، تدوین این قبیل ابزارها برای چنین مواقعی است تا با افزایش تقاضا سرمایه‌ها به بخش‌های واقعی اقتصاد جذب شود، نه بخش‌های مالی، چراکه نبود ابزارهای متنوع پدیده‌ای را همانند آن‌چه طی چند ماه اخیر شاهد آن بودیم، رقم می‌زند.

این کارشناس بازار سرمایه هم‌چنین بر لزوم تحول و اصلاح زیرساخت‌های فنی موجود تأکید کرد و گفت: سازمان بورس سال‌هاست برنامه کاهش هزینه معاملات را در نظر دارد. گرچه در دوران حاکمیت رکود در بورس کاهش کارمزدها به‌راحتی

اینجا، چاره‌ای جز ریسک‌پذیری نیست

شاهین یاسمی



قصه بازار سهام تهران با یکی بود یکی نبود شروع نشده که حالا با پف کردن یا ترکیدن حباب بخواهد تمام شود. اتفاقات بازار سهام تهران در سال‌های اخیر نشان داده که قیمت سهام تا چه اندازه می‌تواند بسته به نوع تصمیم‌گیری‌های مدیران آن، دچار نوسان شود. اگر از این معضلات بگذریم، می‌توانیم بگوییم که این‌گونه نوسان‌ها کاملاً ذاتی است و مختص یک بورس یا یک بازار خاص نیست. در طول چند سال گذشته به‌راحتی می‌شود نمونه‌های خاصی از تأثیرپذیری بازارهای سهم از حوادث سیاسی و اقتصادی مثال زد. به دنبال تغییراتی که در طول چند ماه گذشته در جغرافیای سیاسی و اقتصادی جهان به وجود آمده، باید اعتراف کرد که ریسک بازارهای مالی به‌شدت افزایش یافته است. این روند حتی به بازارهای نوظهور مالی هم کشیده شده و حالا می‌توان ادعا کرد جریان سرمایه‌گذاری در بورس به ماهیت واقعی خود یعنی به ذات بورس نزدیک‌تر شده است.

این روزها هرچند، سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار به عنوان یکی از بهترین راه‌های تجارت و سودآوری محسوب می‌شود، اما به محض وقوع حوادث سیاسی و اقتصادی ناگوار، هم بورس‌های دنیا تحت تأثیر قرار می‌گیرند و آن‌طور که آمارها نشان می‌دهد، رونق، مجدداً از بازار «طلا» روگردان می‌شود. بسیاری از مردم دنیا، بورس را نوعی قمار می‌دانند، حتی برخی از آن‌ها معتقدند انتخاب سهام برتر از بین صدها شرکت عضو بورس مثل پرت کردن «دارت» به یک صفحه روزنامه و انتخاب شرکت برتر از آن طریق است. ژاپنی‌ها که اقتصادی پرفرازونشیب دارند، سرمایه‌گذاری در بورس را نوعی رأی‌گیری می‌دانند و آلمانی‌ها ترجیح می‌دهند پول خود را صرف خرید طلا کنند. اما آمریکایی‌ها معتقدند سهام‌داری بهترین شیوه سرمایه‌گذاری است و می‌گویند، کابوی‌ها و گانگسترهای آمریکایی در خورجین اسب‌های خود علاوه بر اسلحه و تفنگ، اوراق بهادار و سهام حمل می‌کرده‌اند، شاید به همین دلیل است که حالا ۸۵ درصد مردم آمریکا سهام‌دار شرکت‌های بورسی هستند و دولت به همه دانش‌آموزان و دانشجویان سهام و اوراق بهادار شرکت‌های معتبر هدیه می‌کند. در این‌گونه کشورها، نسبت سهام منتشرشده به کل جمعیت رقم بسیار بالایی است؛ مثلاً به هر آمریکایی حدود پنج هزار برگه، و هر کرمای چهار هزار و ۵۰۰ برگه و حتی به هر شهروند ترکیه سه هزار برگه سهم، تعلق دارد. این نسبت در ایران به‌شدت ناچیز است و عمدتاً به افراد با فرهنگ‌های خاص خلاصه می‌شود. اصولاً سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار، با مخاطره و ریسک همراه است. قیمت هر سهم بسته به تحولات و رخدادهای خاص نوسان دارد. تأثیرپذیری فوری بورس از رخدادهای مهمی که پیرامون آن اتفاق می‌افتد، مثل تعویض قدرت در منابع سیاسی، مرگ ناگهانی دولت‌مردان، تصمیم‌گیری‌های کلان اقتصادی، تشدید ضرایب مالیاتی و ده‌ها مورد دیگر از جمله عوامل تأثیرگذار بر قیمت سهام به شمار می‌روند. وضعیت فعلی بورس تهران به نوعی بازگوکننده همین شرایط است.

در همین کوچه پس‌کوچه‌های تهران داماد «بورس‌بازی»

و در همین شرایط بازار سهام، کم‌کم وارد حرفه اقتصاد ایران شد. تبلیغات گسترده کابینه و وزرای اقتصادی وقت، کم‌کم بورس تهران را پررونق‌تر کرد و البته فعالیت در آن را به عنوان یکی از رفتارهای مدرن و تشریفاتی شهروندان، جا انداخت. این اقدامات رفته رفته، سرعت پذیرش شرکت‌های بورسی را بیشتر کرد، به طوری که تعداد واحدهای فعال آن زمان در بورس تهران را از عدد دو به عدد ۱۰۰ شرکت رساند. در همین شرایط، دولت زمینه خرید و فروش اوراق قرضه را هم فراهم کرد. به این ترتیب تعداد افراد جذب‌شده به بازار سرمایه آن زمان کم‌کم به عدد ۲۰ هزار نفر رسید. این روند البته بعد از دستور تاریخی شاه برای سهام‌دار کردن کشاورزها و دهقانان ایرانی، شدت بیشتری یافت و شاید تعداد سهام‌داران شرکت‌های صنعتی به رقمی بالاتر از ۵۰ هزار نفر رسید.

بورس تهران بعد از انقلاب ۵۷

وقوع انقلاب سال ۱۳۵۷ ایران، روند توسعه بازار سهام را نیز دست‌خوش تغییراتی گسترده کرد. این بازار کوچک که بیشترین حجم معامله تاریخ خود را در سال ۱۳۵۶ تجربه کرده بود، به دلیل ناآرامی‌های خیابانی، تغییرات حکومتی و درنهایت آغاز جنگ با عراق، عملاً ۱۳ سال را به حالت نیمه‌تعطیل و غیرفعال سپری کرد، اما از اواخر سال ۶۹ دوباره جان گرفت. سیاست‌های دولت در سال‌های آغازین دهه ۷۰، مبتنی بر رشد مجدد بورس تهران بود و این سیاست‌ها، عملاً این بازار را به همان سمت سوق داد. اما سقوط این بازار در مهرماه سال ۱۳۷۵، فرصت رشد مجدد را تا سال‌ها بعد از آن گرفت و بسیاری از سرمایه‌گذاران را به حاشیه راند. پس از دوم خرداد و انتخاب سیدمحمد خاتمی به عنوان رئیس جمهوری جدید ایران، اقتصاد کشور نیز در مسیر اصلاحی قرار گرفت و به دنبال تلاش‌های رئیس کل وقت بانک مرکزی و مدیر جدید بورس اوراق بهادار، بازار سرمایه ایران، رشد قابل توجهی را آغاز کرد، به طوری که مجموع شاخص‌های آن از عدد ۱۸۰۰ به بالاتر از شش هزار در پایان سال ۱۳۸۰ رسید. در این میان چیزی حدود ۱۰ هزار میلیارد تومان

را می‌شناسم که هفته گذشته چیزی حدود یک میلیارد تومان سهام به عنوان «شهریه» به نام عروس خود کرده است. عروس جوان او که او هم یک «بورس‌باز» حرفه‌ای در بازار اوراق بهادار ایران است، در تالار شیشه‌ای زیر پل حافظ با آقای داماد و پدرش آشنا شده است. این سه «بورس‌باز» یک «سبد سهام» پنج میلیارد تومانی دارند و حالا می‌توانند در بورس تهران مطمئن‌تر از گذشته فعالیت کنند. امروز دادن «کادوهای مالی» به سنتی خانوادگی در بین مردم تهران و ایران بدل شده است. در گوشه و کنار شهر دودگرفته تهران می‌توانید به‌راحتی کسانی را پیدا کنید که نقدینگی‌شان را با هدف سرمایه‌گذاری در «جزیره شیشه‌ای بورس تهران» به «دارایی‌های کاغذی» تبدیل کرده‌اند. این روزها، هر کس که سری در مطبوعات و رسانه‌ها و شاید هم اقتصاد داشته باشد، «اخبار بورس و سهام» را دنبال می‌کند. گذشته از رعب و وحشتی که ممکن است در دل «سهام‌بازان» افتاده باشد، حالا خیلی‌های دیگر، از ریسک بورس تهران لذت می‌برند. آن‌ها تازه‌وارد نیستند، بنابراین خوب می‌دانند با «قمار سهام» چگونه تجارت کنند. روحانیون و علمای دین اسلام، دادوستد سهام را بدون مانع اعلام کرده‌اند. با این وجود باید گفت «بورس‌بازی» تنها قمار شرعی و قانونی رایج در ایران است. بورس و توجه به دادوستد سهام موضوعی نیست که به‌تازگی وارد خرچہ اقتصاد ایران شده باشد. شاید حدود ۸۰ سال پیش بود که یک بازرگان بلژیکی، وسوسه راهاندازی بورس را بر سر دولت‌مردان ایران انداخت. او هرگز موفق نشد، به دلیل این‌که وقوع جنگ جهانی اندیشه راهاندازی بورس در ایران را تا سال‌ها بعد به تعویق انداخت. این انتظار با وجود این‌که طولانی بود، اما در سال ۱۳۴۵ دوباره جوانه زد و گروهی از بانک‌داران و بانک‌دانات وقت، مجدداً امکان سنجی راهاندازی «بورس اوراق بهادار» در ایران را مطرح کردند. این بار فقط دو سال طول کشید و بالاخره فعالیت «بورس اوراق بهادار تهران» با دادوستد سهام بانک صنعت و معدن و نفت پارس رسماً آغاز شد. بعد از مدتی تعداد سهام‌داران شرکت‌های بورسی تهران از رقم تشریفاتی ۱۰۰ نفر به عدد دو هزار رسید

سهام از ابتدای سال ۷۶ تا پایان سال ۸۱ در بورس تهران دادوستد شد. روند رو به رشد قیمت سهام، چیزی حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد بازدهی برای سهامداران به ارمغان آورد و تداوم آن، منجر به انتخاب بورس تهران به عنوان بهترین بورس خاورمیانه و چهارمین بورس دنیا شد. این تبلیغات جهانی یکباره ایران را «بهشت سرمایه‌گذاری دنیا» کرد و متعاقب آن صدها ایرانی و خارجی با چمدان‌های پر از دلار وارد اقتصاد ایران شدند. «بازی سهام» سوخت‌وسوز دارد. هیچ‌کس نمی‌تواند منکر سوخت‌وسوز «بازی سهام» شود. در قدرتمندترین بازارهای دنیا هم سوابق خاصی از شدیدترین سقوط‌ها وجود دارد. بورس نیویورک در تاریخ حیات خود، دوبار اقتصاد دنیا را دچار تکان‌های وحشتناک کرد. نخستین بار روز ۲۳ اکتبر ۱۹۲۹ بود که سقوط «بورس نیویورک» اقتصاد دنیا را به هم ریخت و متعاقب آن میلیاردها دلار به اقتصاد آمریکا زیان وارد کرد.

حرامی که حلال شد!

یکی از بزرگ‌ترین ریزش‌های تاریخ بورس ایران در سال ۸۴ اتفاق افتاد که دلیل اصلی آن نظرات رئیس‌جمهوری جدید (در آن زمان) مبنی بر حرام بودن بورس بود و با توجه به این‌که مسئولان بورس هم، هم‌عقیده با رئیس دولت بودند، شاهد ریزش شدید بورس و افت شدید شاخص‌ها و قیمت‌های نمادهای مختلف بودیم. به‌طوری‌که برای مثال سهام تعدادی از شرکت‌های پرتعداد آن دوران که قیمت هر سهمشان چند هزار تومان بود، در حال حاضر دو، سه‌رقمی شده است و این داستان برای تمامی شرکت‌های بورس اتفاق افتاد و سهامداران را که زبان‌های کلان کرده و از بورس ناامید شده بودند، از تالار شیشه‌ای راند و به بی‌رونی بازار سرمایه منجر شد و پس از بالا و پایین رفتن شاخص در کانال‌های بورس که تا اواخر سال ۸۷ ادامه داشت، درواقع موسم خزان بورس بعد از انتخابات جنجالی ۸۸ رقم خورد؛ چراکه در این روزها شاخص در سطح زیر ۱۰ هزار واحد متوقف شده و رونق و امید از بورس رخت بر بسته بود. پس از انتخابات سال ۸۸، دولت درباره بورس تجدیدنظر کرد و متوجه اهمیت بورس شد و به فکر رونق‌بخشی به بورس افتاد و سرمایه‌بازی به بورس تزریق کرد و با تأسیس شرکت‌های سرمایه‌گذاری بزرگ، نبض بورس را به دست گرفت، به‌طوری‌که نفوذ دولت در بازار سرمایه بیش از پیش هویدا شد. رکوردشکنی‌های بورس در دولت دهم به نوعی با عرضه اولیه همراه اول در زمستان ۸۸ کلید خورد تا در سال ۸۹ شاهد رشد حساب‌گونه شاخص باشیم که این حساب تا حدودی در سال ۹۰ ترکیب. این حساب با تشکیل حساب در دیگر بخش‌های اقتصاد و بازارهای موزی و غیرموزی در سال ۹۱ و ۹۲ باز هم در تالار شیشه‌ای شکل گرفت، در این زمان بود که پس از رشد غیرطبیعی و حساب‌گونه نرخ انواع ارز و دلار و عرضه هولدینگ تبلیغاتی خلیج‌فارس بورس ۴۲ هزار واحدی سودای فتح کانال ۶۰ هزار واحدی را تا روز انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم در سر پروارند.

این در حالی بود که دولتی که زمانی بورس را حرام می‌دانست، کارش به جایی رسیده بود که پس از اعتقاد پیدا کردن به بازار سرمایه و در اختیار گرفتنش از آن مدد گرفته و قصد داشت در موسم انتخابات حداکثر استفاده را از آن بکند...

تالار حافظ ۹۲: سال انتقال دولت دهم به یازدهم

اما نتیجه انتخابات ۹۲ و انتخاب حسن روحانی اعتدال‌گرا اهالی بورس را هم مانند مردم امیدوار به اصلاح وضع نگران‌کننده وقت کرد و همه امیدوار به رونق و رشد بورس تهران شدند. بورس تهران که سال ۹۲ را با رشد و رونق آغاز کرده بود، با تغییر دولت امیدوارتر هم شد. ابر و باد و مه و

خورشید و فلک دست به دست هم داده بودند که این رونق تا نیمه زمستان دوام بیاورد. به این ترتیب بهار بورس و فصل مجامع به انتخابات و نتایج امیدوارکننده آن گره خورد، بعد از آن هم به تدریج اخبار خوش اقتصادی از راه رسید و بعد هم یخ مناسبات سیاسی با غرب آب شد و مذاکرات ژنو نتیجه داد. به این ترتیب امیدها به کمرنگ شدن تحریم‌ها افزایش یافت. زیر سایه این تحولات در کنار رخوت بازارهای رقیب، تالار بورس تهران روزهای پررونقی را پشت سر می‌گذاشت و حال سهامداران خوب بود و بازده بالای این بازار خیل عظیمی از سرمایه‌گذاران را به تالار حافظ می‌آورد. به این ترتیب ۱۰ ماه ۹۲ در تقویم سهام‌داری ایران به عنوان ماه‌های طلایی بورس به ثبت رسید. آمار و ارقام بورس هم حکایت از همین رونق دارد. شاخص کل به عنوان دماسنج بازار در همین ۱۰ ماه از ۳۸ هزار واحد در آخرین روز کاری سال ۹۱ به بیش از ۸۳ هزار و ۶۰۰ واحد در آخرین روز دی‌ماه امسال رسید، یعنی ۱۲۰ درصد رشد در ۱۰ ماه. البته در همین یک‌ماه آخر شاخص به یک‌دومی ۹۰ هزار واحد هم رسید. رشد دیگر

طرفداران بازار سرمایه باید این نکته را در نظر بگیرند که برای دست‌یابی به سود مناسب چاره‌ای نیست جز پذیرفتن ریسک و البته داشتن نگاهی بلندمدت به سرمایه‌گذاری در این بازار در واقع سرمایه‌گذاران بورسی باید با این مسئله کنار بیایند که بورس برای صاحبان نقدینگی، فرش قرمز پهن نکرده

شاخص‌های بورسی از صنعت و مالی گرفته تا شناور آزاد و ۵۰ شرکت برتر هم به‌طور میانگین بیشتر از صد درصد بود. بیشترین رشد هم به شاخص مالی تعلق داشت که افزایشی ۱۵۷ درصدی را تجربه کرد. رشد و صعود بازار سهام تنها به یک مولفه هم ختم نمی‌شد. یعنی نه‌تنها شاخص‌ها در مسیر رشد حرکت می‌کردند، بلکه ارزش بازار هم درحال رشد بود. به این ترتیب بورس تهران ۱۴۱ درصد بارزتر شد. درصد گردش مالی هم از ۲۰۱۷ به ۲۵۰۲۸ درصد رسید.

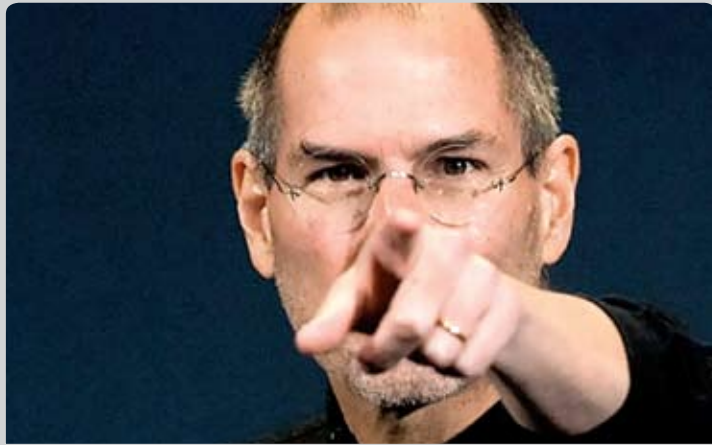
این رشد شتابان در تمام ماه‌های رونق موجب نگرانی گروهی از کارشناسان و فعالان بازار بود، هر چند که در نقطه مقابل گروه دیگری از حرفه‌ای‌های بازار به استناد حجم بالای دادوستد استدلال می‌کردند که جای نگرانی نیست، چون زمانی رشد شاخص نگران‌کننده است که افزایش دماسنج بازار با رشد حجم معاملات همراه نشود. این در حالی بود که در ۱۰ ماه ۹۲ حجم معاملات به‌طور متناوب در حال افزایش بود. برای مثال در حالی که در فروردین‌ماه متوسط معاملات روزانه ۳۵۸ میلیون سهم به یک‌میلیارد و ۱۲۸ میلیون سهم در دی‌ماه رسید، به این ترتیب میانگین ارزش روزانه معاملات هم افزایش یافت و در تیرماه از مرز شش هزار میلیارد ریال هم گذشت. در این شرایط متوسط نسبت قیمت به درآمد هم در آخرین‌ماه کاملاً صعودی بازار به ۵۸.۷ مرتبه رسید، یعنی ۷.۴۱ درصد رشد نسبت به اسفندماه ۹۱. نکته دیگر این‌که در همین مدت امیدواری صنایع بورسی به سود بیشتر افزایش یافته و پیش‌بینی سود آن‌ها از ۳۴۲ هزار و ۱۰۴ میلیارد ریال به ۵۰۳ هزار و ۳۲۸ میلیارد ریال رسید و متوسط سود به ازای هر برگ سهم از ۶۷۷ ریال به ۷۶۳ ریال افزایش یافت. نتیجه

این‌که در ۱۰ ماه توفانی سال رشد شاخص‌ها و مولفه‌های بازار سهام، بورسی‌ها را بر سر ذوق آورده بود. اولین نشانه‌های نزول هم در آخرین روزهای دی‌ماه خود را نشان داد. به این ترتیب در شرایطی که شاخص تا مرز ۹۰ هزار واحد هم بالا رفته بود و به نظر می‌رسید بورس شاخص ۱۰۰ هزار واحد را نشانه رفته، ناگهان ورق برگشت و نزول بی‌وقفه آغاز شد. نزولی که به نظر می‌رسد دست‌کم تا پایان سال ادامه خواهد داشت. دلیل این نزول یک‌نفوس هم البته کاملاً هویدا بود. مجلس تصمیم گرفت نرخ خوراک پتروشیمی‌ها را بالا ببرد، آن هم در حالی که بخشی از رونق بورس در تمام سالی که گذشت، مدیون این صنعت بود. از سوی دیگر شایعات حکایت از آن داشت که احتمالاً تغییرات گسترده مدیریتی در بورس از راه خواهد رسید. درنهایت این‌که جو بی‌اعتمادی حاکم بر بازار باعث شد شاخصی که به سوی ۹۰ هزار واحد خیز برداشته بود، به کانال ۷۰ هزار هم پرتاب شود.

طرفداران بازار سرمایه باید این نکته را در نظر بگیرند که برای دست‌یابی به سود مناسب چاره‌ای نیست جز پذیرفتن ریسک و البته داشتن نگاهی بلندمدت به سرمایه‌گذاری در این بازار. در واقع سرمایه‌گذاران بورسی باید با این مسئله کنار بیایند که بورس برای صاحبان نقدینگی، فرش قرمز پهن نکرده و به آن‌ها متعهد نشده که در این بازار پر از خطر همیشه سود عایدشان شود. به عبارت دیگر باید پذیرفت که برای کسب سود بیشتر باید خطر کرد. با این وجود برخی از کارشناسان فعال در بازار سهام معتقدند که در همین شرایط منفی هم می‌توان سال آینده را پررونق پیش‌بینی کرد؛ چون همین تعدیل شاخص خود دلیلی است تا بورس سال جدید را با توان بیشتری آغاز کند. درواقع افزایش ناگهانی قیمت گروهی از سهام که باعث نگرانی اهالی بازار شده بود، در همین زمستان سال ۹۲ اصلاح شد و شاخص نیز توانسته خود را اصلاح کند. اما روی دیگر سکه کارشناسانی قرار دارند که نگران اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها هستند و معتقدند سال ۹۳ ممکن است سالی تاریخی و ریزشی برای بورس تهران باشد. با وجود این نگرانی‌ها برخی از اهالی بازار سهام همچنان امیدوارند و می‌گویند نمی‌توان از رونق سال ۹۳ ناامید بود. آن‌ها می‌گویند: «امیدهای بسیاری در سال آینده به بازار سرمایه وجود دارد و هرچند دیر هنگام اما دولت حمایت‌های همه‌جانبه خود را آغاز کرده و با اتفاقات مثبتی که در صحنه سیاست خارجی در جهت برداشته شدن تحریم‌ها درحال رخ‌دادن است، امید می‌رود سال آینده شرایط برای بازار سهام مناسب‌تر از سال ۹۲ باشد.» به نظر این گروه از امیدواران به سال آینده بازار سهام با توجه به اظهارنظر دولت‌مردان درخصوص شیب ملایم حذف یارانه‌ها این امید وجود دارد که اتفاق ناخوشایندی در بازار رخ ندهد و صنعت می‌تواند حذف آرام‌آرام یارانه‌ها را تحمل کند. البته اگر اجازه بدهند قیمت محصولات را نیز به‌تدریج و با برنامه‌ریزی افزایش دهند. رکود بازار بورس و وضع کنونی آن، که با ریزش و سقوط همراه شده، باعث نگرانی برخی سرمایه‌گذاران شده است. در این خصوص یک نظرسنجی اینترنتی نشان داده است ادامه روند این بازار تاکنون برای پایان سال بین مردم افق روشنی ندارد. چراکه در سؤالی که ۹ هزار و ۵۶ نفر به آن پاسخ دادند، رأی اکثریت بر ادامه رکود بود. در این نظرسنجی از کاربران پرسیده شده که آینده بورس تهران را تا پایان سال ۹۲ چگونه ارزیابی می‌کنند؟ این نظرسنجی دو گزینه داشته: ۱- بازار بورس رونق خواهد گرفت و این کاهش و رکود موقتی است ۲- رکود بازار و کاهش شاخص کل ادامه‌دار خواهد بود. ۷.۳۴ درصد از رأی‌دهندگان به رونق رأی دادند و ۳.۶۵ درصد هم بر رکود رأی دادند.

ماجرای سیب دندان زده و استیو جابز

شاهین یاسمی



«آتاری»؛ یاد دهه ۶۰ به خیر... وقتی آتاری آمد، تلویزیون‌ها دیگر در اختیار خانواده‌ها نبود و همه هوش و حواس و زندگی‌مان شد آتاری و می‌توان گفت سرگرمی‌های قدیمی‌مان به حاشیه رفت. روز به روز تکنولوژی پیشرفت می‌کرد و هر روز چیزهای جدیدی به بازار می‌آمد. بعد از آتاری، «میکرو» و «کومودور ۶۴» آمد و مدتی بعد هم «سگا» و «نینتندو». در آن دوران اینترنت وجود نداشت و منبع مناسبی هم در دسترس‌مان نبود که بخوانیم تا به ما بگوید چه کسی این اسباب‌بازی‌های جذاب را خلق کرده و شاید هم ما آن قدر غرق شور کودکانه‌مان در آتاری و میکرو و سگا بودیم که اصلاً بر ایمان مهم نبود چه کسی آن‌ها را برایمان به ارمغان آورده است. اما حالا می‌دانیم چه کسی در آن دوران سرمان را گرم می‌کرد و لبخند گرم و دوست‌داشتنی و فانتزی بر لبانمان می‌نشانده.

از آب درنیامد و امروز جابز به ما ثابت کرده که تقریباً همه بازار و از جمله مایکروسافت مجبور به طی کردن مسیری شده‌اند که استیو جابز ۱۰ سال قبل در آن گام گذاشته بود. استیو بالمر هنگام ارائه آی‌پد نیز گفته بود ما خیلی زودتر از اپل تبلت‌های لمسی را به بازار داده‌ایم و جابز کار تازه‌ای نکرده است و این از قضا ویژگی اپل دوران جابز بود که بر بازاریابی و بازاریابی‌های وسیلی تاکید می‌کرد که پیشتر اختراع شده، اما ناکام مانده بودند. جابز و اپل در مسیر رشد و پیشرفت با بی‌اعتنایی‌ها و طعنه‌های زیادی روبه‌رو شدند که ناشی از ضعف رقبا در بازار بود.

رقبای جابز اسیر غرور موفقیت‌های کوچک و موقتی خود شده بودند و برایشان سخت بود رشد این غول خلاق و خاص را بپذیرند. مایکل دل، مدیرعامل «دل»، درست زمانی که استیو جابز بی‌پول بود و با دشواری‌های مالی فراوان سکان مدیریت اپل را به دست گرفته بود، گفته بود که اگر جای او بود، اپل را می‌فروخت و سهم سهامداران را می‌داد. آقای دل! امروز حدود ۱۰ سال از اظهارنظر شما گذشته و هر سهم اپل حدود ۴۶۰ دلار است، ولی هر سهم دل حدود ۱۳ دلار!

آقای جابز، ما دهه شصتی‌ها که اسباب‌بازی‌هایمان آتاری و میکرو و سگایی بود که شما برایمان آفریده بودید، بعدها که بزرگ‌تر شدیم و منابع مطالعه به دستمان رسید و اینترنت آمد، با شما آشنا شدیم و دانستیم که شما گفته بودید: «بازی کردن آرزوی هر انسانی است، کوچک و بزرگ ندارد. من هم اگر در خلق شادی برای دیگران سهمی باشم، خوشبختم، این طور نیست؟»

همین‌طور است آقای جابز. دنیای کودکی ما اگر چند قهرمان داشته باشد، بی‌شک شما یکی از آن‌ها هستید؛ قهرمانی که عاشقانش با شنیدن خبر درگذشتش در نبود

درازمدت تاکید داشت. در ۱۹۹۰ تنها یکی دو سال پس از آن‌که برای نخستین بار وادار به کناره‌گیری از مدیریت اپل شد، «تکست» و «پیکسار» را بنیان نهاد. پیکسار خیلی زود به یکی از نوآورترین کمپانی‌های ساخت انیمیشن تبدیل شد و «سونی پیکچرز» با خرید آن، غول ساخت انیمیشن شد. اما نکست همراه خود جابز به اپل پیوست و پایه‌گذار

وقتی جابز در ۲۰۰۷ از آی‌فون رونمایی کرد، گفت این تلفن همراه تا حداقل پنج سال از مرزهای فناوری رایج بازار و رقبا جلوتر است. در همان زمان استیو بالمر، مدیرعامل مایکروسافت، در جلسه‌ای آی‌فون را به سخره گرفت

سیستم عامل «مک او اس» کامپیوترهای امروزی مک اپل شد که این روزها همچنان بازار را به تسخیر خود درآورده و پیش می‌رود.

وقتی جابز در ۲۰۰۷ از آی‌فون رونمایی کرد، گفت این تلفن همراه تا حداقل پنج سال از مرزهای فناوری رایج بازار و رقبا جلوتر است. در همان زمان استیو بالمر، مدیرعامل مایکروسافت، در جلسه‌ای آی‌فون را به سخره گرفت و پیش‌بینی کرد که به‌زودی اپل با شکستی فجیع از بازار موبایل کنار خواهد رفت! اما پیش‌بینی بالمر درست

او همان کسی بود که اپل را خلق کرد. او استیو جابز بود؛ کسی که نامش در تاریخ ثبت و ماندگار شده، کسی که همه مردم جهان برایش احترام قائل‌اند و ذهنش آمل مردمان روزگار را حرکت داد. او نمونه آدمی است که میراث متفاوتی برای هم‌عصرانش بر جای گذاشته است. او زندگی را با مشکلات و سختی‌های فراوان آغاز کرد، ولی رنج را چون موهبتی تا پایان زندگی پذیرا شد و حیاتش آمیزه‌ای از سخت‌کوشی، پشتکار، تیزبینی و هوشمندی بود. زندگی سرشار از خلاقیت جابز بر همگان ثابت کرد هیچ رخداد بزرگی تصادفی روی نمی‌دهد و پیشرفت بشر پایان‌ناپذیر است. اهمیت آن‌چه او انجام داد، تنها در ارائه محصولات انقلابی، فانتزی و دوست‌داشتنی و هم‌گام کردن بازار با خودش نبود، بلکه در تاکیدش بر تامل و بازاریابی دوباره راه‌هایی بود که دیگران پیش از او رفته و به سوی کام‌یابی گام برداشته بودند. والتر ایساکسون در کتاب زندگی‌نامه جابز گفته که اگرچه استیو جابز و اپل تجانس و هم‌زیستی غیرقابل انکاری دارند، اما ویژگی‌های شرکتی که جابز بنیان‌گذارش بود، از ویژگی‌های شخصی او فراتر رفت.

ایساکسون می‌گوید: «هم‌زیستی اپل و جابز بیشتر مفهومی بود تا صوری. مردی که ظاهر زندگی‌اش - از بدسلوکی در پوشش تا برخورد با آدم‌ها و روابط اجتماعی - با محتوای حرفه‌ای‌اش مبتنی بر خلاقیت و ارائه ایده‌های ناب در تجارت بود، محصولاتی تولید کرد که زیبایی شکلی و قابلیت کاربردی کم‌نظیری دارند.» آفریننده اپل و آتاری و نینتندو و آی‌فون و آی‌پد منفعل و اسیر رخدادها نبود، بلکه مطالعه بازارها و پیش‌بینی دقیق آینده از عادات و علاقه‌مندی‌هایش محسوب می‌شد. وقتی فرصتی دست می‌داد، او به جای فرصت‌طلبی‌های رایج در بازار و چسبیدن به منافع آنی، بر ساخت‌های سیستمی و ابداع و موفقیت

تجربه‌های بزرگ

آماتور یا حرفه‌ای؛ مسئله این است



تبلیغات در دنیای امروز با تغییرات فراوانی مواجه شده و آژانس‌های تبلیغاتی تلاش می‌کنند با رصد کردن کمپین‌های تبلیغاتی روز دنیا، آثار خوش‌آب‌ورنگ‌تر و جذاب‌تری ارائه بدهند. بسیاری از تبلیغات محیطی، آگهی‌های رادیویی و تلویزیونی، تبلیغات چاپی و کمپین‌هایی که می‌بینیم، کپی‌های موفق و بعضاً ناموفقی از نمونه‌های موفق خارجی هستند که گاهی اوقات هیچ تناسبی با هویت و هدف سازمان آگهی‌دهنده ندارند و توسط آژانس‌های تبلیغاتی به مشتریان سازمانی و شرکتی پیشنهاد می‌شوند. با این‌که تقریباً همه آژانس‌های تبلیغاتی در رصد کردن تبلیغات خارجی و الگوبرداری از آن‌ها بسیار دقیق هستند، اما باید گفت که بخش اعظم آن‌ها اصول بین‌المللی تبلیغات رسانه‌ای را رعایت نمی‌کنند و از استانداردهای لازم برخوردار نیستند.

در حال حاضر بسیاری از آژانس‌های تبلیغاتی بزرگ کشور که ادعای بزرگ‌ترین بودن و حرفه‌ای‌ترین بودن را دارند، خودشان صاحب رسانه هستند و می‌کوشند بیلبردهایی را در نقاط مختلف شهر و در مناطق استراتژیک خریداری کنند. چند ماه پیش از طریق مناقصه سازمان زیباسازی شهرداری تهران برای واگذاری بیلبردها، تعداد دیگری از آژانس‌هایی که صاحب بیلبرد نبودند، از این «مزیت» برخوردار شدند. در حالی که در ایران ملاک بزرگ بودن و حرفه‌ای بودن آژانس‌های تبلیغاتی، صاحب رسانه بودن است و آژانس‌داران با افتخار از تعداد و موقعیت بیلبردهای خود و ارتباط ویژه‌شان با یک رسانه خاص یاد می‌کنند، در سایر نقاط دنیا آژانس‌های تبلیغاتی اجازه ندارند خودشان صاحب رسانه باشند. دلیل این قانون هم واضح است؛ وقتی آژانسی که خودش صاحب رسانه است، به یک شرکت مشاوره تبلیغاتی می‌دهد، یکی از پیشنهادهایش قطعاً همان رسانه‌ای است که در اختیار دارد؛ هرچند ممکن است تبلیغ در این رسانه اصلاً به نفع مشتری نباشد. به عبارت دیگر می‌توان گفت که آژانس‌داری و رسانه‌داری با هم تداخل منافع دارد. گذشته از این، در سایر کشورها رسم نیست که آژانس‌ها به رسانه‌ای تعهد بدهند که این رسانه اولین انتخاب آن‌ها باشد. این در حالی است که برخی از آژانس‌های داخلی بسیار ساده‌لوحانه و از سر بی‌اطلاعی، تعهد خود را به یک رسانه علنی کرده و خود را مجری انحصاری تبلیغات یک رسانه خاص، مثلاً مترو معرفی می‌کنند.

یکی از اشتباهات دیگری که بین تبلیغاتچی‌های داخلی رواج دارد، این است که گاه یک آژانس به چند رقیب سرویس می‌دهد. فراموش نکنیم که بازار صحنه جنگ است و در صورت سرویس‌دهی یک آژانس به دو رقیب، گویی طرفین دعوا هر دو یک وکیل دارند. جالب این‌جاست که نه تنها اکثر آژانس‌های ما حرفه‌ای نیستند، بلکه مشتری‌ها هم از استانداردهای این حرفه سردر نمی‌آورند و اتفاقاً به سراغ آژانس‌هایی می‌روند که با رقبای آن‌ها کار کرده و به اصطلاح در این حوزه صاحب تجربه باشد.

مهم نیست که هنوز زمین تا آسمان با استانداردهای روز دنیا فاصله داریم؛ چراکه با کمی تلاش می‌توانیم خود را به این استانداردها نزدیک کنیم. آنچه اهمیت دارد، این است که تا زمانی که به دانش کافی در این حوزه دست نیافته‌ایم و فقط به رصد کردن خروجی کار آژانس‌های خارجی و الگوبرداری از آن‌ها بسنده می‌کنیم، بهتر است که ادعای حرفه‌ای بودن را کنار بگذاریم و بپذیریم که بهترین نیستیم.

او، جلوی ویتترین نمایندگی‌های اپل، دسته دسته سیب گاززده گذاشتند تا به یاد او که «عاشق سیب» بود، احتمالاً پی‌آواز حقیقت بدوندا! جابز در ششم اکتبر ۲۰۱۱ مرگ را به حضور پذیرفت، اما تا آخرین لحظه اجازه نداد کسی تن رنجورش را ببیند. حتی عکس منتشرشده از او که بعد از رادیوترایی نحیف نشان می‌داد، او را آزرده کرد، اما تنها به گفتن یک جمله به نزدیکانش بسنده کرد: «کاش این عکس به دست هیچ خریدار محصولات اپل نرسد.» آقای جابز، ما آن عکس را ندیدیم یا شاید هم دلمان نخواست ببینیم، ولی عکسی که از شما در قاب ذهن هر خریدار محصولات اپل به جا مانده، چیزی فراتر از این‌هاست، حتی برای آن‌ها که پول خرید محصولات شما را نداشته و ندارند و به قول حمید مصدق غرق این پندار خواهند ماند که چرا باغچه کوچکش سیب نداشت!

جابز که به دلیل ابتلا به سرطان پانکراس (زودتر از وقت مقرر!) از کارهایش در اپل کناره‌گیری کرده بود، نمی‌دانست که بعد از انتشار خبر درگذشتش مردم کشورهایی که پول کافی برای خرید محصولات آن شرکت را ندارند، در وبلاگ‌ها و سایت‌ها می‌نویسند و درباره‌اش اظهارنظر می‌کنند. جابز خاطره جمعی فضای مجازی است. روزنامه گاردین آقای اپل را هم‌ردیف انیشتین و ادیسون نشانده و این هم دلیل دیگری است بر آن مدعا.

پس از مرگ جابز پیام‌های تسلیت فراوانی از سوی روسای جمهور کنونی، سابق و اسبق آمریکا برای خانواده‌اش ارسال شد. اما پیام‌های تسلیت رقبایش حال‌وهوای دیگری داشت؛ از بیل گیتس گرفته تا مدیران «آی‌بی‌ام» و دیگری که برای گرفتن عکس یادگاری با او سر و دست می‌شکستند. کدام شخصیت جهانی را سراغ دارید که این‌قدر تاثیرگذار باشد و مگر می‌شود در عرصه رقابتی تنگاتنگ که پای میلیاردها دلار در میان است، فردی، جانشین خودش را در عین شایستگی و بدون باندبازی تعیین کند؟ تیم کوک جانشین جابز در نبود او وظیفه خطیری دارد، چراکه او میراث بزرگی را به ارث برده و باید پاسخ‌گوی طرفداران جابز و میراثش باشد.





فرا تراز...

تئورسین های بازارهای جهانی سهام

شاهین یاسمی

بنجامین گراهام یکی از معروفترین فعالان بورس در سالهای دهه ۶۰ میلادی بود که علاوه بر نظریه پردازی با خریدهای خود توانست به عنوان یک بروکر موفق نام خود را در تاریخ بورس نیویورک ثبت کند. بنجامین در سال ۱۹۸۴ در انگلستان متولد شد. در یک سالگی همراه با خانواده به آمریکا مهاجرت کرد و در کودکی به دلیل فوت پدر فقر را تجربه کرد و از همان کودکی علاوه بر تحصیل به کار هم می پرداخت. او موفق شد در ادامه از دانشگاه کلمبیا بورسیه گرفته و در رشته های فلسفه و ریاضیات تحصیل کند. ولی گرایش او به بازار بورس از ۲۰ سالگی هنگامی که در یکی از کارگزاری های وال استریت مشغول به کار شد، نمایان شد. او در بسیاری از موارد پنهانی به مشتریان کارگزاری مشاوره می داد و همین باعث حسادت دیگر همکاران او شد و در نهایت از آنجا اخراج شد. ولی گراهام که به سرمایه گذاری های خود بسیار مطمئن بود، با سرمایه اندک به خرید سهام در بورس نیویورک ادامه داد و پس از مدت کوتاهی توانست میلیون ها تومان از این راه کسب و نام خود را به عنوان یکی از معامله گران مطرح وال استریت مطرح کند. او در سال ۱۹۳۴ با انتشار کتاب «تحلیل» امنیت خود را به عنوان یکی از اقتصاددانان تحلیل گر بازار بورس مطرح کرد و پس از آن بیشتر به تحقیق و مطالعه در این زمینه پرداخت. بسیاری از نظریه های او همچنان مورد توجه فعالان بورس در سرتاسر دنیاست و کتاب های او هم جزو کتاب های مقدس اقتصادی در زمینه سرمایه گذاری و تحلیل بورس به شمار می رود. از او به عنوان یکی از امیددهندگان اقتصادی به آمریکاییان در دوران پس از رکود جنگ جهانی دوم نام برده می شود. طرفداران او از روش هایی پیروی می کنند که به نام نظریه گراهام معروف است. در حال حاضر هم وارن بافت، دومین ثروتمند برتر دنیا، از همین روش برای تحلیل سهام استفاده می کند. نکات مهم روش گراهام عبارتند از: ۱- هیچ کس از آینده بازار مطلع نیست. پس ما به دنبال پیش بینی آینده نیستیم. ما براساس رفتار کنونی بازار عمل می کنیم. ۲- هر شرکت دارای دو ارزش دفتری و ارزش بازار است. ارزش دفتری حاصل تقسیم دارایی ها بر تعداد سهام و ارزش بازار نیز حاصل ضرب

قیمت هر سهم در تعداد سهام است. اگر ارزش بازار شرکتی کمتر از ارزش دفتری آن باشد، پس قیمت آن سهم پایین بوده و برای خرید مناسب است. ۳- سهامی مناسب هستند که از نسبت قیمت/ارزش بازار نزدیک به ۱ و P/E پایین برخوردار باشند. ۴- فاصله ارزش دفتری با ارزش بازار شرکت، حاشیه اطمینان آن نام دارد که هرچهقدر بیشتر باشد، یعنی سرمایه گذار کمتر از نوسانات غیرمنطقی و بی دلیل بازار ضربه خواهد خورد. فیلیپ فیشر از نظریه پردازان بزرگ سرمایه گذاری در بازار است که کتابی با عنوان سهام عادی و سود غیرعادی

شرکت و تحقیقات آن در زمینه مشتریان را بررسی کنید. ۴- حاشیه سود شرکت را حتما بررسی کنید. فروشی که منجر به سود نشود، فایده نخواهد داشت. ۵- شرکت باید محصولاتی ارزان تولید کند. حاشیه سود بالا در ترکیب با هزینه پایین نتیجه ای مشابه با حاشیه ایمنی گراهام می دهد. ۶- بهتر است با روش های مختلف درباره شرکت اطلاعات کسب کرده و در صورت لزوم با کارمندان، رقبا و سرمایه گذاران آن صحبت کنید. ۷- از آنجا که یافتن شرکت های برتر کار سختی است، پس در هر زمان بهتر است چند سهم خوب داشته باشید و وقت خود را با شرکت های دیگر تلف نکنید.

پیتربلینچ مدیریت یکی از بزرگترین صندوق های سرمایه گذاری مشاع را برعهده داشت که ارزش آن از ۲۰ میلیون دلار در ۱۹۷۷ به ۱۴ میلیارد دلار در ۱۹۹۰ رسید. او نیز معتقد بود باید شرکتی را که در آن سرمایه گذاری می شود، به خوبی شناخت و با دانش کافی اقدام به خرید آن کرد. نکات مهم روش او عبارت است از:

- از دانش خود برای انتخاب سهام مناسب استفاده کنید. شما به عنوان کارمند بهتر از تحلیل گران دیگر درباره صنعت خود دانش دارید و به عنوان مصرف کننده نیز با جست و جوی محصولات، شرکت بهتر را می توانید پیدا کنید.

- شرکت های انتخابی خود را دسته بندی کنید. لازم نیست خیلی دسته بندی دقیقی داشته باشید. ولی می توانید شرکت ها را به شرکت های با رشد سریع، تازه کار و در حال نوسان تقسیم کنید. در طول زمان شرکت ها در بین دسته ها جابه جا می شوند.

- شرکت های مطلوب عبارتند از:

- درک آن ها ساده باشد، زیرا دیر یا زود افراد نادانی می توانند مدیریت آن ها را برعهده گیرند.
- به خاطر جذاب نبودن مردم از آن ها روگردان شوند. همه فکر می کنند باید در آخرین شرکت اینترنتی ایجاد شده سرمایه گذاری کنند، ولی کسی به فکر آخرین شرکت فروش سبزی و میوه نیست.

- در صنایعی که رشدی ندارند، از رشدی بالا برخوردار باشند. همه فکر می کنند برای پول درآوردن باید به دره سیلیکون بروند و کسی به شرکت های مراسم کفن و دفن

پیتربلینچ مدیریت یکی از بزرگترین صندوق های سرمایه گذاری مشاع را برعهده داشت که ارزش آن از ۲۰ میلیون دلار در ۱۹۷۷ به ۱۴ میلیارد دلار در ۱۹۹۰ رسید. او نیز معتقد بود باید شرکتی را که در آن سرمایه گذاری می شود، به خوبی شناخت

دارد. وارن بافت او را پس از گراهام یکی از بزرگترین نظریه پردازان بازار سهام دانسته و خود شخصا در حضور او تعلیم یافته است. تاکید اصلی فیشر بر انتخاب شرکت برتر است. از دید او شرکت برتر یعنی شرکتی که فروش، حاشیه سود و گردش نقد بالا و هزینه پایین داشته باشد. نکات مهم نظریه او عبارتند از:

۱- سهام شرکتی را بخرید که رشد آن در سال های آتی بیشتر از میانگین صنعت باشد.

۲- به دنبال مدیریت خوب باشید. مدیریت خوب سودهای آتی را فدای رشد پایدار و بلندمدت می کند.

۳- فروش شرکت عامل بسیار مهمی است. فروش هر

فکر نمی‌کند.

● دارای چیزی منحصر به فرد باشند تا رقابت با آن‌ها سخت باشد.

● چیزی عرضه کنند که مردم به آن محتاج باشند. به این ترتیب کار آن‌ها دوام خواهد داشت.

● دارای وجه نقد زیاد و بدهی کم باشند. شرکتی که بدهی ندارد، ورشکسته نخواهد شد.

● با قیمتی خوب عرضه شود. برای تعیین خوب بودن قیمت سهم به نسبت‌هایی مانند قیمت/ارزش دفتری و P/E توجه کنید.

● مدیران و کارمندان شرکت، خود از سهامداران شرکت باشند. به این ترتیب آن‌ها بیشتر برای رشد شرکت تلاش خواهند کرد.

● شرکت سهام خود را بازخرد کند. به این ترتیب شرکت اعتماد بیشتری به آینده داشته و با کاهش سهام جاری ارزش آن افزایش می‌یابد. (این مورد در بازار ایران مصداق ندارد.)

- در نهایت باید به این سوال پاسخ دهید که چرا این سهم را می‌خرید. اگر دلایل روشن و کافی ندارید، به بررسی مجدد دلایل و استدلال‌های خود بپردازید.

«ویلیام اونیل» نویسنده و مؤسس نشریه معتبر Investor Business Daily است. نظریات او کمی در تقابل با سایر سرمایه‌گذاران قرار دارد. برای مثال او قیمت را بهترین

شاخص ارزیابی هر سهم دانسته و اعتقاد دارد که هرگز نباید با بازار در افتاد. ایشان به جای تاکید بر ایجاد تنوع زیاد در سبد به دنبال انتخاب سهام برتر است. به اعتقاد ایشان کسب سود سریع مهم‌ترین عامل است و برای همین باید سهام بازنده را سریعاً از سبد خارج کرده و بر سهام برنده افزود. معیار ایشان برای انتخاب سهام برتر CANSIM



نام دارد که هر حرف اول آن یکی از هفت معیار است:

C: سود شرکت در هر فصل نسبت به فصل سال قبل باید رشدی چشم‌گیر داشته باشد.

A: سود سالانه شرکت باید نسبت به سال قبل از رشد

چشم‌گیری برخوردار باشد.
N: باید محصول و خدمات جدیدی توسط شرکت ارائه شده باشد.

S: عرضه سهام شرکت کم و تقاضا برای آن زیاد باشد.

L: شرکت باید جزو پیش‌گامان صنعت باشد.

I: سهام‌داران نهادی شرکت باید از آن حمایت کنند.

M: جهت بازار باید در تصمیم‌گیری‌ها در نظر گرفته شود.

سهم خوب باید تمام هفت ویژگی خود را با هم داشته باشد. سایر نکات مهم روش آقای اونیل عبارت‌اند از:
۱- از ارزش‌گذاری سهام صرف‌نظر کنید. P/E معیار خوبی برای انتخاب سهام نیست.

۲- به دنبال شرکت‌هایی باشید که مدیریت شرکت سهام زیادی از آن را در اختیار داشته و بدهی شرکت پایین باشد. ۳- برخلاف نظر موجود، شرکت‌هایی باید خریداری شوند که به قیمت حداکثر جدیدی دست یافته‌اند. قیمت شرکتی که به حداقل جدیدی رسیده، باز هم پایین خواهد رفت. ۴- مانند یک خرده‌فروش سید خود را مدیریت کنید. سهام کم سود را فروخته

و بر سهام پرسود بیفزایید. ۵- راهبرد سرمایه‌گذاری خود را خودکار کنید. قیمت توقف زیان را تعیین کرده و هرگز سهام را در قیمت پایین‌تر از آن نگه ندارید. ۶- به جای سبدي از سهام متوسط به دنبال چند سهام برتر باشید.

شناهين ياسمي

سه سهام برتر خودروسازی جهان

۴۱ میلیون دلار دارد و سهام این شرکت در بورس‌های فرانکفورت، لندن، نیویورک و سوییس معامله می‌شود.

جنرال موتورز



جنرال موتورز یا به اختصار جی‌ام، یکی از تولیدکنندگان بزرگ خودرو است که مرکز آن در ایالات متحده آمریکا قرار دارد. این شرکت بزرگ‌ترین شرکت تولیدکننده

خودرو در سال ۲۰۱۱ در سطح جهانی بود. هم‌چنین از سال ۱۹۳۱ تا ۲۰۰۷ میلادی به عنوان بزرگ‌ترین شرکت سازنده خودرو در جهان شناخته می‌شد، اما در سال ۲۰۰۸ شرکت تویوتا از جنرال موتورز پیشی گرفت. این کمپانی که در سال ۱۹۰۸ در دیترویت میشیگان تأسیس شد، تولیدکننده خودروهای پرطرفدار شورلت، بیوک، جی‌ام‌سی و کادیلک و هم‌چنین خودروهای اپل، الدزموبیل، هولدن، سوزوکی، ایسوزو و واکسهال در کانادا، اروپا، آمریکای لاتین و آسیای میانه است. هامر، ساترن، پونتیاک، ساب، الدزموبیل و دوو از مارک‌های پیشین متعلق به این شرکت به‌شمار می‌آیند.

این ابرکمپانی هم‌اکنون ۲۸۰ هزار کارمند تمام‌وقت در سراسر جهان دارد. پس از شکست سختی که در سال ۲۰۰۸ میلادی متحمل شد، جنرال موتورز دوباره روی پای خود ایستاد، اما هم‌چنان مسیری طولانی در پیش داشت. در سال ۲۰۰۹ پس از بازگشت از ورشکستگی عرضه اولیه سهام خود را در سال ۲۰۱۰ به پیش گرفت. درآمد این شرکت بالغ بر ۱۳۵ میلیارد و ۵۹۲ میلیون دلار است و سهام آن در بورس نیویورک و بورس تورنتو کانادا معامله می‌شود.

تویوتا، پا به عرصه وجود نهاد. پسر کنجاکو و مستعد او، کیشیرو که در رشته مهندسی مکانیک از دانشگاه توکیو فارغ‌التحصیل شده بود، در کارخانه پدر مشغول به کار شد، اما همه توجه و همت او صرف تولید موتور خودرو شد. در سال ۱۹۳۰ کیشیرو تحقیق روی موتورهای گازویلی را آغاز کرد و سه سال بعد بخش خودرو را در قسمت کوچکی از کارخانه ریسندگی پدر راه انداخت. در سال ۱۹۳۵ اولین کارخانه خودرو تویوتا آغاز به کار کرد و سال بعد لوگوی تویوتا به تویوتا تغییر یافت. یک سال بعد یعنی سال ۱۹۳۷ شرکت تویوتا موتور به طور رسمی افتتاح شد. به این ترتیب یکی از کارخانجات موفق ریسندگی ژاپن در بین دو جنگ جهانی با تغییر گرایش، به کارخانه خودروسازی تبدیل شد. در حال حاضر بورس نیویورک، توکیو و لندن میزبان سهام این شرکت هستند.



فولکس‌واگن

فولکس‌های کوچک و جمع‌وجور سابق، اکنون تبدیل به دومین خودروساز بزرگ جهان شده است؛ همان‌هایی که رنگ سبزشان نسبت

به باقی رنگ‌ها ترجیح داده می‌شد و به نام فولکس قورباغه‌ای معروف بود. فولکس‌واگن بزرگ‌ترین تولیدکننده خودرو در آلمان و بزرگ‌ترین خودروساز اروپا است. این کارخانه در سال ۱۹۳۰ به درخواست پیشوای آلمان نازی سابق، آدولف هیتلر بنا شده است. او خواست تا خودرویی برای مردم ساخته شود و فولکس واگن در زبان آلمانی به معنای خودروی مردم ساخته شد. این شرکت هم‌اکنون درآمدی بالغ بر ۱۶۸ میلیارد و

خودرو در باور عام وسیله‌ای چهارچرخ است که با کمک موتور شما را از مکانی به مکان دیگر منتقل می‌کند، اما در باور تولیدکنندگان خودرو، تنها وسیله نیست، بلکه یک محصول است که می‌تواند آینده شرکت‌های بزرگ جهان را تضمین کند. بهترین و پردرآمدترین خودروسازان موجود در بازار سهام، خودروسازانی نیستند که تنها ظاهر شیک و آپشن‌های به‌روز داشته باشند، بلکه آن‌هایی هستند که کیفیت عالی، سرمایه‌ای مناسب و تولیدات متنوع و زیادی داشته باشند؛ بنابراین سه شرکت برتر تولیدکننده خودرو در جهان را براساس کیفیت مناسب و ارزندگی سهام آن‌ها برای سهام‌دارانشان معرفی می‌کنیم:

تویوتا



نخستین رتبه به شرکت ژاپنی تویوتا، غول خودروسازی جهان و یکی از تولیدکنندگان بزرگ خودرو در جهان می‌رسد که با درآمدی بالغ بر ۲۲۱ میلیارد و ۷۶۰ میلیون

دلار و با پشت سر گذاشتن رکوردی دو ساله، پس از وقوع فاجعه سونامی، توانست فروشی چشم‌گیر را در کشورهای نوظهور در آسیا، آمریکای جنوبی و آفریقا به دست آورد. تویوتا در ابتدای قرن بیستم به‌عنوان یک کارخانه ریسندگی کار می‌کرد. ساکیشی تویوتا که سال‌ها در راه شغل پدر خود، یعنی فروش فرش فعالیت می‌کرد، این کارخانه را راه انداخته بود و در سال ۱۸۹۴ با هوش سرشار خود یک ماشین بافندگی صنعتی ابداع کرد. او در سال ۱۹۲۴ نوع تمام‌اتوماتیک آن را ساخت و دو سال بعد کارخانه اتوماتیک ریسندگی



در گفت‌وگو با خسرو معتضد بررسی شد

ردپای بانک‌ها در تاریخ

خسرو معتضد نامی آشنا برای مخاطبان مباحث تاریخی است و بسیاری او را به عنوان یک پژوهش‌گر تاریخ به رسمیت می‌شناسند. او در گفت‌وگویی نسبتاً مفصل تاریخ بانک‌داری ایران را بازخوانی کرد. خلاصه‌ای از گفته‌های معتضد درباره تاریخ بانک‌داری ایران را می‌توانید در ادامه بخوانید:

سایر بندهای قرارداد ۱۶ سال به تعویق افتاد. از مهم‌ترین امتیازهای بانک شاهی، حق انحصاری نشر اسکناس به شمار می‌رفت. این بانک معاف از مالیات بود و تنها سالیانه شش درصد از سود خالص بانک (حداق ۱۳ هزار تومان) به دولت ایران تعلق می‌گرفت. بانک شاهنشاهی برای افتتاح شعبه مرکزی خود در تهران عمارت شرق میدان توپخانه را که بانک جدید شرق در آن مستقر بود، خریداری کرد. این عمارت عظیم بعدها به بانک بازرگانی فروخته شد. (که هم‌اکنون شعبه میدان امام خمینی (ره) بانک تجارت است.) این موضوع نیز در کتاب دوجلدی «قضیه ایران» آمده است.

از نکات مهمی که درباره بانک شاهی باید گفت، این است که مردم فکر می‌کردند بانک شاهی به این دلیل نام‌گذاری شده است که بانک شاهنشاه ایران است، در صورتی که این بانک ترجمه «امپریال بانک» یا همان بانک سلطنتی انگلیس است. نکته قابل توجه دیگر این است که این بانک تا زمانی که در ایران مشغول فعالیت بود، اسکناس‌هایی چاپ کرد که هیچ عکسی غیر از عکس ناصرالدین شاه روی آن چاپ نشد. از دیگر موضوعات مربوط به اسکناس‌های آن دوره این است که اسکناس‌ها فقط در شهری خاص اعتبار داشت. مثلاً اسکناس‌های بانک شاهی تهران، برای تایید، مهر بانک شاهنشاهی تهران را داشت و در جای دیگر اعتبار نداشت. اگر کسی می‌خواست به تبریز یا مشهد برود، باید به بانک می‌رفت و اسکناس‌هایی را دریافت می‌کرد که مهر آن شهر را داشته باشد. بانک هم با دریافت کارمزد اسکناس‌ها را با اسکناس‌های آن شهر تعویض می‌کرد.

یکی از شخصیت‌هایی که در بانک شاهی نقش ایفا کرد و از انگلستان آمد، رابینو نام داشت که فرد فاسدی بود و از مقام‌های ایرانی رشوه زیادی می‌گرفت و قیمت لیره را به نفع آن‌ها تغییر می‌داد. بعدها این فرد از ریاست بانک شاهی برکنار شد.

در سال ۱۲۶۹ شمسی روس‌ها هم گفتند باید مثل همان امتیازی که به انگلیسی‌ها داده شده، به ما هم بدهید. بنابراین ژاک بولیگاف امتیاز تأسیس بانک استقراضی ایران را از ناصرالدین شاه گرفت. امتیاز این بانک و

اولین کسی که درخواست جدی برای تأسیس بانک در ایران داد، فردی به نام ساوالان فرانسوی بود، اما موفق به تأسیس بانک نشد تا این‌که «بانک شرقی» در ایران تأسیس شد. این بانک بیش از یک سال در ایران دوام نیاورد. یک سال بعد از «بانک شرقی» بانک شاهنشاهی تأسیس شد و بانک شرق همه اموال و امتیازات خود را یک‌جا به این بانک واگذار کرد.

«بانک شاهنشاهی ایران» در سال ۱۲۶۷ هجری شمسی (برابر با ۱۸۸۹ میلادی) توسط بارون جولپوس دو روتیر، موسس خبرگزاری روتیر، تأسیس شد. او اجازه

«بانک شاهنشاهی ایران»
سال ۱۲۶۷ هجری شمسی (برابر
با ۱۸۸۹ میلادی) توسط بارون
جولپوس دو روتیر، موسس
خبرگزاری روتیر، تأسیس شد. او
اجازه انحصاری تأسیس بانک
شاهنشاهی را به مدت ۶۰ سال از
ناصرالدین شاه گرفت

انحصاری تأسیس بانک شاهنشاهی را به مدت ۶۰ سال از ناصرالدین شاه گرفت. البته روتیر این امتیاز را در سال ۱۸۷۳م گرفته بود اما به دلیل اعتراض علماء، این کار تا سال ۱۸۸۹م؛ ۱۶ سال به تعویق افتاده بود. این موضوع در کتابی به نام «عصر بی‌خبری» که توسط ابراهیم تیموری نوشته شده، به صورت مشروح آمده است. علمای ایران به ویژه ملا علی کنی، در آن زمان به دولت اعتراض کردند که دولت ایران را در مقابل ۱۵ هزار لیره فروخته است به همین دلیل این اعتراض‌ها کارگر افتاد و تأسیس بانک و

صنایع بانک در ایران پرفرازونشیب است. در تمدن بابل، خانواده‌هایی بودند که کار صراف می‌کردند. «اگیبی» خانواده‌ای بود که کار خود را با تأسیس تجارت‌خانه‌ای در بابل آغاز کرد. این خانواده یهودی، در سال ۶۹۰ ق.م، کمی پس از انهدام سامریه و تبعید اسرایلیان، در پایتخت کلدیه مستقر شدند و تجارت‌خانه آن‌ها مشهورترین تجارت‌خانه بابل بود. نظیر این خانواده، چند خانواده دیگر هم بودند که نقش مهمی در فعالیت اقتصادی بازی می‌کردند. این مردان هم کارگزار اقتصادی، هم صراف، محضردار و هم وکیل مدافع بودند، اما در این میان، خانواده اگیبی به‌ویژه در امور بانکی سرآمد شدند.

از ابتکارات اگیبی‌ها در بانک‌داری ابداع نوعی عملیات مالی است که در آن دوره بی‌نظیر به شمار می‌رفت. پرداخت وام در مقابل دریافت گروبی یا چیزی به امانت این ابداع آن‌ها بود. این ابتکار باعث شد وام‌گیری بسیار آسان شود. اگیبی‌ها علاوه بر فعالیت‌های بانک‌داری به سوداگری نیز می‌پرداختند، از جمله خرید و فروش، مبادله، اجاره مستغلات و اموال غیرمنقول (خانه، زمین، مزرعه). آنان هم‌چنین، کار تجارت برده و به‌طور ضمنی خرید و فروش چارپایان را نیز انجام می‌دادند.

بانک‌های جدید اما در کشور ما در دوران قاجار و در زمان سلطنت ناصرالدین شاه شروع به کار کرد. حدود ۱۲۵ سال قبل حاج محمدحسن امین دارالضرب، نامه‌ای مشروح برای ناصرالدین شاه فرستاد و برای او از نقش بانک ایرانی در اعتلای اقتصاد نوشت و پیشنهاد کرد که این بانک با سرمایه مشترک دولت و ملت ایران تأسیس شود. ناصرالدین شاه در آن نامه اولین باری بود که با بانک آشنا می‌شد. برای همین می‌پرسد بانک چیست؟ او در سومین سفر خود به اروپا با بانک و دسته چک آشنا شد و موضوع به نظرش خیلی جالب آمد. ناصرالدین شاه در برگشت برای رجال درباری از بانک گفت. در آن زمان مردم و رجال درباری آن‌قدر با بانک ناآشنا بودند که به نظرشان چیز عجیبی می‌آمد برای همین به ناصرالدین شاه می‌گفتند: اعلی‌حضرت همان‌طور که درخت بالنگ را آوردند و در ایران رشد و نمو کرد، بانک را هم بیاورند و بکارند تا در مملکت رشد کند!

بانک‌های امروز، وارث سیاست‌های دیروز

از زمانی که بانک در سال‌های نیمه دوم قرن سیزدهم هجری شمسی در ایران پا به میدان گذاشت تا امروز، روزهای زیادی بر این حوزه گذشته و تجربیات بسیاری در این زمینه به دست آمده است. اگر بخواهیم نمای کلی از بانک و بانکداری ارائه کنیم، تعریف جامعی که بتواند به طور کامل این حوزه را تصویر کند، وجود ندارد، زیرا به مرور و با ایجاد نیازهای جدید، تعریف بانک و بانکداری نیز تغییر کرده و می‌کند. امروز وفور مؤسسات مالی در انواع مختلف که شبیه بانک هستند، وضعیتی به وجود آورده است که به طور دقیق نمی‌توان مؤسسات مالی غیربانکی را از بانک تمیز داد، اما بانک در مفهوم و تعریف کلی، نهادی اقتصادی است که وظیفه تأمین و توزیع اعتبارات و انجام عملیات مربوط به آن را بر عهده دارد. این ساختار، عملیات مالی، نقل و انتقال وجوه و در سطحی دیگر انجام وکالت خرید یا فروش را نیز بر عهده دارد. منابع مالی بانک‌ها به طور عام از محل سپرده‌های مشتریان جمع‌آوری می‌شود (چه مشتریان خرد و چه مشتریان بزرگ مانند دولت‌ها و شرکت‌های معظم اقتصادی) و بانک‌ها با پرداخت بهره به این سپرده‌ها، حق استفاده از آن را در اختیار می‌گیرند و این وجوه را به صورت اعتبار، وام و تسهیلات در اختیار متقاضیان قرار می‌دهند.

در مسیر تکامل بانکداری، طی دو دهه گذشته، اقدامات مختلفی در این زمینه اتفاق افتاده است که مهم‌ترین آن ادغام بانک‌ها در یکدیگر یا ایجاد شبکه خدمات یک‌پارچه است. مطالعات نشان می‌دهد در ایالات متحده آمریکا، در این مدت حدود ۳۰ درصد از بانک‌های موجود، در مابقی ادغام شده‌اند. آن‌چه به وضوح هدف این ادغام‌ها بوده، گستردگی، افزایش میزان اعتبارات و مقاومت بیشتر آن‌ها در مقابل معضلات اقتصادی است که البته به تبع همه این موارد، بهبود ارائه خدمت به مشتریان نیز مد نظر بانک‌ها بوده است. اما در کشور ما تراجم منافع، ایجاد شعب متعدد و تکرار از



مواردی است که در بانکداری ایران دیده می‌شود و این تمایل وجود دارد که بانک‌های کوچک با سرمایه‌های ناچیز اما پرتعداد، تاسیس شود. هر چند تعداد بانک‌ها در کشوری مانند ایالات متحده و ایران و عملکرد آن‌ها، خیلی با هم قابل جمع نیستند، اما باید این موضوع را در نظر گرفت که اگر بتوان تعداد بانک‌های معظم در ایران را افزایش داد تا در مقابل فعل و انفعالات اقتصادی، مقاوم‌تر باشند، بسیار بهتر از این است که تعداد بی‌شماری بانک با سرمایه ناچیز موجود باشد. در تاریخ بانکداری بعد از انقلاب اسلامی، از مقطعی به بعد، تبدیل مؤسسات مالی و اعتباری به بانک و ایجاد بانک‌های خصوصی در کشور، باب

شد. هر چند در دوره قدیم بانک بازرگانی ایران اولین بانک خصوصی بود، اما در دوره جدید، بانک اقتصاد نوین اولین بانک خصوصی است. تا سال ۱۳۷۶، در ایران خبری از فعالیت مؤسسات پولی خصوصی نبود و از سال ۱۳۵۷ تا این مقطع، بانک‌های خصوصی قبل از انقلاب، به بانک‌های دولتی تبدیل شده بودند، اما از سال ۱۳۷۶ مؤسسات مالی اعتباری فعالیت خود را در ایران آغاز کردند و بعد از آن در سال ۱۳۷۷ بانک مرکزی موافقت خود را با تأسیس بانک خصوصی اعلام کرد. سال ۱۳۸۰ را می‌توان نخستین سال آغاز دوره جدید بانکداری در ایران دانست، زیرا در این سال، بانک اقتصاد نوین فعالیت خود را آغاز کرد. دومین بانک خصوصی کشورمان نیز در همان سال پس از چند ماه، پا به عرصه گذاشت. بعد از آن نیز تعدادی از مؤسسات مالی و اعتباری که پیش از این فعالیت خود را شروع کرده بودند، در قالب بانک ظاهر شدند. از آن به بعد بود که رقابتی برای تأسیس بانک‌های خصوصی ایجاد شد و بر خلاف بانک‌های دنیا که به سوی بزرگ شدن و ادغام در یکدیگر پیش می‌رفتند، در ایران به سوی تعدد بانک، آن هم بانک‌های کوچک گام برداشتیم. به هر حال بانکداری در ایران از همان ابتدا با تعدد همراه بوده است و به این دلیل که در دوره اول بانکداری ایران تراجم منافع باعث افتراق آن‌ها می‌شده، با همان سبک و سیاق ادامه یافته و تا امروز هم ادامه دارد.

مشکل بزرگی که در بانکداری امروز ما دیده می‌شود، تا حد زیادی از دوره پیش به ارث برده شده است. اولین بانک خارجی در ایران که بانک شاهی بود، بیشتر وجوه مالی خود را از درون ایران تهیه می‌کرد و سپس با راهبرد استفاده از شبکه شعب برای ایجاد یک پایگاه سپرده محلی، پیش رفت. آن‌چه به عنوان ایراد اساسی در کار بانک شاهی دیده شد، بی‌میلی بانک در استفاده از منابع خود برای ارائه وام و تسهیلات بود که موجب رشد انتقادهای در ایران شد. در سال‌های بین ۱۹۲۳ و ۱۹۲۶م دولت ایران از بانک شاهی خواست تا منابع مالی فراهم کند تا به تأمین مالی برنامه صنعتی شدن ایران کمک شود، اما این موضوع مورد قبول هیئت مدیره بانک در لندن قرار نگرفت و هر چه مدیریت بانک در تهران به این امر توصیه کرد، افاقه نمی‌نمود تا این که بانک سرانجام تحت اجبار شدید مجبور به دادن وام در ۱۹۲۶ شد.

این موضوع به عنوان انتقاد از بانک‌ها در حال حاضر هم وجود دارد و منابع بانکی تا حد زیادی به متقاضیان پرشمار بانکی تعلق نمی‌گیرد و از میان تعداد بی‌شمار متقاضیان وام، عده کمی هستند که به خدمات مورد نیاز خود دست پیدا می‌کنند. به همین دلیل میزان اعتماد به سیستم بانکی به حداقل خود رسیده است. این عامل یعنی کمبود اعتماد عمومی به سیستم بانکی موضوعی است از گذشته به ارث گذاشته شده و مادامی که این نقیصه رفع نشود، امید چندانی به بهبود اوضاع نیست!

* کارشناس ارشد امور بانکداری

با نام انجمن استقراضی ایران دایر شد، به مدت ۷۵ سال و معاف از مالیات به او اعطا شد. بانک عملاً در خدمت سیاست دولت روسیه بود و تنها ۱۰ درصد از سود سالانه خود را به دولت ایران پرداخت می‌کرد. بانک استقراضی کاری که انجام داد، پول زیادی بین مردم تقسیم کرد و به راحتی وام می‌داد و تقریباً تمام رجال ایران به این بانک بدهکار بودند. بانک در مقابل وام، اموال غیرمنقول مانند زمین و باغ و انواع ملک را تضمین می‌گرفت. این بانک شرخر هم داشت و برای بدهکاران عده‌ای را اجیر کرده بود که وقتی بدهی‌شان را پرداخت نمی‌کردند، می‌رفتند و در خانه‌شان آتش به پا می‌کردند و تابلو می‌زدند که این خانه بدهکار است.

برای همین مردم از این‌ها می‌ترسیدند. موضوع دیگر این است که چون بانک استقراضی پول زیادی بین مردم و رجال تقسیم کرده و وام داده بود، در امور مملکت دخالت زیادی می‌کرد. یکی از موارد دیگر این است که این بانک و بانک شاهی همیشه اختلاف داشتند و کاری که بانک استقراضی می‌کرد، این بود که بین مردم طوری تبلیغ می‌کرد که بروند و اسکناس‌های بانک شاهی را پس بدهند و به جای آن سکه دریافت کنند.



همین موضوع باعث ضرر و زیان زیاد بانک شاهی می‌شد. درباره بانک شاهی موضوع قابل ذکر و قابل تقدیر این بوده که اولین مدیران بانکی کشور ما را تربیت کرده که انصافاً مدیران خوبی هم بوده‌اند. مثل ابوالحسن ابتهاج و عبدالحسین دانشپور که بعدها وقتی بانک ملی تأسیس شد، این بانک را به شکل آبرومندی درآوردند.

بعد از این بانک‌ها هم بانک‌های دیگری در ایران امتیاز گرفتند مثل بانک عثمانی، اما هیچ‌کدام توفیقی در ایران نداشتند، تا این‌که اولین بانک ایرانی به نام بانک پهلوی قشون در ایران تأسیس شد.

چند بانک خارجی در ایران سکه ضرب و اسکناس چاپ کردند. در دوران جنگ دولت آلمان دو میلیارد قطعه سکه ضرب کرد که بخشی از آن در ایران توزیع شد، طوری که بعد از جنگ زنان عشایر از آن‌ها برای خودشان گردن‌بند درست کرده بودند. اسکناس‌های آلمانی هم در این دوران چاپ شد که روی آن نوشته شده بود «دارالسلطنه برلین». عثمانی‌ها هم اسکناس‌هایی به نام «قائمه» منتشر کرده بودند که استقبال از آن‌ها نشد. اما در زمانی که عثمانی‌ها تیریز را گرفته بودند، به زور سرنیزه مردم را مجبور می‌کردند از این اسکناس‌ها استفاده کنند.

جام جهانی فوتبال برزیل در راه است. این تورنمنت یک ماهه صرف نظر از جاذبه های ورزشی، یک رویداد اقتصادی بزرگ نیز هست که می تواند اقتصاد برزیل را دگرگون کند؛ اقتصادی که پس از یک دوره اوج، در ماه های اخیر بحران های ریز و درشتی را تجربه کرده و رویداد مهمی مثل جام جهانی فوتبال می تواند سرنوشت متفاوتی را برای آن رقم بزند.



همه آن چه که باید درباره اقتصاد جام جهانی برزیل بدانید

هزینه ۱۱ میلیارد دلاری برای گران ترین تورنمنت تاریخ فوتبال

درآمد ۱۱ میلیارد دلاری برزیل از محل گردشگران

نهاد های بین المللی پیش بینی کرده اند که برگزاری جام جهانی فوتبال در برزیل یک درصد بر رشد تولید ناخالص داخلی برزیل اضافه خواهد کرد و به رونق اقتصادی این کشور خواهد انجامید. مقامات گردشگری برزیل نیز پیش بینی کرده اند که از محل ورود گردشگر خارجی و همچنین گردشگران داخلی، یک درآمد ۱۱ میلیارد دلاری نصیب برزیل شود. هم چنین برآورد شده است که در نتیجه ورود ۶۰۰ هزار تماشاگر، حدود سه میلیارد دلار ارز خارجی وارد برزیل شود.

مدیریت زمان و سامان دهی پرواز های داخلی؛ چالش بزرگ برگزار کنندگان

مدیریت رویداد عظیمی مثل جام جهانی فوتبال در هر کجای دنیا که باشد، چالش های فراوانی را پیش روی برگزار کنندگان قرار می دهد؛ اما این چالش ها برای برزیل دوچندان است. این کشور از حیث وسعت پنجمین کشور وسیع جهان است و همین مسئله موجب می شود که تیم ها برای رفت و آمد میان ۱۲ شهر برگزاری مسابقات، مجبور به انجام پرواز های طولانی شوند. فاصله شهر های برگزار کننده جام جهانی از ۴۴۴ تا ۲۶۸۱ کیلومتر در نوسان است. بنابراین مدیریت پرواز های داخلی کشور یکی از چالش های پیش روی مدیران برگزاری مسابقات است.

چالش دیگر برگزار کنندگان مسابقات، اختلاف ساعت برزیل با سایر کشورهاست که زمان بندی مسابقات را دشوار می کند؛ چرا که بازی ها باید در ساعتی برگزار شود که هم بازیکنان از آمادگی بدنی مناسبی برخوردار باشند و هم تماشاگران در نقاط مختلف دنیا بتوانند به تماشای بازی های فوتبال بنشینند.

هزینه ۲/۸ میلیون یورپی برای مراسم قرعه کشی
برزیل کشوری است که از نظر امنیتی همواره با مشکلات

معتراضان بر این باورند که میلیون ها دلاری که باید صرف ارائه خدمات پزشکی بهتر، خدمات آموزشی، حمل و نقل و تامین مسکن شود، برای میزبانی این رویداد ورزشی هزینه شده است.

هزینه ۸۰۰ میلیون دلاری تامین امنیت مسابقات

مستولان برگزاری مسابقات اعلام کرده اند که موضوع تامین امنیت مسابقات برای آن ها اهمیت زیادی دارد. آن ها برای مدیریت اعتراضات و نابسامانی ها، هزینه ای ۷۹۸ میلیون دلاری را متحمل شده اند. برزیل برای تضمین برگزاری جام جهانی بدون مشکل و در دسر ۱۷۰ هزار نیروی امنیتی را به کار گرفته است. ۱۵۰ هزار نیروی نظامی و انتظامی در جریان برگزاری این تورنمنت یک ماهه حضور خواهند داشت و ۲۰ هزار افسر تعلیم دیده نیز برای افزایش امنیت بازی ها به خدمت گرفته شده اند.

۹/۵ میلیارد هزینه بهبود زیر ساخت ها

آمار های غیر رسمی حاکی از آن است که برای آماده سازی ۱۲ ورزشگاه محل برگزاری مسابقات در شهر های مختلف برزیل، سه میلیارد دلار هزینه شده و یک هزینه ۹/۵ میلیارد دلاری نیز در سطح ملی، ایالتی و دولتی صرف بهبود زیر ساخت ها در جهت آمادگی برای برگزاری این رویداد شده است. با وجود صرف این هزینه هنگفت، کارشناسان بر این باورند که برگزاری این مسابقات ضمن جبران هزینه های صورت گرفته، یک سود ۱/۴ میلیارد دلاری را نصیب برزیل می کند. این سود بدون در نظر گرفتن منابع غیر مستقیم درآمدی مانند افزایش مصرف مواد اولیه رستوران ها، رونق مراکز خرید، تبلیغات و... محاسبه شده است. گذشته از این، زیر ساخت های ایجاد شده به بهانه برگزاری این رویداد، همیشگی است و برای این کشور باقی خواهد ماند. این رویداد هم چنین در معرفی جاذبه های گردشگری این کشور نیز موثر خواهد بود و قطعا بر آمار گردشگران این کشور در آینده خواهد افزود.

فراوانی مواجهه بوده و این مشکل در زمان میزبانی رویدادهای بزرگ، پررنگ تر می شود. برای مثال، در زمان برگزاری جام کنفدراسیون ها در برزیل، یک میلیون نفر به خیابان ها آمدند تا به شرایط نامناسب خدمات عمومی، فساد و هزینه بالای آماده سازی ورزشگاه ها اعتراض کنند.

مشابه این مسئله در زمان برگزاری مراسم قرعه کشی جام جهانی نیز اتفاق افتاد. مسئولان این کشور ۲/۸ میلیون یورو برای برگزاری این مراسم هزینه کردند. این رقم از سه ماه قبل از برگزاری مراسم قرعه کشی صرف امور فنی و برنامه های جانبی شده بود. همین مسئله موجب شد که

آمار های غیر رسمی حاکی از آن است که برای آماده سازی ۱۲ ورزشگاه محل برگزاری مسابقات در شهر های مختلف برزیل، سه میلیارد دلار هزینه شده و یک هزینه ۹/۵ میلیارد دلاری نیز در سطح ملی، ایالتی و دولتی صرف بهبود زیر ساخت ها در جهت آمادگی برای برگزاری این رویداد شده است

مردم در اعتراض به هزینه های بالا به خیابان ها بریزند و تظاهرات کنند.

گفته می شود که برزیل در مجموع برای برگزاری مسابقات جام جهانی حدود ۱۱ میلیارد دلار هزینه کرده است. این مسئله با اعتراض گسترده مردم این کشور مواجه شده است. بیش از دو هزار نفر از مردم برزیل در اعتراض به هزینه های بالای میزبانی جام جهانی تظاهرات کردند. تظاهر کنندگان پارچه هایی در دست داشتند که روی آن نوشته شده بود: «جام جهانی در این جا برگزار نمی شود.»

هزینه دو هزار دلاری اقامت در برزیل

شهرهای ساوپائولو و ریودوژانیرو از نظر هزینه‌های گردشگری بسیار گران هستند و اقامت در آن‌ها حدود دو هزار دلار هزینه دارد. شنیده‌ها حاکی از آن است که قیمت هتل‌های محل اقامت مسافران در مسابقات جام جهانی ۲۰۱۴ در ریودوژانیرو برزیل حدود ۵۰ درصد گران‌تر از قیمت همین هتل‌ها برای بازی‌های المپیک ۲۰۱۶ تخمین زده شده است. این مسئله به دلیل آن است که آژانس مسئول امکانات رفاهی در فدراسیون بین‌المللی فوتبال سقفی را برای قیمت هتل‌ها در جریان برگزاری جام جهانی تعیین نکرده و این در حالی است که در اسناد پیشنهاد میزبانی ریودوژانیرو برای المپیک ۲۰۱۶ به این مسئله اشاره شده است.

۱۰۰۰ دلار قیمت گران‌ترین بلیت جام جهانی

متوسط قیمت بلیت بازی‌های جام جهانی ۳۰۰ دلار است و گران‌ترین بلیت این رویداد که مربوط به بهترین قسمت ورزشگاه محل برگزاری بازی فینال است، ۱۰۰۰ دلار قیمت دارد. گفته می‌شود که جام جهانی ۲۰۱۴ گران‌ترین تورنمنت تاریخ فوتبال برای ایرانی‌هاست؛ چراکه بلیت‌های ۲۲۰۰ دلاری هواپیما، هتل‌های گران‌قیمت برزیلی و بلیت‌های



۳۰۰ دلاری مسابقات ایران، مبلغ ۱۲ هزار دلار برای ایرانی‌ها هزینه خواهد داشت. متوسط قیمت ارائه‌شده توسط آژانس‌های مسافرتی داخلی برای سفر برزیل در زمان برگزاری مسابقات ۳۰ میلیون تومان است که هزینه اخذ ویزای توریستی، بلیت رفت و برگشت هواپیما، ۱۲ شب اقامت با صبحانه، ترانسفرهای بین شهری، یکجای اورجینال هواداری تیم ملی و بلیت مسابقات ایران در مرحله گروهی به همراه ترانسفر از محل اقامت به استادیوم‌ها و بالعکس را شامل می‌شود.

۵۷۶ میلیون دلار؛

مجموع پاداش‌های فیفا

بنا به اعلام فیفا، ایران با حضور در جام جهانی غیر از هزینه آماده‌سازی، مبلغ هشت میلیون دلار بابت شرکت در مرحله گروهی از فیفا دریافت می‌کند. هزینه آماده‌سازی تیم‌های حاضر در جام جهانی نیز ۱.۵ میلیون دلار برآورد شده است. مبلغ پاداش‌های فیفا در مجموع به رقم ۵۷۶ میلیون دلار رسیده که ۳۵ میلیون دلار آن به تیم قهرمان، ۲۵ میلیون به نایب قهرمان، ۲۲ میلیون به تیم سوم و ۲۰ میلیون دلار نیز به تیم چهارم می‌رسد. هر کدام از تیم‌های راه‌یافته به مرحله یک‌چهارم پایانی ۱۴ میلیون دلار، یک هشتم پایانی ۹ میلیون دلار و تیم‌های حاضر در مرحله گروهی هشت میلیون دلار از فیفا دریافت می‌کنند.

نشر اقتصاد

قاره‌های نشر در بازار کتاب

سعید قلیچی

بازار کتاب‌های حوزه اقتصاد و مدیریت و موضوعات مربوط به منابع انسانی، کتاب‌های مختلفی را از ابتدای سال تا کنون روانه بازار کرده است. برخی از این کتاب‌ها در نوع نگارش و پرداختن به موضوعات، چنان است که می‌توان از آن‌ها در مطالعات عمومی هم استفاده کرد. در زیر چند عنوان کتاب را معرفی کرده‌ایم که مطالعه آن خالی از لطف نیست. جدیدترین کتاب این سری از کتاب‌ها، کتاب «اقتصاد دفاع» است که اواخر بهمن امسال منتشر شده و مابقی غیر از یک عنوان در نیمه دوم سال ۱۳۹۲ انتشار یافته‌اند.

جهانی برای بانکداری واقعی اسلامی بر مبنای فقه غنی شیعه تبدیل شود.

بررسی و نقد اصول و مبانی قانونی و حقوقی بانکداری بدون ربا در ایران

تحلیل اقتصادی حقوق خانواده



«تحلیل اقتصادی حقوق خانواده» عنوان کتابی است که به همت جمعی ۱۱ نفره از دانش‌آموختگان رشته حقوق تجاری اقتصادی بین‌المللی زیر نظر دکتر محسن صادقی و متین پدرام نگاشته شده است. این کتاب از ۱۸ مقاله تشکیل شده که ۱۳ مقاله آن ترجمه و پنج



بازار کتاب تازگی چاپ دوم کتاب «بررسی و نقد اصول و مبانی قانونی و حقوقی بانکداری بدون ربا در ایران» را شاهد است که به قلم عبدالعلی نظامیان مدرس حقوق بانکی منتشر شده است. این کتاب در ۱۴۴ صفحه تدوین شده و دارای شش فصل است.

فصل اول با عنوان «سوابق

تاریخی، کلیات مباحث» به مفاهیم بانک و بانکداری، عملیات بانکی و تفاوت بانکداری با ربا و بانکداری بدون ربا و معرفی قانون عملیات بانکی بدون ربا می‌پردازد. فصل دوم با عنوان «تامین و تجهیز منابع بانک‌ها» به مقولات سپرده‌پذیری قرض‌الحسنه و سپرده‌گذاری مدت‌دار اشاره دارد. فصل سوم با عنوان «تخصیص منابع بانک‌ها» به اصول و مبانی اعطای تسهیلات بانکی و انواع وام و تسهیلات در قانون عملیات بانکی بدون ربا اشاره دارد. در فصل چهارم خواننده با موضوع «وثائق و تضمین‌های بانکی» به ضرورت قانونی اخذ تضمین برای اعطای تسهیلات بانکی و پدیده خسارت تاخیر تادیه به عنوان مکانیزم قراردادی به منظور تامین و تضمین بازپرداخت تسهیلات بانکی و هم‌چنین نکات کاربردی در مورد تضمین و وثیقه تسهیلات بانکی آشنا می‌شود. فصل پنجم این کتاب، به «خدمات و سرویس‌های بانکی» پرداخته و در فصل ششم، برآیند نهایی مطالب و منابع و مآخذ کتاب به اطلاع خواننده می‌رسد.

لازم به ذکر است که نویسنده در مقدمه این کتاب، هدف اصلی نوشتار خود را تشریح مختصر مبانی قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب سال ۱۳۶۲ مجلس شورای اسلامی دانسته و اظهار امیدواری کرده نظام بانکی کشور به سمت‌وسویی رود که به الگوی مناسب

مقاله دیگر آن تالیفی است. در پیش‌گفتار این کتاب، ۱۸ مقاله به سه گروه به ترتیب زیر تقسیم شده است: گروه اول: شامل پنج مقاله تالیفی است که حاصل تلاش فکری آقای متین پدرام است. گروه دوم: شامل ۹ مقاله ترجمه‌ای است که مقاله‌های آن، برگرفته از مجموعه مقاله‌های «تحلیل اقتصادی ازدواج و طلاق» (زیر نظر آقایان آنتونی نس و رابرت راوتورن) است. دلیل انتخاب این مجموعه از مقاله‌ها برای تکمیل کتاب حاضر روان بودن قلم این مقاله‌ها بوده است، چراکه روانی قلم، مترجم را هم در ترجمه کار و هم در انتقال بهتر مطلب به خواننده یاری می‌کند. وانگهی، مجموعه مقاله‌های «تحلیل اقتصادی ازدواج و طلاق»، از معتبرترین منابع حاضر جهان در حوزه تحلیل اقتصادی حقوق خانواده است، به طوری که در بسیاری از مقاله‌ها و کتاب‌های دیگر به این مجموعه ارجاع شده است. در این مجموعه مقاله‌های «تحلیل اقتصادی ازدواج و طلاق»، ۱۱ مقاله وجود دارد که با حذف دو مقاله آن، ۹ مقاله دیگر-که مباحث پیرامون آن بیشتر در حقوق ما مورد توجه قرار می‌گیرند و برای حقوق ایران کاربردی‌تر هستند- برای ترجمه انتخاب شدند. گروه سوم: چهار مقاله ترجمه‌ای است که از چهار



مورد انتظار در مدیران، اقدام به چاپ و انتشارش شده، چاپ دوم کتاب «پروورش راهبردی منابع انسانی» است. این کتاب با نگرشی استراتژیک تدوین شده و به ویژه به استراتژی و توسعه منابع انسانی می‌پردازد که هم به جهت گیری کلی سازمان کمک می‌کند و هم یادگیری افراد را تسهیل می‌بخشد. زمینه راهبردی،

نظریه‌های تکوینی پروورش منابع انسانی، مباحث مدیریت منابع انسانی و مدیریت پرسنلی برای پروورش منابع انسانی، نقش تکوینی مدیران و کارکنان در پروورش راهبردی منابع انسانی، توسعه مسیر پیشرفت شغلی در سازمان‌های کوچک‌شده، بازاریابی کارکرد پروورش منابع انسانی، تدارک حمایت‌های لازم برای یادگیری ذی‌نفعان غیر کارمند، پیمان‌سپاری و مواردی دیگر در این حوزه، از موضوعاتی است که در این کتاب به آن پرداخته شده است. جان والتون نویسنده و دکتر ناصر میرسیاس و دکتر داریوش غلامزاده مترجمان این کتاب هستند.

اقتصاد دفاع در دوران جدید



کتاب «اقتصاد دفاع در دوران جدید» نوشته حسین دوری نوگروانی از سوی نشر ساقی منتشر و روانه بازار نشر شده است. این کتاب در هشت فصل با عناوینی چون «کلیاتی درباره اقتصاد دفاع»، «پیشینه علم اقتصاد دفاع»، «رشد و ترکیب هزینه‌های نظامی

در جهان و ایران»، «پی‌آمدهای اقتصادی هزینه‌های نظامی»، «تخصیص بهینه منابع در درون بخش دفاع: برخی تکنیک‌های تخصیص منابع و بودجه‌بندی در درون بخش دفاع»، «بازار نیروی کار نظامی»، «بازار تجهیزات نظامی» و «اقتصاد بسیج ملی» است.

کتاب «اقتصاد دفاع در دوران جدید»، حاصل یک فعالیت تحقیقاتی است که در سال‌های گذشته در دانشگاه امام حسین (ع) صورت گرفته، و با در دسترس قرار گرفتن برخی آمارهای جدید، در زمینه تحلیل‌های مقداری به‌روز شده است.

آغاز کتاب، به کلیاتی درباره اقتصاد دفاع اختصاص یافته و ماهیت این علم به گونه‌ای مقایسه‌ای و به شیوه برخی مباحث روش‌شناختی مطرح شده است. بعد از آن نیز پیشینه اقتصاد دفاع از سده‌های گذشته، به ویژه در فضایی که امروز به صورت یک اصطلاح در غرب، کاربرد عمومی یافته است، مرور می‌شود. روند و ترکیب هزینه‌های نظامی در سطح جهانی و ایران در چند دهه اخیر نیز در این کتاب بررسی شده است.



بازرگانی موسسات صنعتی و خدماتی کشور تشکیل شده است و طبق ادعایی که خودش دارد، به صورت صنفی و غیرانتفاعی فعالیت می‌کند. یکی از شئون که این انجمن برای خودش در نظر گرفته، ارتقای سطح پژوهش در حوزه مدیریت منابع انسانی بوده که نشر کتاب هم جزو فعالیت‌هایش است. جدیدترین کتاب‌هایی که این انجمن منتشر کرده، در این مجال معرفی می‌شود.

چگونه می‌توان کارکنان را مدیریت کرد



«چگونه می‌توان کارکنان را مدیریت کرد» عنوان کتابی است که نویسنده آن مایکل آرستراک و مترجمانش سید احمد طباطبایی، محمدرضا بابایی و زهرا دولتی مقدم هستند. نویسنده در این کتاب، جنبه‌های کلیدی مدیریت و رهبری کارکنان را به‌طور کاربردی بیان می‌کند و

در فصل‌های مختلف به مباحثی نظیر توانمندسازی، سازمان‌دهی و برانگیختن کارکنان، تیم‌سازی، مدیریت تغییر و عملکرد می‌پردازد. این کتاب برای مدیران به منزله تعالی دیدگاه با نگرش مدیریت منابع انسانی است، و به همین دلیل مطالعه آن به مدیران، به ویژه مدیران منابع انسانی کشور توصیه می‌شود. مطابق آنچه درباره این کتاب گفته شده است، «چگونه می‌توان کارکنان را مدیریت کرد» می‌تواند در حجم کم و مدت زمان محدود، مدیران را با نگرش منابع انسانی در بحث مدیریت کارکنان آشنا کند.

پروورش راهبردی منابع انسانی

کتاب دیگری که در راستای تحقق یکی از اهداف انجمن موردنظر، درباره توسعه دانش و ایجاد توانمندی‌های

مقاله معتبر و پراچاج در حوزه تحلیل اقتصادی خانواده از جمله برخی مقاله‌های مندرج در مجموعه مقالات «ازدواج و اقتصاد: نظریه و مدرکی از جوامع صنعتی پیشرفته» تحت نظر خانم شوشانا گراسبارد گرفته شده و هدف از انتخاب آن‌ها، تکمیل مقاله‌های دو گروه اول، تطبیق مباحث با برخی کشورهای پیشرفته و پرداختن به موضوعاتی بوده است که در دو گروه نخست به آن‌ها پرداخته نشد.

این گونه مدیریت کنید



«این گونه مدیریت کنید» عنوان کتاب دیگری است که مولفان آن برایان امرسون و آن لوهر درباره‌اش نوشته‌اند: «این کتاب الزاماً برای این نیست که از اول تا به آخر خوانده شود. چهار فصل اول دربرگیرنده چگونگی هدایت‌گری بخش‌های بعدی

دسته‌ای از سوال‌ها هستند که به خواننده در تفکر و نوآوری برای هدایت کارکنان یا برای رشد شخصی‌تان کمک می‌کند. این کتاب به عنوان یک منبع به مدیران و اشخاص در راه رسیدن به نتایج بهتر و رشد پیوسته کمک می‌کند. به خاطر داشته باشید که اگر در حال رشد نباشید، در حال مردن هستید. ما بر این باور هستیم که اغلب مردم اولی را انتخاب می‌کنند. این کتاب را زینب‌السادات خارقانی ترجمه کرده است.

انجمن مدیریت منابع انسانی، مطابق تعریفی که برای خودش قائل شده، مجموعه‌ای است که برای تقویت و ارتقای قابلیت و توان مدیران منابع انسانی در راستای کمک به توسعه اقتصادی، علمی، فنی و



نسل نسیم

ای دروغ از ما اگر کامی نگیریم از بهار

بهاریه‌های چهار نسل شاعران ایران

نرم نرمک بهار مشیری

در میان شاعران معاصر بسیاری که درباره بهار شعر گفته‌اند، هر کدام به زبان و لحن خود. در این میان، فریدون مشیری شاعری ویژه به حساب می‌آید. او که علاقه زیادی به شاعران کلاسیک فارسی مثل سعدی، حافظ، مولوی و بیدل دهلوی داشت، از نظر شعری هم نزدیک شاعر معاصر به کلاسیک‌هاست. شعر او را می‌توان ترکیبی از نوگرایی و کلاسیک‌سرایي دانست، نمونه‌اش همین شعر زیبای بهاری اوست که شهرت بسیار دارد و اتفاقاً چند خواننده هم آن را خوانده‌اند.

بوی باران بوی سبزه بوی خاک / شاخه‌های شسته باران خورده
پاک / آسمان آبی و ابر سپید / برگ‌های سبز بید / عطر نرگس
رقص باد / نغمه شوق پرستوهای شاد / خلوت گرم کبوترهای
مست / نرم نرمک می‌رسد اینک بهار / خوش به حال روزگار /
خوش به حال چشمه‌ها و دشت‌ها / خوش به حال دانه‌ها و
سبزه‌ها / خوش به حال غنچه‌های نیمه باز / خوش به حال دختر
میخک که می‌خندد به ناز / خوش به حال جام لبریز از شراب /
خوش به حال آفتاب / ای دل من گرچه در این روزگار / جامه
رنگین نمی‌پوشی به کام / باده رنگین نمی‌نوشی ز جام / نقل و
سبزه در میان سفره نیست / جامت از آن می که می‌باید تهی
است / ای دروغ از تو اگر چون گل نرقصی با نسیم / ای دروغ از
من اگر مستم نسازد آفتاب / ای دروغ از ما اگر کامی نگیریم از
بهار / گر نکوبی شیشه غم را به سنگ / هفت رنگش می‌شود
هفتاد رنگ

نسل چهارم

دو شاعر بهاری

این یادداشت را با دو شعر از شاعران معاصر به پایان می‌بریم. دو شاعری که سرآمد شاعران بعد انقلابند؛ دو شاعری که میلادشان نیز با بهار پیوند خورده است؛ دو شاعری که در زندگی واقعی و زندگی شاعرانه‌شان همیشه همراه و یار هم بوده‌اند: قیصر امین‌پور و سید حسن حسینی.

سید حسن حسینی متولد اول فروردین ۱۳۳۵ و در گذشته نهم فروردین ۱۳۸۳ و قیصر امین‌پور متولد دوم اردیبهشت ۱۳۳۸ و در گذشته در هشتم آبان ۱۳۸۶. دیدیم در این یادداشت شاعرانه، دروغ است اگر از این دو شاعر بهاری یاد نکنیم.

شاهد مرگ غم‌انگیز بهارم چه کنم
ابر دل تنگم اگر زار نبارم چه کنم
یک به یک با مژه‌های دل من
مشغول است
میله‌های قفسم را بشمارم چه کنم

سید حسن حسینی

چه اسفندها... آه
چه اسفندها دود کردیم
برای تو ای روز اردیبهشتی
که گفتند این روزها می‌رسی
از راه

قیصر امین‌پور

هیچ فرهنگی همچون ما ایرانی‌ها، به بهار اهمیت نمی‌دهد، ایران بزرگ ما که در آن قوم‌ها و فرهنگ‌های گوناگونی وجود دارد، لرها، کردها، گیلک‌ها، ترک‌ها، ترکمن‌ها، بلوچ‌ها، مازنی‌ها، خوزستانی‌ها و خلاصه همه کسانی که در این میهن بزرگ و عاشق‌پرور زندگی می‌کنند و زندگی خواهند کرد. روز نخست سال ما، روز اول بهار است، در حالی که روز اول بهار در بسیاری از کشورها، ۱۲ مارس است. یعنی بهار در ماه سومشان روی می‌دهد، آن هم نیمه‌هایش. اما فرهنگ ما بهار، ابتدای سال است و نقطه آغاز. این توجه را می‌توان در ادبیات فارسی هم به‌خوبی دید. البته در ادبیات دیگر اقوام ایرانی هم می‌توان رنگ و بوی بهار را حس کرد، اما به دلیل آن که فارسی، زبان مشترک ماست، شعرهایی را از چهار نسل شعری برایتان می‌نویسم. البته شعر فارسی بیش از چهار نسل دارد و قطعاً می‌توان بهاریه‌های دیگری را هم یافت. این مثنی است نمونه خروار.

نسل دوم

حکم میر نوری از سعدی

گفته‌اند و درست گفته‌اند که سعدی استاد سخن است. او چه در غزل‌های نایش و چه در نثر بی‌بدیل گلستانش، شیرینی و دلربایی زبان فارسی را به رخ می‌کشد. سعدی از شاعران سبک عراقی است؛ سبکی که شاعری همچون حافظ را هم می‌توان در آن قرار داد. غزل فارسی در این دوره به اوج می‌رسد و شعر زیبای «نسیم نوری» که می‌توان آن را یکی از شاهکارهای سعدی دانست، شاعری بر این مدعاست. او در این غزل، فضای بهاری را پیش ما می‌گسترده و هشدار می‌دهد که اگر می‌خواهیم خانه‌تکانی دل داشته باشیم و غبارها را از درون بیرون بریزیم، هم‌اکنون بهترین فرصت است. استاد شجریان این غزل را با صدای به‌یادماندنی‌اش خوانده و برای ما به یادگار گذاشته است.

ز کوی یار می‌آید نسیم باد نوری
از این باد ار مدد خواهی چراغ دل برفروزی
ز جام گل دگر بلبل چنان مست می‌لعل است
که زد بر چرخ فیروزه صغیر تخت فیروزی
به صحرا رو که از دامن غبار غم بیفشانی
به گلزار آبی کز بلبل غزل گفتن بیاموزی
سخن در پرده می‌گویم چو گل از غنچه بیرون آید
که پیش از پنج روزی نیست حکم میر نوری
ساقیا سایه ابرست و بهار و لب جوی
من نگویم چه کن از اهل دلی خود بگوی
دوستان وقت گل آن به که به عشرت کوشیم
سخن اهل دل است این و به جان بنیوشیم
افسر سلطان گل پیدا شد از طرف چمن
مقدمش یارب مبارک باد بر سرو چمن

نسل اول

بهار خرم رودکی

پیش از رودکی هم شاعرانی به زبان فارسی‌ای که ما حرف می‌زنیم، حرف می‌زدند و شعر در دوران پیش از اسلام هم در ایران جریان داشته. اما به دلیل صلابتی که شعر این شاعر شیرین‌سخن دارد، او را پدر شعر موزون (وزن عروضی) ایران دانسته‌اند. رودکی به زبانی بسیار ساده و شیرین شعر می‌سراید و به همین دلیل، ما هزار سال بعد از او، شعرهایش را می‌خوانیم و لذت می‌بریم. او توصیفاتی شیرین، ساده و دل‌فریب به ما ارائه می‌کند و به همین دلیل است که پدر شعر فارسی، یکی از شاعرانی است که اثرش در این‌جا مورد توجه قرار گرفته است.

آمد بهار خرم با رنگ و بوی طیب
با صد هزار زینت و آرایش عجیب
لاله میان کشت، درخشد همی ز دور
چون پنجه عروس به حنا شده خضیب
بلبل همی بخواند اندر شاخسار بید
سار از درخت سرو، مر او را شده مجیب
هر چند نو بهار جهان است به چشم خوب
دیدار خواجه خوب‌تر، آن مهتر حسیب

داستان کوتاه

نویسنده: فرناندو سورنتینو
مترجم: یوسف نگاریان



این داستان درباره گدایی درستکار است!

کمی بعد از آواز شادمانه بانو گفت: «یرما، برو و برای این مرد نیکوکار هرآنچه که می‌خواهد، هدیه کن. مراقب باش قیمتی نباشد.»

یرما به سمت در برگشت و گفت: «برای این عمل نیک چه پاداشی انتظار داری؟» گدا گفت: «تکه‌ای نان می‌خواهم تا به در این شکم گرسنه بزنم.»

یرما برگشت و تکه نانی کهنه، سخت چون سنگ را به دست گدا داد. گدا نان را به زیر بغل زد و به راه خود رفت: «خدا برکت تو را افزون کند.»

یرما در بزرگ خانه را بست و گدا رفت تا شکم به نان سخت سیر کند. او به دخمه‌اش رفت که روز و شب‌هایش را در آن سپری می‌کرد. نشست و شروع به خوردن نان کرد. ناگهان چیزی سخت را زیر دندان‌هایش حس کرد و به همراه آن تکه‌های آسیا به دهانش آمد. وقتی به تعجب در آمد که به همراه تکه‌های دندان، دوباره انگشتی را دید که با الماس و مروارید تزیین شده بود.

او دوباره نشان «ی.س» را دید که بر بدنه انگشتی حک شده بود. گدا بار دیگر انگشت را به یوسرمینا سوفیانا برگرداند و سومین نان خشکش را دریافت کرد. بار دیگر انگشتی میان نان یافت و آن را به صاحبش برگرداند و چهارمین تکه نان خشکش را گرفت که در آن بار دیگر...

از آن روز تا روزی که گدا مرد، دیگر هیچ‌گاه گرسنه نماند. تنها کاری که او می‌کرد این بود که هر روز انگشتی را که میان نان می‌یافت، به خانه صاحبش برمی‌گرداند.

برگرداند.»

داخل انگشتی حرف «ی.س» کنده شده بود. گدا که این نشانه را دید، به مغازه‌ای رفت و از او خواست تا دفتر تلفنش را به او بدهد. او بعد از آن که دفتر را حسابی جست، تنها یک نام خانوادگی را دید که با حرف «س» آغاز شده بود: «سوفیانا.»

از این‌که توانسته بود اولین قدم را برای رسیدن به آن‌چه وجدانش می‌گوید بردارد، سرشار از شادی و شغف شد. این بود که درنگ را جایز ندید و به سوی نشانی خانه‌ای که در دفتر آمده بود، روانه شد. همین که به سوی نشانی می‌رفت، خانه‌هایی را می‌شمرد که از آن‌ها نان گرفته بود و این‌جوری خودش را سرگرم می‌کرد. وقتی به نشانی خانه‌ای که در دفتر نوشته شده بود رسید، درنگ نکرد. در را به صدا در آورد.

یرما، همان پیشخدمتی که نان سخت به گدا داده بود، آشکار شد و پرسید: «چه می‌طلبی، ای نیکومرد؟» گدا گفت: «انگشتی میان نان یافتم و از آن‌جا که شما مرا مورد لطف قرار داده بودید، آن را باز پس آوردم.» یرما انگشتی را برداشت و گفت: «آن را به بانوی خانه پس بدهم.»

پیشخدمت به سوی بانوی خانه روانه شد. وقتی بانو انگشتی را دید، به شادمانی آواز سر داد: «چه بختی دارم من. انگشتی را که هفته گذشته گم کرده بودم، به خانه‌ام برگشت. هنگامی گمش کرده بودم که خمیر را ورز می‌دادم. این‌هاش. این هم نام من بر انگشتی. «ی.س.» نام من این‌جا حک شده، یوسرمینا سوفیانا.»

روزی این گدای درستکار در خانه بسیار مجللی را به صدا درآورد. پیشخدمت از در به درآمد و گفت: «درود ای مرد، چه می‌خواهی؟ چه می‌خواهی ای مرد درستکار؟» گدا در پاسخ برآمد که «کمی محبت می‌خواهم برای رضای خدا.»

پیشخدمت لحظه‌ای درنگ کرد و گفت: «تو را نزد بانوی خانه می‌برم، او خود در موردت خواهد گفت.» بانو وقتی این را شنید، به اندوه گفت: «تکه‌ای نان به این مرد بدهید. اگر نانی تازه نیز نباشد، نباشد. فقط تکه‌ای نان باشد.»

پیشخدمت که دل در گروی بانوی خانه نهاده بود، مقصود او را دریافت، میان نان‌های خانه گشت و نانی به شدت خشک، به سختی سنگ یافت و آن‌گاه آن را در دستان گدا نهاد: «بگیرش ای نیکونهاد.» آن‌گاه خاموش شد و لب از لب واکرد.

گدا نان را گرفت و گفت: «خدا برکت بدهد.» مرد در بزرگ را بست، آن‌گاه گدا تکه نان را زیر بغل زد و رفت به دخمه‌ای که روز و شبش را در آن به سر می‌برد. به خوردن نان سخت نشست. به یک‌باره دندان آسیایش تکه‌تکه شد و خون به دهانش آمد. همین که آب دهانش را که به خون دهانش سرخ شده بود به زمین انداخت، صدای افتادن فلزی را شنید؛ انگشتی طلا که با مروارید و الماس نشان شده بود.

با خودش گفت: «چه بختی. انگشتی را خواهم فروخت و با انبوه پولش روزگاری طولانی خوش خواهم بود.» ناگهان اما وجدانش به ندا در آمد: «نه. مالکش را خواهم یافت و انگشتی را به او خواهم

ایران که نمه شناسیم

راهنمای نوروزی برای آنهایی که دنبال جاهای بکر می گردند



نمایی از روستای زیبای هجیج

شاهین یاسمی

در سال های اخیر سفرهای نوروزی افزایش چشم گیری یافته است و مردم بیشتر از گذشته به امید رهایی از خستگی یک سال تلاش بی وقفه به جاده می زنند. در این میان و در جمع خانواده برای تعیین مقصد سفر همواره اولین گزینه های اصلی شیراز است و تخت جمشید و حافظیه و شاه چراغش، یزد است و بادگیرهایش، اصفهان و سی و سه پل و میدان امامش، تبریز و بازار و سوسه انگیزش و شمال است و جنگل و دریا کنارش. اما باید دانست که بسیاری از دیدنی های همین شهرها و دیگر مناطق کشور پشت شهرت این جاذبه های مشهور پنهان شده است. دیدنی هایی که بسیاری از آن ها کهن تر، عظیم تر و زیباتر از جاذبه های مشهور کشور هستند. در گوشه گوشه این سرزمین پنهانور با بیش از یک میلیون بنا و جاذبه تاریخی، گردشگری و فرهنگی، سایت ها و مکان هایی وجود دارد که تا سال ها می تواند اذهان را درگیر عظمت و قدمتش کند. در کشوری که در جاذبه گردشگری، در میان ۱۰ کشور اول دنیا است، می توان حرکت کرد و مقصده مدار نشد، می توان مسیر را گرفت و به هر شهری که رسید، سراغ از میراث کهن سال و حیرت انگیز و تاریخ پنهان در پشت دیوارها و پستوها، معابر، مساجد، کاخ ها، پل ها و کاروانسراها و طبیعت ناب آن شهر، شهرستان، روستا و منطقه گرفت. جاذبه هایی که در زیر اشاره می شود، از آن جمله اند.

شبه جزیره میان کاله

شبه جزیره میان کاله که از مکان های دیدنی استان مازندران به شمار می آید، درواقع منطقه حیات وحش حفاظت شده ای است شامل بخش های مختلف و بی نظیری مانند ساحل کم عمق بسیار زیبا، مراتع و چراگاه های سرسبز و بزرگ، شنزارهای متعدد که تداعی کننده مناطق کویری اند. شبه جزیره میان کاله هم چنین دارای بخش بزرگی پوشیده از درختان انار ترش، ازگیل وحشی و تمشک و منطقه دیگری به شکل تالاب است که بخشی از تالاب با پوشش گیاهی و بخشی هم بدون پوشش گیاهی است. تالاب میان کاله یکی از زیستگاه های مهم و بارز پرندگان آبی و خشکزی است. زمین های آن مجموعه ای از شنزارهای ساحلی، زمین های باتلاقی، آب گیرها،

شهر زیرزمینی نوش آباد

شهر زیرزمینی نوش آباد در هشت کیلومتری شمال کاشان در استان اصفهان قرار دارد. اسم محلی آن «اوبی» است. یک شهر زیرزمینی دست کن که راهروها و اتاق های متعددی دارد. این شهر یکی از منحصربه فردترین شهرهای زیرزمینی جهان است که پیشینه اش به دوران پیش از اسلام باز می گردد و به صورت اتفاقی طی ساخت و ساز یکی از خانه های شهر نوش آباد کشف شد و به منظور حفاظت ساکنان شهر در جنگ ها و غارت های محلی به ویژه هنگام حمله مغول استفاده می شده است.

در نزدیکی دالان های تودرتوی زیرزمینی این شهر یک قلعه روی زمین قرار گرفته که به قلعه «سیزان» معروف است و به احتمال زیاد از درون این قلعه راهی به شهر زیرزمینی وجود دارد. این شهر در سه طبقه در زیر زمین با عمق بین چهار تا ۱۸ متر ساخته شده و در ابعاد هزاران متر مربع در زیر بافت کنونی شهر نوش آباد گسترده است. نوش آباد با حدود ۱۰۰ اثر باستانی برجا مانده از دوره های مختلف تاریخ یکی از کهن ترین شهرهای خطه کویر فلات مرکزی ایران است.

روستای هجیج

این روستا از جمله جذاب ترین نقاط استان کرمانشاه

مرداب جنگلی با پوشش درختچه های گز، جنگل انارستان، بوته های تمشک و زمین های پست و گره افاده هستند. تالاب میان کاله در سراسر سال میزبان جمعیت های کثیری از گونه های مختلف پرندگان مهاجر از قبیل فلامینگو، باکلان ها، قوها، پلیکان ها، مرغابی ها، عقاب دریایی دم سفید، اردک سرسفید است. نام میان کاله دگرگون شده نام میان قلعه است. گال یا کال نام خدای ایران باستان است.

منطقه بیلاقی اولسبلنگاه

ماسال که از شهرستان های استان گیلان است و در ۶۰ کیلومتری تالش قرار دارد، دارای جاذبه های طبیعی فراوانی است، اما در میان روستاهای زیبای آن، بیلاقی اولسبلنگاه جایگاه ویژه ای دارد. اولسبلنگاه در زبان تالشی به معنای درخت ممّز روی ارتفاع بلند است. اولسبلنگاه بیلاقی است خوش منظره با پوشش مرتعی که برای رسیدن به آن می بایست ۳۰ کیلومتر از ماسال گذشت؛ با عبور از بخش پره سر، دهستان ارده و سپس تونلی پیچ در پیچ از درختان وسیع و حیرت انگیز جنگلی خانه های چوبی این منطقه و طبیعت زیبا و ساکنان آن با لباس های خاص محلی نمایان خواهد شد.



نمایی جالب و دیدنی از گندهای نمکی

پیاده‌روی می‌توان به غار بی‌نظیر شاپور رسید. غار شاپور روی دیواره کوهی که دشت تنگ چوگان را به شکل نیم‌دایره در بر گرفته، قرار دارد و دیواره‌های ورودی تنگ پوشیده از نقش‌برجسته‌های تراشیده‌شده روی سنگ هستند که هر یک بخشی از تاریخ دوره ساسانیان را به نمایش گذاشته‌اند. در دهانه غار مجسمه غول‌پیکر شاپور قرار گرفته است. این مجسمه با وجود گذشت ۱۷۰۰ سال هم‌چنان پابرجاست و تنها مجسمه باقی‌مانده از دوران باستان است که هفت متر ارتفاع دارد. سر این مجسمه سالم است، ولی دو دست آن شکسته شده است. در دهانه غار دو کتیبه سنگی وجود دارد که یکی از آن‌ها ترجمه کتیبه شاپور در نقش رجب و دیگری نحوه برپاسازی مجدد مجسمه پس از ۱۰۰۰ سال در سال ۱۳۳۶ توسط ارتش را شرح می‌دهد.

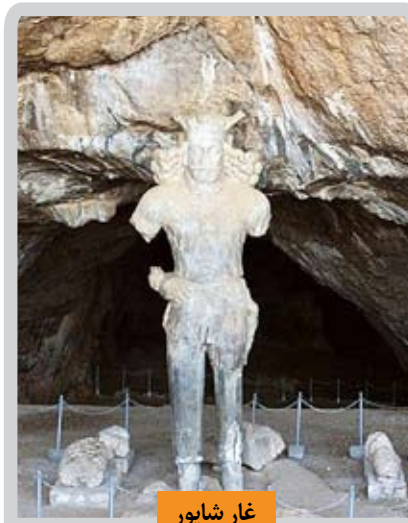
روستای میمند

دهستان میمند از توابع شهرستان شهر بابک در استان کرمان است. روستای میمند بی‌شک یکی از باستانی‌ترین سکونتگاه‌های بشر در جهان است که از ۱۲ هزار سال پیش تاکنون هم‌چنان پابرجاست. این روستای صخره‌ای و دست‌کند یادآور ایامی است که انسان‌ها خدایان خود را در بلندای کوه‌ها جست‌وجو می‌کردند. مجموعه‌ای از آثار باستانی همچون خانه‌های صخره‌ای پراکنده معبد، قلعه و برج‌های مختلف مربوط به هزاران سال پیش میمند را از یک روستا به یک مجموعه با تمدن خاص تبدیل می‌کند. این تمدن در ابتدا برگرفته از آیین مهرپرستی و بعد از آن آیین زرتشت بوده است. در روستای صخره‌ای میمند بر خلاف همه سکونتگاه‌های شناخته‌شده شهری و روستایی کوچه یا معبر وجود ندارد. از دیگر جاذبه‌های میمند می‌توان به حمام قدیمی، کتیبه میمند، آتشکده و گیاهان دارویی این منطقه اشاره کرد. روی کتیبه میمند به زبان باستانی این عبارت نوشته شده است: «هنگامی که کوه‌ها در میمند شکاف بردارند و افسانه‌های میمند به حقیقت بپیوندند، گنجینه میمند پدیدار می‌شود و فقط یک نفر می‌تواند به آن دست

در دهانه غار مجسمه غول‌پیکر شاپور قرار گرفته است. این مجسمه با وجود گذشت ۱۷۰۰ سال هم‌چنان پابرجاست و تنها مجسمه باقی‌مانده از دوران باستان است که هفت متر ارتفاع دارد. سر این مجسمه سالم است، ولی دو دست آن شکسته شده است

غار شاپور

به فاصله ۱۲ کیلومتر از شهر کارزون به سوی شیراز شهر باستانی بیشاپور قرار دارد. در مقابل بیشاپور دره زیبایی است که به آن تنگ چوگان گفته می‌شود. جاده آسفالت به طول شش کیلومتر دره را به روستای تنگ چوگان متصل می‌کند، پس از یک ساعت



غار شاپور

و از مناطق دیدنی اورامانات است و در ۲۵ کیلومتری شهرستان پاوه قرار دارد. مجموعه روستای هجیج یکی از شگفت‌انگیزترین روستاهای جهان است، شامل مجموعه‌ای از خیابان‌های نیم‌دایره و ردیف ساختمان‌های رو به دره عمیق و رودخانه زیبای سیروان. در این روستا به علت کمبود زمین، پشت بام هر منزلی حیاط منزل پشتی محسوب می‌شود.

روستای هجیج یکی از جمله روستاهای پلکانی است با کوه‌های سنگی، مناظر سرسبز، چشمه‌های خروشان و مسیر پرپیچ‌وخم که چشم هر بیننده‌ای را به خود معطوف می‌کند، به طوری که علاوه بر گردشگران، همواره هنرمندان خوش‌ذوق را به سمت خود می‌کشاند. یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد مردمان این روستا خودکفایی در تهیه تمامی مایحتاج روزانه است، به گونه‌ای که از گیوه‌بافی که پای‌پوش مردمان مناطق کردنشین است و لباس‌های سنتی گرفته تا تهیه خوراک و مایحتاج خوردنی به دست خود ساکنان هجیج انجام می‌شود. در نزدیکی روستا چشمه خروشانی وجود دارد که آب آن به رودخانه سیروان می‌ریزد، این چشمه عجیب که مانند آبشاری از دل کوه بیرون می‌آید، به چشمه بل معروف است. خروشانی آن به گونه‌ای است که در هیچ فصلی از سال آب آن کم نمی‌شود و محققان آب آن را به عنوان یکی از بهترین آب معدنی‌های دنیا شناخته‌اند. کشک، شیر، دوغ، روغن حیوانی و کره از مهم‌ترین فراورده‌های لبنی این روستاست. نگهداری و پرورش انواع طیور در این روستا رواج دارد. از دیگر جاذبه‌های روستای هجیج بناهای خانقاه، چله‌خانه و عبادتگاه کوسه است. عبادتگاه کوسه از سنگ است و داخل آن با گل اندود شده است. داخل این عبادتگاه ستون‌های چوبی وجود دارد. خانقاه درواش قادریه از دیگر بناهای دیدنی روستای هجیج است که در آن به ذکر و سماع می‌پردازند. مسجد مرکزی روستای هجیج نیز نمونه کاملی از معماری کهن ایرانی است.

کلات نادری

شهرستان کلات نادری در ۱۴۵ کیلومتری مشهد مقدس با دارا بودن بیش از ۱۰۰ اثر در حوزه‌های تاریخی، فرهنگی، تفریحی و طبیعی به عنوان منطقه‌ای منحصر به فرد در گردشگری کشور مطرح است. مرکز این شهرستان، شهر کبود گنبد است. از جمله جاذبه‌های این شهرستان آبشار ارتکند، عمارت خورشید، مسجد کبود گنبد، دربند ارغون‌شاه، حمام نادری، بند نادری، کتیبه نادری و در راس آن کلات نادری است. باغ کلات نادری در شهر کلات، در شمال شرقی مشهد در چشم‌اندازی حصاری‌گونه قرار گرفته است. اگرچه نام آن در شاهنامه هم آمده است، اما بیش از همه دوره‌ها در زمان افشاریان از اعتبار خاصی برخوردار شد که کلات به عنوان محل سکونت نادرشاه و نگهداری جواهرات و ذخایر ارزشمند او برگزیده شد. آبشار اورتکند واقع در منطقه اورتکند که به بهشت گم‌شده مشهور است و سد تاریخی آجری این شهر، از دیگر جاذبه‌های باشکوه این شهرستان است.

پیدا کند که او از سوی خورشید می‌آید.»

کلوت‌های شهداد

در فاصله ۱۰۰ کیلومتری کرمان، سازه‌های خاکی بی‌مانندی که کلوت‌های شهداد نام دارند، سر از خاک بیرون آورده‌اند که به شهر خیالی لوت نیز شهرت دارد.

کلوت به کوه‌های شنی‌ای می‌گویند که بر اثر هزاران سال فرسایش کویر ایجاد می‌شود و شکل‌هایی ایجاد می‌کند که کسی نمی‌تواند مسحور زیبایی بی‌مانند آن نشود. با نگاهی از دور دست به کلوت‌ها، شهر کویری بزرگی با آسمان‌خراش‌های فراوان تداعی می‌شود. این کلوت‌ها مشابه کمی در دنیا دارند که معروف‌ترین و شناخته‌شده‌ترین آن در صحرای آریزونی آمریکاست. از دیگر شگفتی‌های منحصر به فرد شهداد می‌توان به نیکاه، تپه‌های تخم مرغی، گندم بریان، رود شور و گود نمک و شهر کوتوله‌ها منسوب به دوران پیش از میلاد اشاره کرد. در این شهر که از خشت خام تشکیل شده، می‌توان دیوار، تنور، سقف و طاقچه‌هایی را مشاهده کرد که در اندازه‌های کوچک ساخته شده است. در راه رسیدن به کلوت در مسیر ماهان-شهداد، روستایی به نام سیرچ قرار دارد که در آن جاذبه‌های منحصر به فردی نظیر درختان کهن‌سال سرو ۲۰۰۰ ساله، چشمه‌های آب گرم و تونل سنگی وجود دارد.

بندر سیراف

سیراف شهری باستانی واقع در بخش مرکزی شهرستان کنگان یکی از آثار تاریخی و نقاط دیدنی استان بوشهر در جنوب ایران است. بازمانده‌های شهر باستانی سیراف شامل سنگ‌چین‌ها، چاه‌ها، سنگ‌فرش‌ها و غارهایی شبیه آتشگاه در دل کوه‌ها در نزدیکی بندر سیراف کنونی واقع شده است. سیراف زمانی از بندرهای اصلی ایران و خاورمیانه و محل پهلوگیری کشتی‌های بزرگ بوده است. آنچه از سیراف بازمانده، حفره‌های سنگی کنده‌شده بر شیب تپه‌های سنگی است که عده‌ای از کارشناسان معتقدند بعد از اسلام به‌عنوان قبر استفاده شده‌اند. از دیگر مراکز دیدنی شهر باستانی سیراف می‌توان به دخمه‌های باستانی سیراف، حوضچه‌های آب باران، قبرهای سنگی، مسجد امام حسن (ع) و عمارت شیخ جبار نصوری اشاره کرد.

گنبد نمکی جاشک

کوه‌های نمکی یا گنبد نمکی دشتی یکی از زیباترین کوه‌های استان بوشهر و معروف به گنبد نمکی جاشک است که در نزدیکی روستای جاشک در فاصله ۱۴۴ کیلومتری جنوب شرقی بندر بوشهر و در فاصله ۶۰ کیلومتری خورموج قرار دارد و یکی از بزرگ‌ترین گنبد‌های نمکی ایران است. کوه‌های نمکی با دارا



سواحل صخره‌ای چابهار

بندر چابهار تنها بندر اقیانوسی کشور (اقیانوس هند) است و همین امر باعث ایجاد سواحل صخره‌ای در آن شده است. با پیش‌روی آب دریا و فرسایش سنگ‌های رسوبی، سواحل دریای عمان به ویژه در قسمت‌های جنوبی شهر چشم‌انداز بدیعی را به وجود آورده و به عنوان یکی از دیدنی‌ترین سواحل جنوبی ایران، به شکل یک آکواریوم طبیعی با انواع ماهی درآمده است. ساحل صخره‌ای به طول چند ده متر در تفریحگاه دریازرگ در شهر چابهار قرار دارد. در حفره‌های این صخره‌ها هنگام جزر می‌توان انواع صدف، سنگ‌های صیقلی و ماهیان کوچک را مشاهده کرد.

پدیده موج‌فشان حاصل برخورد امواج به این صخره‌هاست.

از دیگر مکان‌های دیدنی و جذاب چابهار تپه‌هایی است که از اعماق زمین گل‌ولای را به شکل حباب به سطح زمین پرتاب می‌کنند که به تپه‌های گل‌فشان معروف‌اند. مردم محلی از این گل‌ولای برای درمان بیماری‌ها به ویژه بیماری‌های پوستی استفاده می‌کنند.

علاوه بر گل‌افشان‌ها، سواحل صخره‌ای و زیبا، مساجد محلی، زندگی دیدنی بلوچ‌ها در کپره‌های خود، جنگل‌های حرا، تالاب لیپار، تمساح منحصربه‌فرد پوزه‌کوتاه و درخت انجیر معابد از جمله جاذبه‌های توریستی این بندر زیبا هستند.

اگرچه ایران از لحاظ میراث تاریخی و فرهنگی از کشورهای برتر جهان به شمار می‌رود، ولی از نظر جذب گردشگر رتبه مناسبی ندارد. یکی از علل این مسئله عدم وجود زیرساخت‌های مناسب اکوتوریسم و عدم شناخت کافی به این مسئله و فقدان فرهنگ اکوتوریسم در کشور است. اکوتوریسم سفری مسئولانه است به مناطق طبیعی، که موجب حفظ محیط زیست و بهبود زندگی مردم محلی می‌شود. با شروع سال نو به عنوان یک ایرانی با خود قرار بگذاریم در سفرهای پیش رو تمرین دوستی با طبیعت و حفاظت از میراث بیکران فرهنگی کشورمان کنیم.

بودن چشم‌اندازهای زیبای زمین‌شناسی، انواع سنگ‌های مختلف، غارهای طبیعی و طبیعت بکر درون آن‌ها، آبشار کوه‌ها و آویزه‌های نمکی چشم هر بیننده‌ای را مسحور خود می‌کند. رنگ سفید نمک‌های طعام گنبد به منطقه جلوه‌ای زیبا بخشیده است، به نحوی که از جاده خورموج دیر به صورت یک کوه برفی زیبا در بخش شرقی دشت برهنه ظاهر شده است.

یخچال‌های نمکی از جمله پدیده‌های زیبای گنبد نمکی دشتی به شمار می‌رود و در ناحیه شمال غربی گنبد به‌وضوح دیده می‌شود. غارهای نمکی و آبشارهای زیبای نمکی از دیگر ویژگی‌های گردشگری گنبد نمکی دشتی است. گنبد نمکی دشتی متشکل از کانی‌ها و بلورهای فراوانی است که در پهنه گنبد گسترده‌اند. تنوع رنگ نمک‌های صنعتی گنبد پدیده‌ای شگفت‌انگیز است. رنگ‌های قرمز، قهوه‌ای، سفید، زرد، سیاه و نارنجی نمک‌ها یکی از ویژگی‌های گنبد دشتی است.

ساحل صخره‌ای چابهار



قلعه کلات



پاپوش های اقوام مختلف ایران در مجموعه شعله

کفش هایم کو؟

نرگس جودکی

راه درازی آمده بود، نوك كفش ها پایش را می زد و راه رفتن را برایش سخت می کرد. درگیری کفش و پا وقتی تمام شد که کفشی از برگ درخت خرما خرید و به پا کرد. آن روز شعله جلیلی به کفشش دقیق تر نگاه کرد. انگار این هم سفر را برای اولین بار می بیند. این اولین کفش از مجموعه پاپوش های اقوام ایرانی شد که شعله جلیلی خیابانی بعد از این با سفر به روستاهای دور و نزدیک گردآوری کرد. برخی از این پاپوش ها را استادانی ساخته اند که دیگر در قید حیات نیستند یا دست از کار کشیده اند. این عضو شورای بین المللی موزه ها (ایکوم) تا امروز توانسته موزه ای برای نگهداری ۲۰۰ جفت پاپوش سنتی اقوام ایران راه اندازی و داستان سفرهایش را بازگو کند. این مجموعه شامل کفش هایی است که اقوام ایران برای کار، شادی و به پا می کردند. جلیلی متوجه فراموشی صنعت تولید پاپوش های سنتی شد «نوه ها و فرزندان استادان هم دیگر علاقه ای به ادامه دادن راه پدران خود ندارند.» او از پاپوش هایی می گوید که می تواند جای تولیدات چینی بازار را بگیرد و نامشان برند کفش ایرانی باشد؛ نام هایی چون «چارق»، «چموش»، «کنراک» و «سباس». او آرزو دارد روزی این مجموعه را در موزه ای گرد هم آورده و نتیجه مطالعاتش را ارائه دهد. جلیلی در این گفت و گو از دل نگرانی هایش می گوید. نگرانی از فراموش شدن صنعت ساخت کفش های اقوام ایرانی.

چرا از بین پوشاک اقوام تصمیم گرفتید کفش ها را جمع آوری کنید؟

احتمال از بین رفتن کفش ها خیلی زیاد است، چراکه هنوز می بینیم که در برخی مناطق لباس محلی می پوشند و کفش کتانی به پا می کنند. کفش هم بخشی از لباس است و بدون آن لباس ناقص خواهد بود. فکر می کنم مرگ کفش زودتر از لباس محلی فرا می رسد، در حالی که ادعا می کنیم لباس و کفش های قدیم راحت و قابل استفاده بوده اند. در سفر به روستاها متوجه شدم نوه ها و فرزندان استادان، دیگر علاقه ای به ادامه دادن راه پدران خود ندارند. با فروش نرفتن کفش ها هم خانواده ها ناامید می شوند. با از بین رفتن هنر و صنعت کفش سنتی زنان، بیشتر از مردان آسیب دیدند، چون مردان رشته کاری را عوض می کردند، اما زنان که در بخش تزئینی کفش مهارت داشتند، با از رونق افتادن تولید کفش سنتی دیگر نتوانستند کمک خرج خانواده باشند. بررسی کفش ها به ما نشان می دهد در جنوب ایران به دلیل گرما و حرارت زیاد کفشی از چوب و برگ ساخته می شد که متناسب آن اقلیم بود. می بینیم که امروز هم راه رفتن با کفش چرمی در گرمای جنوب کشور خیلی سخت است. در طول سالیان سال کفش ها متناسب با نیاز و علاقه مندی تغییراتی هم داشته اند. به تدریج که کفش پاشنه دار مورد استقبال قرار گرفت، در خراسان چارقه هایی با پاشنه بلند ساخته شد، اما متأسفانه

امروزه می بینیم برخی اقوام با لباس محلی شان کفش کتانی می پوشند. در پوسته های گردشگری هم به کفش توجه نمی شود. من در سازمان میراث فرهنگی عکسی از ابیانه دیدم که زنی را با کفش نایک نشان می داد. در برخی موزه ها و نمایشگاه های گردشگری هم مانکن هایی می بینیم که پاهایشان میله است و هیچ کدام کفش ندارند. برخی از کسانی که اطلس پوشاک را طراحی می کنند هم به کفش اقوام بی توجه اند.

ایده اولیه جمع آوری پاپوش های ایرانی از کجا آمد؟

از کودکی به جمع آوری اشیا و داشتن کلکسیون علاقه داشتم. برگ، مداد و تمبر جمع می کردم. بعدها هم که راهنمای تور شدم، این علاقه مندی را داشتم. می خواستم این سفرها حاصلی داشته باشد. در یکی از سفرهایم وقتی در تخت جمشید درباره نقش برجسته ها توضیح می دادم، متوجه شدم که لباس ها و کفش سربازهای مادی و پارسی با دیگر مهمانان متفاوت است. این باعث شد به پوشاک اقوام ایرانی و به ویژه به کفش فکر کنم و تصمیم بگیرم کفش اقوام مختلف ایران را جمع کنم.

این ایده را چگونه عملی کردید، اولین کفشی که به دست آوردید، از کدام استان بود؟

سال ۷۵ یا ۷۶ بود. از شیراز که به تهران برمی گشتم، متوجه برگزاری اولین نمایشگاه ایران شناسی شدم. آخرین

ساعات نمایشگاه بود. به دو غرفه ترکمن ها و بلوچ ها رسیدم. کفش هایم پایم را می زد و خیلی خسته بودم. یک جفت کفش بلوچی خریدم و همان جا پوشیدم. کفش از برگ درخت خرما درست شده و بسیار زیبا بود. احساس راحتی داشتم. آن ها را به خانه آوردم و نگهشان داشتم. دلم نمی آمد دوباره بپوشم. این اولین کفش مجموعه من بود. اما اولین کفشی که بعد از این با هدف ایجاد موزه کفش پیدا کردم، در استان گیلان بود. قبلا این کفش را دیده بودم، اما به خاطر قیمت بالای آن را نخریده بودم. بعد که به قصد جمع آوری مجموعه دوباره راهی گیلان شدم، توی راه فکر می کردم چطور حاصل دست رنج آن استاد به نظم گران آمده. به ماسوله رسیدم، اما مغازه استاد بسته بود. شوک بزرگی به من وارد شد. با خود فکر می کردم که نکند این شمع ها یکی یکی خاموش شوند. این ها تنها بازماندگان این هنرند که همه مسن هستند. من نتوانستم کفش ماسوله را بخرم. این تجربه را در تبریز هم داشتم. برای یافتن استاد چارق دوز پرس و جو می کردم. آدرس بازار تبریز را دادند. وقتی رسیدم دیدم در آن خانه هنر هم بسته است. این باعث شد به کارم شتاب دهم، چراکه فکر کردم هر آن ممکن است از این هنر زیبا محروم شویم. بعد از این تصمیم گرفتم کار کتابخانه ای انجام دهم. واژه های استفاده شده در همه استان ها را پیدا کردم. به اداره های میراث فرهنگی و مراکز صنایع دستی همه استان ها

تلفن کردم، حتی اگر لازم بود، با مسئولان جهاد کشاورزی و سازمان منابع طبیعی صحبت کردم. دیگر ادارای نمانده بود که مرا نشانسد، حتی متصدی تلفن ۱۱۸ هم مرا می‌شناخت و تاصداً من را می‌شنید، می‌گفت: «خانم جلیلی هنوز کفش‌ها را پیدا نکردی؟» با شهرستان‌های کوچک، روستاها و مخابرات روستاها تماس می‌گرفتم تا بالاخره گم‌شده‌هایم را پیدا کنم. سفرهایم را شروع کردم. راهنمای تور بودم در شهرهای بزرگ. تا مسافرانم سرگرم بودند، من گریزی می‌زدم و سراغ کفش را می‌گرفتم. در این سفرها اتفاقات عجیبی افتاد. گاهی فکر می‌کردم انگار مقدر بوده این کفش در جای به‌خصوصی قرار بگیرد تا روزی من پیدایشان کنم. پیدا کردنشان برایم خیلی غیرمنتظره و جالب بود. درس بزرگی هم از این جست‌وجوها گرفتم. فهمیدم وقتی آدم چیزی را می‌خواهد و قرار بر این است که کاری کند، همه چیز در اختیارش قرار می‌گیرد.

به کدام استان‌ها سفر کردید و چند جفت کفش به دست آوردید؟

امروز که با شما صحبت می‌کنم، حدود ۲۰۰ جفت کفش در مجموعه دارم. برای به دست آوردن این کفش‌ها حدود چهار، پنج بار ایران را دور زده‌ام و در هفت سال گذشته ۱۳-۱۴ کشور را گشته و از شش موزه کفش دنیا بازدید کرده‌ام. این کفش‌ها بین مردم بودند و من بیشتر آن‌ها را از روستاهای دور خریدم؛ البته کفشی مثل چارق زنجان را از استاد حیدری گرفتم که در میراث فرهنگی زنجان کار می‌کند. ایشان حتی یک نمونه کفش مرد نمکی را برای من ساختند. برخی از استادان در روستاها تعجب می‌کردند که من این همه راه را برای گرفتن یک جفت کفش آمده‌ام. طرح موزه کفش من در موزه کفش تورنتو بسیار مورد توجه قرار گرفت. چراکه در کنار جمع‌آوری کفش اقوام مختلف، باورها و اعتقادات مردم در رابطه با کفش را نیز مطالعه و دسته‌بندی کرده و سعی کردم نگاه مردم‌شناسانه به موضوع داشته باشم. تمام مسیر پیدا کردن کفش را هم مستند کرده‌ام.

آیا به جز جغرافیا نشانه‌های دیگر قومیتی هم در کفش‌های اقوام مختلف دیده می‌شود؟

پوشاک هر قوم بسته به فرهنگ و جغرافیای منطقه انتخاب می‌شود. حتی طبقه اجتماعی و اقتصادی هم در مواد اولیه به‌کاررفته در کفش‌ها نمایان است. طبقات مرفه معمولاً از چرم مرغوب استفاده می‌کردند، اما در طبقات فرودست گاه از تیوپ ماشین (رزین) برای ساخت کفش بهره گرفته‌اند. در لباس و چارق خراسان بیشتر رنگ قرمز و نارنجی می‌بینیم، شاید به این دلیل که زعفران در زندگی این مردم نقش اساسی دارد. در مناطق لرشنین رنگ‌های آبی رنگاری و بنفش غالب است، چراکه در این جغرافیا گل زنبق زیاد است و برای رنگ کردن پارچه‌ها استفاده می‌شود. من در عشایر زنی از بزرگان ایل را دیدم که رنگ‌ها را با وسواس برای لباس انتخاب می‌کرد و در نهایت هارمونی زیبایی از رنگ‌های طبیعت منطقه را کنار هم چیده بود. به همین دلیل هم هست که در شهر رنگ‌های بی‌ارتباط به هم و مغشوشی را در لباس مردم می‌بینیم.

کدام یک از اقوام هنوز از کفش و لباس سنتی خود استفاده می‌کنند؟

در میان اقوام ایرانی کرد‌ها (از آذربایجان غربی و کردستان تا کرمانشاه و ایلام) هنوز در زندگی روزانه خود از کفش و لباس کردی استفاده می‌کنند. شاید چون کفش‌های این منطقه هنوز پاسخ‌گوی نیاز آن‌هاست. کفش این مردم گیوه است و البته می‌بینیم که در دیگر استان‌ها نیز که کفش سنتی‌شان گیوه است، این پاپوش هنوز پوشیده می‌شود، مثل فارس و آباء و اراک و اصفهان.

چرا در میان همه گونه‌های کفش سنتی گیوه‌ساخته‌شده‌ترین

کفش است؟

ما در ایران پنج نوع کفش داریم که کاملاً متفاوت‌اند. از میان ۲۰۰ جفت کفش مجموعه من حدود ۵۰ جفت آن گیوه با بافت‌های مختلف است. گیوه هم تنوع بسیار زیادی دارد. من یکی از زیباترین گیوه‌های مجموعه‌ام را در روستای هجیج در استان کرمانشاه پیدا کردم. این روستا به‌راستی موزه زنده صنایع دستی ایران است. این گیوه لته‌ای است. این نوع گیوه را من در کردستان، کرمانشاه، یزد و اطراف اصفهان و آباء دیده‌ام و نمی‌دانم چرا این پراکندگی را دارد. پوشیدن گیوه در اوایل دهه ۴۰ که تغییر اساسی در پوشش جوانان ایجاد شده بود، باب شد. همه مصرف‌کننده‌ها هم ابراز رضایت می‌کردند از راحتی این کفش. الان می‌بینیم برخی برندهای معروف ایتالیایی همین دوخت و فرم را دارند.

تفاوت اصلی گیوه‌ها در چیست؟

تفاوت اصلی گیوه در نوع تخت و رودوزی آن است. سه نوع گیوه داریم؛ تخت چرم، لته‌ای و گیوه آجیده. من اولین گیوه مجموعه‌ام را از قم گرفتم. تنوع بافت گیوه زیاد است. برای پیدا کردن گیوه به دستگرد رفتم، اما استاد کارش را

امروز که با شما صحبت می‌کنم، حدود ۲۰۰ جفت کفش در مجموعه دارم. برای به دست آوردن این کفش‌ها حدود چهار، پنج بار ایران را دور زده‌ام و در هفت سال گذشته ۱۳-۱۴ کشور را گشته و از شش موزه کفش دنیا بازدید کرده‌ام. این کفش‌ها بین مردم بودند و من بیشتر آن‌ها را از روستاهای دور خریدم؛ البته کفشی مثل چارق زنجان را از استاد حیدری گرفتم که در میراث فرهنگی زنجان کار می‌کند.

تعطیل کرده بود. برای پیدا کردن گیوه قزوین دو سه بار تا روستاهای الموت رفتم. در روستاهای اراک هم پیش استادی رفتم که رویه گیوه را اول به شکل جوراب می‌بافت و بعد کف آن را می‌برد و بر تخت کفش می‌کشید. در سنجان اراک بهترین استاد گیوه‌باف را دیدم که گیوه‌های آجیده می‌ساخت. این آجیده با گیوه آجیده‌ای که از بوشهر دارم، کاملاً فرق می‌کند. در شهرضا و شهرکرد هم گیوه‌های مرغوبی یافتیم. یکی از بهترین گیوه‌ها در شهرکرد ساخته می‌شود و مردم هنوز هم از آن استفاده می‌کنند. من گیوه لته‌ای این منطقه را سال‌ها پیش به مبلغ ۲۸۰ هزار تومان خریدم. تنها جایی که نتوانستم گیوه پیدا کنم، یاسوج بود، آن هم فکر می‌کنم به این دلیل است که بیشتر مردم این منطقه عشایر بودند و پاپوش خود را از بازار شهرهای آباء یا شیراز و... خرید می‌کردند. اولین گیوه طرح گل‌دار را در روستای غلات دیدم. در مهریز یزد به خانه استادی رفتم که قیچی و ابزار کارش را به مجموعه من هدیه داد. او می‌گفت یک گروه ژاپنی یک هفته در کارگاه او کار را یاد گرفته‌اند و بعد ما شنیدیم محصولشان وارد بازار ایران شده است. در آباء گیوه عروسی و کار متفاوت است. استادی به من می‌گفت ۱۲ نوع گیوه را می‌شناسد. در استان

کرمانشاه بافت گیوه‌های زیرپارچه‌ای، تخت آجیده، تخت چرمی، تخت لاستیکی و رویه ابریشمی معمول است. در کرمانشاه طرح گیوه‌های زنان اسامی مختلف دارد. استادان قدیم آناتومی بدن را می‌شناختند و حتی قوس پا را در نظر می‌گرفتند. در برخی مناطق گیوه دو رنگ است؛ یک رنگ برای مجردها و رنگی برای متاهل‌ها.

عجیب‌ترین کفش مجموعه شما چه کفشی است؟

کفشی که از شاخ بز وحشی ساخته شده. این کفش بسیار منحصربه‌فرد است و کفش دیگری که مثل کفش سرخ‌پوستان است و از چوب و روده گاو ساخته شده. این کفش با نام تکتور به شکل دایره است و شبیه پای پرندگان است و در برخی ارتفاعات مناطق برفی هنوز مورد استفاده قرار می‌گیرد. شنیده‌ام کفشی از جنس برگ هست که دور پا می‌پیچند. این کفش را هنوز پیدا نکرده‌ام.

آیا کفشی پیدا کرده‌اید که تلفیقی از کفش دو قوم ایرانی باشد؟

در میان گیوه‌ها این تلفیق دیده می‌شود. در خراسان هم دیده‌ام کفشی که ترکیبی از چارق و چموش است. الان در شمال کشور که باید چموش داشته باشد، چارق زنجان و خراسان را هم می‌فروشند. در حالی که من یکبار از یک استاد چارقی‌دوز خواستم یک ساغری (کفشی از خراسان که نمونه آن در موزه‌های دنیا وجود دارد) برایم بدوزد، اما او گفت: «استاد ساغری‌دوز فوت شده و من الگوش را ندارم».

چرا پوشاک و کفش برخی اقوام کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و شناخت مردم از آن کمتر از دیگر نقاط است؟

در برخی استان‌ها که تردد و سفر کم است، این شناخت هم کمتر است. مثلاً در استان‌های مرزی غربی که تردد مسافران و گردشگران زیاد است، شناخت از فرهنگ و زبان و آداب و پوشاک بیشتر است، اما کمتر کسی از مرزهای شرقی به کشورهای افغانستان و پاکستان می‌رود، پس شناخت از این مناطق کمتر است.

آیا صنعت‌گران و تولیدکنندگان کفش به ویژگی‌های فرهنگی اقوام و مناطق جغرافیایی توجه دارند؟

این دقیقاً یکی از کاستی‌هاست. من قدیمی‌ترین کفش مصر را در موزه دیدم که از الیاف گیاهی ساخته شده بود. ما هم در ایران کفش‌هایی از الیاف و چوب داریم. وقتی چیزی بعد از پنج هزار سال هنوز باقی مانده، به معنی ماندگاری آن است. طراحان صنعتی و تولیدکنندگان تنها برای پایتخت‌نشینان کفش تولید می‌کنند. کسی به منطقه‌ای که دو متر برف در آن می‌بارد، فکر نمی‌کند. کسی برای کشاورزان کفش تولید نمی‌کند. کسی به گرما و شرجی جنوب توجه ندارد. در مجموعه‌ام کفشی به نام «چوپا» دارم که از چوب ساخته شده و یک لنگه است و برای بیل زدن استفاده می‌شود. همین‌طور برای حمام کردن کفش مخصوصی از چوب داشته‌اند. متخصصان فیزیوتراپی می‌گویند بسیاری از حوادث شکستگی دست و پا در منزل، ناشی از زمین‌خوردگی در حمام است، در حالی که کفش‌های حمامی که در گذشته در برخی نقاط ایران استفاده می‌شد، کاملاً از این حوادث جلوگیری می‌کرد. بافت و گره‌های این کفش‌ها در زیر آن قرار دارد و کف آن دنده دنده است. ما تجربه قابل اعتنایی در پشت سر داریم که هنوز می‌تواند در زندگی ما موثر و کاربردی باشد. من ضرب‌المثل‌ها و باورهای مربوط به کفش را جمع‌آوری کرده‌ام. ما در ایران ۸۰ واژه برای کفش داریم. واژه‌های زیبایی چون «کتراک»، «سبباس»، یا «سبباس»، «چپت» می‌تواند نام برند کفش‌های ایرانی باشد.

ملی شدن صنعت نفت ایران در چندروایت

آب سرد نفت بر پیکر استعمار

حمید رضا محمدی

هفته نامه «سازشی»، شنبه ۲۶ اسفند ۱۳۲۹



۲۹ اسفند امسال، در اختیار ملت قرار گرفتن صنعت نفت ایران، ۶۳ ساله می شود. بیش از شش دهه پیش بود که درست در همین روزها، محمد مصدق، در کمیسیون نفت مجلس شانزدهم، مشغول چانه زنی با نمایندگان جبهه ملی بر سر این لایحه بود. هر چند او مهم تر از آن ها، دو نخست وزیر؛ رجبعی منصور و سپهبد حاج علی رزم آرا را از پیش رو برداشته بود و حالا دیگر در عمل، حسین علاء، بدل به مدافع ملی شدن صنعت نفت شده بود که سرانجام سه شنبه ۲۹ اسفند ۱۳۲۹، آب سردی بر پیکر استبداد و استثمار ریخته شد و سند مالکیت طلای سیاه که بالذات متعلق به مردم ایران بود، به نامشان زده شد. به این ترتیب، آغاز نخستین بهار دهه ۱۳۳۰، با استقلال اقتصادی ایران، همراه شد. اما آن چه در ادامه می خوانید، ذکر خاطرات و البته تحلیل هایی است از آن روزها...

محمد مصدق

ادکتر مصدق در لایحه ای که در دی ماه سال ۱۳۳۴ به دیوان عالی کشور فرستاد، پیشنهاد ملی کردن نفت را به دکتر فاطمی نسبت داده است! ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور ابتکار شادروان دکتر حسین فاطمی است که چون کمیسیون نفت مجلس شورای ملی پس از مذاکره و مباحثه نتوانست راجع به استیفای حق ملت از شرکت نفت ایران و انگلیس تصمیمی اتخاذ کند، دکتر فاطمی با من که رئیس کمیسیون بودم، مذاکره نمود و گفت با وضعی که در این مملکت وجود دارد، استیفای حق ملت کاری است مشکل، خصوصا که دولت انگلیس مالک اکثریت سهام شرکت است و به عنوان مالیات بر درآمد هر سال مبلغ مهمی از شرکت استفاده می کند. بنابراین اول باید در فکر آتیه بود که از مال ملت بیش از این سوء استفاده نکنند و عواید نفت هر چه هست نصیب ملت ایران بشود، سپس راجع به گذشته هر اقدامی ممکن باشد نمود. همان طور که کشور انگلیس بعضی از صنایع خود را ملی کرده است، برای این که منافع آن نصیب ملت بشود، ایران هم نفت خود را در سراسر کشور ملی کند تا دنیا بداند که نمایندگان جبهه ملی جز آسایش مردم چیزی نمی خواهند و با هیچ سیاستی سازش ندارند. این پیشنهاد گذشته از این که مفید بود کار ما را نیز سهل می کرد و لازم نبود که اول بطلان قرارداد ۱۹۳۳ را که در زمان دیکتاتوری و اختناق ملت ایران منعقد شده بود، ثابت کنیم. این بود که با نظریات آن شادروان موافقت نمودم و قرار شد که ایشان پیشنهاد خود را در جلسه نمایندگان جبهه ملی بدهند و ببینیم نظر دیگران چه خواهد بود. در جلسه ای که در خانه آقای [محمود] نریمان تشکیل گردید، دکتر فاطمی پیشنهاد خود را نمود و مورد موافقت حضار در جلسه قرار گرفت و آن را امضا نمودند.

انور خامه ای

پس از کشته شدن رزم آرا مجلس بلافاصله قانون ملی شدن صنعت نفت را تصویب کرد. شب یا فردای روزی که رزم آرا کشته شد، کمیسیون نفت ملی شدن آن را تصویب کرد و به مجلس برد! مجلس هم در عرض دو روز آن را تصویب کرد! دو هفته بعد هم، روز ۲۹ اسفند ۱۳۲۹، مجلس سنا

قرارداد ملی شدن صنعت نفت را تصویب کرد. بدون شک ترور رزم آرا عاملی مهم در تصویب طرح ملی شدن صنعت نفت بود. رزم آرا آدم کمی نبود و مجلس هم، مجلسی وابسته بود. کشته شدن رزم آرا تمام حساب ها را به هم زد. حتی ۱۵ نفری که در کمیسیون نفت بودند، به اتفاق آرا رای دادند. دکتر مصدق در خاطرات خود صریحا نوشته است که دکتر فاطمی اولین پیشنهاددهنده این فکر بود. نمی توان منکر این شهادت بسیار صریح دکتر مصدق بود. تا جایی که به خاطر دارم، دکتر فاطمی عضو کمیسیون نفت نبود، اما یکی از اعضای اصلی جبهه ملی بود. وقتی این مسئله در کمیسیون نفت مطرح شد، زودتر از همه روزنامه «باختر امروز» می نوشت، اما کسی که فاطمی هم در روزنامه «باختر امروز» می نوشت، اما کسی که بسیار برای آن سروصدا راه انداخت، دکتر بقایی بود. شاید در جبهه ملی مخالفت هایی شده باشد. اما آن چه که مسلم است، این است که سرانجام همه آن افراد این فکر را پذیرفتند و متحدا در کمیسیون آن را طرح کردند و از عجایب است که کمیسیون به اتفاق آرا به آن رای داد. ممکن است مصدق هم در جلسه جبهه ملی به لحاظ حقوقی به مشکلات این طرح پرداخته باشد. اما تمام اعضا متحد ایستادند و روی طرح خود پافشاری کردند و گفتند اگر این کار را نکنید، ما استعفا می دهیم و کمیسیون را هم عوض می کنیم. تنها حزب مخالف حزب توده بود. چرا که شوروی ها و انگلیسی ها توافق کرده بودند که در جلسه وزاری خارجه که بعد از جریان قرارداد کان لم یکن پیش می آید، در آن جا صحبت راجع به قرارداد قوام - سادچیکف می شود، شوروی ها از نفت انگلیسی ها دفاع کنند و انگلیسی ها هم در مقابل از قرارداد قوام - سادچیکف دفاع کنند.

محمد علی موحّد

به دنبال قتل رزم آرا [در ۱۶ اسفند ماه ۱۳۲۹]، حسین علا در ۲۱ اسفند ماه ۱۳۲۹، مامور تشکیل دولت گردید. اما مصدق در رأس کمیسیون نفت هم چنان در رأس کمیسیون نفت، هم چنان سرگرم تعقیب کار خود بود. او فردای قتل رزم آرا پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت را که تا آن روز تصویب نشده بود، یک بار دیگر به رأی گذاشت. اعضای کمیسیون که هنوز گرفتار هول و هراس ترور رزم آرا بودند، به اتفاق آرا آن را تصویب کردند و آن گاه نوبت مجلس بود که می بایستی موضع خود را در برابر آن مشخص

سازد. بسیاری از نمایندگان که مستقیم یا غیرمستقیم با عوامل سفارت انگلیس ارتباط داشتند و قول داده بودند که از حضور در جلسه مجلس خودداری نمایند و به قول خود وفا نکردند. در جلسه مورخ ۲۴ اسفند ماه از ۱۳۱ نفر نماینده، ۹۵ نفر در جلسه حضور داشتند و همه آن ها به گزارش کمیسیون نفت رای مثبت دادند. مجلس سنا هم در آخرین روز سال یعنی ۲۹ اسفندماه سال ۱۳۲۹ این گزارش را تصویب کرد... اما آن چه مسلم است، پیشنهاد ملی کردن نفت، نخست در جلسه مورخ چهارم آذرماه ۱۳۲۹ که در خانه نریمان تشکیل شده بود، به تصویب نمایندگان جبهه ملی رسید. [اما] مقصود از پیشنهاد ملی شدن که «مورد توجه و قبول کمیسیون قرار گرفته» پیشنهادی است که در هشتم آذرماه ۱۳۲۹ به امضای پنج نفر: دکتر [محمد] مصدق، [سید ابوالحسن] حائری زاده، [اللهیار] صالح، [احسین] مکی و دکتر [سید علی] شایگان، به کمیسیون مخصوص نفت در جلسه سی و هفتم] در ۱۷ اسفند ماه سال ۱۳۲۹ گرفت، هر ۱۸ نفر اعضای کمیسیون آن را امضا کردند. از این پیشنهاد بعدها به عنوان اصل ملی شدن نفت یاد شده و همان است که در تمام دوران حکومت دکتر مصدق اساس و مبنای مذاکرات بود:

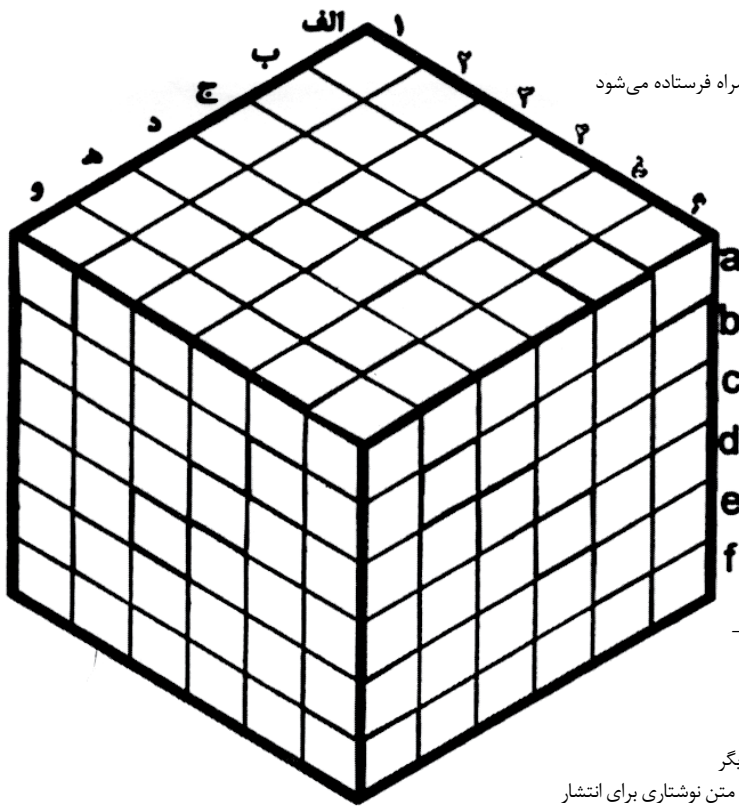
یرواند آبراهامیان

این باور متعارف را که بریتانیا با حسن نیت وارد مذاکره شد، ایالات متحده تلاشی جدی برای ایفای نقش واسطه درستکار صورت داد و علت شکست مصدق در دست یابی به مصالحه هم سرسختی او بوده که ریشه اش همواره در «سرشت روان شناسانه» اعتقادی او جستجو شده است. حتی نویسندگان هم دل با مصدق نیز مدعی اند که اگر مصدق سرسختی کمتری از خود نشان می داد، باید و می توانست به مصالحه ای منصفانه و عادلانه دست یابد. مثلا ویلیام راجر، نویسنده برخی موشکافانه ترین آثار درباره افول امپراتوری بریتانیا به طور کل و بحران انگلیس و ایران به طور اخص - چنین استدلال می کند که بریتانیا اصل ملی شدن را پذیرفت، اما با همراهی آمریکا و به دلیل «رفتار غیرمنطقی» مصدق، تصمیم به سرنگونی او گرفت. استدلال [من] این است که مصالحه اساسا دست نیافتنی بود، زیرا که پرسشی بی پرده در کانون مناقشه قرار داشت: این که چه کسی کنترل صنعت نفت (اکتشاف، تولید، استخراج و صادرات) را برعهده داشته باشد. آیا کنترل آن در اختیار ایران می بود یا شرکت نفت انگلیس ایران یا احتمالا کنسرسیومی از شرکت های بزرگ نفتی معروف به هفت خواهران؟ از نظر ایران، ملی شدن به معنای کنترل حاکمیت بود. از دیدگاه شرکت های نفتی، ملی شدن نفت ایران به معنای از دست رفتن کنترل غربی ها بود. امری که در اوایل دهه ۱۳۳۰/۱۹۵۰ غیرقابل پذیرش تلقی می شد. از سوی دیگر، ملی شدن صوری - یعنی ملی شدن ظاهری نه محتوایی یا ملی شدن در تئوری و نه در عمل - از سوی بریتانیایی ها و آمریکایی ها به عنوان «مصالحه منصفانه» نمایش داده می شد، اما درواقع در بهترین حالت، ترکیبی متضاد و بی معنا و در بدترین حالت، سرپوشی گمراه کننده بود. در سال های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲، نه بریتانیا و نه آمریکا تحت هیچ شرایطی آماده پذیرش ملی شدن واقعی صنعت نفت نبودند.

سرگرمی

علیرضا صفری

جدول سه‌سویه



در جهت حرف‌های فارسی:

- الف- بخشی از یک موشک که در نوک آن قرار دارد - پیامکی که توسط تلفن همراه فرستاده می‌شود
- ب- نوعی هواپیمای روسی مسافری - مشترک روزنامه یا مجله
- ج- مادر عرب - عایق‌بندی‌شده - زمینه
- د- شهر روشنایی در شمال - تن‌پوش ماهی - از نام‌های پسرانه
- ه- پول ژاپن - تازه - جرم و بزه
- و- مدرس دبیرستان - آسایش و استراحت

در جهت عددها:

- ۱- کفش ورزشی - شبیه‌سازی یک شرایط جنگی که هدف از آن آزمودن و هم‌چنین آموختن شگردهای جنگی است
- ۲- روزنامه معروف فرانسوی - طباطبائی
- ۳- بالای انگلیسی - ماشین حمل زباله و مصالح - دو یار هم‌قد
- ۴- خواهش و آرزو - موسسه‌ای که خسارت وارده‌شده به اتومبیل را پرداخت می‌کند - نزدیک نیست
- ۵- واژه‌ای برای نماهنگ - پذیرفته‌نشده - مشهور
- ۶- مخفف افزون - واحد شمارش مغازه

در جهت حرف‌های لاتین:

- a- پخش‌شده روی زمین - گرما و حرارت
- b- نوعی بیماری پوستی به صورت زخمی عفونی در صورت - حرارت بالای بدن - جاده‌ای برای رفتن به شمال
- c- محل استقرار چادرهای ترکمن - حدس - سنگی قیمتی
- d- زینت رو - بادی که بسیار تند می‌وزد - ستون بدن
- e- عیب‌جویی کردن از کار یا شخصی - دارای یک امتداد و بدون برخورد به یکدیگر
- f- بخشی از یک کالا که به شخص یا جایی تعلق می‌گیرد - تصحیح و آماده‌سازی یک متن نوشتاری برای انتشار

جدول سه‌بالا، سرپایین

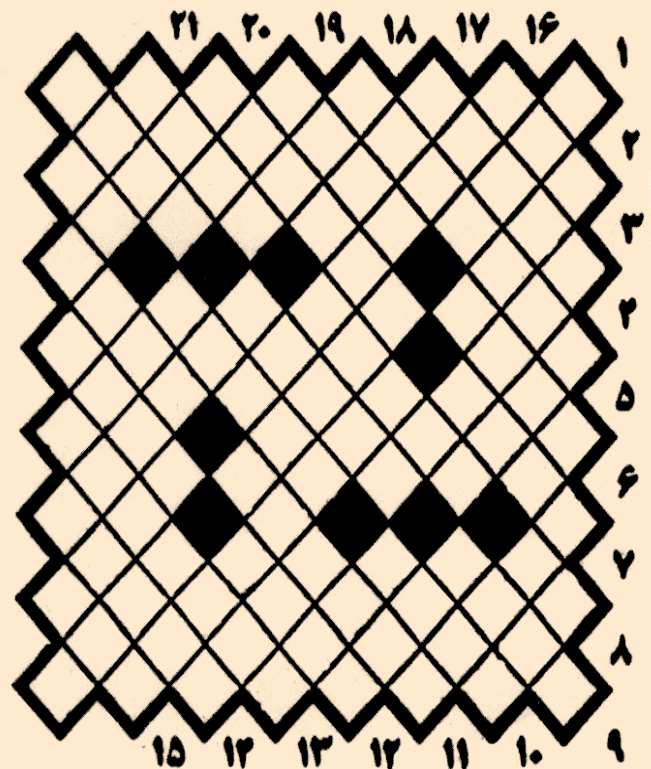
۲۱- فدراسیون بین‌المللی دو و میدانی

سر بالا:

- ۳- مادر
- ۴- جمع نبی
- ۵- نامه‌ای که از سوی بالاترین مقام یک سازمان برای راهنمایی همه یا بخشی از کارکنان صادر می‌شود
- ۶- پیرو سنت - اتوبانی در تهران
- ۷- دل‌تنگی - شیوع و همه‌گیری یک بیماری
- ۸- گوشه‌نشین شطرنج - سوق - نوعی مسلسل سبک
- ۹- دارویی خمیری که برای درمان درد یا کوفتگی روی موضع دردناک می‌گذارند - قدم یک‌پا - مخفف دختر - پنبه‌زن
- ۱۰- چکه - کسی که از حال رفته و متوجه چیزی نمی‌شود - حرف نفرت
- ۱۱- زمین گسترده‌ای که بایر است و زندگی در آن محدود است - ناله و زاری
- ۱۲- مرکز استان مرکزی - میوه هزاردانه
- ۱۳- ایستگاهی در ارتفاعات درکه
- ۱۴- میدانی معروف در شرق تهران
- ۱۵- نیمه روشن زمین

سرپایین:

- ۱- کشوری آفریقایی با پایتختی لیبرویل - یازده - پول ژاپن - دسته
- ۲- منشی - منطقه‌ای زیبا در استان گیلان
- ۳- آشفستگی در کار به وجود آوردن - از وسایل پروازی
- ۴- شهری در آذربایجان شرقی - نوعی ساز سه‌گوش دارای ۵۰ سیم عمودی که با انگشت نواخته می‌شود
- ۵- واکسن آن را دکتر کخ آلمانی کشف کرد - محلی برای کشتی‌رانی
- ۶- کسی که مورد خطاب قرار گرفته
- ۷- آخرین نیروی بدن
- ۱۶- قطعه نمایش کوتاهی در فاصله اجرای دو بخش از یک برنامه - اصطلاحی در بازی شطرنج
- ۱۷- سلسله‌ای که مدتی بر کشورهای اسلامی حکومت کرد - ترسناک
- ۱۸- از نام‌های پسرانه - جانوری کوچک‌تر از گرگ که از مردار و گاهی میوه تغذیه می‌کند
- ۱۹- امر به ماندن می‌کند - واحد سطح
- ۲۰- پروردگار



همین که از یکی دو روز اول نوروز رد شویم و دید و بازیدها از آن شور و شوق اولیه بیفتند، فرصت‌های بیشتری در طول روز برایمان ایجاد می‌شود. در این فرصت‌ها می‌توانیم چند کار انجام دهیم. نخست آن که بی‌کار بنشینیم و غصه بخوریم. به هیچ‌وجه نمی‌توانیم این کار را توصیه کنیم، چون حتماً نتایج وحشتناکی خواهد داشت. اما شاید بتوانید کمی سریال‌های نوروزی تلویزیون را نگاه کنید. این توصیه هم به درد شما نمی‌خورد، چون شما در طول سال آن قدر سریال دیده‌اید که حالا وقت سریال ندیدن است. شاید بتوانید در کنار افراد خانواده‌تان بنشینید و کمی درد دل کنید. اتفاقاً این کار می‌تواند خیلی به دردتان بخورد، چون ما در طول سال معمولاً وقت کم داریم و به همین دلیل کم‌بای صحبت نزدیکانمان می‌نشینیم. اما مراقب باشید در این درد دل کردن افراط نکنید، چون ثمره حرف زدن زیاد، گفتن چیزهایی است که برایتان دردسر درست می‌کند. در نتیجه شما باز هم وقت اضافه می‌کنید و می‌توانید در این لحظه سراغ بار مهربان بروید. افراط کردن در این یکی نه تنها ایرادی ندارد، که می‌تواند کلی هم به دردتان بخورد. خواندن رمان، در روزهای نوروز، به شما تجربه زندگی کردن می‌دهد. شما می‌توانید زنی در لهستان باشید یا دانشمندی در ژاپن، می‌توانید دختری در پاریس باشید یا پسر در آمریکا. این فرصت را از دست ندهید. ما هم چند پیشنهاد داریم برایتان. می‌توانید به طور ظریف، روی این گزینه‌های روی میز هم اندکی فکر کنید.



کمه نامدته در تعطیلات نوروز فرهیخته باشید و کتاب بخوانید

غرق شدن شیرین در دنیای کلمات

می‌شود؛ یادداشت‌هایی که درباره تجربیات اساسی و عمیق زندگی هستند. به علاوه با افراد بیشتری ملاقات می‌کند که به شدت تحت تأثیر آن فرد خارق‌العاده قرار داشته‌اند؛ افرادی که گاه به چشم یک پزشک، شاعر یا مبارز جنبش مقاومت علیه دیکتاتور به او می‌نگریسته‌اند.



کتاب‌های

هوشنگ مرادی کرمانی

شما که غریبه نیستید، همه ما در بچگی‌هایمان و شاید شما در جوانی‌تان و احتمالاً آن یکی همراه بچه‌ها و نوه‌های «قصه‌های مجید» را دیده‌ایم و خوانده‌ایم. هوشنگ مرادی کرمانی واقعاً نویسنده بی‌نظیری است. او هم ما را به دنیای خاطرات می‌برد و هم با طنز جذابش می‌خنداند. با نوشته‌های او گاه احساساتی می‌شویم و گاه حس غرور می‌کنیم. خلاصه آن‌که مرادی کرمانی زندگی را به شکل هنرمندانه‌اش پیش روی ما می‌گذارد.

او در سال‌های اخیر چند کتاب منتشر کرده که توصیه می‌کنیم از دستش ندهید. «شما که غریبه نیستید» یکی از این‌هاست. هوشنگ مرادی کرمانی توی این کتاب به صورت فصل‌های کوتاه و به نوعی دنباله‌دار سرگذشت خودش را تا زمان کنکور گرفتنش نوشته. او متولد یکی از روستاهای کرمان است و در همان کودکی مادرش را از دست

بهشان نداشته است. حالا اگر خودتان کتاب را بخوانید، حتماً بیشتر لذت می‌برید، چون اگر من می‌توانستم این داستان خوب را در چند خط تعریف کنم، خودم یک پارک امانوئل اشمیت می‌شدم.

قطار شبانه لیسبون

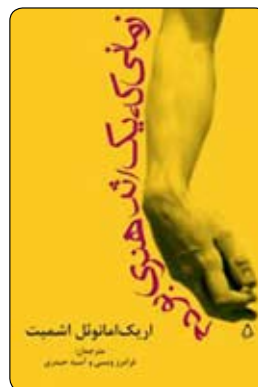
«قطار شبانه لیسبون» به تازگی به تهران رسیده است و هیچ ربطی هم به کارلوس کی‌روش، امانوئل خوزه و تونی ندارد. اما همه، در همین فرصت کوتاه استقبال خوبی

از مسافرش کرده‌اند و به قول ما کرم کتابی‌ها به چاپ دوم هم رسیده است. اما یکی از مسافران قطار شبانه لیسبون، نویسنده‌ای است به نام پیتر بیرری با نام مستعار پاسکال مرسیه. او در سال ۲۰۰۴ رمان

«قطار شبانه لیسبون» را نوشت که یکی از بزرگ‌ترین موفقیت‌های او در عرصه نوشتن بود. مرسیه با انتشار این کتاب، وارد جرگه نویسندگان فلسفی شد که کتاب‌های آن‌ها از اقبال خاصی برخوردار است و ۱.۵ میلیون نسخه از این کتاب و ترجمه آن به ۱۵ زبان خود نمایان‌گر همین موضوع است. داستان این رمان، روایتی است از زندگی معلمی که وسط کلاس درس، مدرسه را ترک می‌کند و تصمیم می‌گیرد به لیسبون برود تا ردپای یک نویسنده اسرارآمیز را پیدا کند. به تدریج عمیق‌تر غرق یادداشت‌ها و واکنش‌های نویسنده

زمانی که یک اثر هنری بودم

نمی‌دانم چقدر با نویسنده دوست‌داشتنی فرانسوی، اریک امانوئل اشمیت، آشنایی دارید. این نویسنده که اسمش غلط‌انداز است و آدم را یاد آلمانی‌ها می‌اندازد، چند کتاب جذاب دارد که قبلاً همه‌شان با چند ترجمه به فارسی منتشر شده‌اند. یکی‌اش مجموعه داستان «گل‌های معرفت» که سه داستان دارد و داستان دوم و سومش فوق‌العاده هستند. خواندن داستان دوم با عنوان «آقا ابراهیم و گل‌های قرآن» و داستان سوم با عنوان «اسکار و بانوی گلی‌پوش» را به شدت توصیه می‌کنم. به غیر از این، چند کتاب دیگر اشمیت هم به



فارسی ترجمه شده‌اند که همه‌شان خواندنی هستند.

اما امسال رمان «زمانی که یک اثر هنری بودم» نوشته اریک امانوئل اشمیت با ترجمه فرامرز ویسی منتشر شد که این رمان هم دست کمی از کارهای دیگر اشمیت ندارد. تازیو پسر جوان ۲۰ ساله‌ای است که از زندگی ناامید شده. او برادران بسیار زیبا و مشهوری دارد، اما خودش نه چهره چندان زیبایی دارد و نه در سایر کارها موفقیتی کسب می‌کند. تازیو تصمیم به خودکشی می‌گیرد، اما هنگامی که بر بالای تپه‌ای ایستاده، ژنوس، هنرمند معروف، او را از این کار باز می‌دارد و به او می‌گوید تو اگر واقعاً به ادامه زندگی علاقه‌ای نداری، خودت را به من بسپار. من از تو یک اثر هنری درخشان خواهم ساخت. آن وقت او کشف می‌کند که زیبایی‌های زیادی دارد که توجهی



گذشت، کشیشان زائر سرخپوست‌ها را به گلوله بستند.»

ماه گرفته‌ها

فدایت شوم، بدون گیومه، بدون هر گونه کلمه اضافه، این عنوان کتاب شرمین نادری است و وقتی آن را روی جلد کتاب می‌بینی، حس می‌کنی که خود نویسنده، تبدیل به کلمه شده و آمده روی کتاب.

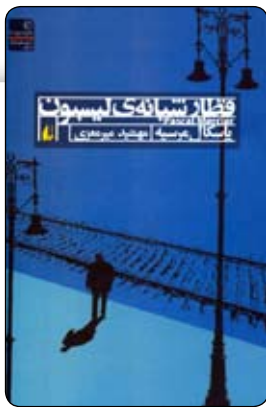
«فدایت شوم» مجموعه‌ای است از نامه‌ها، نامه‌های یک زن قاجاری. نامه‌ها زبان ساده‌شده دوره قاجار است و دغدغه‌هایش بدجوری شبیه آن چیزهایی است که ما داریم. با خودم می‌گویم که نکند ما درجا زده‌ایم و دردهایمان همان‌هایی است که قدیمی‌ها داشتند. یا شاید شرمین نادری پولتیک زده و به زبان قاجاری، حرف‌های امروز ما را زده. به زبانی جذاب... او روای من را به کتاب تبدیل می‌کند. «فدایت شوم» را حوض نقره چاپ کرده و طرح جلد جذابش را نسیم آتشین‌جان طراحی کرده است. خودتان را از خواندن این نامه‌ها محروم نکنید.

مدرک

«مدرک» نوشته آگوتا کریستوف آخرین کتابی است که برایتان معرفی می‌کنم. نوشته‌های کریستوف ساده‌اند و بی ادعا. اگر بخوایم نوشته‌های او را از نظر ادبی بررسی کنیم، اما خواندن این رمان و دیگر کتاب‌هایش مثل «دفتر بزرگ» را اکیدا توصیه می‌کنیم.

شاید حرف زیادی برای گفتن نداشته باشند. مثلا شخصیت‌پردازی در این داستان‌ها چندان دقیق نیست، یا فصل‌بندی کتاب به‌خوبی انجام نشده باشد. مثلا شما گاهی در یک پاراگراف، چند پرش زمانی را می‌خوانی و روابط علت و معلولی، چندان درست از کار در نمی‌آید. با این همه نمی‌توان داستان‌های این نویسنده را ضعیف ارزیابی کرد. او آن‌قدر حرف تازه و روایت نو در داستان‌هایش دارد که این ضعف‌ها به‌سادگی پوشیده می‌شوند. شاید حتی باید در نگاهی دیگر، آگوتا را نویسنده‌ای دانست که سبک و سیاق خودش را دارد. شخصیت مادر بزرگ، پتر، مرد بی‌خواب، خواهر ویکتور و خود ویکتور در تریلوژی دوقلوها، چندان

پیچیده و عجیب هستند که شاید کمتر کسی بتواند آن را تصور کند. با این همه، نویسنده چنان ما را قانع می‌کند و همراه خودش در قصه پیش می‌برد که باورمان نمی‌شود. در آثار او از عشق هم نشانی نیست و اگر اندک نشانی باشد، یا به گذشته بازمی‌گردد یا یک‌سویه و بی‌رسم است. زبان کریستوف موجز است و این امر، باعث می‌شود در کمترین کلمات بیشترین بار رویدادها منتقل شود. یکی از شاخصه‌های آثار آگوتا، توجه ویژه او به تصویرسازی داستانی است و خیلی ساده می‌توان تصور کرد که اقتباس‌های سینمایی از این آثار ساخته شود. او فضای زیبایی از عشق را ارائه کرده؛ آن هم در فضای دیکتاتوری لهستان. این کتاب را هم از دست ندهید.



خیلی از شما که این مطلب را می‌خوانید، دلتان کتاب‌های جدی‌تر هم می‌خواهد. «روای سلت» بر پایه وقایع تاریخی شکل گرفته. قهرمان اصلی این رمان، مردی ایرلندی است که در وزارت امور خارجه انگلستان به پژوهش درباره حقوق بشر در کشورهای مختلف مشغول است. او در سفری کاری به کنگو می‌رود و در آن‌جا صحنه‌هایی را می‌بیند که نمی‌تواند در برابر آن‌ها سکوت کند. او

گزارش‌هایی جنجالی را با موضوع استعمار می‌نویسد و همین موضوع سبب می‌شود نامش سر زبان‌ها بیفتد. این رمان در ۱۷ کشور اسپانیایی‌زبان به صورت هم‌زمان منتشر شده و قرار بوده به‌سرعت به ۲۰ زبان ترجمه شود. ترجمه انگلیسی این رمان در سال ۲۰۱۲ منتشر شده است.

یوسا در سال ۲۰۱۰ برنده جایزه نوبل ادبیات شد. از یوسا آثار متعددی به زبان فارسی ترجمه شده است. «سردسته‌ها» (ترجمه آرش سرکوهی، انتشارات چشمه)، «سال‌های سگی» (ترجمه احمد گلشیری، انتشارات نگاه)، «گفت‌وگو در کاتدرال» (ترجمه عبدالله کوثری، نشر لوح فکر)، «جنگ

آخرالزمان» (ترجمه عبدالله کوثری، انتشارات آگاه) و «سور بز» (ترجمه عبدالله کوثری، نشر علم) از جمله این آثار هستند.

خاطرات یک سرخ‌پوست صدرصد واقعی

حالا که یک کتاب جدی را معرفی کردیم، یک کتاب جدی دیگر را معرفی می‌کنیم. اما برای خواندن این یکی، باید مراقب فک‌هایتان باشید، چون ممکن است از خنده زیاد دچار مشکلاتتان کند. این شما و این «خاطرات یک سرخ‌پوست صدرصد واقعی» نوشته شرمین الکسی، ترجمه رضی هیرمندی. شاید شرمین الکسی سرخ‌پوست را نشاناید، اما حتما رضی هیرمندی را می‌شناسید. خودتان را به آن راه نزنید، او مترجم کتاب‌های شل سیلور استاین و کلی کتاب بازمه دیگر است.

این رمان در ابتدای سال جاری وارد بازار کتاب شد و در مدت کوتاهی به چاپ دوم رسید. داستان کتاب خطی و ساده است. ما داستان یک نوجوان سرخ‌پوست را می‌خوانیم که قاطی سفیدپوست‌ها شده. در ابتدا کسی او را تحویل نمی‌گیرد، اما بعدها بهترین افراد مدرسه جذبش می‌شوند. شما در این کتاب، هم تصویر می‌بینید، هم می‌خندید و هم به زندگی امیدوار می‌شویم. نقد شرمین الکسی از جامعه آمریکایی واقعا بی‌نظیر است. در قسمتی از این کتاب می‌خوانیم:

«همیشه با خودم می‌گویم این جشن شکرگزاری سرخ‌پوست‌ها به‌راستی که بازمه است. منظورم این است که سر اولین جشن شکرگزاری، سرخ‌پوست‌ها و کشیشان زائر بهترین دوستان یکدیگر بودند، اما همین که چند سال

داد. در رمان «ما با پدری تقریباً دیوانه روبه‌رویم» درحقیقت پدر بزرگ و مادر بزرگ با دست تنگ و به وسیله کمک‌خرجی عموها شخصیت داستانی ما را بزرگ کرده‌اند. مرادی کرمانی این بار برای بزرگ‌سال‌ها نوشته، اما باز هم لحن شیرین و جذابش را دارد.

«آب‌انبار» هم یکی از آخرین کتاب‌های مرادی کرمانی است. «آب‌انبار» درباره شاگردان یک مکتب‌خانه است و در این داستان، نقش اصلی را نوجوانان بر عهده دارند. اگر چه این داستان درباره شاگردان یک مکتب‌خانه است، اما نویسنده نام «آب‌انبار» را برای داستانش انتخاب کرده است. علت این است که ماجرای داستان در یک شهر

کویری در حوالی کرمان می‌گذرد و مردم این شهر از آب‌انبار استفاده می‌کنند. درواقع رابطه و تعریف شخصیت‌های داستان در مکتب‌خانه است، اما اتفاق‌هایی که فراز و فرودهای داستان را می‌سازد، در آب‌انبار اتفاق می‌افتد.



اتحادیه ابلهان

شاید اسم این کتاب را دوست نداشته باشید، اما مطمئن باشید بعد از باز کردنش چنان دوستش خواهید

داشت که بعدها به اسمش هم علاقه‌مند خواهید شد. اگر از اول اسمش را هم دوست داشته باشید که دیگر چه بهتر. رمان نوشته نویسنده‌ای به نام جان کندی تول است که فقط همین یک کتاب را نوشته. آن روزها هیچ‌کس راضی نشده کتاب را چاپ کند تا درنهایت نویسنده بیچاره ناامید شده و کار دستش خودش داده که ای کاش از این حماقت‌ها نمی‌کرد. چون او می‌توانست کتاب‌های بیشتری بنویسد و ما از خواندنشان لذت ببریم. اما درنهایت آن‌قدر مادر پافشاری کرد که ۱۰ سال بعد از مرگ پسر کتاب چاپ شد و در سال ۱۹۸۱ جایزه پولیتزر را از آن خود کرد.

این رمان درباره پسری ۳۰ ساله است که با مادرش زندگی می‌کند و نمی‌خواهد یا نمی‌تواند قوانین و قواعد معمول جامعه مدرن را بپذیرد. ذهن او در عصر قرون وسطی پرسه می‌زند و به هرکجا پا می‌گذارد، ماجرا می‌آفریند. کتاب از طنزی قوی برخوردار است و پیمان خاکسار به‌خوبی توانسته این طنز را به فارسی برگرداند.

روایهای سلتی یوسا در ایران

ماریو بارگاس یوسا یکی از نویسندگانی است که تحت هر شرایطی کار خودش را می‌کند و کتابش را می‌نویسد.

او بر خلاف بعضی از نویسندگان که بعد از دریافت جایزه نوبل، احساس می‌کنند نازشان خریدار بیشتری دارد، کتاب بعدی‌اش را خیلی زود منتشر کرد و این کتاب تقریباً با فاصله زمانی کمی به ایران رسید. این رمان «روای سلت» نام دارد که با ترجمه کاوه میرعباسی و توسط

انتشارات صبح صادق وارد بازار کتاب شده است. البته شاید خواندن کتاب‌های یوسا خیلی ساده نباشد، اما حتما



ورزش



دیدوبازدیدنوروزی بامرد اخلاق فوتبال ایران

هنوز حرفه‌ای نشده‌ایم

مینا دایی

از آویختن کفش‌هایم کمتر از یک سال می‌گذرد؛
اسطوره‌ای که بی‌شک جزو معدود فوتبالیست‌هایی
است که بین اغلب هواداران مستطیل سبز محبوب
است، چرا که در نظرخواهی فدراسیون بین‌المللی
آمار و تاریخ فوتبال جهان در ابتدای سال ۲۰۱۰ او به
عنوان بیست‌وهفتمین بازیکن محبوب جهان انتخاب
شد. بازی‌های جذابش در تیم‌های بوخوم و هامبورگ،
اینترراخت فرانکفورت آلمان و البته فریادهای «میتی
میتی» هواداران آلمانی‌اش فراموش‌نشده‌ای است.
انتخاب او از سوی نشریه معتبر کیکر، آن هم به عنوان
بهترین بال راست بوندسلیگا، از افتخاراتی است که
هنوز هیچ‌یک از فوتبالیست‌های ایران به آن دست
نیافته‌است.

مهدی مهدوی کیا نزدیک به ۲۰ سال است که در
فوتبال ایران بازی کرده و حالا قرار است به بازی
کردن نوجوانانی کمک کند که آرزویشان رسیدن به
موفقیت‌های اوست. حضورش در تیم‌های باشگاهی
آلمان باعث شده نگاهی فراتر از حد معمول به فوتبال
داشته باشد. او معتقد است بی‌برنامگی فوتبال ایران
دلیل اصلی مشکلاتی است که این سال‌ها گریبان
این رشته را گرفته است و عدم برنامه‌ریزی‌های
طولانی‌مدت شرایط بد کنونی را به وجود آورده است. با
او گفت‌وگویی داشته‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

روزهای دور از فوتبال چطور می‌گذرد؟

نزدیک به ۲۰ سال هر روزم را با توپ و زمین
گذرانده‌ام. برایم سخت است، اما خدا را شکر که
هنوز بی‌ارتباط نشده‌ام و با نوجوانان کار می‌کنم.

از راهی که آمدید، پشیمان نیستید؟

اصلا. من عاشق فوتبال هستم و شیرینی زندگی‌ام را
از همین فوتبال دارم. البته نمی‌شود گفت که تمام
روزهایی که داشته‌ام دوست‌داشتنی و خوب بوده‌اند؛
من هم مسیر سختی را گذرانده‌ام و برای رسیدن به
جایگاهی که به دست آوردم، خیلی سختی کشیدم.

شروع فوتبالتان از بانک ملی بود، درست
است؟

بله. بانک ملی تیمی است که هیچ‌وقت فراموش
نمی‌کنم.

چطور؟ چون اولین تیمتان بود؟

بله. من برای موفق شدن از همان‌جا شروع کردم. برای
فیکس شدن در تیم بانک ملی خیلی تلاش کردم و
روزی سه چهار بار تمرین می‌کردم.

کلا سخت‌کوش هستید.

معتقدم برای رسیدن به آرزوها باید تلاش کرد. شاید
خیلی ساده نباشد، اما من تجربه‌اش کرده‌ام.

جایی خواندم که گفته بودید زمانی که در

اردوی تیم ملی در آلمان بودید، تصمیم گرفتید
آن‌قدر تلاش کنید که پیراهن باشگاه‌های این

کشور را به تن کنید.

بله، دقیقا به یاد دارم، اما واقعا خودم هم فکرش را
نمی‌کردم که یک روز به آرزویم برسم! پیش‌بینی‌اش
کار سختی بود، چه برسد به این که عملی‌اش کنم!

آن روزهایی که شما برای رسیدن به موفقیت
تلاش می‌کردید، عشقتان فقط فوتبال بود اما حالا
فوتبالیست شدن آن هم در سطح ملی آن قدر
مزیت دارد که هدف اصلی فراموش می‌شود.

قبول دارم. زمانی که ما بازی می‌کردیم، دستمزدها و
امکانات این‌طور نبود. اما باید قبول کنیم حرفه‌ای شدن
در هر حوزه‌ای چنین تبعاتی را هم در پی دارد.

اما مشکل این‌جاست که فقط به صورت
اسمی حرفه‌ای شده‌ایم. در همین لیگ سیزدهم،
تعداد بازی‌هایی که می‌شود تماشا کرد و لذت برد،
به تعداد انگشت‌های یک دست هم نمی‌رسد.

درست می‌گویید، اما من این نوع مشکلات را به مسائل
دیگری ربط می‌دهم. متأسفانه در فرهنگ فوتبال ما
هر مربی و بازیکنی باید در کوتاه‌ترین زمان خودی
نشان دهد تا در جایگاهش بماند. یعنی اگر نتیجه‌گرا
نباشد، نمی‌تواند بیشتر از چند ماه بماند. دلایلش هم
بی‌برنامگی‌هایی است که از سروکله فوتبال ما بالا
می‌رود. ما هیچ‌وقت به ساختار و برنامه‌ریزی اهمیت
نداده‌ایم. همیشه برایمان نتیجه‌های مقطعی ارزش
بیشتری نسبت به کارهای زیر ساختی داشته‌اند. باید

راه رسیدن به برزیل: فدراسیون!

چگونه به جام جهانی برزیل راه پیدا کنید

نیلوفر حاجی رحیمی

همه چشمشان را از زمین فوتبال و تیم بانوان برداشته‌اند و حالا منتظر زمین چمن برزیل و امیدوار به موفقیت تیم فوتبال. لابد اگر فوتبالی باشید، این روزها شانشان را در هر قرعه‌کشی که بلیت‌های جام جهانی را به مسابقه گذاشته است، امتحان کرده‌اید. اما در کنارش باید بدانید آقای درخشان گفته بودند به هیچ سازمان و ارگانی بلیت‌های جام جهانی را نداده‌اند، مگر این‌که آن برند خودش اسپانسر فیفا بوده است و سهمیه‌ای جداگانه گرفته باشد. اگر فوتبالی هستید و استرس جام جهانی دارید، یا در کنارش نگران تنها نبودن تیم ملی در جام جهانی هستید، باید بگوییم که در جام جهانی آینده ایرانی‌ها با ۵۷۷۸ تا تقاضا در رده



۲۳ قرار گرفته‌اند، رده ۲۳ فهرست بلندبالایی که تعداد تقاضای بلیت‌های جام جهانی در کشورهای مختلف را نشان می‌دهد، رتبه اولش را خود برزیلی‌ها گرفته‌اند. و بعد از آن آمریکایی‌ها ... درخشان هم چنین گفته است که درباره ۷۰۰ تا بلیت خانواده فوتبال خود فدراسیون تصمیم می‌گیرد و علاوه بر آن درخواست بلیت‌های درجه یک آن‌قدر زیاد بوده است که به ناچار بین عده‌ای قرعه‌کشی می‌شود و به آن‌ها بلیت‌های درجه دو و سه تعلق می‌گیرد، چون بلیت‌های درجه یک تنها ۱۰۰ عدد است برای هر بازی.

بدانید و آگاه باشید که این بلیت‌ها ۲۴ اسفند چاپ می‌شود و باید از فدراسیون تحویلش بگیرید. پس یعنی اگر تا حالا از آژانس‌های مسافرتی شنیده‌اید که بلیت‌های آماده را دارند، کذب بوده است!

دیگر این‌که این آدم‌های خوشبخت با بلیت‌هایی که اسمشان رویشان حک شده است، اگر ایران به مرحله بعد نرود، زبانم لال، پول بلیت‌ها بهشان برمی‌گردد و اگر لطف هم کنید که بلیت‌های جام جهانی بازار سیاهی نشود، خودش خیلی است، چون فیفا این را تخلف می‌داند و برخورد خواهد کرد، باقی هم ما هستیم که از سفر جا مانده‌ایم، باید جیبس و پفک به میزان کافی بخریم و اگر خدا قسمت کند، تلویزیونی با ابعاد مناسب پیدا کنیم و بنشینیم به تماشا!

یورویی بایرن مونیخ رقم کمی نیست. چرا ما نباید این باشگاه‌ها را الگویمان قرار دهیم؟ آن‌ها به‌خوبی می‌دانند که اهدافشان چیست و برای به دست آوردنش تلاش می‌کنند. اگر قرار است پیشرفت کنیم، باید برنامه طولانی‌مدت داشته باشیم. باید بدانیم که می‌خواهیم به کجا برسیم. نمی‌شود در عرض یکی دو سال نتیجه بگیریم، چراکه مسائل باید به صورت ریشه‌ای حل شوند. متأسفانه ما در هر



**باشگاهی که خصوصی
باشد، مدیریت به‌راحتی
می‌تواند برنامه‌ریزی کند و
برای آینده تیمش تصمیم
بگیرد. اما در باشگاه‌های
دولتی نمی‌دانی صبح که
بیدار شوی، هنوز مدیر هستی
یا نه. همین می‌شود**

مسئله‌ای احساسی عمل می‌کنیم. هیچ‌وقت با هم هماهنگ نیستیم و انتقاد سازنده نداریم. اگر کسی در فوتبال از کس دیگری انتقاد کند، به دشمنی محکوم می‌شود. در حالی که واقعاً برای موفق شدن باید مشکلات همدیگر را به‌خوبی ببینیم و برای برطرف کردنش با هم متحد شویم.

**حالا فکر می‌کنید می‌شود به بهبود شرایط
فوتبال ایران امیدوار بود؟**

ما از فوتبال سطح اول جهان یا حتی آسیا عقب هستیم. باید تلاش کنیم و متحد شویم. از کارشناسان خبره استفاده کنیم و به مدیرانی که توانایی جلو بردن کار را دارند، میدان بدهیم. در شرایط کنونی فوتبال ما، مدیرانی که توانایی مدیریت دارند، از ترس کنار گذاشته شدن یا نتیجه نگرفتن در مقاطع کوتاه وارد گود نمی‌شوند. باید اعتماد آن‌ها جلب شود تا حاضر شوند دوباره به فوتبال برگردند. متأسفانه ما حتی در امکانات سخت‌افزاری‌مان هم ضعف داریم. به هر حال امیدوارم شرایط بهتر شود و ما هم به جمع تیم‌های پیشرفت‌کرده آسیا بپیوندیم.

قبول کنیم که رشد فوتبال ما متوقف شده است. برای همین هیچ‌یک از بازیکنان و مربیان نمی‌خواهند محبوبیتشان را از بین ببرند. نتیجه‌اش هم می‌شود بازی‌هایی که دیدنشان هیچ لذتی ندارد.

**می‌شود عدم امنیت شغلی و بحث همیشگی
فوتبال ایران یعنی «عدم ثبات» را هم به این
موارد اضافه کرد.**

دقیقاً. در کل مشکلات زیادی دست به دست هم داده‌اند و نمی‌شود تنها در چند مورد راجع به آن‌ها صحبت کرد. من قبلاً هم گفتم که تمام ساختار فوتبالی ایران ضعف دارد. کسانی که مدیریت باشگاه و تیمی را به عهده دارند، برای این‌که در جایشان بمانند، مجبورند نتیجه بگیرند، برای رسیدن به نتیجه هم همه کار انجام می‌دهند. همین می‌شود که سطح کیفی روز به روز کمتر می‌شود.

**موافق هستید که اگر فوتبال ایران به سمت
خصوصی‌سازی پیش برود، این دسته از معضلات
تا حدودی کم می‌شود؟**

بله، موافقم. مدیری که فقط برای یک فصل مدیریت یک باشگاه را به عهده می‌گیرد، فرصتی ندارد. نمی‌داند که اگر سه بازی پشت سر هم نتیجه نگیرد، می‌ماند یا نه. باشگاهی که خصوصی باشد، مدیریت به‌راحتی می‌تواند برنامه‌ریزی کند و برای آینده تیمش تصمیم بگیرد. اما در باشگاه‌های دولتی نمی‌دانی صبح که بیدار شوی، هنوز مدیر هستی یا نه. همین می‌شود که فوتبال پایه‌مان هر روز ضعیف‌تر می‌شود. شاید الان نشود این ضعف را حس کرد، اما مطمئن باشید تا چند سال آینده به طور حتم خودش را نشان می‌دهد. مدیریتی که باید در طول ۹ ماه نتیجه بگیرد و کنار برود، دیگر فرصتی ندارد به تیم‌های پایه و برنامه‌ریزی بپردازد. روندی که در پیش گرفته‌ایم، روز به روز رشد فوتبال را کندتر و عقب‌ماندگی‌های فوتبال را بیشتر می‌کند. شما نگاه کنید تیم‌های پایه ایران چند سال است که نمی‌توانند نتیجه بگیرند؟ باید کارشناسی به موضوع نگاه کنیم و جواب سوال‌هایمان را پی‌گیری کنیم. کشورهای رقیب ما، یا بهتر است بگوییم رقبای گذشته ما، در حال حاضر به‌شدت در حال پیشروی هستند، اما ما هنوز به دنبال این هستیم که فلان مدیر چقدر به بازیکنانش پول می‌دهد و فلان مدیر پول‌هایش را از کجا می‌آورد.

**با این اوصاف باید از فوتبال حرفه‌ای
خداحافظی کنیم!**

ببینید، بین فوتبالی که ما بازی و مدیریتش می‌کنیم، تا فوتبالی که در جهان مدیریت می‌شود، تفاوت بسیار زیادی وجود دارد. از سطح بازی‌ها گرفته تا امکانات سخت‌افزاری و... باید این را هم قبول کنیم که مشکلات ما هر روز بیشتر می‌شود، اما هیچ‌کدامشان حل نمی‌شوند. فشارهای اقتصادی و فرهنگی هم که جای خودش را دارد. ما هنوز نتوانسته‌ایم فرهنگ درآمدزایی در باشگاه‌ها را عمومی کنیم. البته که ساختارهای نامرتب فوتبال یکی از مهم‌ترین دلایل این مشکل است، اما تا کی قرار است ادامه داشته باشد؟ باشگاه‌های بزرگی مثل بایرن، چلسی، بارسلونا و... بخشی از درآمدهایشان از طریق هواداران‌شان است. درآمد ۴۰۰ میلیون

بازخوانی تاریخ صنعتی گذشته به بحث به نام سینما در ایران

پاپ کورن‌های امروزی با طعم لیمونادهای قاجار

نازنین متین‌نیا

مجلس را که به توپ بستند و مردم معترض را به خاک و خون کشیدند، دو فیلم‌ساز روس گوشه خیابان بهارستان ایستاده بودند و با سینماتوگراف، که ما این روزها به آن دوربین می‌گوییم، از درگیری‌ها و اتفاقات خیابانی فیلم می‌گرفتند. فیلم‌سازها را محمدعلی شاه به تهران کشانده بود تا آن‌چه را که دوست دارد، برایش ثبت کنند و مدرک تاریخی برای اثبات بی‌دفاعی‌اش ساخته شود. اما فیلم‌ها به کار شازده قاجار نیامد، خیلی زود مجبور شد که سلطنت را رها کند و به مرزهای شمالی برود. فیلم‌ها را هم با خود برد و هیچ‌کس دیگر دستش به فیلم‌ها نرسید و کسی هیچ صحنه‌ای از آن‌چه که محمدعلی شاه دوست داشت، درباره‌اش ببیند، ندید. کمی بعد مشخص شد که مبارزان آزادی‌خواه هم به اندازه شاه قاجاری، به اهمیت پدیده ظهور سینماتوگراف پی برده بودند و از درگیری‌ها، مبارزاتشان، قوای ستارخان و... صحنه‌هایی برای ثبت در تاریخ دارند. این مبارزان بعد از فرار از ایران و واقعه به توپ بستن مجلس، فیلم‌ها را هم با خود بردند و به مردم سرزمین‌هایی که به آن‌ها پناه داده بودند، نشان دادند. سرنوشت این فیلم‌ها هم هیچ وقت معلوم نشد، اما آن‌چه که از این دو اتفاق مهم باقی ماند، ثبت داستان اهمیت دوربین و سینما در اولین سال‌های تولدش در ایران بود. ۱۱۳ سال پیش، اولین دوربین فیلم‌برداری با بازگشت مظفرالدین شاه از سفر فرنگ به ایران آمد و تا مدت‌ها اسباب‌بازی‌ای بود که برای حرمسرای شاه تفریح می‌ساخت. چند سالی طول کشید تا تفریح زنان حرمسرا به تفریح اشراف و اعیان دوره قاجاری تبدیل شود و بعد به خیابان بیاید و اولین سالن‌های سینما برای مردم عادی مرفقی ایرانی نمایش فیلم‌هایی از خارج آمده داشته باشد. اگر به تاریخ این وقایع نگاه کنیم، مظفرالدین شاه، اولین کارگردان ایرانی می‌شود که با داستانی از زندگی خواجه‌های حرم، اولین فیلم ایرانی را ساخت و بعد از او همین محمدشاه قاجار که برای صحنه‌سازی، فیلم‌ساز روسی استخدام کرده بود، اولین تهیه‌کننده سینمای اجتماعی. اما در تاریخ نام‌های دیگری برای ثبت اولین‌های سینمای ایران دیده می‌شود. نام‌هایی که قدم‌های اولیه سینما را، به شکلی که این روزها می‌بینیم، برداشتند، اما برای نگاهی به صنعت سینما در ایران و تاریخچه این‌که چی بود و چی شد، حذف نام مظفرالدین شاه و محمدعلی شاه و نگاه ابزاری مستبدانه‌شان، اشتباهی بزرگ است. اشتباهی که تاریخ را خش‌دار می‌کند و باعث می‌شود تا ریشه آن چیزی که امروز صنعتی بزرگ در جهان است و در ایران، فقط نام کوچکی از آن صنعت را دارد، ننشاسیم و ندانیم که ریشه‌ها با تنه درختی که امروز فکر می‌کنیم بارور شده است، چه می‌کند. برای همین است که یک بار دیگر و این بار با زوایه نگاهی متفاوت داستان تاریخ سینما را از ۱۱۳ سال پیش تا امروز، در این گزارش مرور می‌کنیم.

از فیلم‌های حرمسرای قاجاری تا فیلم‌های از فرنگ آمده

شاه قاجار در چشمه‌های آب گرم فرانسه بود که دوربین را دید و به آن دل باخت. دوربین بعد از این آشنایی با شاه، در فرانسه و برای ایران خریداری شده و میرزا ابراهیم‌خان صحاف‌باشی از مراسم کارناوال گل در فرانسه فیلم‌برداری کرد. اولین تماشاگران، حرمسرای شاه بودند. شاه دوربین را به ایران آورده بود، اما یادش رفت که این دوربین و سینما در همان فرنگ برای مردم عادی است. همین شد که مردم کوچه و بازار، بعد از بازگشت شاه به ایران، هم‌چنان چیزی از سینماتوگراف نمی‌دانستند و فقط می‌شنیدند که دستگاهی آمده که در آن تصاویر حرکت می‌کنند و به آن «چراغ جادو» می‌گویند. همین شد که تفریح حرمسرای شاهی، جایی در میان مردم نداشت و آن‌هایی که بعد از شاه تصمیم گرفتند به سراغ سینما بروند، نزدیک به ۵۰ سال تلاش کردند تا این هنر را در میان مردم کوچه و بازار به تفریحی دوست‌داشتنی و رویایی تبدیل کنند و به صنعت جهانی بپیوندند. بعد از مظفرالدین شاه و تا زمان رسیدن انقلاب مشروطه، درهای سینما روی پاشنه حرمسرای شاه می‌چرخید و اولین فیلم‌ها، درباره زندگی زنان حرمسرا، خواجه‌گان، مسافرت‌های شاه، شیرهای شاه در دوشان‌تپه و مراسم سینه‌زنی بود. هشت سال زمان لازم بود تا سینما از حرمسرا به کوچه و خیابان بیاید و درهای اولین سالن برای مردم باز شود. در سال ۱۲۸۷، همان میرزا ابراهیم‌خان صحاف‌باشی اولین سالن سینما را راه انداخت، اما فیلم‌هایی که در سالن نمایش داد، به مذاق دولت خوش نیامد و مورد غضب شاه قرار گرفت، تبعید شد و سالن سینمایش هم بسته شد تا اولین توقیفی سینمای ایران به نام اولین فیلم‌بردار سینمای ایران ثبت شود.

اعلان پرده‌های جدید تماشایی سینماتوگراف

بعد از میرزا ابراهیم‌خان، اولین اعلامیه رسمی برای دعوت مردم به تماشای فیلم توسط فردی به نام تاجرباشی اتفاق افتاد. در اولین اعلامیه مردم به سینما این‌طور دعوت شدند: «پرده‌های جدید تماشایی سینماتوگراف که عوالم را به طور حرکت و تجسم نشان می‌دهد، به تازگی وارد شده و در خیابان ناصری در یکی از مغازه‌های جناب تاجرباشی نشان داده می‌شود. مقدم آقایان محترم از یک ساعت بعد از ظهر تا دو ساعت از شب گذشته در کمال احترام پذیرفته می‌شود.» بعد از این دعوت، اولین قدم‌ها برای عمومی شدن سینما در ایران با ساخت سالن‌های سینمایی آغاز شد. اقلیت‌های دینی و غیرایرانی‌ها، اولین آدم‌هایی بودند که به این نتیجه رسیدند این هنر و صنعت تازه به دنیا آمده، جذاب و دوست‌داشتنی است و می‌تواند برای آن‌ها سود داشته باشد.

داستان سالن روسی خان

روسی‌خان که از پدری انگلیسی و مادری روسی به دنیا آمده بود، اولین کسی بود که در ایران سالن سینما ساخت. او در سال ۱۲۸۵ یک دستگاه نمایش و ۱۵ حلقه فیلم ۶۰۰ الی ۸۰۰ میلی‌متری از کمپانی پاته خرید و مشغول نمایش فیلم‌های کمدی در اندرون شاهی و خانه‌های اعیان و اشراف شد. بعد از مدتی آن‌قدر کارش گرفت که



گرفت و سالن جدیدی در دروازه قزوین (بازارچه قوام) به راه انداخت. کسب‌وکار روسی‌خان تا زمان انقلاب مشروطه و فرار محمدعلی شاه به راه بود و بعد از این اتفاق، همراه با خانواده شاه فرار کرد و سینماهایش هم تعطیل شدند.

بعد از فرار روسی‌خان، یک ارمنی، بازار سالن‌های سینما را به دست گرفت. مردی به نام آرداشس باتماگریان که همه به نام اردشیرخان ارمنی، او را می‌شناختند، در سال ۱۲۹۱ در خیابان علاءالدوله سالن باز کرد و سریال‌های «تارزان» را به ایران آورد. ارمنی‌خان، برای جذب تماشاگر راه‌حل‌های

ویژه‌ای داشت و اولین کسی بود که به دریافت تماشاگر از فیلم‌هایی با زبان انگلیسی و روسی و... اهمیت داد و برای این‌که کسی در سالن دچار مشکل نشود، مترجمی را استخدام کرد تا در سالن بایستد و نوشته‌های انگلیسی را توضیح دهد و زیرنویس‌ها را بخواند. ایده دیگر ارمنی‌خان هم این بود که گروهی نوازنده در سالن بودند و موسیقی مناسب با صحنه‌ها را برای تماشاگران می‌نواختند، یک بوفه هم در سالن بود تا تفریح کامل شود و سالن سینما، جایی برای تفریح و خوشی شود. همین ایده‌ها باعث شد تا کار ارمنی‌خان بگیرد و او سه سال بعد سالن «مدرن سینما» و دو سال بعد از آن سالن «خورشید» را افتتاح کند.

زنان آمدند، بازار سینما داغ شد

داستان اولین سالن‌های سینمای ایران، یک نقص بزرگ دارد؛ در هیچ‌کدام از این سالن‌ها، زنان به تماشای فیلم‌ها نمی‌نشستند. اولین تماشاگران زن، همان زنان حرمسرای شاهی بودند و زنان اندرونی خانه‌های مردم عادی، نه راهی به سالن سینما داشتند و البته نه علاقه‌ای به این چراغ جادوی اجنبی. وقتی هم که سینما به بیرون از درهای حرمسرا رسید، پای هیچ زنی به سینما باز نشد تا این که جوانان تحصیل‌کرده تازه از اروپا آمده، تصمیم گرفتند زنان را هم به سالن‌های سینما بیاورند و برای آن‌ها سالنی مخصوص افتتاح کنند. این جوانان معتقد بودند که تا وقتی نیمی از جامعه، جایی در سالن‌ها نداشته باشد، این صنعت پا نمی‌گیرد و فروش نمی‌رود.

علینقی‌خان وزیری به همراهی خان‌بابا معتضدی، کسانی بودند که سالن سینمای بانوان را تأسیس کردند و بعدها خان‌بابا معتضدی درباره آن گفت: «در آن روزها هنوز بانوان به سالن سینما راه نداشتند، لذا من فیلم‌هایی را که خود تهیه کرده یا از خارج آورده بودم، در مجالس فامیلی برای بانوان نیز نمایش می‌دادم، ولی بعد با یکی از صاحبان سینما مذاکره کردم و به اتفاق سینمایی مختص بانوان درست کردیم. کلنل علینقی وزیری پیشنهاد کرد تا سالن نمایش او را که واقع در لاله‌زار بود، به این کار اختصاص دهیم و به این ترتیب سینما صنعتی تأسیس شد که فقط فیلم برای خانم‌ها نمایش می‌داد و بعد از تأسیس

به مراسم عروسی اعیان دعوت می‌شد تا در مجلس بزم و خوشی، برای مهمانان فیلم کم‌دی پخش کند. یکی از این فیلم‌ها در مراسم عروسی ظل‌السلطان در باغ‌شاه به نمایش درآمد و کار روسی‌خان که برخلاف ابراهیم خان صحاف‌باشی، رابطه خوبی با دربار داشت، گرفت و دو سال بعد در خیابان علاءالدوله (فردوسی)، اولین سالن سینمای ایران را ساخت و سالن را با نمایش فیلمی از جنگ روس و ژاپن افتتاح کرد. استقبال مردم از سالن سینما آن‌قدر خوب بود که مدتی بعد روسی‌خان، سالن بزرگ‌تری در خیابان لاله‌زار اجاره کرد و نام آن را «تماشاخانه بومر و روسی‌خان» گذاشت. فیلم‌هایی که او نمایش می‌داد، اکثراً روسی بود یا از روس‌ها حمایت می‌کرد. به همین دلیل مورد حمایت روسی‌های مستقر در ایران به ویژه لیاخوف قرار گرفت و همین حمایت باعث شد که حتی مخالفت‌های تماشاگران ایرانی با فیلم‌های نمایشی تأثیری در کار او نداشته باشد. با قدرت‌گیری انقلابیون سالن سینمای روسی‌خان، یک شب این سینما به دست مجاهدین مسلح اشغال شد و فیلم‌های انقلابی به نمایش در آمد و شب دیگر توسط قزاق‌های روسی اشغال شد و فیلم‌های روسی در آن نمایش داده شد و این داستان اشغال و رهایی مدام تکرار شد. با همین سینما بود که اهمیت تجاری فروش بلیت‌های سالن سینما از چشم تماشاگران ایرانی پنهان نماند و رفته رفته، آن‌هایی که به صنعت و تکنولوژی مدرن زمان خود علاقه داشتند، به فکر تأسیس سالن‌های دیگر افتادند. همان تاجرباشی که اولین اکران عمومی را راه انداخته بود، در خیابان چراغ‌غاز و در یک قهوه‌خانه برنامه نمایش راه انداخت و وقتی کارش گرفت، ناگهان با اعتراض روسی‌خان مواجه شد که می‌خواست انحصار بازار نمایش فیلم را داشته باشد. دعوای این دو نفر به زد و خورد کشید و تاجرباشی سالن کوچکی با ۲۰ صندلی در خیابان ناصرخسرو راه انداخت. درگیری‌های این دو نفر آن‌قدر ادامه داشت تا بالاخره به زندان افتادند و درباری بودن روسی‌خان به دادش رسید و بعد از آزادی جواز کسب

ارمنی‌خان، برای جذب تماشاگر راه‌حل‌های ویژه‌ای داشت و اولین کسی بود که به دریافت تماشاگر از فیلم‌هایی با زبان انگلیسی و روسی و... اهمیت داد و برای این‌که کسی در سالن دچار مشکل نشود، مترجمی را استخدام کرد تا در سالن بایستد و نوشته‌های انگلیسی را توضیح دهد و زیرنویس‌ها را بخواند



این سینما بود که ورود خانم‌ها به سینمای دیگر هم رواج پیدا کرد.»

اما درباره حریق سینمای صنعتی

سینمای بانوان چندان مورد توجه قرار نگرفت، جامعه آن روز ایران نسبت به این تازه‌رسیده مشکوک بود و همین باعث شد تا زنان اندرونی خانه‌ها، تمایلی به نشستن در سالن تارک و دیدن فیلم‌ها نداشته باشند، از شانس بد مدیران این سینما هم اتفاقی ناخوشایند باعث شد تا سالن بانوان خیلی زود تعطیل شود؛ دو سیم برق اتصالی کردند و سینما در زمان اکران یک فیلم دچار آتش‌سوزی شد و صبح روز بعد در روزنامه ناهید به تاریخ دهم مهر سال ۱۳۰۷ نوشته شد: «اما راجع به حریق سینمای صنعتی خوشبختانه اضطراب و نگرانی مورد پیدا نکرد. بدین معنی که توجه مخصوص رئیس محترم نظمیه و مراقبت و جدیت و فداکاری ماموران نظمیه و بلدی و نظامیان با فقدان هرگونه وسایل لازمه نه تنها خیلی زود آتش خاموش و به نقاط دیگر سرایت نکرد، بلکه جز دو سه نفری که به دست و صورتشان جراحت مختصری وارد شده بود، تلفاتی به وقوع نپیوست و مقدار زیادی هم از لباس و زیورات خانم‌ها که از فرط وحشت به داخل عمارت سینما انداخته و فرار کرده بودند، از طرف مامورین نظمیه جمع‌آوری و به صاحبانشان مسترد گردید. خلاصه از وقوع این حادثه بی‌اندازه متأثر و متأسف با آقای وزیری اظهار همدردی می‌نمایم در این حادثه فجیع. وقتی انسان منظره رقت‌خیز فرار و چهره مضطرب و ترسناک خواتین محترم و اطفال معصوم را به خاطر می‌آورد، بی‌اختیار به این نکته متذکر می‌شود که چه عیب داشت اگر شوهران و برادران و اقربای آن‌ها نیز در آن موقع با آن‌ها همراه بودند و با قوت قلب که مخصوص جنس مرد است، از وحشت‌زدگی آن‌ها جلوگیری و آنان را به اثبات و خونسردی و مقاومت با خطر توصیه و در استخلاص آن‌ها کمک می‌نمودند.» با این نوشته، مدیرانی که سینمایشان تعطیل شده بود، قدمی برای فرهنگ‌سازی برداشتند. آن‌ها می‌خواستند سالن‌های سینما را به مکانی برای تفریح خانوادگی تبدیل کنند. سینماهای مختلط، در آن شرایط جامعه،



چندان خوشایند و مورد قبول نبود، اما همین نوشته و ترفندی مثل اختصاص دادن بالکن سالن به زنان، باعث شد تا معدود خانواده‌های ایرانی که به هنر و تجدد علاقه داشتند، به این سالن‌ها بیایند. فرهنگ‌سازی و تلاش دست‌اندرکاران تا زمان رضاخان و جریان‌های کشف حجاب ادامه داشت و رفته رفته، تأثیر خودش را گذاشت. بعد از این دوران و با ورود زنان به سینما، سینمای تجاری در ایران شکل گرفت و تماشاگر ایرانی هم با هنری جدید روبه‌رو شد که برای او داستان تعریف می‌کرد و رویا می‌ساخت.

وقتی سینما، سینما شد

نقطه شروع واقعی سینمای ایران، همان لحظه‌ای است که فیلم «دختر لر» در سینما مایاک لاله‌زار به نمایش درآمد. عبدالحسین سپنتا به همراه اردشیر ایرانی، اولین فیلم ناطق سینمای ایران را ساختند تا سینما مایاک با فروش بی‌سابقه، اولین سالن سینمایی باشد که مردم مقابل گیشه فروش آن صف بکشند. قبل از «دختر لر»، فیلم «آبی و رابی» اولین اثر مستقل سینمای ایران بود، اما سینمای ناطق «دختر لر» جذابیت بیشتری از سینمای صامت این فیلم داشت. به این ترتیب پاییز سال ۱۳۱۲، مهم‌ترین پاییز سینمای ایران شد. فیلم «دختر لر»، بعد از اکران در سینما مایاک، به سینما سپه رسید و تا سال بعد، در سینماها نمایش داده شد. آن زمان، فیلم‌های آمریکایی، فرانسوی، روسی و مصری در سینماها نمایش داده می‌شد و سریال‌ها هم دو روز در هفته نوبتی برای اکران داشتند.

قهرمان‌های پرده نقره‌ای وارد می‌شوند

سال ۱۳۱۴ اکران فیلم‌های صامت ممنوع شد و سینمای ناطق، فصل تازه هنر هفتم شد. در این سال‌ها ریشه‌های اهمیت سینما به عنوان تفریحی دوست‌داشتنی و مدرن، در ذهن مردم ایران ثبت شد و گیشه‌ها رونق گرفتند و سالن‌ها پر شدند. مردم تا سال‌ها بعد دیگر فیلمی ساخت ایران ندیدند، اما به جای آن همراه با مردم جهان به تماشای فیلم‌های هالیوودی می‌نشستند و استقبال و علاقه‌شان را انگیزه‌ای کردند برای آن‌هایی که به سینما فکر می‌کردند و می‌خواستند سینماگر ایرانی باشند. در اوایل دهه ۲۰، اسماعیل کوشان قدم دوم را برای تولید داخلی برداشت و بعد از شکست‌های پی‌درپی، بالاخره

شاه قاجار در چشمه‌های
آب گرم فرانسه بود که
دوربین را دید و به آن دل
باخت. دوربین بعد از این
آشنایی با شاه، در فرانسه
و برای ایران خریداری
شده و میرزا ابراهیم‌خان
صحاف‌باشی از مراسم
کارناوال گل در فرانسه
فیلم‌برداری کرد



موفق شد راهی برای فیلم‌سازی ایرانی باز کند. اواخر دهه ۲۰ و اوایل دهه ۳۰، با ماجراهای سیاسی آن روزگار، زمان خوبی برای پا گرفتن هنر نبود، اما هنر سینما با زوروق رویاسازی و رویابافی، راهی مناسب برای مردمی شد که از پس سنگینی روزگار پناهی جز رویای پهلوانان و قهرمانان تصویرشده در فیلم‌ها را نداشتند. سینما، رکن مهمی در زندگی مردم شد؛ آن قدر که حالا و در این روزگار، وقتی پای صحبت میان‌سالان امروزی و کودکان آن روزگار می‌نشینیم، همه از فرار از مدرسه و تماشای فیلم در سینما، خاطره دارند. کودکانی که این روزها، در سینمای ایران، در دنیای ادبیات و حتی در دنیای سیاست، برای خود اسم و رسم دارند. سینمای دهه ۳۰ و ۴۰، سینمای رویاها بود.

عشق و شرف، سوژه اصلی داستان‌های روی پرده بود و پهلوان و قهرمان تا دلتان بخواهد، با کف گرگی و تیزی، توی کوچه پس‌کوچه‌ها می‌دویدند تا انتقام بگیرند. تماشاگر پای این فیلم‌ها با تخمه شکستن، ساندویچ خوردن و حتی پیاله‌های سیراب و شیردان می‌نشست و با رضایت از پولی که بابت بلیت داده، به رونق این صنعت در ایران کمک می‌کرد. کم‌کم، پای سوپرستارها هم به فیلم‌های فارسی باز شد و رشد سینما، انتشار مجلات سینمایی و مجلات زردی که به حال و احوال سوپرستارها می‌پرداختند، همه‌چیز را شبیه یک صنعت بزرگ کرد که چرخ‌هایش می‌چرخد و اقبال دارد.

صدای موج نو

اما در دهه ۴۰ و ۵۰، ناگهان صداهای دیگری هم از گوشه و کنار شنیده شد. فیلم‌سازهای جوانی به میدان آمده بودند که به کارخانه رویاسازی اعتقادی نداشتند و می‌خواستند هنر واقعی را با سینما خلق کنند. داریوش مهرجویی، بهرام بیضایی، علی حاتمی، ناصر تقوایی، مسعود کیمیایی، عباس کیارستمی و... نام‌های تازه‌واردی بودند که حرف‌های تازه‌ای درباره سینما داشتند و می‌خواستند شعور هنر را به فیلم‌فارسی‌های آغشته به ابتذال اضافه کنند. درگیری‌های سیاسی و اجتماعی آن سال‌ها هم به سراغ سینما آمد و این‌طور شد که مدیرانی که تا دیروز فقط به فکر درآمد سینما بودند، ناگهان چشم باز کردند و با هنری روبه‌رو شدند که می‌خواهد از شعور و آگاهی و شناخت حرف بزند و در چهارچوب داستان، به آن تماشاگر نشسته در سالن سینما، حرف‌های تازه‌ای یاد بدهد. این‌طور شد که ممنوعیت بعد از سال‌ها، دوباره به سینما رسید. به همان اندازه‌ای که شاه قاجاری، نمایش فیلم‌های ابراهیم‌خان صحاف‌باشی را تاب نیاورد و او را تبعید کرد، مدیران آن سال‌ها هم فهرستی از خوش‌نیامدنی‌ها داشتند و تنها تفاوت این جریان این بود که آن روزها یک شاه مقابل یک ابراهیم‌خان بود و در این سال‌ها یک دستگاه عریض و طویل مقابل تئتری تازه ایستاده بود.

وقتی سینما به این روزها رسید

اواسط دهه ۵۰ تا اوایل دهه ۶۰، سینما تمام شد. رونق گذشته از دست رفت و اتفاقات و جریان‌های سیاسی، مردم را درگیرتر از این کرد که به سالن بروند. اما بعد از انقلاب اسلامی و وقتی که آرامش نسبی به جامعه بازگشت، نیاز به رسیدن به تصویر و رویا دوباره خودش را نشان داد و حکم مهم امام

خمینی، درهای سینما را دوباره باز کرد. سینماگران در سال‌های اول آرام آرام قدم برداشتند و بعد از شکل گرفتن مدیریت سینمایی، راهاندازی جشنواره فیلم فجر، ورود فیلم‌سازان تازه‌نفس و... نبض سینما ضربان تازه‌ای پیدا کرد. این وسط سهم کودکان از سینما هم ادا شد و دهه ۶۰، بهترین دهه فیلم‌سازی برای کودک و نوجوان شد. اما با این حال، فروش گیشه و استقبال از سینما نه شباهتی به سینمای جهان داشت و نه آن روزگاری که سینما تازه در ایران پا گرفته بود. شرایط تازه اجازه معرفی سوپرستار به سینما را نمی‌داد و سینما متأثر از شرایط اجتماعی دهه ۶۰، با تمام تلاش هنرمندان و اهالی‌اش سرپا مانده بود. با پایان این دهه و اکران فیلم «عروس»،

شکيبایی، معتمدآریا و... به سینما جان تازه‌ای داد. در دهه ۷۰، برای هر سلیقه‌ای فیلمی روی پرده بود. جان گرفتن سینمای اجتماعی هم تعریف تازه‌ای برای تماشاگر داشت و جوانان و نوجوانان آن دهه را که با عطش خواندن، دیدن و دانستن، دست‌وپنجه نرم می‌کردند، سیراب می‌کرد. در دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰، سینما به اقبال رسید. همه از سینمایی حرف می‌زدند که توانسته در کنار سوپرستارهایی که متولد می‌شوند، هنر و شعور را برای تماشاگر به ارمغان بیاورد و نسل سینماگران قدیمی و جدید را کنار هم نگه دارد؛ سینمایی که برای همه فیلم‌سازان به اندازه کافی جا داشت و فروش گیشه، نشان می‌داد که تماشاگر ایرانی هم دیگر کمتر به سراغ



عشق و شرف، سوژه اصلی داستان‌های روی پرده بود و پهلوان و قهرمان تا دلتان بخواهد، با کف گرگی و تیزی، توی کوچه پس‌کوچه‌ها می‌دویدند تا انتقام بگیرند. تماشاگر پای این فیلم‌ها با تخمه شکستن، ساندویچ خوردن و حتی پیاله‌های سیراب و شیردان می‌نشست و با رضایت از پولی که بابت بلیت داده، به رونق این صنعت در ایران کمک می‌کرد

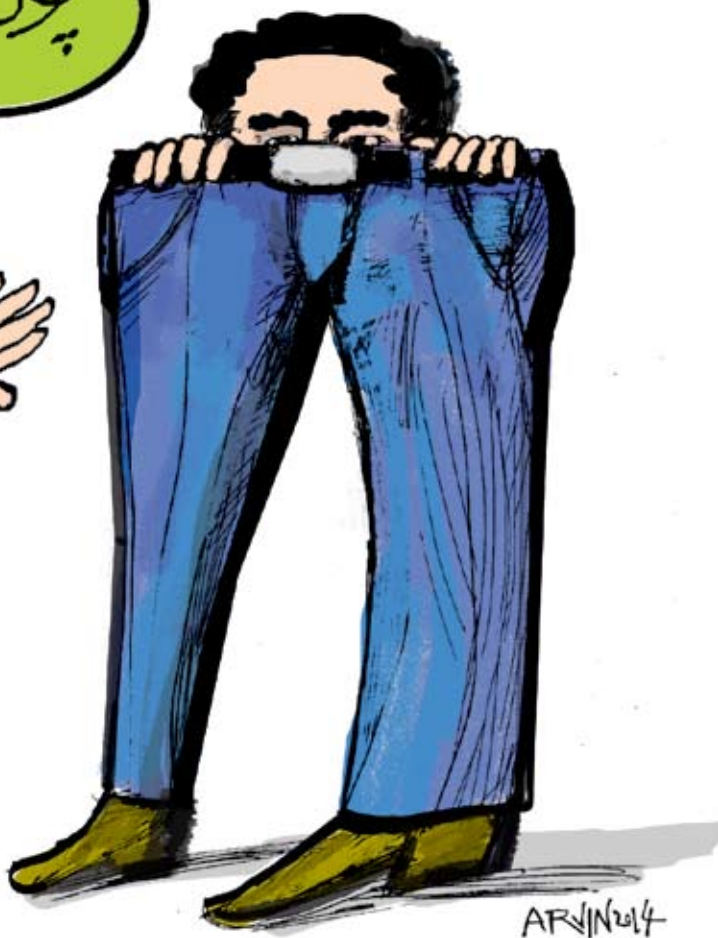
اتفاقی مهم افتاد؛ سینما دو سوپرستار جوان به نام‌های نیکو کریمی و ابوالفضل پورعرب پیدا کرد که ثابت کردند می‌توانند مردم را به گیشه بیاورند. خسرو شکيبایی هم بعد از «هامون» دیده شده بود و بازیگرانی مثل فاطمه معتمدآریا هم به سینما آمده بودند. تلفیق بازیگران سوپرستار و بازیگرانی مثل

فیلم‌های تجاری می‌رود و به دنبال فیلمی خوب و درست است. اما در نیمه دوم دهه ۸۰، با مدیریت دولت نهم و دهم، شرایط عوض شد. مدیران تازه، گویی چشم دیدن سوپرستارها را نداشتند، سینماگر مولف هم نمی‌خواستند، سینماگر اجتماعی هم مجوز نمی‌گرفت و به جای تمام این‌ها بودجه‌های میلیاردی به پای فیلم‌سازی ریخته شد که سفارشی‌ساز بودند و بعد با سوسپند و بلیت رایگان و اکران ویژه آمار گیشه را بالا می‌بردند. فیلم‌سازان بزرگی که بعد از انقلاب مطرح شده بودند، کنار ماندند؛ ابراهیم حاتمی‌کیا، احمدرضا درویش، کمال تبریزی، رخشان بنی‌اعتماد، کیانوش عیاری و... از این نام‌ها بودند. به این ترتیب دوباره فیلم‌های تجاری و کلیشه‌ای بر سر در سینماها نشستند، بودجه‌های میلیاردی به فیلم‌های سفارشی رسید و فیلم‌سازان زیادی یا انگیزه برای ساخت فیلم تازه را از دست دادند یا با فیلمی اکران نشده، کنج خانه نشستند و براساس آن‌چه مدیران فارابی در اواخر سال ۹۱ اعلام کردند، حتی آمار واقعی فروش سینماها هم معلوم نشد و صنعت سینمای ایران نفسش به شماره افتاد. روزهایی که با اتفاقاتی مثل اسکار اصغر فرهادی و تولد نسل جدیدی از فیلم‌سازان، درهای امید دوباره به روی سینما گشوده میشود، پردیس‌های سینمایی با بوفه‌های فروش پاپ کورن و چیپس مکزیکی و سالن‌های مجهز به دنبال تماشاگران هستند و اهالی این صنعت پردرآمد و موثر به دنبال راهکاری برای بیرون آمدن از رکود سال‌های گذشته می‌گردند.

سر حساب بانکی تان راشل کنید!

ارژنگ حاتمی

پول؟



برخی بر این اعتقاد هستند که تعطیلات نوروزی برای آن ایجاد شده است که کارمندجماعت با پس انداز یک سال خودش چند روز به مسافرت برود و بعد دوباره با تمام شدن تعطیلات، بازگشت شکوهمندانه‌ای به اداره‌اش داشته باشد!

در همین راستا برایتان نکاتی را متذکر می‌شویم. چی... ضمانت می‌خواهید که حتما این نکات مثرثمر واقع شود؟! چی؟!... حتما بایستی کسانی که ضمانت می‌دهند، کارمند هم باشند؟!... مگر می‌خواهید وام بدهید؟!...

۱- تا لحظه‌ای که فلاسک چای و میوه را در خودرویتان قرار نداده‌اید و چند کیلومتری هم حرکت نکرده‌اید، اصلا و ابدا به این که می‌خواهید به کجا مسافرت کنید، فکر نکنید! مژه سفر به همین تصمیم‌های یکپویی‌اش است! دیده شده است که برخی افراد سوسول قبل از مسافرت وضعیت آب‌وهوایی آن‌جا را چک می‌کنند... چی؟!... چرا حرف‌های مثبت هجده می‌زنم؟!... منظورمان را اشتباه متوجه شدید!... این‌طوری دیگر لذت سورپرایز شدن و ترافیک و در برف ماندن گرفته می‌شود، لذت سفر به همین خطرهایش است. سرمایه‌گذاری در بانک نیست که بدون ریسک باشد!

۲- چرا الکی می‌خواهید روی دست خودتان خرج بتراشید؟! از قدیم هم گفته‌اند سری را که درد نمی‌کند، دستمال نمی‌بندند! معاینه فنی را هم کی داده کی گرفته! خودرو تا وقتی راه می‌رود، می‌شود سوارش شد! اصلا و ابدا به این فکر نکنید که بروید و ببینید خودرویتان سالم هست یا نه!

اصلا یادتان هست آخرین باری که خودتان و همسرتان چکاب کامل پزشکی رفته‌اید، کی بوده است که این‌قدر به چکاب خودرویتان اهمیت می‌دهید؟! این‌قدر این وسایل به اصطلاح نقلیه را نازپرورده بار نیورید!

۳- یادتان باشد هنگام مسافرت یک عالمه قرص همراه خود داشته باشید، دور بودن از محیط کار و ندیدن روی ماه ریاستان و ارباب رجوعان با صبر و حوصله (!) و از طرف دیگر غرغره‌های همسرتان، یحتمل باعث می‌شود که شما قرص لازم (!) شوید.

البته اگر از ما می‌شنوید، می‌توانید مقدار زیادی قرص با خودتان همراه داشته باشید. تعداد داروخانه‌های شبانه‌روزی مثل تعداد خودپردازهای بانک‌ها زیاد نیست که بتوانید هر وقت دلان خواست بروید و قرص بخرید!

حتی می‌توانید خرید و فروش قرص هم راه بیندازید و خرج سفرتان را از این طریق جبران کنید! نترسید! برخلاف خرید و فروش وام، خرید و فروش مسکن آزاد است، مگر تا به حال گذرتان به ناصر خسرو نیفتاده است؟!...

۴- می‌خواستیم بگوییم که حواستان باشد که در این ایام زمان اضافه کاری دزدان هم هست و از استفاده از خالی بودن منازل نهایت استفاده را می‌برند... اما بعد یادمان آمد

مطلع کرد! زیرا اگر تعمیرکار خودرو، منزل، نقاش و... همه بفهمند که مسافرت در پیش دارید، مطمئنا به گوش آقا دزده هم خواهد رسید!

چی؟! شبکه‌های اجتماعی؟! نه بابا! محیط آن‌جا امن است! با خیال راحت در فیس‌بوکتان (!) بنویسید که می‌خواهید یک هفته بروید مسافرت و پزش را بدهید که همه آن‌هایی که پول سفر را ندارند، مثل آن جوانانی که وام ازدواجشان دیر شده، افسردگی بگیرند!

۶- حتما عکس یک بچه خوش‌تیپ را از اینترنت دانلود کنید و همراه خودتان داشته باشید! زیرا در مسافرت‌های

شما بانکی هستید و همه پول‌هایتان را به صورت چندساله در بانک سرمایه‌گذاری کرده‌اید و عمرا پول نقد یا چیز ارزشمندی در منزل داشته باشید!

خب حالا که این‌طور شد، لااقل برای آن که دزد بیچاره دست خالی از منزل شما برنگردد، لااقل یکی دو تا کارت هدیه ۵۰ هزار تومانی برایش در منزل بگذارید. بالاخره عید است و او هم خرج دارد!

۵- اگر گرفتن وام را بچه بی‌کار همسایه بدانند، یحتمل او هم از شما می‌خواهد کمی کمکش کنید! سفر رفتن هم مثل گرفتن یک وام چرب است! یعنی نباید همه را از آن

سفرهای ارزان نوروزی با فتوشاپ

محمدعلی مومنی



احترام قدیمی‌ها به ما واجب است. اما رسم‌ها و یادگارهایی که از پیشینیان به‌جا مانده، نمی‌دانم چرا این‌قدر گران است؟ اصلاً گرانی هم انگار نسل به نسل پیش می‌آید و ول‌کن ما نیست. مثلاً گرانی همین آیین‌های جشن نوروز. یک نمونه‌اش در چهارشنبه‌سوری است که هر جوان ایرانی به اندازه حقوق یک ماه پدرش ترقه و فشفسه در می‌کند تا به نوبه خودش در این جشن ملی سهیم باشد!

خرید شب عید هم که حساب علیحده‌ای دارد. بابای طرف بیرون می‌آید! بعد هم دید و بازدید و پذیرایی و عیدی دادن که قربانش بروم همه از دم ریالی هستند.

مدیونید اگر فکر کنید با یک لبخند، با یک پیام ساده با چند تا کاسه تخمه آفتابگردان بشود جشن نوروز برگزار کرد.

البته ما که مجبور نیستیم مو به مو آیین پیشینیان را اجرا کنیم.

مثلاً همین چهارشنبه‌سوری. گذشتگان ما کی این همه صدا از خودشان ساطع می‌کردند؟ نهایت قاشق‌زنی بود، بعد هم یک پارچ آب می‌ریختند بر سر قاشق‌زن و هرهر می‌خندیدند. این‌گونه جشن‌های ملی را برگزار می‌کردند.

به همین دلیل باید رسم‌های جدید ساخت. همین سفر رفتن رسم بسیار خوب، مفید و مقرون‌به‌صرفه‌ای است. رسم باید مقرون‌به‌صرفه باشد. نه این‌که جیب آدم را بتراشد! درست است که سفر هم خرج دارد، اما عمراً به پای خرج عید در خانه ماندن برسد.

سفر فایده‌های ایجابی دارد. مثلاً همین که هوای بدون پارازیت تنفس می‌کنید. همین که از دیدن رودخانه و بطری و دشت و دمن لذت می‌برید، غنیمت است. اما فایده‌های سلبی هم دارد.

همین که خانه‌تکانی نمی‌کنید، همین که خرید آجیل و میوه و شیرینی ندارید. همین که بچه‌های تخس فامیل پسته‌ها را جلوی چشم شما از توی ظرف آجیل جمع نمی‌کنند، و اعصاب و روان شما را به مدت یک سال خط‌خطی نمی‌کنند، همین که مجبور نیستید به همین بچه‌های فجیع و بی‌تربیت عیدی هم بدهید، کم فایده نیست.

بنابراین سفر را جدی بگیرید. هم سیاحت است. هم صرفه‌جویی اقتصادی است. هم این‌که بالاخره چهار تا عکس هم برای پروفایل فیس‌بوک و گوگل پلاس می‌گیرید. این عکس پروفایل شبکه‌های اجتماعی یکی از موضوعات مهم در زندگی هر انسان است.

لطفاً فکر تایلند و این‌جور مقصدها را از سرتان

نوروزی احتمال گم شدن فرزندان وجود دارد! اگر این اتفاق افتاد، می‌توانید به پلیس مراجعه کنید و همان عکس خوشگل را به او نشان دهید! آن‌ها که می‌خواهند بچه را پیدا کنند، بگذار یک خوشگلش را پیدا کنند!

۷- عابربانک‌تان را در جوراب‌تان قرار دهید! به این ترتیب دیگر دزدها نمی‌توانند با دعوای ساختگی پول‌های شما را بدزدند! البته عابربانک‌تان هم که شکست، مشکلی نیست، دلتان نشکند! عابر بانک را سه سوته دوباره صادر می‌کنند!

۸- رستوران‌های بین جاده‌ای برخلاف بانک‌ها این قابلیت را دارند که فرد می‌تواند برود پشت دکل و آن‌جا سرک بکشد تا بفهمد آیا آشپزخانه‌اش تمیز است یا خیر! البته زیاد هم سخت نگیرید! کسی با یکی دوبار خوردن غذای آلوده و مسموم شدن نمرده است!

۹- تعطیلات نوروز فرصت مناسبی است برای جذب پروتئین، کالری و ویتامین و...! دانشمندان هم متأسفانه هنوز کشف نکرده‌اند که اگر پول برای غذایی ندهی، خوردنش هیچ ضرری برای انسان ندارد! از قدیم هم گفته‌اند: «مفت باشد، کوفت باشد!»

اگر انتهای مسافرتان ختم می‌شود به منزل یکی از اقوام، تا می‌توانید بخورید و بیاشامید، به فکر صاحب‌خانه هم نباشید! فقط یادتان باشد تا سال بعد منزلتان را عوض کنید و آدرس جدید را هم به او بدهید که اقدام تلافی‌جویانه انجام دهد!

۱۰- در سفر حتماً چند بطری آب معدنی با خودتان به همراه داشته باشید. البته یادتان نرود قبلیش آن‌ها را با آب لوله‌کشی پر کرده باشید! آهان! یادم رفته بود شما بانکی هستید و مایه‌دار!... خب بروید چند بطری آب معدنی بخرید! یک لحظه فکر کردم برای طنزنویس جماعت دارم راهنمای سفر نوروزی می‌نویسم!

۱۱- می‌خواستیم به عنوان آخرین نکته بنویسیم: «فصل بهار است و خریدن چیزهای نو و تازه، و سوسه‌کننده. مواظب دکل و خرج خود باشید.» که باز دوباره یادمان آمد شما بانکی هستید! پس نکته آخر را این‌طور می‌نویسیم: «فصل بهار است و خریدن چیزهای نو و تازه، و سوسه‌کننده. یک کم خرج کردن اشکالی ندارد، سر حساب بانکی‌تان را شل کنید!»

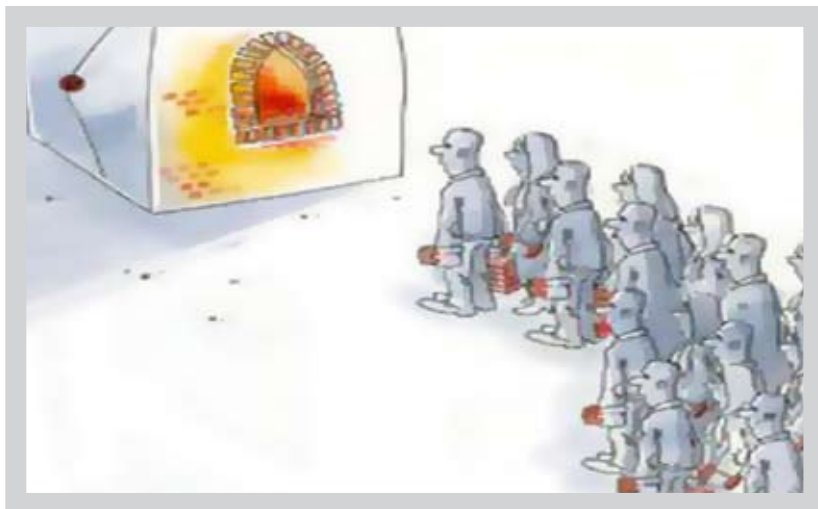
نکته انحرافی: اگر به سفر خارجی می‌روید، به هیچ‌کدام از خارجی‌ها اعتماد نکنید! شاید هر کدام از آن‌ها خاوری باشد که تغییر قیافه داده و لهجه‌اش را عمل کرده است. اگر عکس شما همراه ایشان منتشر شود که واویلاست دیگر!

بعد از تحریر: ... چی؟! چرا به شما نگفتم با خودتان پول نقد همراه داشته باشید؟! الان در سفر هستید، بدون پول و همه عابربانک‌ها از دسترس خارج بودند! اصلاً به ما چه! یعنی از دسترس خارج بودن عابربانک‌ها را من باید پاسخگو باشم؟!... چی؟! منزلتان را هم دزد زده و از طرف دیگر اضافه وزنی خفن گرفته‌اید؟!... ما که همان ابتدا گفتیم ضمانت نمی‌دهیم نکاتمان مفید باشد!

باجه شماره دو

خاطرات یک بانکدار تمام وقت

مهدیسا صفری خواه



خود می‌آورد. همیشه این بهترین راه است. یک تذکر محترمانه و بعد آن‌ها را به آدم‌های ته صف حواله کنی. آدم‌هایی که اولش خوشحال‌اند، چون شنبه است و کم‌کم باورش می‌شود که صف طولانی‌تر از آن است که لبخندشان را تا لحظه آخر حفظ کنند. شماره پی‌گیری را نشان می‌دهد و می‌گوید با این شماره تماس گرفتم معلوم نیست چه بر سر پول من آمده. سعی می‌کنم جدی باشم، اما خنده‌ام می‌گیرد. آخر چه کسی با شماره پی‌گیری‌اش تماس می‌گیرد. می‌پرسم کسی هم جواب داد. می‌گوید بله، یک خانم و تاکید می‌کند که او اصلاً در بانک کار نمی‌کند. برایش توضیح می‌دهم که این شماره پی‌گیری چیست. به نظر می‌رسد متقاعد شده. نوبت به مراجعه‌کننده بعدی می‌رسد؛ خانم سالمند حدوداً ۶۰ ساله‌ای که می‌خواهد فیش گاز و تلفن را در باجه بپردازد. به تابلویی روی دیوار بانک اشاره می‌کنم که باید با دستگاه بپردازد، اصلاً نمی‌داند از چه صحبت می‌کنم. می‌گوید نوه‌اش این کارها را می‌کرده، حالا به دانشگاه رفته. دختر جوانی دستش را می‌گیرد و می‌گوید کمکش می‌کند. کارت و شماره رمزش را به او می‌دهد. می‌خواهم بگویم این کار را از نظر امنیتی تایید نمی‌کنم، اما گاهی باید به آدم‌ها اطمینان کرد، باید باور کنیم قصدشان کمک است. صف طولانی نصف شده است، خیلی‌ها از شنبه در صف ماندن پشیمان شده‌اند. به نظر می‌رسد که برنده شام در جگرکی نباشم. به شیفت کشیک فکر می‌کنم، به مهمان‌ها. به سررسیدهایی که بانک بودجه‌اش را کم کرده و حالا باید گزینشی هدیه‌شان کنم. به کلی کار انجام نداده فکر می‌کنم، به ماه نو، سال نو. به صف‌های طولانی. خسته‌ام چونان بانک‌داری که هنوز نتوانسته رد کسری حساب‌هایش را بزند...

نیمه‌شب پیامک‌هایش می‌رسد، همسرم شک کرده هر قدر می‌خواهم ثابت کنم که این همان پیامک پولی است که خودش از حساب کشیده تا برای تولد نوه‌مان فلان چیز را بخرد، باور نمی‌کند. شک کرده. می‌دانی شک یعنی چه؟! می‌دانم شک یعنی چه. وقتی به قیافه همکار کنار دستی‌ام نگاه می‌کنم که بکوب برای مدیر شعبه شدن می‌خواند یا - همان کار می‌کند - این را می‌فهمم. من به او شک کرده‌ام، به این که گزارش دو میلیون و ۵۰۰ هزار ریالی کسری‌ام را او به مدیر شعبه داده است، شک کرده‌ام. پولی که با همه حسابرسی‌ها نتوانستم ردش را پیدا کنم و مجبور شدم از هزینه خرید لباس عید برای همسرم بپردازم. شاید هم امسال سهم بچه‌های فامیل را از پول نو کم کردم. وقتی کارمند بانک باشی، همیشه کارمند بانک خواهی بود، همه تو را به پول‌های نو و سررسیدهایی که باید بی‌هیچ چشم‌داشتی هدیه کنی، می‌شناسند. حتی به باجه‌های خارج از نوبت برای دوست و آشنا. می‌خواهم یک کمپین راه بیندازم، کمپین نه به باجه‌های بی‌نوبت. حساب آدم‌های صف را دارم تک‌تکشان را. این یک بازی است آخر سال بین همکاران که ببینیم کدامان کار ملت را بیشتر راه انداختیم. جایزه‌اش خیلی دهن‌پرکن نیست. نه چند دستگاه خانه است نه کمک هزینه سفر، نه کمک هزینه مادام‌العمر. یک شام ساده است، همین جگرکی بغل بانک. همیشه حق با مشتری است، حتی مشتری‌ای که پنج دقیقه با موبایل حرف می‌زند و می‌خواهد از جابه‌جایی حسابش و رسیدن پول مطمئن شود؛ کاری که خارج از باجه هم می‌تواند بکند، اما اصرار عجیبی به وقت‌کشی دارد. مثل داور بازی ایران و استرالیا وقت اضافه دارد تا دلت بخوابد. صدای آدم‌های باجه او را به

شنبه‌ها همیشه روزهای شلوغ بانک‌اند. انگار آدم‌ها برای کارهای سخت یک جورهایی انرژی می‌گیرند. طی این سال‌ها کشف کرده‌ام مردم در شنبه‌های اول ماه خوش‌اخلاق‌ترند. آن‌ها با دقت به توضیحات من و همکاری‌م گوش می‌کنند. از این‌ها که بگذریم، میلشان برای افتتاح حساب هم بیشتر است. اما خدا نکند سررسید پرداخت اقساطشان همیشه شنبه اول ماه باشد. فکر می‌کنند کل پول را بخشیده‌اند به ما باجه‌دارانی که در صف مقدم بانک‌ها هستیم. شنبه آخر سال است و همه حساب و کتاب‌ها را باید جمع‌وجور کنیم. حسابرسی و کلی از این کارها و بستن پرونده یک سال جاری. باید با مردم هم سروکله بزنیم، باید متقاعدشان کنیم که وام نمی‌دهیم، پرونده امسال بسته شده. این حرفی نیست که آدم‌ها به همین سادگی خوششان بیاید. آخر سال باشد و کلی کار سرت ریخته باشد و شیفت کشیشت هم باشد خوشی از این بیشتر. به همه این‌ها حضور مهمان‌ها را اضافه کنيد و خرده فرمایشات همسر را. بعد هم باید بنشیني فرمول‌های پیچیده را حساب کنی، به سوال‌های کنکور ریاضی آدم‌ها جواب بدهی، از پرداخت سود خالص حساب‌های کوتاه‌مدت و بلند مدت تا تعیین قسط برای آن‌هایی که به‌زور دوتا شاهد جور کرده‌اند و آورده‌اند و تو با یک نگاه می‌فهمی نه، پرداخت ماهانه ۳۶۲ هزار تومان آن هم ۱۵ ساله کار آن‌ها نیست. این را زود می‌فهمی؛ نه از سرووضعشان، از همین سوال‌هایشان می‌فهمی. شوقشان را که می‌بینی، دلت می‌خواهد هی حساب و کتاب کنی برایشان. صف باجه شلوغ است. از آدم‌های افاده‌ای با حساب‌های کلان تا آدم‌های معمولی همه در صف‌اند. آدم‌های معمولی همان‌هایی هستند که دوست دارند در صف باشند؛ فرقی نمی‌کند سید کالا باشد یا صف دریافت یارانه. مخزن ای‌تی‌ام پر و خالی می‌شود و تو از گردش نقدینگی خوشحال می‌شوی. این خالی شدن مخزن یک چیزی شبیه این است که زندگی دائم در جریان است. پیرمردی روی صندلی می‌نشیند، شماره‌اش را می‌دهد و مطمئن می‌شوم نوبت خودش است. این‌جای کار را دوست دارم. احساس پزشکی را دارم که دفترچه بیمه بیمار را می‌گیرد تا برایش دارو بنویسد. البته نه این دفترچه بیمه‌های معمولی، دفترچه‌های کارآه‌انداز را می‌گویم؛ همان‌هایی که با آن‌ها همه چیز می‌توان خرید. اصلاً هم ربطی به کمبود دارو و خرید با ارز مرجع ندارد. داشتم می‌گفتم شماره‌اش را می‌دهد و می‌خواهد سیستم پیامکی را غیرفعال کند. می‌پرسم چرا؟ برایش توضیح می‌دهم که این بهترین راه برای پی‌گیری حساب‌تان است. آن هم در لحظه. وقتی می‌گویم در لحظه، خنده‌اش می‌گیرد. می‌گوید: پسرم همین سیستم پیامکی‌تان مثل یک هوو زندگی ۶۰ ساله‌ام را هدف گرفته، بس که با تاخیر و

ارزان و آسان خانه‌تان را بهاری کنید

بابک حدیری

بهتر است به این نکته توجه کنید که چند کیلویی رنگ اکریلیک یا پلاستیک، غلتک و تشت رنگ هزینه زیادی برایتان نخواهد داشت و رنگ‌آمیزی دیوارها بر خلاف باور عمومی مهارت بالایی طلب نمی‌کند. آن‌ها را تهیه کنید و به این ترتیب رنگ‌ها را تغییر دهید، فضای عمومی و اکثر دیوارها را رنگی روشن با ترکیبی از رنگی که دوست دارید بزنید و یکی از دیوارها را در هر اتاق به رنگ تیره اختصاص دهید. ترجیحاً دیواری را در انتهای کشیدگی اتاق‌ها برای این کار انتخاب کنید یا دیوار روبه‌روی در ورودی را برگزینید. این دیوار را در هر فصل یا هر ساله می‌توانید با هزینه‌ای بسیار نازل تغییر دهید، برای فصل بهار رنگ‌های سرد و ملایم همانند ردیف رنگ‌های آبی و سبز و برای فصول سرد رنگ‌های گرم همانند ردیف قرمز و آجری و یا قهوه‌ای‌ها را می‌توانید استفاده کنید. بعد از این کار نسبتاً وقت‌گیر و بزرگ نوبت هماهنگ کردن و فضا سازی اجزا و اسباب منزل است. برای بهار از پرده‌های چند لایه و سنگین و رنگ‌های تیره چشم‌پوشی کنید. پرده‌های نازک و روشن با تهرنگ‌های شاد جلوی پنجره‌ها قرار دهید تا هر حرکتی در منزل لرزش ملایم نسیم بهاری را در آن‌ها تداعی کند و نور آفتاب بی‌نظیر بهار را به داخل منزل هدایت کند. پیشنهاد تغییر مبلمان‌ها حداقل در این فصل که هم قیمت‌ها سر به فلک دارند و هم کیفیت‌ها نازل است، مناسب نخواهد بود، اما در صورت نیاز به تغییر، از کوسن‌های رنگی کمک بگیرید. تلاش نکنید رنگ کوسن‌ها حتماً با رنگ روبه‌مبلمان هماهنگ باشد، بلکه برعکس به رنگی بودن آن‌ها و اثربخشی تنوع رنگ آن‌ها در فضای اتاق دقت کنید. در حد امکان چیدمان مبلمان را تغییر دهید و به شکلی چیدمان جدید را قرار دهید که بیشترین نور و نسیم بهاری را هنگام نشستن روی آن‌ها تجربه کنید. از گلدان‌ها در فضاهای محدود کمتر استفاده کنید. دقت کنید که اگر در آپارتمان یا متراژهای کم زندگی می‌کنید، گلدان‌های بیش از اندازه داشتن بیشتر موجب آشفته‌گی فضا خواهد بود تا کمک به طراوت بخشیدن به محیط. به اندازه‌ای برای هر گلدان فضا اختصاص دهید تا همچون نگینی زیبا بنماید و اثربخشی خود را حفظ کند. دیوارهای خود را نیز خلوت کنید از خلوتی دیوارها نهراسید و از نصب تابلوهای بی‌تناسب و متعدد در دیوارها خودداری کنید. رفتاری همانند گلدان‌ها برای تابلوها هم لازم است. تابلویی را روی دیوار قرار دهید که حتماً برایتان ارزشمند است و فضای دیده شدن به اندازه کافی برایش ایجاد کنید. آرزوی بهاری پر از احساس طراوت و زیبا در محیطی با چیدمانی هماهنگ برایتان دارم.

محکوم شده است. گروهی کتاب فنک‌شویی به دست به دنبال نقاط پراثری آپارتمان خود، وسایل منزل را از این سو به آن سو می‌برند و عده‌ای دیگر قلک پس‌انداز یک ساله را به زمین می‌زنند و در ازدحام بازار، اسباب منزل خود را که یک ساله کهنه می‌پندارند، تعویض می‌کنند و هر چه می‌کنند، باز «منزل مادر بزرگ صفای دیگری داشت» در ذهنشان نقش بسته است. اما چاره چیست؟ شاید گاه لازم باشد نگاهی مجدد به خود داشته باشیم. تا چه اندازه ارتباطمان با طبیعت را حفظ کرده‌ایم، آیا سرمای زمستان و طراوت باران بهاری و تابش خورشید تابستان و باد پاییزی را درک کرده‌ایم یا با بخاری و بارانی و کولر و بادگیر تمام تلاشمان را کرده‌ایم تا از گزندشان برحذر باشیم؟ اگر زمستان را به‌درستی تجربه کرده باشیم، به احتمال قوی بهار را با آغوش باز در منزلمان پذیرا خواهیم بود. به این نکته توجه داشته باشید، تمام گوشه گوشه منزل شما انرژی و ارزش بها دادن را دارد. تمام منزل را به‌سان کلبه‌ی مرکب از اجزای ارزشمند بدانید و رسم تمیز کاری را با روندی هم‌ارزش برای تمام نقاط به جا آورید. یکی از معایب عمده منازل امروزی رنگ‌آمیزی خنثا دیوارهای آن‌هاست، که بی‌حالی خود را بر کل محیط تحمیل می‌کند. برای تغییر آن ابتدا

گلدان‌های شمعدانی دو سمت پله‌های آب‌زده را تزئین کرده و دور حوض آبی‌رنگ را که به تازگی تمیز و آب‌گیری شده، چند تایی گلدان بنفشه آراسته است، شیشه پنجره‌ها چنان تمیز شده‌اند که گویی شیشه‌ای در میان قاب خود ندارند، فرش‌ها و پشتی‌ها تکانده شده و چند باری از بالا به پایین و از پایین به بالا جارو شده‌اند. پرده‌های ضخیم، جای خود را به پرده‌های ظریفی داده‌اند که لطافت نور بهاری را دو چندان می‌کنند. تاقچه‌ها گردگیری شده‌اند و قاب عکس‌ها و گلدان‌ها و چراغ‌های لاله سرخ تک به تک دستمال کشیده و چیده شده‌اند. باغچه‌ها هم از تغییرات بی‌نصیب نمانده‌اند و دستان پراثری مادر بزرگ و پدر بزرگ چند بوته جدید را به جای بوته‌های خشکیده نشانده‌اند و کف آن را چنگک زده‌اند تا برای سیراب شدن گل‌ها و بوته‌ها از آب باران بهاری نرم شوند. درخت‌های بلند حیاط هم لباس پرشکوه‌شان را به تن کرده‌اند و روحی تازه به خانه مادر بزرگ دمیده‌اند، مادر بزرگ نفس تازه‌ای به این زندگی بخشیده است. هرچند کرسی و مجمعه پر از آجیل روی آن خاطره‌ای نیست که به‌آسانی فراموش کنیم، اما نقطه اوج هنرنمایی مادر بزرگ‌ها تمهیدات و تغییرات آن‌ها برای استقبال از بهار بود. هماهنگی ذهن و حس مادر بزرگ‌ها با طبیعت،

جای خالی خود را در زندگی‌های امروزی به رخ می‌کشد و گویی مهارتی بوده که رفته رفته فراموش شده، اما...

زندگی امروز قطعا در بسیاری از موارد با زندگی مادر بزرگ‌ها تفاوت دارد، نه از حیاط پردرخت و بوته خبری است و نه از پشتی‌های پرنفش‌ونگار. امروز آشپزخانه ما در آغوش سالن پذیرایی و نشیمن جا خوش کرده و تراس حداکثر چند متر مربعی داعیه حیاط را دارد. تلویزیون‌ها که روزبه‌روز عریض‌تر می‌شوند، نقطه توجه و تمرکز منازل شده‌اند و مبلمان‌ها گاه بی‌تناسب فضای نشستن را به ساکنان تحمیل می‌کنند. هر گوشه‌ای از منزل کامپیوتر و پخش صوت و تبلت‌ها به چشم می‌خورند و انواع و اقسام آداپتورها و دوشاخه‌ها از میان هر دیواری آویزان‌اند. قصد بر آن نیست که زیست و فضای زندگی امروز خود را بی‌رحمانه به قضاوت بنشینیم، اما نقد آن خالی از لطف نیست. چند روزی بیشتر به بهار و نوروز نمانده است، به تبع رسم دیرین افراد منزل تلاش می‌کنند تا به نحوی مراسم استقبال از بهار را به جای آورند، اما گویی داستان مادر بزرگ پیش چشم همه نقش بسته و حال که آن منزل پرفصفا را در اختیار ندارند، رسم استقبال نیست یا رنگ باخته یا به تلاشی بی‌سرانجام



چرا، چطور، چگونه شیرینی درست کنیم؟

دستورالعمل شیرینی های عیدانه متفاوت

المیرا حصارکی

اولین نشانه های عید را می توان از نیمه دوم اسفندماه در تمام خیابان های شهر دید؛ از نوازنده های دوره گرد گرفته که با ساز و دهل در کوچه و پس کوچه های شهر نوید عید و بهار را به ما می دهند، تا ترافیک طاقت فرسای شب عید. اما با تمام این شلوغی یک نکته دارای اهمیت است؛ همین شلوغی هاست که به ما باور زنده بودن و زندگی کردن می دهد. همه به دنبال خرید کردن و تازه شدن هستند. یکی از خریدهای همیشگی شب عید، شیرینی است. صف های طولی که در شیرینی فروشی ها برای خریدن شیرینی های عید بسته می شود و مردمی که دوست ندارند شب عید، بدون شیرینی بمانند. حالا برای شما یک پیشنهاد داریم؛ بهتر است امسال به جای این که در صف های طولانی بایستید و در نهایت شیرینی ای را بخرید که همه جا می توانید بخورید، خودتان دست به کار شوید و یک شیرینی عید متفاوت درست کنید.

سبک زندگی

کلوچه های قرمزوسفید

برای درست کردن این کلوچه های لذیذ، دردسر خیلی زیادی نمی کشید. به تنها چیزی که احتیاج دارید، دو خمیر با دو رنگ متفاوت است. می توانید خمیرهای رنگی را از قنادی ها و شیرینی فروشی ها خریداری کنید و رنگ های دلخواهتان را انتخاب کنید. وسیله بعدی که برای پخت این کلوچه لازم می شود، سنجاق برای شکل دادن به کلوچه و وردنه برای صاف کردن است. خمیری را که دوست دارید رنگ بیشتری را در کلوچه تان داشته باشد، با چاقو ببرید و با وردنه پهن کنید. بعد از آن رنگ دوم را به میزان خیلی کمتری از قبل ببرید و دور خمیر بعدی قرار دهید و خیلی ظریف با وردنه هر دو را صاف کنید. آن قدر این کار را ادامه دهید تا کاملاً به هم بچسبند. اما به خاطر داشته باشید که خیلی ظریف باید این کار را انجام دهید تا رنگ ها با هم مخلوط نشوند. با سنجاق روی کلوچه تان شکل ایجاد کنید، کمی وانیل و پودر قند روی کلوچه تان بریزید و بگذارید داخل فر تا بپزد. کلوچه خانگی شما به همین سادگی حاضر شد.



شیرینی‌های به شکل کاج

انواع و اقسام قالب‌های کیک‌پزی، حساسی دست و پای شیرینی‌پزان را باز گذاشته و خلاقیت را به آن‌ها هدیه داده است. اما به تازگی تکنولوژی بسیار خوبی برای شیرینی‌پزان فراهم شده و آن، خمیرهای آماده طبخ است، با شکل‌ها و اندازه‌های مختلف. این خمیرهای آماده به شکل درخت‌های کاج در بازار موجود است و می‌توان به راحتی آن‌ها را پخت و از طعم خوششان لذت برد. درست کردن این شیرینی‌های هیجان‌انگیز هم کاری ندارد. خمیرهای آماده را در فر بگذارید تا حسابی برشته شوند. بعد از این که آماده شدند، آن‌ها را با شکرهای رنگی و پودر وانیل تزیین کنید و به تمام کسانی که دوستشان دارید، هدیه بدهید تا آن‌ها طعم واقعی شیرینی خانگی را بچشند.



کلوچه‌های ژله‌ای

برای این که این شیرینی هیجان‌انگیز را برای خودتان و خانواده‌تان آماده کنید، به وسایل زیادی احتیاج ندارید. پودر ژله‌تان را آماده کنید و در قالب‌های کوچک بگذارید تا خودش را بگیرد. از همان مواد معروف شیرینی‌پزی ساده استفاده کنید و بعد از این که ژله‌تان آماده شد، در قالبی شبیه به همان اما بزرگ‌تر بگذارید تا بپزد و در نهایت به هم اضافه‌شان کنید و دور یکدیگر بچینید. وقتی آن را برای سرو کردن آماده می‌کنید، از ترفال‌های نقره‌ای و سفید برای تزیین آن استفاده کنید.



کارامل‌های انگشته

قبل از این که شروع به پختن کارامل‌های انگشتی بکنید، تمام وسایل مورد نیازتان را آماده کنید و کنار خود بگذارید. آشپزخانه‌تان را سر و سامان بدهید. برای درست کردن چنین شیرینی‌ای به فضای خوب و بازی احتیاج دارید. مکانی را برای هم زدن مواد، جایی را برای فرم دادن به شیرینی‌ها و جای دیگری را برای تمام کردن این شیرینی در نظر بگیرید. بعد از آن که خمیر را به وسیله آرد، تخم مرغ، نمک و وانیل درست کردید و خمیرتان شکل گرفت، آن‌ها را در قالب‌های مورد نظرتان قرار دهید و بگذارید که بپزند. برای درست کردن کارامل

وسط شیرینی، شکر را با یک‌چهارم فنجان مخلوط کنید. وقتی به خوبی هم زده شد، عسل را به این مخلوط اضافه کنید. اجازه بدهید کمی بگذرد، وقتی رنگ مواد عوض شد، کره و خامه را هم به آن اضافه کنید. کارامل را وسط شیرینی‌های پخته‌شده بگذارید و بعد از این که کمی سرد شد، آماده سرو کردن می‌شود.



کلوچه‌های شکری و ستاره‌ای

یک قالب ستاره‌ای و شکلات‌های بلند به شکل تنه و شاخه درختان. خمیر را آماده کنید و در قالب‌ها قرار دهید، فقط قبل از این که خمیر را در قالب قرار بدهید، کمی شکر به آن اضافه کنید تا از شیرینی‌های معمولی شیرین‌تر باشد. وقتی شیرینی‌ها آماده شد و حسابی برشته شد، با ترفال‌های نقره‌ای آن را تزیین کنید و به درخت‌هایی از جنس شکلات آویزان کنید و درخت‌های شکلاتی درست کنید.





فصل بهار فصل نو شدن و تغییر است. بهار فصل زیبایی‌هاست. اما تغییرات فصل بهار تنها شامل طبیعت نمی‌شود، چراکه سلامت برخی افراد نیز با آمدن این فصل بیش از دیگر فصول دچار تغییر و تحول می‌شود. با آمدن بهار، آلرژی‌های مختلف نیز مهمان سلامت انسان‌ها می‌شوند. در اصل آلرژی نوعی واکنش افراطی سیستم بدن به عوامل مختلف است، که حساسیت و آلرژی فصل بهار یکی از شایع‌ترین آلرژی‌هایی است که مردم با آن دست به گریبان هستند. یکی از اصلی‌ترین علل این حساسیت استنشاق گرده گیاهان و هم‌چنین گرده افشانی فصل بهار است.

گل اومد بهار اومد عطسه به دنبالش اومد!

هدیه‌دهندگان آلرژی

البته حساسیت فصلی تنها مخصوص فصل بهار نیست، بلکه در تابستان و پاییز با خوردن بعضی از میوه‌ها نظیر هندوانه، خربزه، انگور، گوجه فرنگی و توت فرنگی نیز ممکن است آلرژی ظاهر شود. آبریزش بینی، ریزش اشک، سرفه و عطسه از جمله علائم آلرژی است که به علت مصرف داروها، مواد شیمیایی و حتی شرایط فیزیکی خاص ایجاد می‌شود. آثار ناشی از حساسیت‌های فصلی در چشم و دستگاه تنفسی بروز می‌کند، حساسیت فصلی در چشم موجب ورم ملتحمه بهاره، در دستگاه تنفسی فوقانی باعث گرفتگی، خارش و آبریزش بینی و در دستگاه تحتانی تنفسی موجب سرفه، خس‌خس و تنگی نفس می‌شود.

جنگ جوان بهاری

اولین قدم برای مقابله با این مشکل، بهبود عملکرد سیستم ایمنی است، گنجاندن مقادیر زیادی از آنتی اکسیدان‌ها مثل میوه‌ها، سبزیجات و چربی امگا ۳ به رژیم غذایی شما را تا حد زیادی به این هدف نزدیک می‌کند. به این ترتیب توصیه می‌شود که یک رژیم غذایی مقوی و سالم را دنبال کنید.

با افزایش مصرف مواد غذایی ضدالتهابی مثل روغن ماهی و میوه و سبزی از علائم التهابی آلرژی فصلی به میزان قابل توجهی بکاهید، ضمناً برای کاهش التهاب در بدن از مواد حاوی کاروتنوئید مثل اسفناج و سیب‌زمینی شیرین بیشتر مصرف کنید.

برای مبارزه با آلرژی؛ چی بخوریم چی نخوریم

ویتامین C موجود در کلم بروکلی سبوس‌ها را تا حدودی بهبود می‌بخشد و همین می‌تواند از آلرژی‌های بهاری شما بکاهد. متخصصان پیشنهاد می‌کنند تا روزانه مقداری از

این ماده در حالت خام یا بخارپز استفاده کنید. کلم پیچ از جمله سبزیجاتی است که با استفاده از آن در سالاد می‌توان به جنگ آلرژی رفت. بر حسب تحقیقات انجام‌شده در سال‌های اخیر روزانه ۵۰۰ میلی‌گرم از ویتامین C می‌تواند موارد ناشی از آلرژی را تا حد بسیار زیادی کاهش دهد. یکی از بهترین انتخاب‌هایی که می‌توانید داشته باشید، مرکبات از جمله پرتقال و گریپ فروت است. برای مثال نصف یک گریپ فروت دارای ۶۰ میلی‌گرم ویتامین C است.

آلبالو خشک از خوراکی‌هایی است که بیشتر برای درمان آنفولانزا و دیگر بیماری‌های از این دست پیشنهاد می‌شود، اما این را نیز بدانید که یکی از بهترین ماده‌ها برای مبارزه با آلرژی است و هم‌چنین می‌تواند سیستم‌های داخلی شما را نیز بهبود ببخشد. یکی دیگر از سلاح‌های مبارزه با آلرژی موادی هستند که شامل کورستین باشند. برای این که این گونه مواد را پیدا کنید، بهترین گزینه برای شما می‌تواند سیر و پیاز باشد و بهتر است تا از آن‌ها در بیشتر غذاهای خود استفاده کنید. از دیگر سبزیجاتی که می‌توان از آن برای مبارزه با آلرژی استفاده کرد، جعفری است. جعفری به همراه بو و عطر بسیار دلپذیری که دارد، می‌تواند شما را در برابر آلرژی‌ها مقاوم کند. در طی روز چای سبز بنوشید. تحقیقات نشان داده است که آنتی اکسیدان موجود در چای سبز با نام EGCG، واکنش‌های آلرژیک را در بدن متوقف می‌کند.

هم‌چنین می‌توانید با خوردن میوه‌ها و سبزیجات از قبیل انواع توت (غیر از توت فرنگی)، کیوی، پرتقال، فلفل تند، کلم بنفش، اسفناج، لیموترش و چغندر با آلرژی مبارزه کنید

ماست یکی دیگر از مواد غذایی مبارز علیه آلرژی است. مصرف ۱۸۰ گرم ماست در روز، علائم کمتری از آلرژی را نسبت به قبل در افراد مبتلا نشان می‌دهد.

خانه‌های ضد آلرژی

در روزهای خشکی که باد می‌وزد، حتی‌الامکان در منزل یا سایر فضاهای بسته بمانید و از رفتن به فضای باز خودداری کنید. برای افرادی که آلرژی فصلی دارند، بهترین زمان برای خارج شدن از منزل پس از یک بارندگی خوب است، چون باران



گرده‌های موجود در هوا را شست‌وشو می‌دهد.

سینوس‌های خود را روزانه شست‌وشو دهید. بهترین شیوه برای پاک کردن سینوس‌ها شست‌وشوی مجاری بینی با محلول آب‌نمک است. با انجام همین اقدام ساده یک یا دو بار در روز می‌توانید به میزان زیاد یا حتی به طور کامل علائم آلرژی فصلی را برطرف کنید.

از دستگاه‌های تهویه و فیلترها استفاده کنید. در فصل آلرژی پنجره‌ها را ببندید و دستگاه تهویه را روشن کنید. در فضای خیلی مرطوب با استفاده از دستگاه رطوبت‌زا هوا را خشک نگه دارید، چون رطوبت زیاد باعث رشد هاگ‌ها و قارچ‌ها می‌شود و آلرژی را تشدید می‌کند. به جای فرش و قالی از کفپوش استفاده کنید. قالی‌ها محل تجمع گرد و غبار و گرده‌ها و سایر عوامل آلرژی‌زا هستند



دیرزمانی است که بسیاری افراد برای مقابله با بیماری‌ها یا بهبود سیستم مزاجی و عملکردی بدن از گیاهان دارویی که در طبیعت به وفور یافت می‌شوند، استفاده می‌کنند. اما با این حال مصرف این قبیل داروها هنوز هم همه گیر و فراگیر نشده است. هرچند این روزها ورود دمنوش‌هایی با پسته‌بندی‌های رنگ‌ولعاب‌دار و بهداشتی و تصفیه شده، مشتریان بیشتری پیدا کرده است؛ هنوز هم تا نهادینه شدن فرهنگ بهره‌بری از بخشندگی طبیعت راه درازی مانده است. شاید شما از آن دسته افرادی باشید که بدتان نباید با دمنوش‌های گیاهی روزی را سر کنید. اگر نمی‌دانید چه دمنوشی برای چه وقتی و چه حالی خوب است، بد نیست این صفحه را بخوانید.

دمنوش همیشه بهار

دمنوش همیشه بهار را می‌توانید برای تسکین گلودرد و التهابات دهانی، قرقره کنید. برای تهیه دمنوش گل همیشه بهار به اندازه یک مشت از گل خشک‌شده همیشه بهار را درون آب جوش ریخته و به مدت پنج دقیقه آن را دم کنید. این دمنوش برای سوزدایی بدن پس از عمل، مفید است. برای درمان اختلالات دستگاه گوارش به کار می‌رود. برای تنظیم دوره قاعدگی مفید است. این دمنوش را می‌توان در یخچال نگهداری کرد و از آن برای نرم کردن پوست استفاده کرد. حتی این دمنوش را می‌توان به طور مستقیم روی پوست ملتهب (آکنه، هموروئید و غیره) مالید.

دمنوش بهارنارنج آرامش‌بخش و ضدهیجانات دستگاه عصبی است، سردردهای عصبی و میگرنی را کاهش می‌دهد و تپش نامنظم قلب و اضطراب را از بین می‌برد. پوست نارنج ضد بیوست است و برای افرادی که معده آن‌ها زیاد ترش می‌کند، بهترین دارو است. مربای بهارنارنج مقوی معده و ضدتشنج است. عرق بهارنارنج اشتهاآوری قوی است و برای رفع ضعف اعصاب مفید و نشاط‌آور است و در تسکین ناراحتی‌های سینه و تپش قلب مؤثر است.

سردنوش زعفران و بیدمشک

بهارنارنج و گلاب دو سوغات گرم و خشک بهاری هستند که خاصیت گرمی آن‌ها با وجود هل و زعفران دوچندان می‌شود. البته با توجه به این‌که عرق بیدمشک خاصیت سرد و تر دارد، به متعادل شدن آن کمک می‌کند. این نوشیدنی، آرام‌بخش و ضداضطراب است. در ضمن بیدمشک قند

خون را پایین می‌آورد و ضد سردرد و دردهای عضلانی هم هست. برای تهیه این سردنوش، سه قاشق سوپ‌خوری عرق بهار نارنج، ۲/۱ ق سوپ‌خوری گلاب، ۲/۱ قاشق سوپ‌خوری عرق هل، ۲/۱ قاشق سوپ‌خوری عرق بیدمشک، ۲/۱ قاشق مرباخوری پودر زعفران، دو قاشق سوپ‌خوری شکر یا دو قاشق مرباخوری عسل، یک پیمانه آب و چهار قطعه یخ نیاز است. برای این سردنوش باید زعفران را در کمی آب جوش ریخته و حل کنید. شکر، آب و تکه‌های یخ را هم درون مخلوط‌کن بریزید و چند بار روشن و خاموش کنید تا یخ‌ها خرد شوند. عرق بهارنارنج، گلاب، عرق هل، عرق بیدمشک و زعفران آب‌کرده را در مخلوط‌کن به مواد قبلی (شکر، آب و یخ) اضافه کرده و دوباره با هم مخلوط کنید. حالا شربت را در لیوان ریخته و سرو کنید.



شربت نعنا با طعم بهاری

عرق نعنا را همه به عنوان یک عرق ضدنفخ و تقویت‌کننده معده می‌شناسند، فارغ از این‌که این عرق برای تقویت حافظه هم مفید شناخته شده است؛ البته با ترکیب عرق نعنا و بهارنارنج خاصیت آرام‌بخشی و ضد اضطرابی هم به دیگر خواص این نوشیدنی اضافه می‌شود. برای تهیه این شربت، سه قاشق سوپ‌خوری



عرق بهارنارنج، دو قاشق سوپ‌خوری عرق نعنا، دو قاشق سوپ‌خوری خاکشیر، دو قاشق سوپ‌خوری شکر یا دو قاشق مرباخوری عسل، یک پیمانه آب، چهار تکه یخ مورد نیاز است. شکر، یخ و آب را داخل مخلوط‌کن ریخته و یخ‌ها را خرد کنید تا محلولی یک‌دست به دست آید. عرق بهارنارنج و عرق نعنا را هم به شربت شیرین اضافه کرده، دوباره کمی مخلوط کنید. خاکشیر شسته‌شده و تمیز را هم به آن‌ها افزوده و مخلوط را در لیوان مخصوص سرو کردن بریزید. برای تزیین هم می‌توانید از برگ تازه نعنا استفاده کنید.

معجون توت‌فرنگی و لیموترش

این نوشیدنی بعد از خستگی روزانه بسیار می‌چسبد. برای تهیه آن چهار قاشق سوپ‌خوری سس توت‌فرنگی، یک عدد لیموترش، یک پیمانه آب، چهار عدد توت‌فرنگی تازه مورد نیاز است. سس توت‌فرنگی را به همراه آب لیموترش و توت‌فرنگی‌های تازه با آب و یخ درون مخلوط‌کن ریخته و خوب مخلوط کنید، به طوری که یخ خرد و ریز شود. مواد آماده را داخل لیوان ریخته و به مدت پنج تا ۱۰ دقیقه در یخچال بگذارید. در این مدت لایه‌های شربت از یکدیگر جدا شده و شربتی چهارلایه خواهد داشت که می‌توانید با توت‌فرنگی و برشی از لیمو آن را تزیین کنید.



راز عکاسی بهتر با موبایل

استفاده بیشتر از کمترین امکانات

????

این روزها هر کسی یک گوشی موبایل در دست دارد، اما خیلی‌ها نمی‌دانند این گوشی‌های اسمارت چه کارهایی می‌توانند انجام دهند. یکی از ویژگی‌های اصلی هر گوشی اسمارتي دوربین آن است. دوربین‌هایی که به بهانه بی کیفیت بودن کمتر عکسی گرفته می‌شود، اما می‌خواهیم به شما راه‌هایی را نشان دهیم که می‌تواند از شما عکاسان خوبی بسازد. تعطیلات عید است و به احتمال زیاد دوربین موبایل شما به دردتان خواهد خورد. اگر بدانید که دوربین موبایل شما چه ویژگی‌هایی دارد، تعجب خواهید کرد. تمام این حيله‌ها را برای شما رو خواهیم کرد و به شما نشان می‌دهیم که چطور می‌توانید عکس‌هایی به یادماندنی از عید خودتان بگیرید.

همه چیز در باره نور است

همه چیز درباره نور است. یک عکاس خوب می‌داند که باید از نور چطور استفاده کند. صبح‌های زود یا حتی عصر. این همان زمان‌هایی است که شما نباید آن را از دست بدهید. حالا می‌توانید بی خیال نور صبح زود شوید، اما نور یک عصر بهاری را از دست ندهید. این نور می‌توانید پتانسیل خوبی برای یک عکس خوب باشد و از بدترین سوژه‌ها بهترین عکس‌ها را حتی با دوربین موبایل بسازد.

هرگز از زوم استفاده نکنید

زوم دوربین‌های موبایل می‌تواند عکس شما

را نابود کند و اولین قدم برای نابود کردن عکس شماست. اگر می‌خواهید از کسی یا چیزی از نزدیک عکاسی کنید، بهتر است کمی راه بروید و به سوژه عکاسی‌تان نزدیک شوید. این‌طور است که می‌توانید عکس بهتری داشته باشید.

سوژه‌تان را قفل کنید

باورتان نمی‌شود، اما بیشتر دوربین‌های موبایل این اپلیکشن را دارند. به روی منو بروید و گزینه قفل به روی سوژه را انتخاب کنید. با این روش می‌توانید عکاسی‌تان را صددرصد بهتر کنید و عکس‌های بهتری بگیرید. زمانی که روی سوژه



عکاسی تان تمرکز می‌کنید و از این اپلیکیشن استفاده می‌کنید، عکس‌های بهتری خواهید داشت. خیلی هم راحت است، کافی است گزینه را فعال کنید و با انگشت آرام به روی صفحه بزنید و سوژه تان را شکار کنید. با این روش لرزش دستتان هم هیچ تاثیری به روی عکس گرفته شده نخواهد داشت.

منتقد درونی تان را خاموش کنید

بهتر است به خودتان اعتماد داشته باشید که می‌توانید عکس خوبی بگیرید. این یکی از مهم‌ترین حیل‌های عکاسی با موبایل است. بی‌خیال فکرهای منفی شوید و عکس‌های خوب از چهره‌های زشت بیندازید.

ویرایش کنید

مهارت خودتان را در هر چیزی به کار برید. بهترین‌ها را به نمایش بگذارید و این‌طور است که اطرافیان شما شگفت‌زده خواهند شد. سعی کنید از هر سوژه‌ای چند عکس بگیرید تا دست شما برای انتخاب باز باشد. اگر یکی از همراهان شما در سفر چهره خوبی ندارد، دلیلی ندارد که از او عکس‌های کمتری بگیرید. اتفاقاً باید از او بیشتر عکس بگیرید و بهترین را برای نشان دادن انتخاب کنید.

مهارت فنی

قدرت خودتان را به چالش بکشید. اطراف خود را خوب ببینید. نگاه کنید دوربینتان چه می‌گذرد و به دنبال شکار لحظه‌ها باشید. همه می‌توانند در عکس‌ها خوب به نظر برسند، اما به یاد داشته باشید که بهترین عکس‌ها همان‌هایی است که سوژه غافل گیر می‌شود.

بی‌خیال فیلتر شوید

از همین حالا به شما بگوییم که فیلترهای اضافی می‌توانند به راحتی هر چه تمام‌تر عکس شما را خراب و مصنوعی کنند. این جمله را به خاطر داشته باشید که فیلتر نمی‌تواند چشم‌چپ را شفا بدهد. این یکی از اصول اولیه است، بعد از انتخاب نور و سوژه. اگر می‌خواهید عکسی سیاه و سفید یا قهوه‌ای داشته باشید، یکی دو عکس برای شما کافی است. چند عکس می‌تواند حس نوستالژیک شما را ارضا کند. اما بیشتر از این حوصله اطرافیان را به سر می‌برد و تمام عکس‌های شما یک‌جور می‌شود. در ضمن همیشه به خاطر داشته باشید که عکس‌هایی که در آن از فیلتر استفاده نشده است، خواهان بیشتری دارد.

لنز دوربین را تمیز نگه دارید

شاید بسیار ساده به نظر برسد، ولی این نکته معمولاً در مورد لنز دوربین موبایل نادیده گرفته می‌شود. در مورد دوربین‌های عکاسی معمولاً دقت می‌کنیم که لنز را تمیز نگه داریم و با حساسیت بیشتری با آن‌ها برخورد می‌کنیم، اما



زاویه پایین

دوربین را جلوی سر یا حتی سینه‌تان قرار ندهید. سعی کنید از پایین سوژه را نگاه کنید. کمر بهترین جا برای گرفتن عکس است. زمانی که شما دوربین را جلوی سینه‌تان می‌گیرید، خیلی از نکات را نمی‌بینید. سوژه‌هایی که می‌تواند عکس‌های شما را زیبا کند، به خصوص اگر در محیط‌های باز هستید و می‌خواهید از زیبایی‌های بهار بهترین استفاده را ببرید.

فلاش را خاموش کنید

بسیاری از دوربین‌های موبایل تنظیمات کیفیت تصاویر عالی، متوسط و پایین دارند. اگر می‌خواهید با تلفن همراه عکاسی کنید، باید تنظیمات آن را روی بزرگ‌ترین حالت و پروضوح‌ترین کیفیت قرار دهید. ال‌ای‌دی را نیز تا حد امکان خاموش و غیرفعال کنید، زیرا تاثیر نامطلوبی روی عکس‌ها می‌گذارد. البته در محیط‌های کم‌نور عملکرد خوبی دارد، اما در بسیاری از موارد بی‌مورد روشن می‌شود و عکس را خراب می‌کند.

از همین حالا به شما بگوییم

که فیلترهای اضافه می‌توانند

به راحتی هر چه تمام‌تر عکس

شما را خراب و مصنوعی کنند.

این جمله را به خاطر داشته

باشید که فیلتر نمی‌تواند چشم

چپ را شفا بدهد. این یکی از

اصول اولیه است

در ضمن همیشه به خاطر

داشته باشید که عکس‌هایی

که در آن از فیلتر استفاده نشده

است، خواهان بیشتری دارد



با این، رفیق تندوتیز به جنگ سرطان برویم زنده باد فلفل!

مواد موجود در فلفل، موجب آرام کردن سرماخوردگی، سم زدایی پوست و حتی مقابله با سرطان می‌شود. مقدار کمی از فلفل، تأثیری بلندمدت بر سلامتی شما خواهد داشت. حتی ممکن است در پیشگیری از سرطان سینه تأثیر قابل توجهی داشته باشد. نتایج یک پژوهش در دانشگاه میشیگان نشان می‌دهد که ترکیب شیمیایی موجود در دانه‌های فلفل با نام ماده قلیایی فلفل ممکن است در جلوگیری از رشد تومورهای سرطان سینه موثر باشد. پتانسیل ضدسرطانی فلفل زمانی که در کنار زردچوبه مصرف شود، به اوج خود می‌رسد؛ این دو ادویه را با هم در یک غذای خوش‌مزه هندی مثل کاری زرد مخلوط کرده و میل کنید.

کمک به لباس شویی

آیا لباس‌های شما در حال کمرنگ شدن هستند؟ در این صورت در استفاده از فلفل شتاب کنید. کرین شیگل می‌یر، نویسنده کتاب «نظافت خانه به‌طور طبیعی» در این باره می‌گوید: ادویه ممکن است موجب تازگی بیشتر لباس‌ها شود. یک قاشق چای‌خوری از فلفل را به همراه مایع پاک‌کننده در ماشین لباس‌شویی بریزید و سپس دکمه شروع به کار ماشین را بزنید. فلفل با تخلیه آب، تخلیه می‌شود؛ بنابراین احتیاجی به نظافت دوباره ندارید.

آرام کردن سرماخوردگی

اگر فکر می‌کنید خواص فلفل تمام شده، سخت در اشتباهید.

یکی دیگر از خاصیت‌های فلفل، خاصیت ضد خلط آن است. فلفل

حاوی موادی شیمیایی است که موجب تحریم غشای مخاطی می‌شوند، به این شکل که آن‌ها نازک‌تر شده و رطوبت بیشتر تولید می‌کنند (به زبان ساده‌تر موجب آبریزش بینی می‌شوند) تا بینی شما پاکیزه شود. برای این کار، مقداری فلفل را به کاسه‌ای از سوپ جوجه (بهترین غذا برای زمان سرماخوردگی) اضافه کنید، خیلی زود نفس کشیدن برای شما راحت‌تر خواهد شد.

فلفل‌های رنگی

دانه‌های سیاه، سفید و سبز، همه دارای یک خاصیت هستند، بنابراین می‌توانید از هر کدام از آن‌ها استفاده کنید، چراکه این قابلیت را دارند که جایگزین هم باشند. تفاوت در طعم آن‌هاست: فلفل سیاه، داغ، تند و سوزناک است، فلفل سفید هم داغ است، اما عطر آن کمتر است، و فلفل سبز، طعم تازه‌تری دارد. فلفلی را انتخاب کنید که هماهنگی بیشتری با طعم غذای شما داشته باشد.



سبک زندگی

رازهای مواد طبیعی: میوه درخت جوز

لکه‌زادی از پوست و...

درخت جوز هندی با نام علمی *Myristica fragrans* از جنس درختان همیشه‌سبز است. از دانه‌ای که درون هسته میوه آن است، به عنوان ادویه و طعم‌دهنده غذا استفاده می‌شود. ادویه جوز هندی، نه تنها موجب از بین رفتن لکه‌های پوستی می‌شود که دارای اثری تسکین‌دهنده روی معده است. این ادویه گرم، همه چیز را زیبا می‌کند.

لکه‌زادی از پوست

جوش‌های چرکی درحال ظهور را با این داروی خانگی از بین ببرید: در یک کاسه، مقداری جوز هندی را با شیر ترکیب کنید تا به شکل خمیری ضخیم درآید، کرم به‌دست‌آمده را روی قسمت مورد نظر پوستتان قرار دهید، کرم باید چند دقیقه روی جوش بماند، پس از گذشت زمان کافی، آن را تمیز کنید. گفته می‌شود که جوز هندی، خاصیت ضدالتهابی دارد که همراه با شیر غنی از ویتامین، پوستی لطیف و شاداب را به شما هدیه می‌دهد.

آرام‌کننده درد معده

برای درمان قولنج روده، جوز هندی را امتحان کنید، چراکه سال‌ها برای درمان سوءهاضمه، اسهال و باد روده مصرف می‌شده است. گیاه‌شناس معروف، آندرو گدرت، نویسنده کتاب «درمان بیماری‌های گوارشی» در این باره می‌گوید: اسانس و سایر ترکیبات شیمیایی که در جوز هندی پیدا شده، به فرد کمک می‌کند تا دستگاه گوارشش منظم کار کند.

برای بهبود هضم، مقداری (نباید از نصف قاشق چای‌خوری بیشتر باشد، چراکه مصرف مقدار زیاد جوز موجب تهوع می‌شود) جوز هندی را در یک کاسه شوربای آرد جو ریخته و به مدت چند هفته هرروز صبح میل کنید.

تسهیل‌کننده خواب

در صورتی که هنگام بستن چشم و خواب با مشکل مواجه می‌شوید، یک فنجان شیر داغ را با جوز هندی مخلوط کرده و میل کنید. شیر حاوی تریپتوفان، اسید آمینه‌ای که به سروتونین برای ترویج خواب در بدن تبدیل می‌شود. جوز هندی موجب می‌شود که اثر سروتونین در بدن طولانی‌تر باقی بماند (بنابراین در مغز به مدت طولانی‌تری می‌ماند).

مسکن دندان درد

روغن جوز هندی سالیان سال برای درمان دندان‌درد و درد لثه مصرف می‌شده است. سارا اسنو، نویسنده کتاب «زندگی تازه» در این باره می‌گوید: «سعی کنید یک یا دو قطره از روغن جوز هندی را روی لثه بمالید. روغن جوز هندی را می‌توانید از عطاری‌ها تهیه کنید.

فایده دیگر روغن جوز هندی: تحقیقات نشان داده است که ترکیبات روغن جوز هندی به مبارزه باکتری‌های دهان و دندان می‌رود که موجب ایجاد حفره در دندان می‌شوند.



دنیای رنگ



صدف گفت: «ببین! زمین بازی خودمون رو کشیدم.»

هانا گفت: «پس چرا رنگش نکردی؟»

صدف گفت: «مداد رنگی ندارم که.»

هانا گفت: «من که دارم، کمکت می‌کنم!»

وروجک دور درخت خرمالو چرخید و گفت: «اگه من بذارم!»

صدف سرسره را قرمز کرد. هانا تاب را بنفش، صدف چرخ و فلک را نارنجی کرد. هانا گل‌های باغچه را صورتی. صدف خورشید را زرد کرد، هانا ابرها را سفید.

صدف گفت: «حالا چی مونده؟»

هانا گفت: «آسمون آبی مال تو، چمن سبز مال من.»

صدف مداد آبی را برداشت و گذاشت روی آسمان نقاشی که یک خرمالوی کال خورد روی دستش.

«تاب!»

صدف گفت: «آخ! نوکش شکست،

بتراشمش؟»

هانا گفت: «عیبی ن...»

خرمالوی لهیده‌ای خورد توی

سر هانا.



«توب!»

هانا نقاشی صدف را مچاله کرد و گفت: «عیبی ن... داره...»

عیب داره... چرا مدادم رو شکستی؟»

صدف نقاشی مچاله‌اش را برداشت و گفت: «نقاشیم رو

خراب کردی!»

هانا مدادرنگی‌هایش را از روی نیمکت جمع کرد و گفت:

«من باهات قهرم... قهر قهر قهر.»

وروجک با خوشحالی کله‌معلق زد و گفت: «لپت رو من

بکشم هانا قهر قهر!»

ولی از بس خوشحال بود، دست و پایش را گم کرد و برای

هانا پشت پا گرفت.

هانا خورد زمین و گفت: «آخ!»

وروجک از توی گوشش آب‌نبات چوبی گیج گیجی در

آورد و گفت: «کمک می‌خوای؟»

هانا گفت: «آره! مدادهام رو می‌آری؟»

وروجک آب‌نبات گیج گیجی‌اش را لیس زد و گفت: «به

من چه؟»

صدف نگاه کرد و گفت: «هانا زمین خورده، برم کمکش؟»

وروجک چرخید و گفت: «هی‌های ووو... ووو... ووو...»

و فوت کرد. (به طرف صدف)

باد موهای صدف را به هم زد. صدف گفت: «نه خیرم نمیرم!

نقاشیم رو می‌چوله کرد.»

هانا بلند شد تا خودش مدادهایش را جمع کند، اما

گفت: «آخ... پام!»

صدف گفت: «آخه پاش زخمی شده!»

وروجک آب‌نبات چوبی گیج

گیجی‌اش را دراز کرد طرف صدف

و گفت: «بفرما به لیس.»

صدف گل سرش را محکم کرد

و از روی نیمکت پایین پرید و

گفت: «مامانم گفته آب‌نبات دهنی

نخورم.»

وروجک همه آب‌نباتش را توی

لپش قايم کرد و گفت: «آفرین!

آفرین! صدف خانم حرف

گوش‌کن! حالا زودتر برو مداد

رنگی‌هاش رو لگد کن، تا من

بزرگ‌ترین بستنی قیفی خرمالویی دنیا رو بهت جایزه بدم.»

صدف مداد قهوه‌ای را از زیر نیمکت برداشت. وروجک

چرخید و شد بزرگ‌ترین بستنی قیفی خرمالویی دنیا و گفت:

«بفرما بستنی خرمالویی صدف جونم... یادت نره مداد رنگیش

رو که لگد کردی براش زیون‌درازی هم بکنی.»

صدف با مداد هانا یک یخچال بزرگ روی کاغذ مچاله‌ی

نقاشی‌اش کشید و گفت: «اوه اوه! داری آب می‌شی، ببر

تو یخچال!»

صدف رفت بالای سرسره و مداد رنگی آبی را برداشت و

سر خورد پایین.

وروجک چرخید و شد یک جعبه پر از مداد رنگی خرمالو

به سر و گفت: «آفرین! آفرین! حالا که این قد تو کارت جدی

هستی، در خدمت شما هستم، مدادرنگی رنگی رنگی!... فقط

یادت نره بهش بگی دماغ‌سوخته... هانای دماغ سوخته!»

صدف از توی جیبش مدادتراشش را بیرون آورد و گفت:

«تو که نوک نداری، باید تراش بشی!»

صدف مدادهای هانا را شمرد و گفت: «پس مداد قرمز کو؟

آهان افتاده تو حوض!»

صدف دوید کنار حوض، وروجک چرخید و شد یک قالب

صابون بزرگ خرمالویی و گفت: «این درست! مدادهاش رو

بریز تو آب، اینم بزرگ‌ترین صابون خرمالویی دنیا، تا رنگ

مدادهاش پاک بشه، پاک پاک!»

صدف صابون بزرگ خرمالویی را هل داد عقب و گفت:

«برو کنار، کف صابونت برا ماهی قرمزی ضرر داره!»

بعد آستینش را بالا زد و دستش را دراز کرد توی حوض،

ولی مداد قرمز هانا دور بود. صدف گفت: «ماهی قرمزی

مداد هانا رو می‌دی؟»

ماهی قرمز باله‌هایش را تاب داد، آب حوض موج برداشت و

مداد هانا به لب حوض رسید، صدف مداد قرمز را برداشت.

وروجک چرخید و سنگ بزرگی شد و گفت: «بفرما سنگ،

بکوب تو سر مدادرنگی‌هاش.»

صدف اخم کرد و گفت: «همش داری حرف‌های بد بد

می‌زنی، پس باید تنبیه بشی! حالا سنگ کاغذ قیچی.»

صدف کاغذ آورد و پیچید دور وروجک! وروجک گفت:

«کمک... کمک من گیر کردم.»

صدف دوید طرف هانا و گفت: «هانا ببین! مداد رنگی‌ها

رو آوردم.»

کفشدوزک

هالے:

جشن رنگ، شادی و فصل بهار

مینا دایی

درست زمانی که ما این جا داریم خودمان را برای عید نوروز آماده می کنیم تا آمدن بهار را جشن بگیریم، مردم کشورهای هند، پاکستان و نپال هم دارند جور دیگری برای فصل تازه آماده می شوند و جشن می گیرند. هالی، طبق تقویم هندی، آخرین روز از فصل زمستان است که ماه در آن کامل است. هندی ها معتقدند در این روز خیر بر سر پیروز می شود.

شب هالی

از روزها قبل همه به دنبال جمع کردن چوب خشک و بوته هستند. نه که فکر کنید آن ها هم چهارشنبه سوری دارند، ولی شب جشن هالی آتش های بزرگ روشن می کنند. دور آن ها جمع می شوند و آواز می خوانند. اما تمام هیجان این جشن در روز بعدش نهفته است!

روز هالی

فردای آتش روشن کردن همه در فضاهای عمومی و باز جمع می شوند و با پاشیدن پودرهای رنگ به هوا جشن را آغاز می کنند. این رنگ ها معمولاً رنگ های طبیعی و گیاهی هستند. اما در سال های اخیر رنگ های مصنوعی قابل شست و شو هم پایشان به میدان باز شده. خلاصه رنگی است که در هوا می رود و می آید! اگر خواستید برای جشن هالی به هند سفر کنید، بهتر است یک دست

لباس کهنه که دیگر لازمش ندارید هم با خودتان ببرید تا با دل راحت رنگی شوید. بچه ها (و از شما چه پنهان حتی بزرگ ترها هم!) همه دنبال همدیگر می کنند تا همدیگر را رنگی کنند، یا با تفنگ های آب پاشی که تویش آب و رنگ کرده اند، به همدیگر شلیک می کنند. ظهر که می رسد، دیگر یک نفر هم در کوچه خیابان نیست که سراپا رنگی نشده باشد. آن ها معتقدند این همه رنگ درواقع یادآور رنگ های شاد و زنده ای است که فصل بهار با خودش می آورد. در زمان های قدیم به جز جشن گرفتن بهار، هالی، شکرانه محصول هم بود. مردم هند برای داشتن محصولی خوب در بهار و خاک خوب و بارور دعا می کردند.

و اما فردای هالی...

مردم همه جا را خوب می شویند و تمیز می کنند و

رنگ ها را پاک می کنند. (بله دیگر، الکی که نیست هی رنگ بپاشید همه جا را کثیف کنید، بعد ولش کنید به امان خدا!) بعد به خانه همدیگر می روند و دید و بازدیدها شروع می شود. آن ها مثل عید دیدنی های ما در نوروز به هم شیرینی و نوشیدنی های سنتی تعارف می کنند. هالی فرصتی برای شروع دوباره و محکم کردن دوستی هاست. بنابراین آشتی کردن و پاک کردن یک کینه قدیمی هم فکر بدی نیست.



بعضی وقت ها گوش هایم قرمز می شود. صورتم داغ داغ می شود. قلبم تند تند می زند و حرف که می زنم صدایم زیادی بلند می شود، درست مثل یک لوکوموتیو درب و داغان که دود از کله اش بلند شده باشد. تو هم تا حالا این حس ها را داشته ای؟ اگر بله باید بدانی که به این احساس می گویند خشم. همه ما ممکن است یک فتهایی خشمگین شویم. تا این جای کار هیچ اشکالی ندارد. سر و کله ی اشکال وقتی پیدا می شود که تو راه خالی کردن خشم را بلد نباشد. یک مثال برایت بزنم؟



من یک لوکوموتیوم

مریم فیاضی



۱۲ تکنیک برای این که خفن ترین هواشناس دنیا بشوید

چشم‌هایتان را ببندید و هوای اطرافتون را ببینید

راحیل ذبیحی

آیا صبح شاد و خندان در هوای صاف و آفتابی از خانه بیرون می‌زنید و عصر عصبانی و خیس باران برمی‌گردید؟ آیا این هوا هر روز یک‌جوری شما را دست به سر می‌کند؟ آیا دیگر جان به لب شده‌اید؟ اصلاً نگران نباشید! چند تا فن زیر را یاد بگیرید و جوری هواشناس بشوید که دهان همه دوستانتان باز بماند. برای این کار نه به اینترنت احتیاجی دارید و نه به اپلیکیشن‌های خفن. فقط کافی است کمی بیشتر به اطرافتان دقت کنید. همین و بس.



۱- اگر در یک شب زمستانی ابرها آسمان را پوشانند، می‌توانید ژاکتتان را در بیاورید، چون هوا گرم‌تر خواهد شد. ابرها نمی‌گذارند زمین حرارتی را که در طول روز جذب کرده از دست بدهد. اما اگر آسمان صاف بود، به یک ژاکت اضافی هم فکر کنید که هوا سرد خواهد شد.

۲- رنگین‌کمان‌ها الکی برای قشنگی بعد از باران نمی‌آیند توی آسمان. می‌خواهند یک خبرهایی به شما بدهند. توفان‌ها معمولاً از غرب به شرق وارد عمل می‌شوند. برای همین خیلی مهم است که رنگین‌کمانی که می‌بینید، کدام سمت است. اگر در سمت

غرب رنگین‌کمان می‌بینید، به معنی رطوبت هوا و پشت سرش هم باران است. ولی اگر در شرق رنگین‌کمان می‌بینید، یعنی بای‌بای روز بارانی و سلام روزهای آفتابی. راستی سر صبح رنگین‌کمان دیدید؟ پیشنهاد می‌کنم هر چه زودتر یک جایی پناه بگیرید.

۳- چشم‌هایتان را ببندید و هوا را بو بکشید. بله بو بکشید! وقتی فشار هوا کم است، گازهای زایدی که گیاهان در چرخه فتوسنتزشان آزاد می‌کنند، بوی خاک و گیاه خیس می‌دهد. پس یعنی باران در راه است. در ضمن یک ضرب‌المثل هست که می‌گوید گل‌ها قبل از باران از همه وقت خوش‌بوترند. این هم به این دلیل است که کلاً بوها در هوای مرطوب شدت پیدا می‌کنند، هوای مرطوب هم که یعنی باران در راه است.

۴- شب شده؟ یک نگاهی به ماه ببندازید. اگر قرمز یا رنگ‌پریده است (بله ماه هم رنگش می‌پرد، از برق و جلا می‌افتد بنده خدا یک وقت‌هایی)، یعنی غبار در هواست.

۵- اما یکی از بهترین چیزهایی که در طبیعت می‌تواند از حیوانات که بگذریم، هنوز دو راه دیگر برای خفن‌ترین

به هواشناس شدن شما کمک کنند، حیوانات هستند. پس دست از آزار دادن گربه‌های محل بردارید و خوب نگاهشان کنید. آن‌ها معمولاً قبل از باران پشت گوش‌هایشان را تمیز می‌کنند.

۶- اگر پرنده‌ها در ارتفاع بالا پرواز می‌کنند، یعنی هوای خوبی خواهید داشت. می‌دانید چرا؟ افت ناگهانی فشار هوا که توفان را هم دنبال خودش می‌آورد، گوش پرندگان را در ارتفاعات اذیت می‌کند.

برای همین از ارتفاع پروازشان کم می‌کنند. مرغ‌های دریایی قبل از توفان دست از پرواز می‌کشند و جایی پناه می‌گیرند و بیشتر پرنده‌ها قبل از توفان کاملاً ناگهانی ساکت می‌شوند. برای همین اگر مرغ عشقتان به طور ناگهانی دست از جیغ جیغ کشیده، بد نیست آن قراری را که عصر با برو بچه‌ها گذاشتید، کنسل کنید.

۷- گاوها قبل از توفان سعی می‌کنند بنشینند یا نزدیک همدیگر بمانند.

۸- مورچه‌ها قبل از باران تپه‌هایشان را با شیب بیشتری می‌سازند.

۹- لاک‌پشت‌ها قبل از باران به دنبال جاهای بلندتری برای خودشان می‌گردند. در خیلی از کشورها لاک‌پشت‌های زیادی در جاده‌ها می‌میزند. چون یکی دو روز قبل از باران همه‌شان راه می‌افتند که جای تازه و بلندتری پیدا کنند و اصلاً حواسشان نیست که دارند صاف از وسط جاده رد می‌شوند.

از حیوانات که بگذریم، هنوز دو راه دیگر برای خفن‌ترین

هواشناس دنیا شدن دارید.

۱۰- اگر به پیک‌نیک یا اردو رفتید و آتش روشن کردید، به دودش دقت کنید. طبیعتاً دود باید مستقیم به هوا برود. اگر پیچ و تاب می‌خورد و پایین می‌آید، فشار هوا کم شده. (و دیگر تا الان یاد گرفتید که این یعنی باران در راه است!) راستی آن آتش را خوب خوب خاموش کنید. نمی‌خواهید که نصف یک جنگل یا پارک را بسوزانید؟

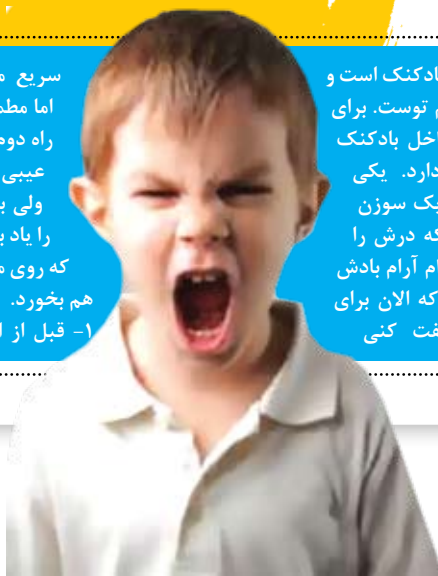
۱۱- اگر سحرخیز هستید و صبح زود از خانه بیرون می‌زنید، به چمن‌ها و علف‌ها دقت کنید. اگر رویشان شبنم نشسته و مرطوب‌اند، آن روز باران نخواهد بارید. اگر خشک‌اند، یعنی نسیم‌های قوی و ابرها در راه‌اند. (که یعنی شاید باران را هم با خودشان بیاورند، شاید هم نه!)

انجام دهی پنج تا نفس عمیق و طولانی بکش. ۲- سعی کن از شخص یا مکانی که خشمگینت کرده فاصله بگیری. ۳- هنوز هم عصبانی هستی؟ می‌توانی بروی توی اتاق چند تا مشت محکم به بالشت بزنی و بعد که آرام‌تر شدی برگردی. ۴- یک جمله‌ای را از قبل برای خودت در نظر بگیر و هر وقت خشمگین شدی توی سرت تکرارش کن. مثلاً این جمله‌ها: «من از پیشش بر می‌آیم»، «مهم نیست»

سریع می‌گویی راه اول بهتر است. اما مطمئنم تو هم ته قلبت، مثل من راه دوم را ترجیح می‌دهی. پس اصلاً عیبی ندارد که خشمگین شوی، ولی بهتر است راه تخلیه درستش را یاد بگیری. من چند راه ساده بلدم که روی من جواب داده شاید به درد تو هم بخورد.

۱- قبل از این که چیزی بگویی یا کاری

فرض کن سر تو یک بادکنک است و هوای داخل آن خشمم توست. برای خالی کردن هوای داخل بادکنک هم دو راه وجود دارد. یکی این که بادکنک را با یک سوزن بترکانی و دیگر این که درش را باز کنی و بگذاری آرام آرام بادش خارج شود. می‌دانم که الان برای این که با من مخالفت کنی



اژدهای کاغذی



دوست داری این اژدهای قشنگ را درست کنی؟ بله! پس یک ورق کاغذ سفید، یک عدد کاغذ رنگی، یک جعبه مداد رنگی و یک قیچی و چسب بگذار روی میز. حالا کاغذ سفید را بگذار روی عکس سر و دم اژدها و با دقت از رویش بکش. بعد با مداد رنگی‌های خوشرنگت رنگش کن. بعد از رنگ‌آمیزی، دورتادور سر و دم اژدهای خودت را ببر و بگذار کنار. حالا کاغذ رنگی را بردار و رویش مستطیلی با عرض گردن اژدها و طول دلخواه خودت بکش و ببر و بعد مثل وقتی که بادبزنی درست میکنی، تایش کن. آخرین کاری که باید انجام بدهی، چسباندن دو طرف کاغذ کشی به گردن و دم اژدها است. حالا یک اژدهای قشنگ داری که اگر چوب بستیهایی را که خوردی دور نینداخته باشی، میتوانی بچسبانی زیرش و با آن نمایش عروسکی بدهی. البته میتوانی به جای اژدها شکل هر حیوان دیگری را هم بکشی و با کمک دوستانت یک نمایش عروسکی گروهی اجرا کنی.

کفشدوزک



چه کسی از این جا رد شده؟

فریبا دیندار



فکر کرده‌اید فقط انسان‌ها برای خودشان اثر انگشت دارند؟ نخیر جانم! حیوانات هم برای خودشان اثر انگشت که نه، اما اثر ردپا دارند. اثر ردپا دیگر چه صیغه‌ای است؟ الان می‌گویم. هر کدام از حیوانات ردپای مخصوص به خودشان را دارند که با دیگری فرق دارد. حالا اگر یک روز سر از جنگل‌های آمازون یا هر جنگل دیگری که درآوردید، می‌توانید شبیه زبل خان با یک ذره‌بین به ماجراجویی بپردازید و ردپاهای ناشناخته را کشف کنید. البته این ردپاهایی که این‌جا می‌بینید، بدون ذره‌بین هم قابل مشاهده‌اند، پس خیلی سخت نگیرید!

وقته معلم نخستین درس کمک‌های اولیه می‌داد...

تصویرگر: فاطمه چاوش زاده

